

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه

مطالعات فقه و حقوق رسانه

دانشکده غیردولتی - غیرانتفاعی رفاه

سال پنجم - پاییز و زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۲ (پیاپی ۱۰)

دوفصلنامه مطالعات فقه و حقوق رسانه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

scholar.google.com

الف: گوگل اسکالر

<https://civilica.com/l/1479394/>

ب: سیویلیکا

<https://www.magiran.com/magazine/8678>

ج: مگیران

با توجه به راهاندازی سامانه ویژه دوفصلنامه فقه و حقوق رسانه به نشانی www.journal.refah.ac.ir

ضروری است که علاقه‌مندان جهت هر گونه ارتباط با این مجله صرفاً از طریق سامانه مزبور اقدام کرده، موارد مربوط را پیگیری نمایند. مقالاتی که به روش دیگر ارسال شود، قابل پیگیری نخواهد بود.

تهران - بهارستان، ضلع شرقی مجلس شورای اسلامی، ابتدای خیابان مردم، کوچه شهید ندایی پور، پلاک ۱

تلفن ۰۲۱۳۵۰۷۴۲۳۰ - نمابر ۰۲۱۳۳۵۲۱۷۷۶ - صندوق پستی ۱۱۵۷۵/۱۳۸

Email: info@refah.ac.ir

Website: www.refah.ac.ir

دوفصلنامه

مطالعات فقه و حقوق رسانه

سال پنجم / شماره ۲ / پیاپی دهم / پاییز و زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: دانشکده غیردولتی - غیرانتفاعی رفاه

مدیر مسئول: دکتر ناصر باهنر

سر دبیر: دکتر باقر انصاری

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر کریم عبداللہی نژاد / استاد فقه دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر غلامعلی احمدی / دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر هدی غفاری / دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی	دکتر باقر انصاری / دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر میثم فرخی / دانشیار دانشکده غیرانتفاعی رفاه	دکتر ناصر باهنر / استاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
دکتر محمدمهدی قبولی درافشان / دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر محمدجواد جاوید / استاد دانشگاه تهران
دکتر فاطمه قناد / دانشیار دانشگاه علم و فرهنگ	دکتر فریبا حاجیعلی / دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
دکتر کیومرث کلانتری / استاد دانشگاه مازندران	دکتر طاهر حبیبزاده / دانشیار دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
دکتر زهرا لامع / استادیار دانشکده غیرانتفاعی رفاه	دکتر فاطمه سادات حسینی / استادیار دانشکده غیرانتفاعی رفاه
دکتر حسن محسنی / دانشیار دانشگاه تهران	دکتر حسین سلیمی / استاد تمام دانشگاه علامه طباطبائی
دکتر عطیه مقدمفر / استادیار دانشکده غیرانتفاعی رفاه	دکتر مهزاد صفاری نیا / استادیار دانشکده غیرانتفاعی رفاه
دکتر سیدمجتبی واعظی / دانشیار دانشگاه شیراز	دکتر زهرا طاهری پور / استادیار دانشکده غیرانتفاعی رفاه

منتخب هیئت داوران (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر زهرا لامع	دکتر علیرضا شمشیری	عبدالحمید آل یمین
دکتر حسن محسنی	دکتر خدیجه شیروانی	دکتر مریم ابن تراب
دکتر عطیه مقدمفر	دکتر مهزاد صفاری نیا	دکتر مونا احمدلو
دکتر محدثه مقدمفر	دکتر زهرا طاهری پور	دکتر ناصر باهنر
دکتر رسول ملکوتی	دکتر هدی غفاری	دکتر فاطمه سادات حسینی
دکتر عباس میرشکاری	دکتر مهدی غلامپور	دکتر عاطفه خادمی
دکتر لیلا وصالی	دکتر میثم فرخی	دکتر عطیه خاکسار فرد
	دکتر فاطمه قناد	دکتر زهرا راستی

مدیر اجرایی: دکتر فاطمه سادات حسینی

ویراستار ادبی: رضا دبیا

مسئولیت صحت و سقم مطالب بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.

دوفصلنامه حق رد یا قبول و ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می دارد.

دریافت نسخ چاپی منوط به پرداخت وجه از سوی نویسندگان می باشد.

Email: jjlms@refah.ac.ir

Website: www.journal.ac.ir

راهنمای نگارش مقالات

- ۱- مقالات در بردارنده پژوهش‌های مسئله‌محور، مقایسه‌ای و میان‌رشته‌ای در زمینه فقه و حقوق رسانه و در پاسخ‌گویی به شبهات، چالش‌ها و نیازهای موجود در این گستره باشد.
- ۲- مطالب به صورت ابتکاری، مستدل، به روز و با استفاده از منابع اصیل و معتبر و با رعایت اصول نگارشی تألیف گردد.
- ۳- زبان نشریه فارسی است و نقل‌قول‌های داخل متن باید به زبان فارسی بیاید؛ مگر آن‌که صورت یک عبارت در زبان دیگر موضوعیت داشته باشد.
- ۴- چکیده‌های فارسی و انگلیسی ۲۵۰ تا ۳۰۰ واژه شامل بیان مسئله و مهم‌ترین یافته‌های پژوهش و همراه با واژگان کلیدی (حداکثر ۷ واژه) حداکثر در یک صفحه A4 باشد.
- ۵- عناوین اصلی و فرعی مقاله مرتبط با موضوع و دارای ارتباط منطقی با یکدیگر باشد.
- ۶- ارجاعات مقاله پس از نقل قول یا مطلب استفاده شده، درون متن و داخل پرانتز به صورت زیر بیاید:

(نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، شماره جلد، صفحه)
- ۷- توضیحات تکمیلی در صورت لزوم در پاورقی بیاید.
- ۸- فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب زیر تنظیم گردد:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده، *عنوان کتاب*، سال نشر، مترجم، محل نشر، ناشر، نوبت چاپ

مقاله مندرج در مجلات، مجموعه مقالات و دایره‌المعارف‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده، *«عنوان مقاله»*، سال نشر، نام نشریه، صاحب امتیاز، شماره چاپ
- ۹- ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و واژگان کلیدی همراه مقاله ارسال شود (در صورت عدم ارسال هزینه ترجمه دریافت خواهد شد).
- ۱۰- حجم مقاله با احتساب تمامی بخش‌های آن حداقل ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای باشد و در محیط WORD 2010، با قلم ۱۲ BYAGUT حروف‌چینی گردد (اطلاعات تکمیلی در سامانه نشریه، راهنمای نویسندگان قابل دسترسی است).
- ۱۱- ارسال آخرین مدرک تحصیلی، خلاصه‌ای از سوابق علمی، پژوهشی، حکم استخدامی، نشانی و شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان مقاله نیز الزامی است.
- ۱۲- مقاله ارسالی نباید همزمان به نشریات دیگر فرستاده شده باشد.
- ۱۳- مقالات دانشجویان دوره دکتری با همراهی استاد دارای رتبه علمی درج خواهد شد.
- ۱۴- ترتیب نام نویسندگان مقاله به ترتیب رتبه علمی در مقالات پذیرفته شده درج خواهد شد.

فهرست

- ❖ بررسی قواعد فقهی مرتبط با ایجاد مسئولیت در فضای مجازی با تأکید بر قاعده ارشاد جاهل.....۷
دکتر زهرا طاهری پور/ استادیار معارف اسلامی دانشکده رفاه تهران
- ❖ موازین گزارشگری کودک در پرتو کنوانسیون حقوق کودک.....۲۳
دکتر باقر انصاری/ دانشیار گروه حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی تهران
- ❖ معامله زمین مجازی در متاورس و چالش‌های فقهی و حقوقی آن.....۴۵
دکتر علیرضا شمشیری/ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
فرشته امیرآبادی فراهانی/ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- ❖ ماهیت غنا و مشروعیت آن در رسانه.....۶۹
دکتر زهرا لامع/ استادیار دانشکده رفاه تهران
- ❖ توسعه روش‌شناسی ارتباطات با تمرکز بر زمینه‌های ارتباطی میان مطالعات گفتمان با دانش فقه.....۸۶
دکتر سعید اشیری/ استادیار گروه سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم قم
- ❖ سوءاستفاده از داده‌های شخصی توسط شبکه‌های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن.....۱۱۹
دکتر علی ساعتچی/ استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر سیدعلیرضا رضایی/ دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد
علی جوادی/ کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی
- ❖ ارزش نظر برائت هیئت منصفه دادگاه مطبوعات برای دادگاه و شکایت فرجامی.....۱۴۹
دکتر حسن محسنی/ دانشیار دانشگاه تهران
فاطمه صفری/ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران
- ❖ دولت هوشمند و حقوق بشر؛ تصویری از آینده.....۱۵۹
دکتر امیر مقامی/ استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان
- ❖ تفسیر فراملی از قیود حاکم بر حق آزادی اطلاعات (مطالعه موردی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر).....۱۸۵
دکتر احمد خسروی/ استادیار گروه حقوق دانشگاه بیرجند
دکتر عاطفه آجری آیسک/ استادیار گروه حقوق دانشگاه بیرجند
- ❖ بررسی تطبیقی آسیب‌شناسی نظام حقوق کیفری در عرصه رسانه و فضای مجازی در حقوق ایران و بین‌الملل.....۲۱۱
ساجده سادات موسوی/ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهرا(س)
دکتر فریبا حاجی علی/ دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا(س)

- ❖ نقش رسانه در بزهکاری و انحراف‌ها از نگاه جرم‌شناسی فرهنگی.....۲۴۷
اقبال محمدی/ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران
شیما شهرکی/ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه فردوسی مشهد
- ❖ درآمدی بر سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق رسانه تراز انقلاب اسلامی
بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی.....۲۷۵
محمد مهدی محقق/ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
- ❖ ترجمه چکیده مقالات به زبان انگلیسی.....5

قواعد فقهی مرتبط با ایجاد مسئولیت در فضای مجازی با تأکید بر قاعده ارشاد جاهل

نوع مقاله: پژوهشی

زهرا طاهری پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده

قواعد فقهی در مقابل قاعده اصولی، قواعدی هستند که در تمام ابواب فقه جریان دارند و در استنباط احکام جزئی به کار می‌روند. در این میان برخی از قواعد فقهی تبیین‌کننده مسئولیت افراد جامعه اسلامی نسبت به هم هستند. سؤال اصلی پژوهش این است که این قواعد کدامند و طبق چه ادله‌ای می‌توان این قواعد را استنباط کرد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و جامع اطلاعات تمام آیات، روایات و اقوال فقها است. قاعده ارشاد جاهل طبق برخی از آیات و روایات قاعده فقهی مسئولیت‌ساز می‌باشد. یکی از کاربردهای مهم این قاعده در فضای مجازی است. طبق این قاعده، عالمان نسبت به کاربران این فضا متعهد هستند و هرگونه غفلت از این مسئولیت با توجه به ویژگی‌های خاص فضای مجازی از یکسو و نبود اطلاعات کافی و لازم در کاربران آن از سوی دیگر موجب خسران برای عالمان و هم برای جامعه خواهد شد.

واژگان کلیدی

قواعد فقهی، قاعده ارشاد، فضای مجازی، جاهل، مسئولیت.

۱- استادیار دانشکده رفاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی باید پاسخگوی نیازها و مسائل جدید که از آن به عنوان مسائل مستحدثه نیز یاد می‌شود، باشد. در هر دوره و عصری بشر با موضوع‌های نوپدیدي مواجه می‌شود که نمی‌توان دیدگاه شریعت در مورد آن پدیده و نحوه تعامل صحیح در چهارچوب دین را نادیده گرفت. خاصه زمانی که این موضوع جدید از مسائلی است که تمام زوایای مختلف اندیشه و رفتار آدمی را تحت تأثیر قرار داده و سبک زندگی متفاوتی برای انسان ایجاد کرده باشد، به نحوی که فصل جدیدی در تاریخ بشر گشوده شده که کاملاً متمایز از گذشته است؛ زیرا انسان در دو دنیای متفاوت زندگی می‌کند.

در گذشته نه‌چندان دور، زندگی آدمی در فضایی کاملاً واقعی و محدود خلاصه می‌شد و بشر هیچگاه تصور نمی‌کرد که روزگاری به‌مدد پیشرفت فناوری نوین اطلاعاتی جهان دیگری بر رویش گشوده شود که تفاوت‌چندانی با حضور در دنیای واقعی ندارد. فضای مجازی موضوع نوپیدای اثر حاضر است که برخلاف نامش امری واقعی و برخوردار از عینیت و واقعیت است. گستره و حضور فضای مجازی در زندگی بشر امروزه چنان ضروری و مسلم شده که دیگر نمی‌توان آن را نادیده انگاشته و به‌هیچ‌وجه قابل حذف و چشم‌پوشی هم نیست. رشد سریع و فراگیر فضای مجازی تمام نظام‌های جامعه انسانی و بنیادی‌ترین مسائل زندگی فردی و خصوصی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است. بی‌توجهی به مسئولیت‌خطر افراد جامعه اسلامی نسبت به نحوه مواجهه با این فضا با وجود تأثیرهای شگرف و گسترده آن غفلی عظیم به‌شمار می‌آید. در آیات متعددی از جمله سوره اعراف آیه ۹۶، سوره آل عمران آیه ۷۷، سوره احزاب آیه ۱۵، سوره صافات آیه ۳۴ بر اهمیت تعهد و مسئولیت انسان‌ها و ازجمله پیامبران تأکید شده است. در حدیثی پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَلَدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ إِلَّا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ دانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستانتان بازخواست

می‌شود. فرمانروای مردم، مسئول مردم است و نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شود. مرد، سرپرست خانواده است و نسبت به آنان، بازخواست می‌شود. زن، مسئول خانه شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان، بازخواست می‌شود. برده، مسئول مال مالک خود است و در برابر آن، مسئول است. پس بدانید که همه شما مسئولید و همه‌تان در برابر زیردستان خود، بازخواست می‌شوید (ورام بن ابی فراس، ۱۰۴۱ق، ج ۱، ص ۶۶).

طبق آیه قرآن چشم و گوش و قلب انسان مورد سؤال قرار خواهد گرفت (اسراء/آیه ۳۶) و هیچ‌کس بار مسئولیت و گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید (فاطر/آیه ۱۸). با چنین تأکیدهایی که نسبت به وظیفه انسان در جهان هستی وجود دارد، چطور می‌توان از مسئولیت تک‌تک افراد جامعه اسلامی نسبت به شرایط موجود غفلت کرد. درحالی‌که کوتاهی و غفلت ما خسارت و خسران جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد می‌کند. فضای مجازی نیز جزء لاینفک زندگی انسان معاصر شده و تمام اقشار جامعه را مجذوب خود ساخته درحالی‌که همچنان بسیاری از سواد تعامل با این فناوری نوین بی‌اطلاع و یا کم‌اطلاع هستند؛ لذا هر یک از ما مسئولیم ضمن هدایت صحیح انسان‌ها به سوی خدای متعال و عبودیت و بندگی که غایت خلقت بشر است، از این محصول عصر حاضر برای نشر فضایل و خوبی‌ها بهره ببریم.

در مورد پیشینه پژوهش می‌توان به مواردی همچون بررسی حکم ارشاد جاهل از منظر فقه تربیتی اثر علیرضا اعرافی و سیدعنایت‌الله کاظمی و بررسی و تحلیل عقلی حکم ارشاد جاهل در اصول اعتقادی از مصطفی خدادادنژاد و روح‌الله خدادادی همچنین بررسی فقهی قاعده ارشاد جاهل و نقش آن در تربیت فرزند از محمدحسن گلی شیردار و امین سلگی اشاره کرد.

در پژوهش فرارو در پی آن هستیم که قاعده مرتبط با مسئولیت انسان در فضای مجازی را مبتنی بر اله و مستندات بیابیم. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در میان قواعد فقهی، قاعده ارشاد مسئولیت انسان را در برابر فضای مجازی به‌خوبی تبیین می‌نماید.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بررسی آیات قرآن،

روایات و منابع اسلامی به روش کتابخانه‌ای مطالعه شده است. محقق با بررسی کتاب‌ها، مقالات، تارنماها و مرتبط با عنوان پژوهش به بررسی و تحلیل موضوع پرداخته است. از این رو جامعه تحلیلی تمام منابع مرتبط با موضوع پژوهش بوده است و حجم نمونه همه منابع در دسترس بوده است. محقق با در نظر گرفتن مسئله پژوهش و برای یافتن پاسخ سؤال اصلی به گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات با در نظر گرفتن عناوین اصلی و فرعی فیش‌برداری کرده است. پس از آن‌ها فیش‌ها بر اساس نظم منطقی طبقه‌بندی و مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته و با بهره گرفتن از تحلیل منطقی مطالب به توصیف داده‌ها پرداخته شده است.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- مسئولیت

مسئولیت به معنای پاسخگو بودن و مورد بازخواست قرار گرفتن است. در کتب لغت مسئولیت را مترادف با موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام عمل نوشته‌اند (دهخدا، ۱۳۹۰، *ذیل واژه مسئولیت*). مسئول کسی است که فعلی بر عهده دارد که اگر به آن عمل نکرد مورد بازخواست قرار خواهد گرفت (عمید، ۱۳۸۰، *ذیل واژه مسئولیت*).

جهان‌بینی اسلامی مبتنی بر توحید است. در این جهان‌بینی، نظام هستی از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است. انسان به عنوان اشرف مخلوقات به جهت برخورداری از عقل و اراده متصف به مقام خلیفه الهی گردیده است؛ لذا وظیفه و رسالت خاصی دارد او مسئول خودسازی و اصلاح جامعه خود است. چنین نگرشی به جهان‌بینی به زندگی و حیات آدمی روح و معنا می‌دهد؛ زیرا انسان در مسیر کمالی قرار خواهد گرفت که بی‌انتهاست. جهان‌بینی توحیدی تنها جهان‌بینی است که انسان را از سقوط در دره هولناک پوچ‌گرایی نجات می‌دهد و او را متعهد و مسئول در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. تعهدآوری و مسئولیت‌سازی جهان‌بینی دینی فرد را در عمق وجدان و ضمیر متعهد کرده مسئول خویش و جامعه قرار می‌دهد (مطهری، *بی‌تا*، ص ۱۷). انسان مسلمان خود را در سرنوشت دیگران و دیگران را در سرنوشت خود مؤثر می‌داند. نگاهی بر تعالیم اسلامی

حاکی از جامعیت مسئولیت انسان است. او در برابر خود، دیگران و حتی سایر موجودات مسئول است و همه اینها در ذیل مسئولیت در برابر خداوند معنا پیدا می‌کند.

۱-۲- فضای مجازی

فضای مجازی از دو مفهوم فضا و مجاز تشکیل شده که در واقع محیطی به وجود آمده از شبکه‌های برخط رایانه‌ای است که به مبادله اطلاعات با یکدیگر می‌پردازند. این فضا شامل فرهنگی است که میان کاربران ایجاد می‌شود (امامی، ۱۳۹۶، ص. ۳۸).

آنچه که با روش زیست و تفکر مرتبط با فناوری نوین اطلاعاتی در ارتباط باشد سایبر نامیده می‌شود و به فضای رایانه‌ای که سازنده فضای جغرافیایی مجازی است فضای سایبرنتیک یا فضای مجازی می‌گویند. با ظهور فضای سایبرنتیک مجاز جانشین واقعیت شد و به این علت فضای مجازی نامیده شد که حضور قابل لمس فیزیکی یا واقعیت مادی و محسوس ندارد. این فضا انتقال سریع و آنی داده‌ها را ممکن می‌سازد و فاصله‌های زمانی و مکانی را از بین می‌برد. سعیدرضا عاملی در تعریف عصر جدید می‌نویسد: «جهان فعلی دنیایی است که آدمی را با دو جهان موازی روبرو کرده است. جهان واقعی و جهان مجازی، جهان اول جهانی است که در آن زیست و فعالیت اجتماعی عینی جریان دارد جهانی دوم جهانی است که انسان را در مواجهه با واقعیت‌های مجازی قرار می‌دهد. در جهان موازی انسان با سرزمینی بی‌مرز و چندفرهنگی و درعین حال برخوردار از فضای واحد روبروست. جهانی دوم جهانی با قاعده‌های خاص و درعین حال خالی از هر نوع قانون و ضابطه عقلانی است. جهان مجازی جهانی است، با جهت‌گیری‌های مشخص درعین حال فارغ از هر نوع جهت‌گیری ماندگار و هزاران ویژگی متضاد که هم در این جهان مشخص شده و هم در جهان واقعی موجب تولید تضاد و تناقض و امور متزاحم می‌شود» (عاملی، ۱۳۸۲، صص. ۱۴۴-۱۴۵). «این دو جهان همچون دوقلوهای به هم چسبیده در تعامل با یکدیگراند و بدون هم استمرار حیات اجتماعی آنها ممکن نیست. دو واقعیت در جریان است واقعیت طبیعی و واقعیت مجازی» (عاملی، ۱۳۸۲، ص. ۳۲).

از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ویژگی‌های فضای مجازی می‌توان به شبکه‌ای شدن،

هوشمند شدن، تعاملی شدن، فشردگی زمانی و مکانی و درجه‌ای شدن اشاره کرد (فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ص. ۲۲).

۳-۱- ارتباط مجازی

در نکته مقابل ارتباط واقعی شکل دیگری از ارتباط غیرحضوری وجود دارد، که حاصل دوران مدرنیته می‌باشد و دامنه آن روزبه‌روز گسترده‌تر شده و توسعه می‌یابد. با ورود شبکه سایبر و گسترش فضای مجازی، انسان امروز به واسطه ارتباطات نامرئی احاطه شده و هر روز واقعیت فیزیکی خود را به عنوان یک سوژه انسانی از دست می‌دهد و به شیء ناپیدا و پنهان شده در پشت خطوط و امواج الکترونیکی و پرتوهای نوری تبدیل می‌شود که گاه تنها صدایی از خود به جا می‌گذارد (فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ص. ۲۲).

۴-۱- قاعده فقهی

در کتاب قواعد فقهیه آمده است: «قاعده فقهی قواعد کلی است که در ابواب و موضوع‌های مختلف فقهی جریان دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۲۳). طبق تعریف شهید اول، قواعد فقهی احکام کلی هستند که مسائل و موضوع‌های مشابه از ابواب مختلف فقه را دربرمی‌گیرد (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص. ۳).

قواعد فقهی به اعتبار صیانت و ساختار به دو قسم قواعد منصوصه و قواعد اصطیادی تقسیم می‌شود. منظور از قواعد منصوصه قواعدی هستند که از عین نص گرفته شده و قاعده اصطیادی توسط فقها از مجموعه ادله اتخاذ شده است. قاعده ارشاد جاهل و قاعده نشر خوبی‌ها از نوع دوم است. قاعده ارشاد جاهل قاعده فقهی عام هست که در ابواب فقهی جریان دارد (عرفی، ۱۳۹۱).

۵-۱- جهل

کلمه جهل ریشه قرآنی دارد. نقیض علم و آگاهی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۱۲۹). یا به معنای بی‌اعتنائی و سفاهت می‌باشد. در اصطلاح جهل به دو زیر شاخه جهل مرکب و جهل بسیط تقسیم می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۸۱).

الف) «جهل بسیط» بدین معنا است که انسان چیزی را نداند؛ اما متوجه این جهل و نادانی خودش باشد، گفتنی است که جهل بسیط، ضد علم نیست بلکه تقابل میان آن دو، تقابل ملکه و عدم ملکه است و ممکن است به علم منجر شود.

ب) «جهل مرکب» به مواردی گفته می‌شود که انسان چیزی را نداند و متوجه این نادانی خویش نباشد بلکه اعتقاد دارد که در موضوع مورد نظر، آگاهی لازم را دارد، مانند کسانی که اعتقادات فاسد دارند و خیال می‌کنند به حقایق آگاه‌اند، درحالی‌که در واقع نادان‌اند (فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۸۹).

۲- قاعده ارشاد جاهل

ارشاد از رشد است که به معنای هدایت و به حق رهنمون کردن است (معین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۱). مقابل رشد، غی قرار دارد که به معنای هدایت به بیراهه است. ارشاد یعنی هدایت و رهنمون کردن به سوی حق می‌باشد. ارشاد اعم از تعلیم است و شامل اعلام نیز می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۱). طرق و شیوه‌های ارشاد در گفتار منحصر نیست بلکه با حرکت، اشاره و یا عمل آگاهی دادن و تعلیم حاصل می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۱). گاهی از این قاعده به وجوب اعلام کردن جاهل هم یاد می‌کنند (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۱). برخی به عدم وجوب ارشاد قائلند (شب زنده‌دار، ۱۳۹۴). اگرچه قاعده ارشاد از قواعد مهم فقهی هست؛ اما آن‌گونه که شایسته است بدان پرداخته نشده است، درحالی‌که این قاعده در موارد متعددی از فقه کاربرد دارد. طبق این قاعده انسان مسلمان معتقد، نسبت به ساحت واقعی که امروزه بخش قابل توجهی از آن در به اصطلاح فضای مجازی سپری می‌شود، مسئول است. مسئولیتی که مبتنی بر آگاهی، علم و بینش صحیح است. چنین کسی در فضای مجازی همچون جهان واقعی حضوری مؤثر، هدفمند و برنامه‌ریزی شده دارد و در عرصه‌های تبلیغ و گسترش معارف دینی کنشگر فعال می‌باشد. از این رو قاعده ارشاد، قاعده‌ای راهگشا و بر خلاف جهت انفعال رسانه‌ای است. از منظر آموزه‌های دینی، استفاده از فضای مجازی بدون هدف گذاری خاص و صرفاً برای سرگرمی و گذراندن وقت نتیجه‌ای جز اتلاف عمر انسان و مبتلا شدن به معضلات آن در پی نخواهد داشت. مطابق با چنین

قواعد مسئولیت‌ساز می‌توان از قابلیت‌های فضای مجازی برای گسترش اخلاقی کردن ابعاد زندگی انسانی کمک گرفت. بررسی نصوص مربوط به این قاعده بیانگر این موضوع است که شریعت کاربرد این قاعده را فقط در احکام فردی منحصر ندانسته بلکه از نظر اجتماعی و کلان هم این قاعده مورد توجه بوده است (گلی شیردار و سلگی، ۱۴۰۰، ص. ۸).

مستندات قاعده ارشاد جاهل

۲-۱-آیات

۲-۱-۱-آیه نفر

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/ ۱۲۲) و شایسته نیست مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) کوچ کنند، چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (تا طایفه‌ای در مدینه بماند)، که در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند.

آیه نفر یکی از مستندات مهم قاعده ارشاد است. در مورد اینکه آیا آیه با آیات مرتبط است و یا مستقل می‌باشد، نظرهای متفاوتی ارائه شده است. مرحوم علامه به‌صورت موجز طبق سیاق آیات معنای آیه را این چنین می‌فرماید: «جایز نیست همه به‌سوی جهاد هجرت کنند بلکه باید گروهی به امر جهاد رفته و گروهی باقی بمانند و این گروه که باقی ماندند به تفقه در دین بپردازند» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۹، ص. ۵۵۰). دیدگاه علامه از این جهت که هم سیاق آیات حفظ شده و هم تفقه در دین مربوط به کسانی دانسته شده که به جهاد نرفته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. طبق نظر ایشان جهاد به جهاد مسلحانه و جهاد فکری تقسیم می‌شود.

برخی گفتند، سخن آیه مرتبط با انذار است؛ البته این نظر پذیرفته نیست؛ زیرا هر چند انذار غیر از علم است؛ اما لازمه تعلیم دین و آیین الهی انذار است (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۹۷). در مورد تفقه در دین نیز نظرهای متفاوت است؛ اما نظر صحیح‌تر آن است که تفقه هم شامل

علم اجتهادی می‌شود و هم غیراجتهادی در هر حال طبق آیه فراگیری علم واجب است و تعلیم دادن آن به دیگران نیز وجوب دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۸). طبق نظر صاحب مجمع‌البیان فقه در آیه به معنای کسب علم است (طبرسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۵). بر طبق این آیه مسئولیت کلانی بر نهاد جامعه یا آحاد جامعه در قبال دیگران قرار داده شده است. یعنی هرکس نسبت به ارشاد دیگران مکلف است. خاصه در موضوع‌های نوپدید که دانش و آگاهی مردم نسبت به آن اندک، از طرفی جاذبه‌های آن بسیار است؛ لذا افراد زیادی جذب این فضا می‌شوند بدون آنکه دانش صحیح استفاده از آن را بدانند عدم آگاهی موجبات خسارت و آسیب‌دیدگی استفاده‌کنندگان از این فضا را چند برابر می‌کند. پس طبق این آیه افراد وظیفه کسب دانش در این عرصه و هدایت و ارشاد سایرین را به نحو اکید دارند.

۲-۱-۲- آیه سؤال

آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» در دو جای قرآن آیه ۴۳ سوره نحل و آیه ۷ سوره انبیا آمده است. هر دو آیه به‌رغم تفاوت‌های اندک شبیه هم هستند. در آیه سؤال محور تعلم و یاد گرفتن است، لکن یاد گرفتن ملازم با این است که کسانی که اهل ذکر هستند باید یاد بدهند (اعرافی، ۱۳۹۱). طبق این نظر، استناد به این آیه مدول التزامی آن است به این نحو که ایجاب سؤال از کسی با ایجاب جواب بر آن کس ملازمه دارد (مصطفوی، ۱۳۹۵). در روایات متعددی که از ائمه علیه‌السلام رسیده است اهل ذکر را امامان معرفی کرده‌اند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، صص ۵۵-۵۶). در برخی منابع ذکر شخص پیامبر(ص) می‌باشد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، صص ۵۵-۵۶؛ البته اهل ذکر شامل همه افراد مطلع و آگاه در همه زمینه‌ها را دربرمی‌گیرد ولی از آنجاکه قرآن نمونه بارز یادآوری و علم و آگاهی است به آن ذکر اطلاق شده است. شخص پیامبر(ص) هم مصداق روشن ذکر می‌باشد؛ اما قبول این نکته منافاتی با عمومیت آیه ندارد؛ لذا فقها در مباحث مربوط به اجتهاد و تقلید و پیروی در مسائل دینی از آگاهان و دانایان به این آیه استناد کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۷۰).

۲-۱-۳- آیه کتمان

حدود ۱۰ آیه در باب حرمت کتمان علم وجود دارد. یکی از این آیات، آیه ۱۵۹ سوره مبارکه بقره می‌باشد: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»: گروه (از علمای اهل کتاب) که آیات واضح و هدایتی را که فرستادیم کتمان نمایند بعد از آنکه آن را برای (هدایت) مردم در کتاب آسمانی بیان کردیم، آنها را خدا و تمام لعن‌کنندگان (از جن و انس و ملک) نیز لعن می‌کنند. آیه کتمان و آیه نفر در دایره وسیع با هم منطبق هستند؛ اما در آیه کتمان یک عنایت خاصی وجود دارد و ارشاد خاصی را الزامی می‌کند؛ ارشادی که از کتمان بیرون بیاید (عرفی، ۱۳۹۱). در شأن نزول آیه آمده است که عده‌ای از مسلمانان به نزد یهود رفتند و درباره کتابشان سؤال‌هایی پرسیدند. آنها با اینکه پاسخ سؤال‌ها را می‌دانستند، کتمان کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۴۷)؛ البته معنای آیه حکم کلی است برای تمام کسانی که حقیقت را می‌دانند و از بیان آن طفره می‌روند چنین کسانی با شدیدترین لحن مورد عتاب آیه قرار می‌گیرند. از مفاد آیه این‌گونه برداشت می‌شود که وجوب تبلیغ اطلاق دارد و منوط به سؤال فرد جاهل نیست (گلی شیردار و سلگی، ۱۴۰۰، ص ۸).

۲-۲- ادله روایی

روایات متعددی بر لزوم تعلیم و آموزش دلالت دارند. مفاد این دسته از روایات این است که انسانی که پایه‌گذار رفتار و سنت نیکو باشد در امتداد موج آن سهیم است. یکی از مهمترین مصادیق این روایات آموزش و آگاهی دادن به افرادی است که مطلع نیستند. کاربرانی که وارد فضای مجازی شده و بناگاه با شبهات و تردیدهای متعدد و متنوع مواجه می‌شوند به‌نحوی که بیم از دست دادن ایمان و عقایدشان می‌رود، تبیین صحیح این شبهات سنت نیکویی است که می‌تواند ضمن آگاهی‌بخشی الگوی مناسبی برای مسئولیت‌پذیری افراد باشد. خصوصاً در فضاهایی که هر لحظه امکان وقوع در گرداب‌های اعتقادی و معنوی وجود دارد.

از امام صادق(ع) روایت شده: «مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا فَلَهُ مِثْلُ أُجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ قُلْتُ فَإِنْ عَلَّمَهُ غَيْرَهُ يَجْرِي ذَلِكَ لَهُ قَالَ إِنْ عَلَّمَهُ النَّاسَ كُلَّهُمْ جَرَى لَهُ قُلْتُ فَإِنْ مَاتَ قَالَ وَإِنْ مَاتَ:»

کسی که بدی‌گری چیزی آموزد برای اوست مثل پاداش کسی که به آن عمل کند. عرض کردم: اگر باز بدی‌گری آموزد همین پاداش برای او هست؟ فرمود: اگر به همه مردم بیاموزد همان ثواب درباره او جاریست، گفتم: اگرچه معلم بمیرد فرمود: اگرچه بمیرد (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵). از امام باقر(ع) چنین نقل شده: «مَنْ اسْتَنْ بَسَنَةً عَدْلٍ فَاتَّبَعَ كَانَ لَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ وَمَنْ اسْتَنْ سَنَةً جَوْرٍ فَاتَّبَعَ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ»؛ کسی که سنت عدلی ایجاد کند و از آن پیروی شود همانند پاداش کسانی را که به آن عمل می‌کنند خواهد داشت، بی آن که از پاداش آنها کم شود و کسی که سنت ظلمی بگذارد و از آن پیروی شود همانند گناه کسانی که به آن عمل می‌کنند خواهد داشت، بی آن که چیزی از گناهان آنها کاسته شود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۳).

به روایت دیگری هم در باب تعلیم و دیگران اشاره می‌کنیم که مفاد آن تشویق و ترغیب به رفتار آگاهی‌بخش می‌باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «کسی که مطلب خوبی به دیگران آموزش دهد اجر کسی که به این عمل می‌کند را دارد»، یعنی اجر شاگردان هم به او می‌رسد. طبق این حدیث اگر آن فرد بمیرد و واسطه‌ها ادامه پیدا کند باز هم شخص اول از آموزش خود منتفع می‌شود (اعراف، ۱۳۹۱).

تمام این احادیث انگیزه و اشتیاق آموزش و تعلیم و کمک‌رسانی فکری و اعتقادی را در میان افراد جامعه ایجاد می‌کند و مانع از بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت هموعان می‌شود. در عصر حاضر توجه به معانی و مفاهیم این احادیث بسیار کارگشا خواهد بود. امام باقر(ع) می‌فرماید: «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَ لَا يُنْقَصُ أَوْلَئِكَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئاً»؛ اگر دری از هدایت را به دیگری بیاموزد، فلّه مثل اجر من عمل به، عین کسی که از او یاد گرفته به او می‌دهند، و لا ینقص اولئک من أجورهم شیئاً، این اجری که به او می‌دهند بدون اینکه از اجر شاگردش کم شود، و من علم باب ضلال، اگر چیز بدی را آموزش دهد، یک فساد و عقیده باطل یا انحراف اخلاقی و .. را یاد دهد، مثل مثل اوزار من عمل به و لا ینقص اولئک من اوزارهم شیئاً (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۵).

هرچند از این روایت وجوب تعلیم و آموزش دیگران مستفاد نمی‌شود؛ اما رجحان

مطلق تعلیم کار خیر را دربرمی‌گیرد.

طبق این روایت تعلیم و یاد دادن به دیگران مسیر خیر و سعادت را به‌سوی انسان می‌گشاید. گاه انسان کار خیری را به دیگری آموزش می‌دهد و این آموزش زنجیره‌وار و پیوسته به افراد مختلف منتقل می‌گردد. ظرفیتی که در فضای مجازی مهیا است. مبلغان دینی می‌توانند از راه فضای مجازی محتوا و مفاهیم دینی را به نحو گسترده‌تری به همه جوامع بشری ابلاغ نمود و از این مسیر پیام و محتوای اسلامی را به گوش سایرین رسانند. روایت دیگری نیز هست که از پیامبر(ص) نقل شده، که می‌فرماید: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَّاعِلُهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۰). راهنمایی‌کننده به‌سوی خیر و نیکی همانند عمل‌کننده به آن است. مضمون این حدیث، تأکیدی بر روایت قبلی است. طبق این روایات اگر موضوع علم ضروری و اساسی و مبنایی باشد به‌نحوی که منشأ خدمات اجتماعی بشری و اخلاقی گردد به همان میزان ارزش تعلیم افزایش خواهد یافت به‌نحوی که فرد آموزش‌دهنده همواره در ثواب نیک رفتار سایرین شریک می‌شود.

برخی روایات در ذیل آیه ۳۲ سوره مائده وارد شده است، به موضوع تعلیم و ارشاد اشاره می‌نمایند. آیه ۳۲ مائده می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». این آیه در دلالت اولی خود، فقط قتل و احیاء فیزیکی و طبیعی را شامل می‌شود؛ اما روایات ذیل آیه منظور از زنده کردن انسان‌ها را تعلیم و تربیت ذکر می‌کند. ازجمله این روایت: عن أبي عبد الله(ع) قال: «قلت له قول الله تبارك و تعالى مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا فقال مَنْ أخرجها من ضلالةٍ إلى هدى فقد أحيّاها و مَنْ أخرجها من هدى إلى ضلالٍ فقد قتلها». حضرت در توضیح آیه می‌فرماید: احیاء، حفظ جان دیگران نیست بلکه حفظ اعتقاد است کسی که او را از ضلالت به هدایت بیاورد، احیاء کرده است.

۳- کاربرد قاعده ارشاد جاهل در فضای مجازی

بشر در عصر حاضر با پدیده نوظهوری به نام فضای مجازی مواجه شده است. پدیده‌ای

که هم‌اکنون جز لاینفک زندگی هر انسانی است. فضای مجازی تمام عرصه‌های زندگی آدمی را تحت تأثیر خود قرار داده، از این‌رو بی‌توجهی و غفلت از این پدیده آسیب‌ها و صدمه‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه در پی خواهد داشت. از یک‌سو این فضا در گسترش آموزش، توسعه فرهنگ، ارتقای فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی، مشارکت سیاسی و تعاملات میان‌فرهنگی ابزار قدرتمند به‌شمار می‌رود؛ اما از سوی دیگر همین ابزار عاملی است برای فروکاستن ارزش‌های اخلاقی، بی‌توجهی به مبانی دینی و گسترش بی‌اخلاقی در جامعه که در نهایت موجب انحراف و دوری جامعه انسانی از نظام اخلاقی و ارزشی الهی می‌گردد. فضای مجازی دنیای دروغین نیست بلکه بازتابی از جهان واقعی است؛ لذا انسان در این فضا همچون دنیای حقیقی مسئولیت دارد و نمی‌تواند نسبت به مخاطرات و آسیب‌های گاه خارج از کنترل آن بی‌تفاوت بوده و مسئولیت دینی و الهی خود را فراموش نماید. هر فردی با اتکا به عقل، دین و اخلاق و در پرتو رهنمودهای صادره از ناحیه شارع همچون قاعده ارشاد که مستند به آیات و روایات است، در این فضا ورود کرده و در حد توان از آسیب‌های این پدیده نوین پیشگیری نماید. از آنجاکه برخی افراد فعال در فضای مجازی نسبت به آموزه‌های دینی یا آسیب‌های آن بی‌اطلاع و یا کم‌اطلاع هستند با استناد به این قاعده هدایت و راهنمایی‌شان بر افراد عالم و آگاه واجب است و طبق قاعده، ارشاد جاهل در احکام الزامی وجوب دارد. همچنین در موضوع‌هایی که برای شارع اهمیت داشته و نسبت به ترک آن رضایت ندارد این وجوب همچنان ادامه خواهد داشت (گلی شیردار و سلگی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰).

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر درصدد بود قواعد فقه مرتبط با مسئولیت در فضای مجازی را تبیین کند. با مراجعه به آیات قرآن و روایات قاعده فقهی اصطیادی یعنی قاعده ارشاد مورد بررسی قرار گرفت. مهمترین مدارک و مستندات این قاعده آیات نفر، سؤال و کتمان و ادله روایی، آیات ۱۰۴ آل عمران، و ۳۳ سوره فصلت است. طبق آیه نفر به‌عنوان مهمترین سند قاعده ارشاد، فراگیری علم واجب است و تعلیم آن به دیگران نیز وجوب دارد. روایات متعدد نیز

بر این قاعده دلالت دارند. در جامعه اسلامی و مکتب شیعی اولین چیزی که باید به آن پرداخته شود شناخت وظیفه و مسئولیت است. پس از آنکه مسئولیت خود را شناختیم باید آن را اجرایی کرده در مسیر تحقق آن گام برداریم. طبق این قاعده هر یک از مسلمانان نسبت به دیگران مسئول است. این مسئولیت در فضای مجازی به رغم ضرورت به کارگیری و استفاده از آن به جهت اسبب و مخاطرات موجود، دوچندان می شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، مصصح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱). *درس خارج فقه تربیت*، به نقل از کتابخانه مدرسه فقاها.

امامی، محمدحسین (۱۳۹۶). *اخلاق در فضای مجازی*، اصفهان: سیمای فلق.

خویی، سیدابوالقاسم (بی تا). *مصباح الفقاها*، به نقل از کتابخانه مدرسه فقاها.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). *لغتنامه*، تهران: دانشگاه تهران.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۷/۱/۲۰). *درس خارج کلام*، به نقل از کتابخانه مدرسه فقاها.

شب زنده دار، محمدمهدی (۱۳۹۴). *درس خارج فقه*، به نقل از کتابخانه مدرسه فقاها.

شهید اول، محمد بن مکی (بی تا). *القواعد و الفوائد*، به نقل از کتابخانه مدرسه فقاها.

طباطبایی، محمدحسین (بی تا). *تفسیر المیزان*، به نقل از کتابخانه مدرسه فقاها.

طبرسی، (). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، به نقل از کتابخانه مدرسه فقاها.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲). *دو جهانی شدن و آینده جهان*. *نامه علوم اجتماعی*، ش ۶۹ و ۷۰.

عروسی حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. مصصح سیدهاشم رسولی

محلاتی، تهران: اسماعیلیان.

عمید، حسن (۱۳۸۰). *فرهنگ فارسی*، تهران: اشجع.

فرهنگ نامه اصول فقه (۱۳۸۹). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، معاونت پژوهشی،

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

فیروزآبادی، ابوالحسن (۱۳۹۹). *تحول در عصر فضای مجازی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم: بی‌نا.

گلی شیردار، محمدحسن و سلگی، امین (۱۴۰۰). *بررسی فقهی قاعده ارشاد و نقش آن در تربیت فرزندان، نشریه فقه و حقوق، ش ۵*.

مصطفوی، کاظم (۱۳۹۵). *درس خارج اصول*، ۱/۱۶، ۱۳۹۵.

مطهری مرتضی (بی‌تا)، *جهان بینی توحیدی*، به نقل از کتابخانه مدرسه فقاها.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ورام بن ابی فراس (۱۴۱۰ق). *مجموعه ورام*، قم: مکتبه الفقیه.

موازن گزارشگری کودک در پرتو کنوانسیون حقوق کودک

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

باقر انصاری^۱

چکیده

گردآوری و گزارش اخبار و اطلاعات راجع به کودکان در رسانه‌ها از موضوع‌های مهمی است که با چالش‌های حقوقی مختلفی همراه است. ارزش خبری اطلاع‌رسانی درباره کودکان، جلب توجهات عمومی به مسائل و نیازهای آنان، اصل صداقت و راستگویی رسانه‌ای و درعین‌حال، ممنوعیت افشای داده‌های راجع به کودکان برای عموم، این نوع گزارشگری را به موضوعی حساس و ظریف تبدیل کرده است. در این خصوص، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان بین ضرورت‌های گزارشگری و اطلاع‌رسانی با ضرورت‌های حمایت از منافع و مصالح کودکان به نحو معقول و متوازن، سازش ایجاد کرد. نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و رسانه‌های بزرگ در این مقام، حدود و ضوابطی را برای روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در گردآوری و انتشار اطلاعات راجع به کودکان ساخته و پرداخته کرده‌اند. در این مقاله، بر اساس آنچه کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان مهمترین سند بین‌المللی راجع به کودکان برای حمایت از منافع و مصالح آنان مقرر کرده است و اصول گزارشگری و اخبار و اطلاعات به‌طورکلی، موازینی استخراج و تبیین شده است تا الگویی در زمینه گزارشگری کودکان ارائه شود.

واژگان کلیدی

حقوق کودک، گزارشگری کودک، حقوق رسانه، روزنامه‌نگاری.

۱- دانشیار گروه حقوق بشر دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

انعکاس واقعیت‌ها یکی از کارویژه‌های اصلی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران است. این انعکاس گاهی با تفسیر و تحلیل همراه است و گاهی بدون هر گونه تفسیر و توضیحی صورت می‌گیرد که هر کدام، حسب شرایط و اوضاع و احوال، می‌تواند با چالش‌های حقوقی مختلفی مواجه باشد.

نفس گزارشگری به جهت تمرکز بر واقعیت‌ها یا رویدادها، از اصل راستگویی رسانه‌ای تبعیت می‌کند. بدین معنا که همه اشخاص از جمله رسانه‌ها وظیفه دارند راستگو باشند و از گفتن دروغ یا امر خلاف واقع خودداری کنند. همچنین مفروض است که از راستگویی به کسی آسیب وارد نمی‌شود یا به بیان دقیق‌تر آسیب نامشروع وارد نمی‌شود؛ بنابراین، هر گونه محدودیت بر این اصل مانند محدود کردن گزارش به جهت رعایت حریم خصوصی یا حرمت افراد یا به جهت حفاظت از اطلاعات طبقه‌بندی شده، باید با توجیهات قوی همراه بوده و به قدر متقین و حد ضرورت خود محدود شود.

گزارشگری کودک یکی از موضوع‌هایی است که اعمال اصل راستگویی در آن با چالش‌های مختلف مواجه است. هر شخصی که به صورت حرفه‌ای به امر تهیه مطلب در قالب عکس، فیلم، صدا و یا سایر قالب‌ها برای انتشار در رسانه‌ها مشغول است و عناوینی مانند روزنامه‌نگار یا خبرنگار یا روزنامه‌نگار آزاد دارد باید در تهیه و انتشار گزارش‌های راجع به کودکان یا حاوی داده‌های کودکان، اصول و ضوابط خاصی را رعایت کند. در غیر این صورت، کودکان موضوع گزارش، ممکن است با آسیب‌های مختلف مواجه شوند. افزون‌براین، تصمیم‌گیری در مورد کودکان غالباً با ولی یا والدین آنها است. اینان نیز ممکن است از سر غفلت و جهل یا در ازای به‌دست آوردن منافع مالی، تصمیم درستی درباره کودکان خود نگیرند و برای مثال، به‌جای حمایت از حریم و اطلاعات خصوصی کودک خود، نسبت به افشای آن اطلاعات به روزنامه‌نگاران اقدام کنند یا رأساً چنین اطلاعاتی را در دسترس عموم از جمله رسانه‌ها قرار دهند.

در حال حاضر، کنوانسیون حقوق کودک مهمترین سند بین‌المللی در زمینه حقوق کودک است که با رویکرد علمی و مبتنی بر روان‌شناسی رشد به حمایت از کودکان پرداخته است. اکثر دولت‌های جهان به این کنوانسیون ملحق شده‌اند و از نظر تعداد الحاق دولت‌ها به معاهدات حقوق بشر، در رتبه اول قرار دارد. در عین حال، از نظر آمار تحفظ نیز رتبه اول

را دارد که نشان می‌دهد ملاحظه‌های فرهنگی و ملی بسیاری از دولت‌ها با موادی از کنوانسیون سازگاری ندارد. این کنوانسیون سه پروتکل الحاقی دارد که دولت ایران، علاوه بر خود کنوانسیون به یکی از پروتکل‌های آن (پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش، فحشا و هرزه‌نگاری) نیز ملحق شده است.

کمیته حقوق کودک نهاد ناظر بر رعایت کنوانسیون و پروتکل‌های آن است که تاکنون تلاش کرده است تا با صدور نظرهای تفسیری، ارائه ملاحظه‌های پایانی در مورد گزارش‌های ملی دولت‌ها و رسیدگی به دعاوی نقض حقوق مقرر در کنوانسیون، حقوق و تعهدات مذکور در کنوانسیون را تبیین و تا حد ممکن شفاف و قابل اجرا سازد.

اصولی که کنوانسیون حقوق کودک بر اساس آنها تدوین شده و چهارچوب کنوانسیون را تشکیل می‌دهند و نیز انواع حقوقی که در آن پیش‌بینی شده است منبع الهام و نیز معیار ارزیابی عملکرد دولت‌ها در خصوص رعایت حقوق کودکان است. با توجه به اینکه اصول و حقوق مذکور باید در زمینه گزارشگری راجع به کودکان نیز مورد توجه قرار گیرند در این مقاله، بر مبنای کنوانسیون مذکور و اصول بنیادی حاکم بر گزارشگری مانند اصل راستگویی، به تبیین موازین گزارشگری کودک اقدام می‌شود و حسب مورد، پیشنهادهای عملی نیز ارائه می‌گردد. با توجه به اینکه در سطح بین‌المللی، یونیسف نیز تلاش کرده است تا در قالب یک کتابچه راهنما^۱ به این موضوع بپردازد در نگارش این مقاله، کتابچه مذکور مورد توجه خاص قرار گرفته است. در عین حال، تلاش شده است تا از ابتکارهای سایر اعضای اجتماع بین‌المللی از جمله دولت‌ها^۲، نهادهای رسانه‌ای^۳ و حقوق بشری^۴ غفلت نشود.

1. UNICEF , Guidelines for journalists reporting on children:

<https://www.unicef.org/eca/media/ethical-guidelines>.

2. United States Department of Justice, Guide for Media Practitioners on the Reporting and Coverage of Cases Involving Children, (Revised 2008):

<https://www.doj.gov.ph/files/2016/THE%20GUIDE%20FOR%20MEDIA%20PRACTITIONERS.pdf>.

3. Media Monitoring Africa, Editorial Guidelines and Principles on Reporting on Children in the Media, https://www.mediamonitoringafrica.org/images/uploads/A5_Booklet_final_lowres_01.pdf.

International Federation of Journalists' Draft Guidelines and Principles for reporting on issues involving children, 2019, https://www.unicef.org/georgia/sites/unicef.org.georgia/files/2019-03/Guidelines_on_reporting_sexual_abuse_and_exploitation_of_children.pdf.

Jempson, Mike and Bill Norris, Information and Child's Rights - The Challenge of Media Engagement, International Survey of Journalistic Standards Established for Reporting Children's Issues: <http://www.mediawise.org.uk/wp-content/uploads/2011/03/Information-Childs-Rights-International-Survey.pdf>.

4. United Nations Committee on the Rights of the Child, 13th Session, 7 October 1996 : The Child and the Media,

<https://www.ohchr.org/sites/default/files/HRBodies/CRC/Documents/Recommandations/media.pdf>.

۱. اصل مصالح عالی کودک

بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک می‌گوید در همه تدابیر راجع به کودکان خواه از ناحیه دولت یا غیردولت و دادگاه‌ها، مصالح عالی کودک باید اولین ملاحظه^۱ باشد؛ البته ممکن است اولین ملاحظه، مهمترین یا قاطع‌ترین ملاحظه و عامل برای اقدام یا تصمیم‌گیری نباشد.^۲ کمیته حقوق کودک، این ماده را یکی از اصول کلی کنوانسیون شناخته است که بر همه مقررات کنوانسیون حاکم است.^۳ بر اساس این اصل، همه تدابیر و تصمیم‌های دادگاه‌ها، مقام‌های اداری، نهادهای تقنینی و نهادهای رفاه اجتماعی عمومی و خصوصی باید با رعایت این اصل اتخاذ شود. بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون مذکور نیز می‌گوید دولت‌های عضو باید نهایت تلاش خود را برای تضمین شناسایی این اصل بکار ببرند که والدین، هر دو، برای رشد و بالندگی کودک مشترکاً مسئول هستند. والدین، مسئولیت اصلی را دارند و رعایت مصالح عالی کودک باید مهمترین دغدغه آنها باشد.

در مورد جایگاه اصل مصالح عالی کودک در کنوانسیون حقوق کودک، کمیته حقوق کودک این اصل را واجد سه نقش شناخته است: اولاً یک حق ماهوی^۴ است، بدین معنا که هر جا که هنگام تصمیم‌گیری راجع به امور کودک، پای مصالح مختلف در میان باشد مصلحت کودک باید به عنوان اولین ملاحظه مورد توجه قرار گیرد. دوم اینکه یک اصل تفسیری^۵ است بدین معنا که اگر در مورد یکی از مواد قانونی، امکان تفسیرهای متعدد وجود داشته باشد تفسیری باید انتخاب شود که با مصالح عالی کودک سازگار باشد و سوم اینکه یک قاعده رویه‌ای یا آیینی^۶ است؛ بدین معنا که هر جا، پای اتخاذ تصمیمی در میان باشد که مصالح کودکان را به نحو مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد باید تأثیرهای

1. a primary consideration

2. Freeman, Michael, **Article 3. The Best Interests of the Child**, in: A. Alen, J. Vande Lanotte, E. Verhellen, F. Ang, E. Berghmans and M. Verheyde (Eds.) **A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child**, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden, 2007, PP. 61-62.

3. CRC Committee, General Comment No. 5 (2003) on the general measures of implementation of the Convention on the Rights of the Child, para. 12; and General Comment No. 12 (2009) on the right of the child to be heard, para. 2.

4. A substantive right

5. fundamental, interpretative legal principle

6. A rule of procedure

آن تصمیم نسبت به کودکان، ارزیابی شود.^۱

بر مبنای این اصل، حضور کودک در رسانه‌ها یا انتشار یا پخش مطلب راجع به یک کودک، حتی اگر با رضایت ولی یا والدین او باشد، در صورتی قابل قبول است که نه تنها با مصالح عالی کودک مغایر نباشد بلکه متضمن تأمین حقوق، منافع و مصالح او باشد نه منافع و مصالح والدین کودک یا منافع و مصالح گزارشگر یا رسانه منتشر کننده گزارش. در هنگام بررسی مصالح هر کودک نیز باید نظرهای خود او با توجه به میزان سن و رشد جسمی، روانی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و معنوی‌اش مورد توجه قرار گیرد؛ همچنین، در تهیه و انتشار هر گزارشی راجع به کودکان باید شأن و کرامت کودک محترم شمرده شده، از هرگونه ادبیات اهانت‌آمیز در مورد کودکان خودداری شود و از آنها به‌عنوان ابزاری برای مقاصد تجاری مانند تبلیغات تجاری و یا مقاصد غیرتجاری مانند کارزارهای انتخاباتی، استفاده نشود. از این رو، به‌کار بردن اصطلاح‌هایی مانند «کودک استثنایی»، «کودک معلول»، «کودک عقب‌مانده»، «کودک عقب‌افتاده» و سایر اصطلاح‌های مشابه که با احترام به کرامت کودک و خانواده او مغایرت دارند مناسب نیست و به‌جای آنها می‌توان از عبارت‌هایی مانند «کودک توانخواه» یا «کودکی که با ناتوانی زندگی می‌کند» استفاده کرد.

در کلیه مواردی که گزارشگری بر مبنای رضایت کودک، ولی، مدیر یا معلم مدرسه، یا دیگر سرپرستان قانونی کودک اقدام به تهیه گزارش از وی می‌کند رضایتی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که آگاهانه، آزادانه و خاص بوده و با اصل مصالح عالی کودک مغایر نباشد. منظور از آگاهانه بودن رضایت این است که برای اخذ رضایت باید اطلاعات لازم درباره جمع‌آوری و پردازش داده‌های کودکان در دسترس آنها، ولی یا سرپرستان قانونی آنها قرار گیرد تا بدانند نسبت به چه چیزی موافقت خود را اعلام می‌کنند و در این توافق، از چه حقوقی برخوردار هستند. منظور از آزادانه بودن رضایت نیز این است که کودکان، ولی یا سرپرستان قانونی آنها بدانند که اگر رضایت ندهند محرومیت، تبعیض، صدمه یا هیچ آسیب و محدودیت دیگری متوجه آنها یا خانواده‌های آنها نخواهد شد در نتیجه نباید

1. CRC Committee, General Comment No. 14 (2013) on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration, para.6:
<https://www.refworld.org/legal/crc/2013/en/95780>.

رضایت آنها تحت فشار و اجبار باشد. همین‌طور، خاص بودن رضایت هم بدین معنا است که رضایت نباید به صورت کلی و برای انواع اهداف اخذ شود بلکه باید در رابطه با یک یا چند هدف خاص اخذ شود و در صورت وجود اهداف مختلف، باید در مورد هر کدام جداگانه و به صورت جزء به جزء اخذ شود.

۲. اصل راستگویی و رفتار حرفه‌ای

وظیفه راستگویی^۱ یکی از اصول بنیادی اخلاق رسانه‌ای و از مبانی مسئولیت اخلاقی رسانه‌ها است.^۲ به موجب این تعهد، رویدادها و واقعیات باید آن‌طور که هست و با تمام ابعاد و جزئیاتی که برای فهم درست آنها لازم است گزارش شوند و از تحریف آنها خودداری گردد. راستگویی رسانه‌ای به شکل‌گیری قضاوت‌های صحیح و معقول در جامعه کمک می‌کند و مفروض این است که از بیان حقیقت به اعتبار کسی لطمه وارد نمی‌شود مگر آنکه آن اعتبار با فریب و دروغ ایجاد شده باشد. همچنین، بیان حقیقت، از افراد جامعه در برابر اعضای ریاکار و نیرنگ‌باز جامعه حمایت می‌کند؛^۳ البته ملزم ساختن روزنامه‌نگاران به حصول یقین نسبت به حقیقت داشتن گزارش‌هایی که منتشر می‌کنند، قابل توجیه نیست بلکه ملزم دانستن آنها به بررسی و سوا سانه اطلاعاتی که منتشر می‌کنند کافی است. در نتیجه، در بسیاری از کشورهای اروپایی، روزنامه‌نگاران صرفاً باید تلاش کنند گزارش آنها تاحد ممکن، با حقیقت منطبق باشد. به‌دیگرسخن، تعهد رسانه‌ها به راستگویی تعهد به وسیله است و نه تعهد به نتیجه. در این زمینه وضعیت فوریت در گزارش اخبار و قابل اعتماد بودن منابع اطلاعاتی نیز در تعیین میزان وظیفه بررسی صحت اطلاعات، مهم هستند.^۴

براین‌اساس، رسانه‌ها وظیفه دارند پیش از انتشار هر گزارش و حسب اهمیت و

1. Obligation Is to Tell the Truth

2. Fernandez, Joseph M, Truth in Journalism : Oxymoron or Lofty Ideal? The University of Notre Dame Australia Law Review, Vol.12, 2010, p. 173:
<http://classic.austlii.edu.au/au/journals/UNDAULawRw/2010/8.pdf>.

3. Bertram Harnett and John V. Thornton, *The Truth Hurts: A Critique of a Defense to Defamation*, Virginia Law Review, Vol. 35, No. 4, 1949, pp432-437:
<http://www.jstor.org/stable/1069017?origin=jstor-pdf>.

4. Koziol, Helmut, Alexander Warzilek (eds.)(2005), *the Protection of Personality Rights against Invasions by Mass Media*, Springer-Verlag/Wien, Germany., pp.628-.629.

حساسیت آن، با اعمال مراقبت و دقت حرفه‌ای لازم، از صحت آن مطمئن شوند؛ برای مثال، واقعی و معتبر بودن مستندات را بررسی کنند، مفاد گزارش را در حد محتوا و مدلول مستندات و شواهد تنظیم کنند و در صورت لزوم، صحت مفاد گزارش را پیش از انتشار از منابع قابل اعتماد جویا شوند.

برخی اطلاعات علی‌رغم راست بودن نباید منتشر شوند. اطلاعات راجع به حریم خصوصی، اطلاعات طبقه‌بندی شده و اطلاعاتی که انتشار آنها اشاعه فحشا محسوب می‌شود از این دسته‌اند.

با توجه به اینکه تفسیرها و تحلیل‌ها از رویدادها ممکن است از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد گزارشگر باید در تنظیم و انتشار گزارش خود به نحوی عمل کند که مرزبندی مشخصی بین انعکاس واقعیت‌ها یا اخبار و تحلیل و تفسیرهای شخصی وجود داشته باشد. مخاطب عادی نباید تحلیل‌ها را به حساب واقعیت بگذارد یا برعکس. اصل راستگویی درباره انعکاس واقعیت‌ها است و نه تحلیل و تفسیر واقعیت‌ها.

براین‌اساس، گزارشگر حرفه‌ای باید پیش از انتشار گزارش درباره کودکان، صحت اطلاعات گزارش را با روش‌های حرفه‌ای و با استفاده از منابع مطمئن به‌ویژه از والدین یا دیگر بستگان بزرگسال کودک بررسی کرده و از درستی و دقت محتوا اطمینان حاصل کند. نکته مهم در مورد کودکان آن است که داده‌های راجع به کودکان بر اساس ظرفیت‌های درحال‌رشد آنها ممکن است مرتباً تغییر پیدا کند. چه‌بسا اطلاعاتی در یک زمان در مورد یک کودک درست و دقیق باشد؛ اما در نتیجه رشد کودک، آن اطلاعات دیگر منسوخ شده و درست نباشند. براین‌اساس، ایجاد پروفایل‌هایی از کودکان و دانش‌آموزان که بتوانند برای پیش‌بینی‌های آینده مورد استفاده گزارشگران و رسانه‌ها قرار بگیرند مجاز نیست.

ممکن است نفع عمومی یا ضرورت جلب توجه عمومی به اهمیت و حساسیت یک موضوع ایجاب کند که عکسی که یک یا چند کودک را نشان می‌دهد منتشر شود. دراین‌صورت، چنانچه انتشار کل عکس یک کودک به دلایلی مانند رعایت حریم خصوصی مجاز نباشد باید پیشگیری از ورود آسیب به کودک یا با اضافه کردن توضیحات یا حذف بخش‌هایی از عکس یا استفاده از سایر ناشناس‌سازی، نسبت به انتشار اقدام شود و درعین‌حال،

دستکاری در عکس نباید مفهوم دریافتی از تصویر را تغییر داده یا به تحریف اطلاعات کودک یا انتساب امور خلاف واقع به او شود. افزون‌براین، برای ناشناس کردن کودکان، باید آداب خاصی را رعایت کرد؛ ازجمله اینکه، نباید روی چشمان او قلم سیاه کشیده شود یا صورت کودک شطرنجی شود. عکس‌ها نباید به صورت دیجیتالی دستکاری شوند و به‌هیچ‌وجه نباید، به آن اضافه یا از آن حذف شود.

سرانجام آنکه نقل‌قول از دیگر رسانه‌ها یا بازنشر مطالب منتشر شده از سوی دیگران هر چند انعکاس یک واقعیت است و نه بیان نظر، چنانچه راجع به یک کودک یا حاوی عکس و دیگران اطلاعات او باشد نافی مسئولیت گزارشگر برای بررسی صحت آنها نیست. مسئولیت حرفه‌ای برای راستگویی، تحت هر شرایطی باید جدی گرفته شود.

۳- اصل پیشگیری و ارزیابی احتمال آسیب

کنوانسیون حقوق کودک مبتنی بر نظریه‌های رشد است و با نگاه علمی به رشد و شکل‌گیری شخصیت کودکان، حقوق و تعهدات خاصی را برای تضمین حیات، بقا و رشد آنها شناسایی کرده است. عبارت «رشد» در معنای گسترده خود تفسیر می‌شود به‌نحوی که علاوه بر رشد کمی یا سنی کودک، متضمن بعد کیفی نیز باشد. براین‌اساس، دولت‌ها موظف هستند تا در عین تأمین سلامت جسمی کودکان، برای رشد آنها در ابعاد گوناگونی که کنوانسیون مقرر کرده است تلاش خود را به‌کار گیرند. این ابعاد عبارت‌اند از: رشد جسمی، روانی، معنوی، اجتماعی، هیجانی، شناختی، فرهنگی و اقتصادی.^۲

بر اساس این اصل، در تهیه و انتشار هر گونه گزارش راجع به کودکان باید تأثیر آن بر رشد کودک بررسی شود و چنانچه احتمال ورود هر نوع آسیب به کودک و رشد وی وجود داشته باشد تدابیر لازم برای پیشگیری از آسیب یا کاهش آسیب، اتخاذ شود. برای انجام این کار، از والدین و سایر افراد مرتبط مانند بستگان نزدیک، معلمان و کارشناسان که می‌توانند اطلاعات قابل اعتمادی از کودکان داشته باشند کمک گرفته شود. برای ارزیابی

1. development

2. Committee on the Rights of the Child (6 December 2016), General Comment No 20 on the implementation of the rights of the child during adolescence, CRC/C/GC/20, para 15. <https://www.refworld.org/legal/general/crc/2016/en/115419>.

احتمال آسیب و ارزش خبری گزارش از کودک، باید معیارهای مختلف از جمله این معیارها مورد توجه قرارگیرد:

(۱) آیا انتشار این اطلاعات می‌تواند آثار و پیامدهایی مانند بدنامی، برچسب‌زنی، تبعیض، تحقیر، تمسخر، تنفر، تلافی و انتقام، خودکشی، فرار از خانه برای کودک یا خانواده او به دنبال داشته باشد؟

(۲) دانش عمومی جامعه در خصوص موضوع گزارش چقدر است و آیا می‌تواند مانع از ورود آسیب احتمالی به کودک شود؟

(۳) چه اشخاصی از انتشار این اطلاعات منتفع می‌شوند و چه نفعی می‌برند؟

(۴) اگر این اطلاعات منتشر نشود چه اتفاقی می‌افتد؟

(۵) ناشناس کردن یا افشای هویت کودک چه تأثیری و برچه اشخاصی می‌تواند داشته باشد؟

در صورت وجود احتمال هر نوع آسیب در صورت انتشار گزارش، مطالب باید به نحوی ویرایش شده و تغییر داده شوند که یا از آسیب کلاً پیشگیری شود و یا در صورت عدم امکان پیشگیری و در عین ضرورت انتشار گزارش، میزان آسیب به حداقل ممکن کاهش یابد. بی‌نام‌سازی یا ناشناس کردن هویت کودکان می‌تواند از روش‌های کاهش آسیب باشد. از انتشار هر گونه مطلب از جمله عکس از یک کودک که او، خواهر و برادر، دوستان و یا دیگر کودکان را با خطر مواجه کند باید خودداری شود حتی اگر هویت آنها بی‌نام شده و یا از نام مستعار در موردش استفاده شده باشد. باید همواره متوجه بود که تجمیع داده‌هایی که به‌تنهایی ارتباطی به کودکان پیدا نمی‌کنند می‌توانند اطلاعات دقیقی از هویت و زندگی شخصی آنها به‌دست دهند. همچنین، ناشناس بودن یک کودک برای گزارشگر از جمله کودکانی که در کشورهای دیگری زندگی می‌کنند مجوزی برای بازنشر عکس آن کودک در فضای مجازی نیست چرا که ممکن است در کشور محل تولد یا زندگی این کودک، آثار و بازتاب‌های منفی آن متوجه کودک یا خانواده‌اش بشود.

در مواردی که نفع عمومی ایجاب می‌کند گزارش راجع به یک یا گروهی از کودکان منتشر شود لازم است در مورد پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تهیه گزارش از

کودک باید با افرادی که به کودک نزدیکتر هستند یا اطلاعات کارشناسی دارند و می‌توانند بهترین ارزیابی را داشته باشند مشورت شود.

در مورد کودکانی که در معرض آسیب هستند باید نهایت احتیاط و مراقبت حرفه‌ای صورت گیرد تا آسیب‌های آنها تشدید نشود و هدف گزارش، بهبود وضعیت کودکان مذکور باشد؛ برای مثال، نباید برای تحریک احساسات عمومی و جلب توجه مراجع مسئول نسبت به مسائل و نیازهای این کودکان، از کلمات یا اصطلاح‌های نامناسب و توهین‌آمیز که احساس شرم یا تحقیر را در کودکان یا خانواده‌های آنها ایجاد یا کلیشه‌های منفی راجع به این کودکان را تأیید می‌کنند استفاده شود؛ یا نباید از حس ترحم برای کودکان بیمار، نوزاد، توانخواه، مجروح یا مصدوم، بی‌سرپرست، فقیر و نیازمند برای مقاصد تجاری و تبلیغاتی سوءاستفاده شود.

به‌طورکلی، کودکان زیر در دسته‌بندی کودکان آسیب‌پذیر قرار دارند و از آنها نباید عکس و فیلم گرفته شود و اگر در بخشی از یک عکس یا فیلم قرار گرفته باشند باید پیش از انتشار، تدابیر لازم برای حذف عکس یا ناشناس کردن آنها صورت گیرد:

- ۱) کودکانی که در فعالیت‌های مجرمانه مانند خرید و فروش مواد مخدر مشارکت دارند؛
- ۲) کودکانی که در وضعیت‌های خشونت‌آمیز مانند نزاع‌های خانگی یا خیابانی شاهد درگیری دیگران بوده یا خودشان درگیر نزاع هستند؛
- ۳) کودکان که سرپرست قانونی ندارند مانند کودکان رها یا یتیم شده؛
- ۴) کودکان کار به‌ویژه آنهایی که در معرض استثمار قرار دارند و به کارهایی مانند تكدی‌گری وادار شده‌اند؛
- ۵) کودکان آواره یا خانواده مهاجران و پناهندگان اعم از آنکه همراه والدین خود باشند یا نباشند.

۴. اصل احترام به دیدگاه‌های کودک (حق شنیده‌شدن)

تا پیش از تصویب کنوانسیون حقوق کودک، کودکان نه به‌عنوان دارندگان حق بلکه صرفاً به‌عنوان افرادی که مستحق برخورداری از حمایت‌های خاص هستند مورد حمایت بودند.

گفتمان حاکم، گفتمان رفاهی بود که والدین و دولت‌ها را به اتخاذ برخی تدابیر و اجتناب از برخی اقدام‌ها برای تأمین منافع کودکان ملزم می‌کرد. در این گفتمان سنتی، کودکان همواره به‌عنوان افرادی تلقی می‌شدند که والدین یا سرپرستان قانونی آنها یا دولت، از جاب آنها تصمیم می‌گیرند و فرض بر این بود که صلاح و غبطه آنها را رعایت می‌کنند؛ بنابراین، تصمیم‌گیری در کلیه امور کودک در صلاحیت والدین به‌ویژه پدر او شناخته می‌شد و از زمره حقوق طبیعی. مفروض این بود که والدین بیش از هر شخص دیگر نسبت به غبطه و صلاح فرزند خود آگاه و حساس هستند و منافع و مصالح کودک خود را بهتر از هر کسی حتی بهتر از دولت تشخیص می‌دهند و حتی در صورت تعارض منافع، منافع کودک را بر منافع خود ترجیح می‌دهند.^۱

در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی، سوءاستفاده از کودکان و غفلت از آنان دو عامل مهم بود که کودکی را در برخی کشورها به امر حائز نفع عمومی تبدیل کرد و در کانون توجه‌ها و مباحثه‌های عمومی و بین‌المللی قرار داد. سوءاستفاده و غفلت والدین سبب شد تا صدای مشارکت دادن کودکان در تصمیم‌ها و اقدام‌ها راجع به مصالح آنها بلندتر و رساتر گردد و به محدود شدن قلمرو اختیارات والدین و حریم خصوصی خانواده بیانجامد. دولت‌ها ملزم شدند حوزه نسبتاً مقدس خانواده را که قبلاً برای آنها مصون از تعرض بود برای بررسی شرایط زندگی کودکان، تحت نظارت قرار دهند. صدای کودکان کم‌کم شنیده شد و بر آزاد شدن کودکان از محدودیت‌ها و کنترل‌های والدین، نظام‌های آموزشی و دولتی^۲ تأکید شد.^۳

در نتیجه این تغییر گفتمان، اتونومی و آزادی کودکان برجسته گردید و همه حقوق بزرگسالان، در قالب کنوانسیون حقوق کودک، به کودکان تسری یافت. کودکان به فاعل و دارندگان سیاسی و قانونی حق‌ها تبدیل شدند.

کنوانسیون حقوق کودک، حقوقی را برای کودکان شناسایی کرد که باید از جانب خود

۱. برای آشنایی با گفتمان‌های حقوق کودک ر. ک. : انصاری، باقر، حق آموزش، حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۲، صص ۲۹-۴۹.

2. child liberation

۳. همان، ص ۴۱.

آنان به طور مستقیم اعمال و اجرا شود. آزادی وجدان و فکر، آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و حق شنیده شدن در فرایندهای رسیدگی به امور وی از جمله در فرایندهای انضباطی، از مهمترین حقوق مشارکتی کودکان هستند.

ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد که در هر زمینه‌ای که بر زندگی کودکان تأثیر دارد، کودک حق آزادی عقیده دارد و بسته به سن و سطح بلوغ کودک باید به این دیدگاه‌ها اهمیت داده شود. این اصل مبتنی بر این ایده است که کودکان حق ابراز عقیده دارند و دیدگاه آنها به ویژه در هر رسیدگی قضایی یا اداری که بر زندگی کودک تأثیر دارد باید جدی گرفته شود.

کودکان بر اساس ظرفیت در حال رشد^۱ خود می‌توانند در سطوح مختلف در امور مربوط به خود و جامعه مشارکت کنند. منظور از ظرفیت در حال رشد کودک آن است که کودکان مستمراً در ابعاد مختلف در حال رشد بوده و ظرفیت‌های گوناگون آنها از جمله ظرفیت‌های جسمی و شناختی آنها مستمراً در حال ارتقا هستند. آنها به همان اندازه که در تجربیات زندگی مشارکت داده شوند صلاحیت‌های شناختی، هیجانی، اجتماعی، اخلاقی و جسمی کسب می‌کنند؛ بنابراین، کودکان را باید مشارکت‌کنندگان فعال در تحقق حقوق خودشان در نظر گرفت که در تصمیم‌ها و اقدام‌هایی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد باید امکان مشارکت آنها فراهم شود. کودکان صرفاً دریافت‌کنندگان منفعل تأثیرهای محیطی نیستند بلکه باید همان‌طور که کمیته حقوق کودک در نظر تفسیری شماره ۷ خود متذکر شده است از همان اوان کودکی (از زمان تولد تا ۸ سالگی) می‌توانند به نحو معناداری در محیط خود نقش‌آفرینی کنند و در زندگی حال و آینده خود مؤثر واقع شوند. کودکان از مجرای مشارکت، به احساس استقلال، اتکای به خود و سایر صلاحیت‌های اجتماعی دست می‌یابند.^۲

به موجب ماده ۵ کنوانسیون حقوق کودک، راهنمایی‌ها و ارشادهای والدین به کودکان در اجرای حقوقشان باید به شیوه‌ای سازگار با ظرفیت‌های در حال رشد^۳ کودک باشد. یعنی اگر کودکان صلاحیت اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه پیدا کنند مسئولیت تصمیم‌گیری به خود

1. Evolving capacities of the child

2. CRC General comment No. 7 (2005): Implementing Child Rights in Early Childhood, pp. 5-6. <https://www.refworld.org/legal/general/crc/2006/en/40994>.

3. in a manner consistent with the evolving capacities of the child

آنها واگذار خواهد شد. کمیته حقوق کودک در نظر تفسیری شماره ۱۲ خود به تبیین حق کودک به شنیده شدن پرداخته^۱ و به دولت‌ها متذکر شده است که ظرفیت درحال‌رشد کودکان متفاوت، ممکن است به طرق متفاوت قابل شکوفا باشد. ازاین‌رو، کودکان آسیب‌پذیر از جمله کودکان دختر، کودکان متعلق به اقلیت‌ها، کودکان کار، کودکان خیابان، کودکان دارای ناتوانی، کودکان مبتلا به اچ‌آی‌وی و ایدز، کودکان پناهندگان و پناهجویان و آوارگان باید مورد توجه خاص قرار بگیرند.

بر مبنای این اصل، در تهیه گزارش از کودکان باید متناسب با سن و ظرفیت‌های درحال‌رشد و میزان درک آنها از وضعیت و اتفاق‌های پیرامون و نتایج احتمالی انتشار گزارش، اقدام شود. درواقع، کودکان حق دارند مراحل رشد شخصیت خود را با امنیت و بدون هر گونه فشار و کنترل خارجی دنبال کنند و انواع تلاطم‌های مرتبط با رشد کودکان نباید به‌گونه‌ای ثبت و ضبط یا منتشر شود که پرونده آنها در آینده را بسازد و وضعیت زندگی آنها را در آینده دستخوش آسیب کند. هر کودکی حق دارد آینده‌ای متفاوت از دوران کودکی خودش داشته باشد.

چنانچه گزارش در قالب انجام مصاحبه با کودکان باشد نظر و تصمیم کودکان درباره به اشتراک‌گذاری داستان‌شان باید محترم شمرده شود و اگر تمایل به انجام مصاحبه و یا انتشار داستان خود نداشته باشند، باید به تصمیم آنها احترام گذاشته شود و گزارشگران هنگام مصاحبه با کودک به‌هیچ‌عنوان نباید برای ترغیب کودک به دادن اطلاعات یا بیان جملات مدنظر گزارشگر یا برای کسب رضایت کودک، ولی یا سرپرست قانونی او وعده‌های غیراخلاقی یا غیرعملی بدهند یا آنها را تهدید یا تطمیع کنند؛ بنابراین، در پوشش مطالب مربوط به کودکان، باید از یادآوری تجربه‌های تلخ و دردناک آنان در گذشته خودداری شود و حق کودکان نسبت به فراموش شدن تجربه‌ها و آسیب‌هایی که یادآوری آنها می‌تواند بر رشد آنها تأثیر منفی داشته باشد محترم شمرده شود. هرکودکی حق دارد درباره موضوع‌هایی که زندگی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد اظهارنظر کند و داستان زندگی خود را مستقل از دیگران روایت کند؛ بنابراین، گزارشگران باید این امکان را در

1. CRC Committee, General Comment No. 12 (2009), The right of the child to be heard (20 July 2009). <https://www.refworld.org/legal/general/crc/2009/en/70207>.

اختیار او قرار دهند. خرید داستان زندگی کودکان، مجاز و معتبر نیست.

۵. اصل ناشناس بودن و رعایت حریم خصوصی کودکان

کودکان همانند بزرگسالان از حق حریم خصوصی برخوردار هستند، باوجوداین، در مقایسه با بزرگسالان در مورد چگونگی اعمال این حق یا عدول از آن نیازمند حمایت‌های بیشتر هستند. بزرگسالان می‌توانند در مورد کم‌وکیف افشا و انتشار اطلاعات خصوصی خودشان تصمیم بگیرند؛ اما کودکان از چنین قابلیتی برخوردار نیستند و والدین یا سرپرستان قانونی آنها باید از جانب آنها در این خصوص تصمیم بگیرند. در نتیجه، تصمیم‌گیری نادرست از سوی آنان ممکن است کودکان را در معرض آسیب‌های ناشی از افشای حریم خصوصی قرار دهد. به‌همین دلیل، کشورهای مختلف با تصویب قوانین و مقررات خاص به حمایت از حریم خصوصی کودکان پرداخته‌اند. قانون حمایت از حریم خصوصی کودکان در فضای مجازی^۱ در ایالات متحده مصوب ۱۹۸۸ و مقررات اتحادیه اروپا راجع به حمایت از داده‌های شخصی مصوب ۲۰۱۶^۲ و قانون فرانسه با عنوان قاعده-مند کردن بهره‌برداری تجاری از تصاویر کودکان زیر ۱۶ سال در سکوها^۳ برخط مصوب ۲۰۲۰، قانون سرویس‌های دیجیتال اتحادیه اروپا^۴ مصوب ۲۰۲۲، مصوبه شورای عالی فضای مجازی در خصوص صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی (۱۴۰۰)^۵ از

1. Children Online Privacy Protection Act (1998) <https://www.congress.gov/bill/105th-congress/senate-bill/2326>.

2. Regulation (EU) 2016/679 of the European Parliament and of the Council of 27 April 2016 on the protection of natural persons with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data, and repealing Directive 95/46/EC (General Data Protection Regulation), Art. 8, <https://eur-lex.europa.eu/eli/reg/2016/679/oj>.

3. LOI n° 2020-1266 du 19 octobre 2020 visant à encadrer l'exploitation commerciale de l'image d'enfants de moins de seize ans sur les plateformes en ligne: <https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000042439054>.

4. Regulation (EU) 2022/2065 of the European Parliament and of the Council of 19 October 2022 on a Single Market For Digital Services and amending Directive 2000/31/EC (Digital Services Act), Article 28(1), <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A32022R2065>.

۵. مصوبه شورای عالی فضای مجازی در خصوص صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی (۱۴۰۰). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1681090>.

این زمره‌اند.^۱

در سال‌های اخیر، برخی والدین به خصوص والدین جوان، اطلاعاتی راجع به کودکان خود در فضای مجازی و حساب‌های شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند. از این امر به عنوان فرزندپروری مجازی^۲ یاد می‌شود. فرانسه به عنوان نخستین کشور در این زمینه دست به قانون‌گذاری زد^۳ و مفهوم «سلامتی» کودک را داخل در مفهوم «زندگی شخصی» کودکان قرار داد. این قانون مقرر کرده است که ابویین مسئولیت مشترکی در حمایت از حق تصویر کودک دارند. آنها باید نظر کودک را نیز با توجه به درجه بلوغ وی اخذ کنند. همچنین، اگر ایشان در مورد موضوع انتشار یا عدم انتشار تصویر کودکان به توافق نرسند، دادگاه می‌تواند یکی از ابویین را از انتشار محتوا راجع به کودک بدون رضایت طرف مقابل منع کند.

بیشتر والدین نیت سوئی در به اشتراک‌گذاری اطلاعات راجع به فرزندانشان ندارند؛ اما تحقیقی که در دانشگاه میشیگان انجام شده نشان می‌دهد که ۵۶ درصد والدین اطلاعات بالقوه خجالت‌آوری در خصوص فرزندانشان را به اشتراک گذاشته‌اند. ۵۱ درصد نیز اطلاعاتی را به اشتراک گذاشته بودند که می‌تواند منجر به شناسایی موقعیت مکانی کودک شود. ۲۷ درصد نیز عکس‌های بالقوه نامناسبی را به اشتراک گذاشته بودند.^۴ همچنین این اشتراک‌گذاری می‌تواند به اذیت و آزار و تمسخر کودکان از سوی دوستان دیگر یا حتی بزرگسالان منجر شود.^۵

در این میان، روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها باید مراقب باشند تا نه از طریق بازنشر

۱. برای مشاهده تفسیر این مصوبه و سایر قوانین مرتبط با این موضوع ر. ک. : زند، حسین، *حمایت از داده‌ها در حقوق موضوعه ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۱، صص ۱۹۴-۱۹۷ و ۱۴۴-۱۵۰.

2. Sharenting

3. LOI n° 2024-120 du 19 février 2024 visant à garantir le respect du droit à l'image des enfants: <https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000042439054>.

4. La santé

5. La vie privée

6. Steinberg, Stacy, Sharenting: Children's Privacy in the Age of Social Media, Emory Law Journal, Volume 66, Issue 4, 2017. P. 848:

<https://scholarlycommons.law.emory.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1094&context=elj>.

7. Ibid, pp. 854-855.

اطلاعاتی که دیگران از کودکان منتشر کرده‌اند و نه با تولید چنین اطلاعاتی، اطلاعات خصوصی کودکان را منتشر نکنند. درواقع، اصل بر ممنوعیت افشا هویت و اطلاعات شخصی کودکان است مگر آنکه با روش‌های قانونی، رضایت معتبر والدین احراز شود یا حکم قانونی خاصی چنین مجوزی را بدهد.

بر اساس مطالب بالا می‌توان نکات زیر را در مورد چگونگی رعایت حریم خصوصی کودکان از سوی گزارشگران یادآور شد.

۵-۱- ممنوعیت افشای هویت کودکان

گزارشگر باید از افشای مستقیم اطلاعات هویتی کودکان مانند عکس، نام و نام خانوادگی آنان و از افشای اطلاعاتی که به صورت غیرمستقیم به افشای هویت کودکان منجر می‌شود مانند محل زندگی، محل تحصیل، سن، جنسیت یا اطلاعات اعضای خانواده، خودداری کند. با توجه به اینکه حریم خصوصی کودک با حریم خصوصی خانواده او عجین است؛ بنابراین، انتشار اطلاعات راجع به کودک ممکن است نقض حریم خصوصی خانواده باشد یا برعکس.

افشای هویت کودک تنها زمانی مجاز است که ولی یا قیم یا سرپرست قانونی کودک نسبت به این افشا رضایت داده باشد و این افشا نه تنها با مصالح عالی کودک مغایر نباشد بلکه به رشد سالم و مشارکت او در جامعه کمک کند. در مورد کودکی که بر حسب سن خود از قدرت تمیز برخوردار است مخالفت او با افشای هویت خود باید مورد توجه قرار گیرد. گاهی نیز ممکن است موضوع به قدری از اهمیت اجتماعی برخوردار باشد که احتمال داشته باشد به ایجاد یک جریان یا اتخاذ مواضع ملی یا بین‌المللی راجع به کودکان بیانجامد. در چنین مواردی ممکن است به دلیل ارزش خبری یا نفع عمومی ناشی از موضوع، بدون رضایت کودکان، هویت آنها افشا شود.

باوجوداین، در برخی موقعیت‌ها به دلیل احتمال متوجه شدن شدن آسیب‌های جدی به کودک، از افشای هویت کودک حتی در صورت رضایت ولی یا سرپرست قانونی وی خودداری شود؛ برای مثال، در صورتی که با افشای هویت، کودک یا اعضای خانواده او در معرض خطر جانی یا حیثیتی قرار بگیرد؛ کودک بزه‌دیده یا به ارتکاب یک جرم متهم شده

باشد؛ کودک قربانی یا مرتکب سوءاستفاده جنسی باشد.

۵-۲- حق بر تصویر و ممنوعیت گرفتن عکس و فیلم از کودکان

گرفتن عکس یا فیلم از کودکان اصولاً بدون رضایت ولی یا سرپرست قانونی او مجاز نیست مگر اینکه با رضایت ولی یا سرپرست قانونی او یا در مواردی که موضوع گزارش انعکاس یک رویداد خبری مهم و مرتبط با مصالح عالی کودکان باشد؛ مانند پوشش جشن‌های بازگشایی مدارس یا جشنواره‌های دانش‌آموزی؛ البته برای گرفتن عکس از دانش‌آموزان یا انجام مصاحبه با آنان، اخذ رضایت از مسئولان مدرسه کافی نیست و باید از ولی کودک نیز رضایت اخذ شود. باید متوجه بود که معلم و مسئولان مدرسه در چهارچوب رضایت والدین مجاز به رضایت دادن هستند و مستقلاً اختیاری در این زمینه ندارند. در صورتی که هویت کودک در عکس قابل شناسایی نباشد؛ مانند عکس گرفتن از نمای دور از کودکان در حال بازی در پارک یا حاضر در حیاط مدرسه نیازمند اخذ رضایت نیست؛ همچنین، مجاز بودن گرفتن عکس یا فیلم از یک کودک به منزله مجاز بودن انتشار آن عکس نیست. ممکن است زمینه آن عکس یا وجود سایر اطلاعات در آن یا سایر عوامل، انتشار آن را با چالش مواجه کنند؛ بنابراین، پیش از انتشار هر عکسی باید کنترل لازم صورت گیرد.

عکس‌های کودکان که از سوی والدین آنها و برخلاف مصالح عالی کودک از جمله برای مقاصد تبلیغات تجاری و کسب و درآمد، منتشر شده است به خودی خود سبب نمی‌شود که بازنشر آنها برای گزارشگران مجاز شود. در چنین مواردی باید با عدم بازنشر یا بازنشر همراه با نقد و آسیب‌شناسی، زمینه را برای چنین سوءاستفاده‌هایی از میان برد. با توجه به مطالبی که قبلاً گفته شد قابل دسترس بودن عکس‌های کودکان در فضای مجازی حتی اگر به دست خود آنها یا والدین یا سرپرستان قانونی آنها صورت گرفته باشد، مجوزی برای بازنشر آنها نیست مگر آنکه از قانونی بودن انتشار آنها در فضای مجازی اطمینان حاصل شود.

اگر انتشار تصویر کودک برای موضوع گزارش ضروری باشد مانند انتشار تصاویر کودکان کار و احتمال داشته باشد که این انتشار به حقوق و منافع کودک یا خانواده او

لطمه وارد کند، باید با استفاده از روش‌های بی‌نام‌سازی، تصویر کودک ناشناس شود. همچنین، در مواردی که این احتمال باشد که انتشار تصویر کودک می‌تواند برای مصالح عالی او تأثیر مثبت داشته باشد از جمله برای پیدا شدن کودک گمشده، یا کمک به کودک نیازمند سرپرست قانونی، نیازی به اخذ رضایت نیست ولی درهرحال، کرامت کودک باید محترم شمرده شود.

در گزارش از کودکان معارض قانون از جمله کودکانی که در فرایندهای قضایی به‌عنوان بزهکار یا بزه‌دیده حضور دارند، استفاده از عناوین «مجرم»، «متهم»، «بزهکار»، «مرتکب جرم» و سایر اصطلاح‌هایی که برای گزارش جرائم بزرگسالان استفاده می‌شود کودکان مجاز نیست. از اصطلاح‌هایی مانند «بزه‌دیده» و «قربانی» چه در مورد کودکانی که خطایی را مرتکب شده‌اند و چه در مورد کودکانی که لطمه‌ای به آنها وارد شده است می‌توان استفاده کرد. همچنین، گرفتن عکس از کودکانی که به‌عنوان بزهکار یا بزه‌دیده در مراجع قضایی حاضر هستند حتی در فرض رضایت ولی یا خود آنها مجاز نیست. افزون‌براین، از افشای هویت کودکانی که به هر دلیل از جمله به‌عنوان شاهد یا بزه‌دیده در فرایندهای قضایی حضور دارند باید خودداری شود. گزارشگر باید دقت و حساسیت بیشتری نسبت به فاش نشدن هویت کودک به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌خطر نیفتادن او داشته باشد. در این خصوص، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با الحاقات و اصلاحات بعدی) در مواد مختلف خود به لزوم حمایت از حریم خصوصی در فرایند رسیدگی کیفری تصریح کرده است. این قانون برای نخستین‌بار لزوم رعایت حریم خصوصی را در سراسر فرایند رسیدگی کیفری الزامی دانسته و تصریح می‌کند که «هرگونه ... ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست».^۱ ممنوعیت افشای حریم خصوصی گاهی متوجه مقامات قضایی و ضابطان است، گاهی متوجه رسانه‌ها و گاهی نیز متوجه طرفین دعوا. در مورد مقامات قضایی و ضابطان، اطلاعات مربوط به زندگی شخصی افرادی به مناسبت تحقیقات مقدماتی در فرایند کیفری حضور دارند به‌عنوان اسرار حرفه‌ای قلمداد شده و از آن حفاظت شود. قانون مذکور، در

مورد حمایت از حریم خصوصی مظنونان، متهمان و بزه‌دیدگان تصریح دارد که: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است»^۱، «کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند»^۲. همچنین، به موجب ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ هرکس هویت یا اطلاعات و اسرار طفل یا نوجوان بزه‌دیده یا در وضعیت مخاطره‌آمیز را افشا و یا جزئیات جرم ارتكابی توسط طفل و نوجوان یا علیه وی را از طریق رسانه‌های گروهی و یا با توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن تشریح کند به گونه‌ای که موجب تجری دیگران، اشاعه جرم، آموزش شیوه ارتكاب آن یا بروز هرگونه ضرر یا آسیب به طفل یا نوجوان یا خانواده وی شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. ولی هرگاه توزیع، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن به صورت محدود و به منظور استفاده علمی یا در جهت مصالح طفل یا کمک به او باشد و همچنین سایر موارد با تشخیص قاضی از شمول این ماده مستثنی است.

سرانجام آنکه تهیه و انتشار گزارش مشتمل بر هر نوع متن، تصویر، صدا، ویدیو از کودکانی که در درگیرهای مسلحانه داخلی یا بین‌المللی قرار دارند از جمله کودکان آواره باید با هدف فراهم کردن زمینه حمایت از آنها و تأثیرگذاری بر طیف کاملی اشخاصی که وظایف و مسئولیت‌هایی در قبال حمایت از کودکان دارند صورت گیرد. از کودکان سرباز بویژه اگر اسلحه در دست داشته باشند نباید عکس و فیلم گرفته شود و عکس و فیلم‌های گرفته شده از قبل نباید منتشر شود. در هر حال، اصل مصالح عالی کودک و اصل عدم آسیب به کودکان باید اصلی‌ترین اولویت باشد.

نتیجه‌گیری

گزارش اخبار و اطلاعات کودکان در عین حال که برای جلب توجه عمومی به مسائل و

۱. ماده ۴۰

۲. ماده ۹۱

موضوع‌های آنها لازم و ضروری است باید با رعایت اصولی انجام شود که به حقوق، شخصیت و رشد آنها لطمه وارد نکند. این اصول عبارت‌اند از: اصل مصالح عالی کودک، اصل راستگویی و رفتار حرفه‌ای، اصل پیشگیری و ارزیابی احتمال آسیب، اصل احترام به دیدگاه‌های کودک (حق شنیده شدن) و اصل ناشناس ماندن و منع افشای هویت کودک. این اصول از ملاحظه توأمان حقوق کودک و معیارهای گزارشگری و اطلاع‌رسانی قابل استنباط است. گزارشگران و رسانه‌هایی که دغدغه رعایت حقوق کودک را دارند، نهادهای ناظر بر حقوق کودک و نهادهای ناظر بر رسانه‌ها باید نسبت به نهادینه کردن این اصول و رعایت آنها در مقام عمل اهتمام کنند. در نظام حقوق ایران به‌ویژه در قوانین و مقررات راجع به رسانه‌ها، معیارها و ضوابط خاصی نه برای انتشار نشریات کودکان و نه برای گزارشگری در امور کودکان پیش‌بینی نشده‌است. چهارچوب‌های حمایتی مقرر در مصوبات شورای عالی فضای مجازی نیز هنوز عملیاتی و اجرایی نشده‌است. توجه به اصول مقرر در این مقاله و استفاده از دستاوردهای بین‌المللی و ملی در این زمینه می‌تواند در ایجاد محیط حمایتی و مشارکتی برای گزارشگری در حوزه کودکان قابل مؤثر باشد.

فهرست منابع

- انصاری، باقر (۱۳۹۲). حق آموزش، حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: شهر دانش.
- زند، حسین (۱۴۰۱). حمایت از داده‌ها در حقوق موضوعه ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مصوبه شورای عالی فضای مجازی در خصوص صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی (۱۴۰۰)، <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1681090>.
- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با الحاقات و اصلاحات بعدی).
- Bertram Harnett and John V. Thornton, The Truth Hurts: A Critique of a Defense to Defamation, *Virginia Law Review*, Vol. 35, No. 4, 1949, pp432-437, <http://www.jstor.org/stable/1069017?origin=jstor-pdf>.
- Children Online Privacy Protection Act (1998) <https://www.congress.gov/bill/105th-congress/senate-bill/2326>.

- Committee on the Rights of the Child (6 December 2016), General Comment No 20 on the implementation of the rights of the child during adolescence, CRC/C/GC/20, para 15. <https://www.refworld.org/legal/general/crc/2016/en/115419>.
- CRC Committee, General Comment No. 12 (2009), The right of the child to be heard (20 July 2009. <https://www.refworld.org/legal/general/crc/2009/en/70207>.
- CRC Committee, General Comment No. 14 (2013) on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration, para.6. <https://www.refworld.org/legal/general/crc/2013/en/95780>.
- CRC Committee, General Comment No. 5 (2003) on the general measures of implementation of the Convention on the Rights of the Child, para. 12; and General Comment No. 12 (2009) on the right of the child to be heard, para. 2.
- CRC General comment No. 7 (2005): Implementing Child Rights in Early Childhood, pp. 5-6. <https://www.refworld.org/legal/general/crc/2006/en/40994>.
- Fernandez, Joseph M , Truth in Journalism : Oxymoron or Lofty Ideal? The University of Notre Dame Australia Law Review, Vol.12, 2010, p. 173. <http://classic.austlii.edu.au/au/journals/UNDAULawRw/2010/8.pdf>.
- Freeman, Michael, *Article 3. The Best Interests of the Child*, in: A. Alen, J. Vande Lanotte, E. Verhellen, F. Ang, E. Berghmans and M. Verheyde (Eds.) *A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child*, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden, 2007, PP. 61-62.
- International Federation of Journalists' Draft Guidelines and Principles for reporting on issues involving children, 2019, https://www.unicef.org/georgia/sites/unicef.org.georgia/files/2019-03/Guidelines_on_reporting_sexual_abuse_and_exploitation_of_children.pdf.
- Jempson, Mike and Bill Norris, Information and Child's Rights - The Challenge of Media Engagement, International Survey of Journalistic Standards Established for Reporting Children's Issues, <http://www.mediawise.org.uk/wp-content/uploads/2011/03/Information-Childs-Rights-International-Survey.pdf>.
- Koziol, Helmut, Alexander Warzilek (eds.)(2005), *the Protection of Personality Rights against Invasions by Mass Media*, Springer-Verlag/Wien, Germany., pp.628-.629.
- LOI n° 2020-1266 du 19 octobre 2020 visant à encadrer l'exploitation commerciale de l'image d'enfants de moins de seize ans sur les plateformes en ligne, <https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000042439054>.
- LOI n° 2024-120 du 19 février 2024 visant à garantir le respect du droit à l'image des enfants, <https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000042439054>.
- LOI n° 2024-120 du 19 février 2024 visant à garantir le respect du droit à l'image des enfants, <https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000042439054>.
- Media Monitoring Africa, Editorial Guidelines and Principles on Reporting on Children in the Media, https://www.mediamonitoringafrica.org/images/uploads/A5_Booklet_final_lowres_01.pdf.
- Regulation (EU) 2016/679 of the European Parliament and of the Council of 27 April 2016 on the protection of natural persons with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data, and repealing Directive 95/46/EC (General

Data Protection Regulation), Art. 8, <https://eur-lex.europa.eu/eli/reg/2016/679/oj>. Regulation (EU) 2022/2065 of the European Parliament and of the Council of 19 October 2022 on a Single Market For Digital Services and amending Directive 2000/31/EC (Digital Services Act), Article 28(1), <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A32022R2065>.

Steinberg, Stacy, Sharenting: Children's Privacy in the Age of Social Media, Emory Law Journal, Volume 66, Issue 4, 2017. P. 848,

<https://scholarlycommons.law.emory.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1094&context=elj>.

UNICEF, Guidelines for journalists reporting on children, <https://www.unicef.org/eca/media/ethical-guidelines>.

United Nations Committee on the Rights of the Child, 13th Session, 7 October 1996 : The Child and the Media:

<https://www.ohchr.org/sites/default/files/HRBodies/CRC/Documents/Recommandations/media.pdf>.

United States Department of Justice, Guide for Media Practitioners on the Reporting and Coverage of Cases Involving Children, (Revised 2008),

<https://www.doj.gov.ph/files/2016/THE%20GUIDE%20FOR%20MEDIA%20PRACTITIONERS.pdf>.

معامله زمین مجازی در متاورس و چالش‌های فقهی و حقوقی آن

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

علیرضا شمشیری^۱

فرشته امیرآبادی^۲

چکیده

متاورس یکی از پدیده‌های نوظهوری است که به سرعت در حال فراگیری در ابعاد مختلف می‌باشد. در متاورس اموال مجازی از جمله زمین برای اهداف متفاوت معامله می‌شوند. در مورد صحت چنین معاملاتی ممکن است چالش‌های فقهی و حقوقی مطرح شوند. به دلیل ناشناخته و مجازی بودن فضای متاورس، بعضی شبهه عدم مالیت زمین مجازی را بیان می‌کنند. ممکن است ایراد عدم عینیت زمین مجازی نیز توسط قائلین به ضرورت عینیت مبیع، مطرح شود. بعضی نیز با بیان اینکه در معامله مذکور، ثمن و مثن هر دو مجازی‌اند و در بعضی جنبه‌های آن ابهام وجود دارد، بیع زمین مجازی را مصداق بیع غرری و باطل دانسته‌اند. در این نوشتار با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با بررسی منابع کتابخانه‌ای، در نهایت به این نتیجه رسیدیم که مطابق برخی دیدگاه‌های فقهی که ملاک مالیت را عرف و بنای عقلا می‌دانند، چون زمین مجازی در متاورس مورد رغبت عقلا و دارای ارزش اقتصادی است، مالیت داشته و می‌تواند معامله شود؛ از طرفی چون امروزه در دنیای اموال غیرمادی و مجازی به وفور معامله می‌شوند؛ بنابراین عرفاً بیع منحصر در اعیان نیست. همچنین دریافتیم که در معامله مزبور، جهل و ابهامی که موجب ایجاد ضرر شود وجود ندارد؛ لذا غرری بودن و بطلان معامله منتفی است. در نهایت می‌توانیم معامله زمین مجازی در متاورس را صحیح بدانیم مگر مواردی که بعدها به دلایلی خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی شناخته شود.

واژگان کلیدی

متاورس، زمین مجازی، مالیت مبیع، عینیت مبیع، غرر.

۱- استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

shamshiri.f@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

f.amirabadi.86@gmail.com

مقدمه

در عصر حاضر، مفهوم «متاورس» به عنوان یک عرصه مجازی جدید، تحولات چشمگیری را در دنیای فناوری و تجارت به همراه داشته است. متاورس که به عنوان یک جهان مجازی شناخته می شود، امکان فعالیت های متنوع اقتصادی از جمله خرید و فروش املاک مجازی را فراهم آورده است. این املاک، هرچند فیزیکی نیستند؛ اما دارای ارزش اقتصادی قابل توجهی هستند. از آنجاکه به نظر می رسد متاورس جزء اجتناب ناپذیر آینده باشد، ضروری است که جوامع، خود را با این پدیده جدید تطابق دهند، ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

پرداختن به این موضوع به دلیل جدید بودن، میان فقها و حقوق دانان متداول نبوده است. از منظر بررسی فقهی، در دو نشست علمی در سال ۱۴۰۰، به طور اجمالی به معامله زمین مجازی اشاره شده و چالش هایی مطرح شد که در نوشتار حاضر بررسی خواهد شد. مقاله ای نیز با عنوان متاورس و چالش های حقوقی در حوزه حقوق اموال در سال ۱۴۰۱ نوشته شده است که در آن عمدتاً به نظریه های مربوط به مالکیت مجازی و نیز مالیت اموال مجازی پرداخته شده است، در حالی که در نوشتار حاضر به طور ویژه به معاملات زمین مجازی و چالش های حقوقی و فقهی آن، با بررسی منابع کتابخانه ای و با روش تحلیلی توصیفی، پرداخته شده است.

یکی از مسائل مرتبط با معاملات املاک مجازی در متاورس، چالش های حقوقی و فقهی متعددی است که ممکن است مطرح شود؛ از جمله اینکه آیا زمین مجازی در فضای متاورس از منظر فقه و حقوق دارای مالیت است؟ آیا زمین مجازی که مالی غیرمادی محسوب می شود می تواند موضوع بیع قرار بگیرد؟ و با توجه به اصول و قواعد شریعت اسلامی که پایه گذار اقتصاد اسلامی هستند، آیا این معامله مشمول معامله غرری و باطل است یا خیر؟ در بخش اول این مقاله، به بررسی متاورس و مفاهیم مرتبط با آن خواهیم پرداخت. در قسمت دوم، مالیت زمین در این فضای مجازی از دیدگاه حقوق دانان و فقها مورد تحلیل قرار می گیرد. در قسمت سوم اینکه زمین مجازی می تواند موضوع معامله و بیع قرار بگیرد یا خیر؟ و در قسمت چهارم، چالش غرری بودن معاملات زمین مجازی در متاورس از

منظر فقهی و حقوقی بررسی خواهد شد. این تحلیل به درک بهتر چگونگی تعامل با این پدیده نوین کمک خواهد کرد.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۲- متاورس^۱

متاورس که در واقع ترکیبی از پیشوند «متا» (به معنی فراتر رفتن) و پسوند «ورس» (که به معنی جهان است) است، یک جهان تولید شده توسط رایانه با یک سیستم ارزش پایدار و یک سیستم اقتصادی مستقل است که به جهان فیزیکی مرتبط است. متاورس، یک فضای مجازی چندکاربره است که از طریق فناوری‌های واقعیت مجازی و واقعیت افزوده ایجاد می‌شود. در این فضا، کاربران می‌توانند تجربه‌ها، فعالیت‌ها و تعامل‌های متنوعی داشته باشند، از جمله خرید و فروش دارایی‌های مجازی، شرکت در رویدادها، ایجاد و توسعه زمین‌ها و ساختمان‌ها و حتی برقراری ارتباطات اجتماعی. متاورس به عنوان یک جهان جدید و بزرگ‌تر از اینترنت مطرح شده و ظرفیت تغییر چشمگیری در نحوه تعامل و کسب‌وکارهای برخط دارد (Wang et al, 2022, pp. 1-3).

۲-۲- بلاکچین^۲

بلاکچین یک دفترکل دیجیتال است که در آن تراکنش‌های انجام شده با بیت‌کوین یا ارزهای دیجیتال دیگر (Oxford Dictionaries Updates, n.d., s.v. "Blockchain") و نیز سایر اطلاعات دیجیتالی با امنیت بالا و با استفاده از روش رمزگذاری و توزیع پایگاه داده در سراسر یک تعداد از شبکه‌ها به صورت زمانی و عمومی ثبت می‌شود (شیرانی و طلاکش، ۲۰۲۱، ص. ۱۷۷). ویژگی بارز بلاکچین، غیرقابل تغییر بودن داده‌های ثبت شده است، به این معنی که داده‌های ذخیره شده در بلاک‌ها نمی‌توانند پس از ثبت ویرایش یا حذف شوند. در متاورس، بلاکچین برای تأیید و ثبت مالکیت دارایی‌های دیجیتالی مانند زمین‌های

1. Metaverse
2. Blockchain

مجازی و آثار هنری استفاده می‌شود. این دارایی‌ها با استفاده از توکن‌های غیرقابل‌تبدیل^۱ (ان‌اف‌تی) شناسایی می‌شوند که منحصر به فرد بودن و اصالت آن‌ها را تضمین می‌کند (Laeq, 2022, p. 1); برای مثال، خرید زمین در متاورس با ثبت معامله در بلاک‌چین، مالکیت واقعی خریدار بر زمین مجازی را اثبات می‌کند. بلاک‌چین در متاورس دو وظیفه اصلی دارد: اول، به عنوان مخزن داده‌ها عمل می‌کند، امکان ذخیره داده در هر جای متاورس را فراهم می‌آورد؛ دوم، یک سیستم اقتصادی کامل برای متاورس فراهم می‌کند که از طریق آن کاربران می‌توانند اقلام مجازی را معامله کنند. ان‌اف‌تی‌ها این امکان را فراهم می‌کنند که اشیای مجازی به اشیای فیزیکی تبدیل شوند؛ بنابراین، بلاک‌چین پلی میان دنیای واقعی و متاورس ایجاد می‌کند (Gadekallu et al, 2022, p. 5).

۲-۳- توکن^۲

در حوزه رمزارزها و فناوری بلاک‌چین، توکن‌ها واحدهای دیجیتالی هستند که با استفاده از فناوری زنجیره‌بلوکی ساخته شده و می‌توانند ارزش‌های متفاوتی داشته باشند، از ارز و دارایی گرفته تا حقوق مختلف. توکن‌ها به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: توکن‌های قابل معاوضه^۳ و توکن‌های غیرقابل معاوضه^۴. توکن‌های قابل معاوضه، مانند بیت‌کوین یا اتر، ارزش و خصوصیات یکسانی دارند و قابل تبادل هستند. در مقابل، توکن‌های غیرقابل معاوضه دارای ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردی هستند و معمولاً برای نمایش دارایی‌های دیجیتالی منحصر به فرد مانند آثار هنری و مالکیت دیجیتالی از جمله املاک و مستغلات مجازی به کار می‌روند. هر کالایی که در قالب ان‌اف‌تی فروخته می‌شود دارای یک امضای منحصر به فرد است (مقالات فناوری بلاک‌چین، edub.ir).

-
1. NFT
 2. Token
 3. Fungible Token
 4. Non-Fungible Token (NFT)

۲-۴- مالکیت مجازی^۱

در فضای متاورس، مفهوم مالکیت به چالش کشیده شده است. در دنیای واقعی، مالکیت به معنای داشتن حقوق روی زمین یا املاک است؛ اما در متاورس، مالکیت بیشتر به معنای داشتن حق کنترل و استفاده از یک دارایی دیجیتال است تا یک مالکیت فیزیکی و چون مالکیت مجازی غیرقابل لمس و غیرمادی است، عده‌ای از نویسندگان حقوقی آن را غالباً تحت عنوان مالکیت فکری^۲ می‌دانند (پناهی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۲۷)؛ درحالی‌که مالکیت مجازی یک شیء می‌تواند حقوق مالکیت فکری مرتبط با خود را داشته باشد (Erlank, 2015, p. 2583)؛ لذا به نظر می‌رسد مالکیت فکری و مالکیت مجازی دو مفهوم متفاوت می‌باشند. مالکیت فکری به مجموعه‌ای از حقوق مرتبط با ابداعات ذهنی و فکری اشاره دارد. مانند حقوق مؤلف، اختراعات، طرح‌های صنعتی و نشان‌های تجاری؛ اما مالکیت مجازی به مالکیت اشیاء و منابعی اشاره دارد که در دنیای مجازی وجود دارند، مانند اشیاء در بازی‌های برخط یا دارایی‌های دیجیتالی که در فضاها یا مجازی خریداری شده‌اند مانند زمین‌ها و ساختمان‌های مجازی. این دارایی‌ها می‌توانند از ارزش واقعی برخوردار باشند و در برخی موارد قابل معامله و خرید و فروش هستند. مالکیت مجازی سه ویژگی قانونی مشترک با مالکیت جهان واقعی دارد که عبارت‌اند از: رقابت‌پذیری یا انحصاری بودن، دوام و پایداری کدها، اتصال‌پذیری و تعامل با دیگر اجزا به گونه‌ای که دیگران هم می‌توانند به آن متصل شوند و با مالک تعامل داشته باشند (Fairfield, 2005, p. 1053-1054).

۲-۵- زمین مجازی^۳

املاک دیجیتال در متاورس که می‌توانند به اندازه املاک واقعی ارزشمند باشند فرصت‌های جدیدی برای زندگی، سرمایه‌گذاری و معاملات و مقاصد گوناگون مانند کنسرت‌ها و نمایشگاه‌ها ارائه می‌دهند. کاربران از ارزهای دیجیتالی مانند مانا^۴ یا سند^۵ برای خرید

1. Virtual Property
2. Intellectual Property
3. Virtual Land
4. MANA
5. SAND

زمین استفاده می‌کنند (Gadekallu et al, 2022, p. 5) و هر قطعه زمین با یک توکن غیرقابل‌تبدیل^۱ (ان‌اف‌تی) پشتیبانی می‌شود که مالکیت آن را تضمین می‌کند. با وجود مزایایی مثل دسترسی آسان و امکان سودآوری، چالش‌هایی نیز مانند کمبود قوانین مناسب و افزایش تهدیدات سایبری وجود دارد (Freeze, 2022). میان محیط‌های مجازی و دنیای واقعی تعامل وجود دارد و مردم با پول واقعی اشیاء مجازی را می‌خرند و در واقع املاک مجازی ارزش واقعی دارند (Fairfield, 2005, p. 1060). مقصود از زمین‌های مجازی مقدار فضای دیسکی و سی‌پی‌یویی است که کاربران با خرید زمین آن را اشغال می‌کند (پناهی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۲۵۹). دلایل اصلی خرید زمین مجازی شامل فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید، ترس از زوال فرصت‌های مشابه بیت‌کوین، گسترش رمزارزها و فرصت‌های ایجاد درآمد، مانند کنسرت‌ها هستند (راسل، ۱۴۰۱، صص. ۶۸-۷۰).

۲- مالیت زمین مجازی در متاورس

در فقه اکثر فقها بیع را مبادله مال به مال تعریف کرده‌اند و لذا در مورد شرایط عوضین گفته‌اند که باید هر دو مالیت داشته باشند (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۱۱۰؛ بروجردی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص. ۲۷۴). درمقابل بعضی از فقها معتقدند که در عقد بیع لازم نیست که هر دو عوض (چیزهای مورد مبادله) مال باشند، و صرفاً اگر جز چیزهایی باشد که افراد عاقل و منطقی به آنها تمایل داشته باشند برای صحت بیع کافی است. حتی در مواردی که فردی چیزی را برای یک هدف شخصی خریداری کند؛ اما دیگران اصلاً به آن تمایل نداشته باشند، معامله معتبر است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۶، ص. ۱۸؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص. ۷؛ اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص. ۷). از نظر این دسته فقها علاقه و رغبت عامل مهم و تأثیرگذار در مالیت چیزها است. بعضی اشیاء ممکن است برای یک گروه یا طبقه خاص از مردم مورد توجه باشند، حتی برای یک فرد خاص؛ اما برای دیگران چنین نباشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۱۹۱). بنابراین لازم نیست که مبیع نزد عرف مالیت داشته باشد بلکه همین که مبیع نزد فردی که بیع را انجام می‌دهد مالیت داشته باشد کافی است (نوری همدانی، ۱۳۹۰) و در واقع برای حلیت بیع، هرگاه

1. NFT

شی‌ای در عرف مورد مبادله و معامله قرار گرفت مشمول حکم کلی احل الله البيع قرار گرفته و حلال بودن آن مورد تأیید قرار می‌گیرد نه اینکه ابتدا بررسی کنند که آیا عوضین از اموال هستند یا خیر و بعد بگویند چون مالیت داشته‌اند پس بیع صحیح است (ایروانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۵).

اگر تعریف دسته دوم فقها از مال را که شرط مال بودن عوضین در بیع را قبول ندارند بپذیریم، در این صورت زمین مجازی هم چون مورد رغبت عده‌ای از افراد در دنیا است، مالیت داشته و خرید و فروش آن جایز است؛ اما در صورتی که همانند اکثر فقها و بعضی حقوق‌دانان صحت بیع را منوط به مال بودن عوضین بدانیم، ناگزیر از این هستیم که به بررسی مفهوم مال بپردازیم و تحلیل کنیم که آیا زمین مجازی مال محسوب می‌شود و معامله آن صحیح است و یا بنا بر نظر برخی فقهای متأخر که زمین مجازی را مال نمی‌داند و برای آن مالیت حقیقی قائل نیستند و آن را فاقد منفعت حلال نزد عقلا می‌دانند، معامله زمین مجازی باطل است (راکی، ۱۴۰۰).

۲-۱- تعریف مال از منظر فقها

مال جزء حقایق شرعیه نیست؛ بلکه از معانی عرفیه است (ترابی، ۱۴۰۰) و یک مفهوم اعتباری است که عرف و عقلا در تعاملات اقتصادی خود برای آن مفهوم و ارزش اقتصادی قائل می‌شوند (صدر، ۱۳۸۹، ص ۲۱) و در واقع از چگونگی استفاده عقلا از آن موضوعات است که آنها را به عنوان مال می‌شناسیم. عرف و عقلا در هنگام معاملات خود بررسی نمی‌کنند که مبيع مال است یا خیر بلکه فقیه است که از رفتار عرف و عقلا درباره اشیا عنوان مال را برای آنها وضع می‌کند (یوسفی، ۱۳۹۹، ص ۴۷). «مال» از دیدگاه برخی فقها (توحیدی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۲) چیزی است که به ازای آن یک مال یا شی دیگر داده می‌شود^۱ که عده‌ای این تعریف را مستلزم دور دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۱۲)؛ زیرا این تعریف شامل معرف در تعریف است (ایروانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۵). بعضی مال را امری عرفی و عقلایی می‌دانند که نزد مردم از مطلوبیت برخوردار است و نیازهای آنان را به طور مستقیم یا غیرمستقیم

۱. «المال ببذله بازائه شیء».

مرتفع می‌کند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۲). از نظر برخی فقها مال باید دارای منفعت یا خاصیت^۱ باشد، باید ارزش و جذابیتی داشته باشد که مردم را ترغیب به خرید یا تملک آن کند، شیء باید چیزی باشد که عقلاً برای آن مالی (پول یا چیز باارزش دیگر) پرداخت می‌کنند. اگر شیء منفعت و خاصیت داشته باشد؛ اما به دلیل فراوانی و دسترسی آزاد به آن، عقلاً برای آن چیزی پرداخت نکنند، آن شیء مال محسوب نمی‌شود، قابلیت اخذ و تسلط توسط فرد را داشته باشد، عقلاً هم به این امر مبادرت کرده و در مقابلش مال (چیزی) بپردازند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۴) و اینکه مانند شراب مورد نهی شرعی نباشد (آملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۳۶۴ و ۳۶۵). بعضی وجود تنها دو ویژگی مورد رغبت عقلاً بودن و کمیاب بودن به طوری که در دسترس عموم مردم نباشد را برای مال بودن کافی می‌دانند (صدر، ۱۳۸۹، ص ۲۳). به نظر برخی فقها دو عامل در تحقق مفهوم مال دخیل هستند: اول، نیاز مردم به آن در زندگی دنیوی یا اخروی آنها و دوم، عدم امکان دستیابی به آن بدون انجام کار. به همین دلیل، ارزش مالی اموال متفاوت است و باید میزان نیاز و کار و تلاش لازم برای رسیدن به موضوع موردنظر در ارزش‌گذاری لحاظ شود؛ به عنوان مثال، آب در کنار رودخانه به عنوان مال در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما هرچه از آن دورتر شود، مالیت آن افزایش می‌یابد (ایروانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۵). در نقد این نظر که مال باید با کار به دست بیاید، گفته شده است که کار باید منشأ مالکیت شمرده شود نه منشأ مالیت و تنها یکی از عوامل مؤثر در ارزش‌گذاری است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱، صص ۷۱ و ۷۴). برخی فقها علاوه بر اینکه نیاز و رغبت عقلاً برای داشتن شیء را از خصوصیات مال می‌دانند، کمیاب بودن، مورد رقابت قرارگرفتن میان افراد را نیز از جمله خصوصیات مال ذکر می‌کنند. علاوه بر این‌ها یک شیء ممکن است به دلیل تصمیم یک فرد مقتدر (مانند یک حاکم یا پزشک) به مال تبدیل شود یا از ارزش مالی خود افتد (حکیم، بی‌تا، ص ۳۲۵).

۱. منظور از منفعت این است که با استفاده از منفعت ملازمه با بقا عین مال دارد مانند خانه که با سکونت در آن عین باقی است؛ اما مراد از خاصیت این است که استفاده از آن مال همراه با از بین رفتن عین مال است مانند نان که با خوردن از بین می‌رود؛ بنابراین اگر چیزی نه منفعت داشت و نه خاصیت مال نیست (آملی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۶۴).

در مورد اینکه آیا شارع می‌تواند مالیت چیزهایی را که عرفاً مال محسوب می‌شوند را ساقط کند یا خیر؟ میان فقها تفاوت نظر وجود دارد؛ عده‌ای قائل به توانایی شارع در سقوط عنوان مالیت هستند (آملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، صص ۶-۷؛ توحیدی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۰). اما درمقابل برخی معتقدند که شارع نمی‌تواند مال را از مالیت بیاندازد و تنها از بعضی یا تمام آثار مترتب بر آن مثلاً معامله، استفاده و ... می‌تواند نهی کند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۵). که با توجه به عرفی بودن مال، نظر دسته دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد. این شرط در جوامع متشرع موضوعیت دارد والا در جوامع غیرمتشرع، شیء حرام از مالیت نمی‌افتد؛ لذا اینکه بگوییم چیزی به دلیل حرمت اصلاً مال نیست با اینکه بگوییم مال هست؛ اما حرام است تفاوت وجود دارد بنابراین شرط مذکور را نمی‌توان از شروط مالیت دانست (ترابی، ۱۴۰۰). درواقع نهی شارع می‌تواند به متعلق احکام که فعل مکلفان است تعلق گیرد چرا که در افعال مکلفان امکان در نظر گرفتن مصالح و مفاسد است و در خود عناوین عرفی، مصلحت و مفسده‌ای وجود ندارد که شارع بخواهد عنوان را ساقط کند. درواقع شارع قادر نیست که عنوان مالیت را ساقط کند (یوسفی، ۱۳۹۹، ص ۴۹). بنابراین، هرگاه در مالیت شرعی شی‌ای که از مالیت عرفی برخوردار است، شک کردیم می‌توان با تمسک به عمومات و اطلاقات بیع، آن را دارای مالیت شرعی دانست؛ زیرا موضوع عمومات مالی عرفی است نه شرعی (خمینی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۵۹).

۲-۲- تعریف مال از منظر حقوق دانان

در مورد مال تعریف مشخصی در قانون ارائه نشده است که این امر بنا بر نظر برخی، خود نقیصه‌ای برای قانون مدنی ایران محسوب می‌شود (جعفری/نگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۵). تعاریف مختلفی از مال توسط برخی حقوق دانان ارائه شده است. بعضی معتقدند مال، هر چیزی است که در میان مردم قابلیت مبادله و دادوستد داشته باشد و در هنگام فروش، بابت آن وجه یا چیزی که مناسب با قیمت آن باشد به مالک و فروشنده بدهند، مشروط بر اینکه خریدوفروش، نگهداری و حمل آن برخلاف قانون و موازین شرعی نباشد (امامی و صفایی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۳ و ۱۳۲؛ صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۸). عده‌ای دیگر مال را چیزی می‌دانند که

بتواند مورد دادوستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله داشته باشد (شهیدی، ۱۳۸۰، ص. ۴۹)، که برخی منظورشان از داشتن ارزش مبادله‌ای امکان تعیین بهای شرعی است؛ لذا گوشت خوک با اینکه در منظر غیرمسلمانان مال محسوب می‌شود؛ اما از نظر مسلمانان مال نیست؛ اما امروزه از نظر برخی حقوق‌دانان ملاک در درستی و ضمان اموال، ارزش اقتصادی اموال در نگاه متعاملین است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۱۶۴۷). همچنین، برخی دیگر از حقوق‌دانان، مفید بودن و قابلیت اختصاص یافتن به شخص یا ملت خاصی را از شروط اساسی مال بودن می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص. ۹۰). تعریف دیگری توسط یکی دیگر از حقوق‌دانان ارائه شده است. عناصر مال از نظر ایشان عبارت‌اند از: مال باید قابل اختصاص دادن به شخص حقیقی یا حقوقی باشد؛ در صورت اختصاص به شخص، قابل نقل و انتقال باشد. پس سرقفلی که مستقلاً قابل نقل و انتقال نیست مال نیست؛ دارای نفع باشد؛ نفع عقلایی داشته باشد؛ ارزش ذاتی داشته باشد مانند طلب نه آنکه حاکی از ارزش باشد مانند اوراق قرضه و دستور پرداخت‌ها و (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص. ۳۱۲۷).

۲-۳- تحلیل مفهوم مال و زمین مجازی

همان‌گونه که گذشت فقها بر اساس اینکه شرع، مالیت شیء یا حق را منوط به عرف و عقلا کرده است، ملاک مالیت را بنای عقلا دانسته‌اند، ولی اشکال مهم بر این ادعا این است که مسئله مالیت زمین مجازی از مسائل مستحدثه است و حجیت سیره و عدم ردع آن از سوی شارع در مسائل مستحدثه محل بحث علمای اصول است. اکثر علمای اصول معتقدند سیره فقط در صورتی حجت است که به عصر امامان معصوم (ع) متصل شود و به عبارت دیگر تقریری از سنت باشد؛ لذا به عنوان یکی از منابع مستقل استنباط احکام در کنار ادله اربعه نپذیرفتند. به همین دلیل بسیاری از اصولیون قائل به عدم حجیت و اعتبار سیره‌های مستحدثه و نوپیدا شده‌اند؛ اما برخی در مقابل این قول مشهور حجیت سیره را ذاتی دانسته‌اند و منکر هم‌عصری سیره با زمان معصومین شده‌اند، مهم‌ترین ادله این گروه عبارت است از: ۱- غرض شارع از قرار دادن سیره، حفظ مصالح عمومی جامعه، قوام نظام اجتماعی و سامان‌بخشیدن به وضع معیشت و زندگی دنیوی است؛ لذا اگر

برای آن ارزش و اعتباری در نظر نگیریم شارع به هدف خود نخواهد رسید (فعلی و ولی‌اللهی، ۱۳۸۹، صص. ۳۳ و ۳۹)؛ ۲- التزام به شرط هم‌عصری سیره با زمان شارع به معنی نادیده گرفتن تغییرهای گسترده جوامع پیشرفته امروزی است، دنیای کنونی ضرورت‌هایی دارد که عقلای عالم، قوانین و قواعدی را بین خود قرار می‌دهند که شاید در عصر شارع نبوده یا اصلاً احساس نیازی در آن زمان نبوده است؛ فلذا شارع بر اساس نیاز جوامع، قطعاً بنائات عقلائیه را امضا می‌کند تا آنجا که بسیاری از احکام شرع، ناظر به بنائات عقلائیه بوده و قواعد و مناسبات عقلا در آن‌ها نقش داشته است؛ برای مثال می‌توان از عقد بیمه، تجارت الکترونیک، سهام و بازار بورس، اجاره تارنماهای اینترنتی و... نام برد (اکبرنژاد، ۱۳۸۹، ص. ۲۵).

زمین مجازی در متاورس مالیت عقلایی دارد؛ چون عقلا این خرید و فروش را می‌پذیرند (مادرشاهی، ۱۴۰۰). این منفعت اعم از منفعت ذاتی (اموال حقیقی) و منفعت اعتباری (اموال اعتباری) است. در پول‌های به شکل اسکناس، منفعت اعتباری است. منفعت در زمین مجازی نیز اعتباری است. اگر عده‌ای اشکال کنند که منفعت اعتباری را ما قبول نداریم باید بگوییم که در اسکناس هم اعتباری است پس آن هم نباید مورد قبول باشد و آن را نیز نباید مال به حساب آورد درحالی‌که این‌طور نیست. زمین مجازی مورد رغبت عقلاست و روزبه‌روز افزایش اقبال اشخاص برای خرید زمین هستیم. همان‌طور که گفته شد، زمین در متاورس، به صورت ان‌اف‌تی و در بستر بلاک‌چین است، توکن‌های منحصر به فردی که اطلاعات کامل زمین را دارند بدون اینکه امکان دستکاری آنها وجود داشته باشد، قابلیت اختصاص یافتن به خریدار را دارد و صاحب آن در خصوص آن دارای حقوق مالکانه است. تعداد زمین‌ها در متاورس محدود است و دارای کمیابی نسبی است و این‌طور نیست که تصور کنیم که چون دنیای مجازی است، به وفور وجود دارد؛ بنابراین زمین مجازی تمام خصوصیات مال را دارد و چون نهی شرعی مستقیماً به آن تعلق نگرفته است با تمسک به عموماً، معامله آن نیز شرعی محسوب می‌شود. تنها دلیلی که ممکن است شرعاً معاملات زمین مجازی را محدود کنند، غرر است که در آتی بررسی می‌شود؛ البته ملاحظه‌ای نیز وجود دارد و آن اینکه متاورس هنوز به طور کامل بروز پیدا نکرده تا تمام ابعاد آن مشخص شود؛ لذا ممکن است بعداً به سبب دلایلی مثلاً خلاف نظم عمومی بودن و خلاف اخلاق حسنه بودن

خرید و فروش زمین خدشه وارد آید.

۳- عدم عینیت زمین مجازی

یکی دیگر از شبهاتی که ممکن است مطرح شود این است که مطابق تعریف بیع که بعضی فقها آن را مبادله مال با مال دانسته‌اند، بیع را تنها شامل عین می‌دانند نه منفعت (مطهری، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۶۳) و همین امر در ماده ۳۳۸ قانون مدنی ما نیز به تبع برخی نظرهای فقهی مطرح شده است که بیع عبارت‌اند از: تملیک عین به عوض معلوم و ظاهر ماده عقد بیع را محدود به انتقال اعیان خارجی و مادی کرده است؛ بنابراین ممکن است بیان شود که در مورد زمین مجازی نیز چون عین نیست مشمول تعریف مزبور نشده و معامله آن بیع محسوب نمی‌شود.

۳-۱- نظر فقها در مورد عینیت مبیع

عین از منظر فقها چیزی است که در عالم خارج یافت شده و دارای طول و عرض و عمق است و در مقابل منفعت و حق قرار می‌گیرد (توحیدی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۱). برخی فقها معتقدند که در تعریف بیع، فرض بر این است که منفعت جزء اموال نمی‌باشد و بیان می‌دارند که لزوماً مبیع باید عین باشد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۷؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۲۰۸)؛ چرا که آنچه از بیع به ذهن متبادر می‌شود این است که مبیع عین است و تبادل علامت حقیقت است و معنای بیع، به بیع منفعت منتقل نشده است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۳) و بعضی معتقدند که مفهوم فروش نزد عرف، به تملیک اعیان اختصاص دارد و تملیک منافع را دربر نمی‌گیرد (توحیدی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۱). در مقابل بعضی از فقها می‌فرمایند که لغت «البیع» که در روایات مربوطه آمده است، اطلاق دارد لذا هم عین و هم منفعت را شامل می‌شود (ایروانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰) و اینکه فروش در کلمات برخی از فقها و در برخی اخبار، برای نقل چیزهایی غیر از اعیان از جمله منافع و برخی حقوق به کار رفته است (حیدری، ۱۴۳۴ق، ص ۸۸). فقهای دیگری هم با تأکید بر اینکه ادله شرعیه بر اساس آنچه که در عرف واقعیت دارد، نازل شده‌اند و از طرفی اجماعی بر اشتراط «عین» در مبیع وجود ندارد و در عمل بایستی به عرف مراجعه کرد که مطابق عرف، مبیع می‌تواند شامل چیزهایی فراتر از عین

باشد (میلانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۲)؛ بنابراین تعریف مال که ابتدا تنها شامل اعیان خارجی‌ای می‌شد که قابلیت حیات و انتفاع داشتند، به مرور زمان تغییر یافت و هر آنچه که از نظر عرف و عقلا فارغ از عینیت داشتن مال محسوب می‌شد را به‌عنوان مال می‌پذیرفتند (نجفی کاشف‌الغطا، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۱) تا جایی که امروزه تقریباً نمی‌توان در مال بودن اموال غیرمادی و حقوقی مانند سرقتی تردید نمود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۱)؛ بنابراین بیع حق و منفعت و بیع غیراعیان که نزد عرف و عقلا متعارف باشد، صدق بیع می‌کند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۵).

۳-۲- نظر حقوق‌دانان در مورد عینیت مبیع

از نظر حقوق‌دانان عین، مالی است که وجود مادی و ملموس دارد و به‌طور مستقل مورد معامله قرار می‌گیرد نه به‌عنوان ثمره تدریجی از عین دیگر (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۱) و وجود خارجی آن به صورت جسم است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۲۶۴). بعضی معتقدند که موضوع بیع حتماً باید عین باشد یعنی شی‌ای معین شده و دارای تجسم خارجی؛ لذا حق و منفعت و عمل نمی‌توانند مبیع واقع شوند (امامی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۲۵). درمقابل به نظر برخی، آنچه از عین در آثار فقها و نیز ماده ۳۳۸ قانون مدنی مدنظر بوده است، اصل وجود مال است (اعم از مادی و غیرمادی) که در مقابل منفعت قرار می‌گیرد نه آنچه در معناهای فلسفی، ذات قائم به نفس دارای وجود خارجی خوانده می‌شود، به عبارت دیگر گاهی عین به معنای وجود مادی و درمقابل اشیا غیرمادی قرار می‌گیرد و گاهی عین به مفهوم اصل خود مال درمقابل منفعت به کار می‌رود و درواقع می‌توان گفت که «عین» مشترک لفظی است (کریمی و موسوی، ۱۳۹۰، ص ۶۳). عده‌ای بیان می‌دارند که اساساً آنچه که مورد دادوستد قرار می‌گیرد حق مالکیتی است که به مال تعلق دارد و ذاتاً حقی غیرمادی و اعتباری است. با این استدلال، عین خصوصیتی درمقابل حق و منفعت و اموال غیرمادی ندارد که بیع را تنها منحصر به آن دانست. همان‌طور که حق مالکیت بر عین، قابلیت انتقال دارد، حق مالکیت بر منفعت و مال غیرمادی را نیز می‌توان مورد دادوستد قرار داد. آنچه که امروزه در دید عرف بیع تلقی می‌شود، تملیک مطلق مال یا درواقع انتقال مالکیت در برابر عوض است نه صرفاً عین خارجی (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۳۰۵-۳۰۷). تا جایی این منحصر بودن تعریف

بیع در عین خارجی برای برخی غیرقابل پذیرش است که معتقدند ماده ۳۳۸ قانون مدنی، نسخ ضمنی شده است و در قوانین حال حاضر ایران، بیع اختصاص به تملیک اعیان ندارد (جعفری/نگرودی، ۱۴۰۰، ص. ۲۶۵).

۳-۳- تحلیل عینیت مبیع در مورد زمین مجازی

همان‌طور که در مورد مفهوم بیع گفته شد، بیع حقیقت شرعیه نداشته و تنها دارای حقیقت عرفیه است؛ بنابراین در خصوص لزوم عینیت داشتن مبیع نیز باید به عرف مراجعه کرد. از آنجاکه امروزه در همه جای دنیا اموال غیرمادی می‌تواند موضوع عقد بیع واقع شود و معاملات اموال مجازی رواج فراوان دارد؛ لذا به نظر می‌رسد که معامله زمین مجازی در متاورس علی‌رغم غیرمادی بودن، کاملاً صحیح است.

۴- غرری^۱ بودن معامله

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در خصوص اعتبار معاملات زمین در متاورس وجود دارد این است که ممکن است به نظر برخی، به دلیل مجازی بودن ثمن و مثن، بیع صورت گرفته غرری بوده و باطل باشد (ارکی، ۱۴۰۰). در این قسمت، به مفهوم غرر و سپس تطبیق آن با معامله مذکور پرداخته خواهد شد.

یکی از قواعدی که در فقه و ذیل شرایط عوضین در عقود معاوضی به‌ویژه عقد بیع مطرح می‌گردد قاعده نفی غرر است که مدرک اصلی آن، حدیث معروف «نَهَى النَّبِيُّ عَنْ بَيْعِ الْغَرْرِ» است. در بند ۳ ماده ۱۹۰ و ماده ۲۱۶ قانون مدنی اجتناب از شرایط موجب غرر بیان شده است. لزوم دفع غرر و رفع ابهام در معاملات به‌عنوان شرط صحت و اعتبار معاملات همواره اهمیت داشته است. این قاعده با تعبیر اصل ضرورت رفع ابهام از مورد معامله در مباحث حقوقی مطرح می‌شود. غرر در لغت به معنای خطر، هلاکت و در معرض هلاکت افتادن است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۲۵).

1. uncertainty, risk

۴-۱- غرر از منظر فقها

غرر از دیدگاه بعضی فقها به معنای جهل و عدم اطلاع در مورد رسیدن شیء به دست خریدار است (شهید اول، ۱۳۱۴، ص. ۲۵۳). بنابر نظر دیگری، غرر خطر مالی‌ای است که شامل همه صورت‌های جهل در ارکان عقد شده و معتقدند در هر چیزی که جهل وجود داشته باشد، غرر و خطر نیز وجود دارد؛ اما خطری غرر محسوب می‌شود که از منظر عرف غیرقابل اجتناب باشد نه خطری که عرف به آن توجهی ندارد (مراغه‌ای، ۱۴۱۷ق، صص. ۲۶۸ و ۳۱۷). بعضی نیز با تأکید بر عرفی بودن ضابطه تشخیص خطری که غرر تلقی می‌شود، تنها جهالت در عوضین به‌نحوی که یکی از آنها را در شرف نابودی قرار دهد، غرر می‌دانند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۹۳). برخی معتقدند، غرر یعنی خطری که از جهل به صفات و مقدار مبیع ایجاد می‌شود نه هر نوع خطری (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۳۸۸)؛ درمقابل، مطابق نظر عده‌ای، خطری که از جهل به حصول مبیع به دست مشتری، ایجاد می‌شود مهمتر از جهل به صفات مبیع است (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص. ۱۷۸). عده‌ای جهالت نسبت به عوضین به‌نحوی که در آینده منجر به ایجاد نزاع میان طرفین شود را ضابطه ایجاد غرر در معامله می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص. ۱۷۹). برخی خدعه را مناسب‌ترین معنا برای غرر دانسته‌اند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳، صص. ۲۹۵-۲۹۸) که در این صورت نهی از غرر در حدیث نبوی منجر به بطلان معامله نمی‌شود و نهی تکلیفی است (خویی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص. ۲۲۶).

۴-۲- غرر از منظر حقوق‌دانان

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که قراردادهای غرری شامل هر نوع توافقی هستند که عنصر فریب یا خطر را دربردارند، چه این خطر به علت نامشخص بودن موضوع معامله باشد یا به دلیل ناتوانی در تحویل‌دادن آن (وحدتی شبیری، ۱۳۷۹، ص. ۶۰). برخی حقوق‌دانان در تعریف عقد غرری، عناصر آن را جهل و احتمال وقوع زیان ناشی از این جهل می‌دانند؛ بنابراین، اگر شخصی قراردادی را بدون اطلاع کافی از جزئیات آن منعقد کند و این ناآگاهی احتمال زیان را ایجاد کند، آن قرارداد عنوان غرری و باطل تلقی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص. ۴۸۹). همچنین، برخی دیگر از حقوق‌دانان غرر را معادل جهل نمی‌دانند بلکه بیان می‌کنند

که غرر نتیجه جهل است و منجر به خطر و احتمال وقوع زیان می‌شود (رفیعی، ۱۳۷۸، ص ۲۸).
 باتوجه به تعاریفی که از برخی حقوق دانان و فقها ارائه شد، به نظر می‌رسد، موضوع نهی
 در حدیث نبوی غرر، شامل هرگونه معامله مبهم توأم با خطر نمی‌باشد و برای تحقق غرر
 یا خطر غیرقابل پیش‌بینی در یک قرارداد، خطر باید ناشی از ابهام در اطلاعات مرتبط با
 ارکان قرارداد باشد و خطر به اندازه‌ای باشد که افراد عرفاً به آن اقدام نمی‌کنند (شمشیری و
 دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۵۳) بدین مفهوم که گاهی اوقات نیاز مردم باعث می‌شود که برخی عقود
 حتی با وجود غرر درست دانسته شود.

۴-۳- تحلیل غرری بودن معاملات زمین مجازی در متاورس

یکی از اشکال‌های محتمل این است که معاملات زمین در متاورس مشمول مصداق معامله
 غرری می‌شود یا خیر؟ به نظر می‌رسد ابهام در یک و یا چند حوزه زیر ممکن است
 به وجود بیاید با این ملاحظه که این ابهام زمانی مصداق غرر می‌شود که طرفین را با
 ضرر محتمل عرفی روبرو کند. مواردی که ممکن است ابهام باعث غرری شدن معامله
 شود عبارت‌اند از:

أ- در خصوص اصل وجود مورد معامله، ابهام وجود داشته باشد.

در مورد اینکه آیا زمین مجازی در متاورس وجودی حقیقی دارد می‌توان گفت: اگرچه
 وجود فیزیکی و محسوس ندارند؛ اما در چهارچوب فضای مجازی وجود حقوقی و
 دیجیتالی دارند. این زمین‌ها در محیط مجازی متاورس قرار دارند و به عنوان دارایی‌های
 دیجیتالی مورد معامله قرار می‌گیرند. آن‌ها دارای ارزش اقتصادی هستند و معاملات
 مربوط به آن‌ها می‌تواند شامل حقوق مالکیت، خرید و فروش، و سایر حقوق و تعهدات
 مرتبط با املاک باشد؛ اما این املاک در دنیای واقعی وجود فیزیکی ندارند؛ بنابراین، اگرچه
 زمین‌های مجازی در متاورس وجود حقیقی و فیزیکی ندارند؛ اما به لحاظ حقوقی و در
 اقتصاد دیجیتال به رسمیت شناخته شده و دارای ارزش و اعتبار هستند.

ب- تسلیم و تسلیم مورد معامله، قطعی نباشد.

یکی از ویژگی‌های اصلی مبیع در قراردادهای بیع در حقوق مدنی قابل تسلیم بودن است؛ بدین توضیح که مبیع باید قابلیت تحویل‌دادن توسط فروشنده که مالک مبیع یا مأذون از طرف مالک است باشد و یا اینکه خود مشتری امکان تسلیم آن را داشته باشد. در خصوص قابلیت تسلیم زمین مجازی در متاورس می‌توان گفت، توکن‌های غیرقابل معاوضه، قابل انتقال هستند و می‌توانند به راحتی بین کیف پول‌های بلاک‌چینی منتقل شوند. زمین مجازی قابل تسلیم است؛ اما تسلیم آن به صورت دیجیتالی انجام می‌شود. خریدار، مالکیت دیجیتالی زمین را دریافت می‌کند که اغلب از طریق بلاک‌چین و انتقال ان اف تی‌ها صورت می‌گیرد. این فرایند اطمینان می‌دهد که تسلیم زمین مجازی به صورت شفاف و قابل ردگیری است. با انتقال مالکیت، خریدار می‌تواند حقوق مالکیت دیجیتالی یا کنترل حساب کاربری مرتبط با زمین مجازی را دریافت کند و همچنین می‌تواند از زمین مجازی استفاده کند؛ به عنوان مثال برای ساختن سازه‌های مجازی، برگزاری رویدادها، یا هر فعالیت دیگری که سکوی متاورس اجازه می‌دهد.

ت- به مقدار، جنس و وصف مورد معامله، جهل وجود داشته باشد.

مشخصات مؤثر مبیع باید در قرارداد به طور دقیق تعیین شده یا سازوکاری برای تعیین دقیق آن در آینده مشخص شده باشد. در متاورس، دارایی‌های دیجیتال معمولاً توسط ان اف تی‌ها نمایان می‌شوند که هر کدام مشخصات و ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. این مشخصات می‌توانند در بلاک‌چین ثبت شده و برای همه قابل دسترسی باشند. زمین مجازی در متاورس نیز به صورت دیجیتالی وجود دارد و معمولاً مشخصات آن شامل موقعیت، ابعاد، و ویژگی‌های خاص آن درون سکوی مربوطه به دقت تعریف شده است. این مشخصات می‌توانند در یک قرارداد خرید و فروش به طور دقیق ذکر شوند.

باتوجه به تحلیل انجام شده و اینکه اگر عقلای قوم یک چیزی را تأیید کردند و ما منعی و ردی از جانب شارع مقدس برایش پیدا نکردیم، می‌توانیم بگوییم که کار عقلا بما هم عقلا حجت است (عباسی خراسانی، ۱۳۹۹)، معاملات زمین مجازی در متاورس، مشمول نهی شارع

از غرر نمی‌شود؛ چرا که عرف عقلای امروز، این را مجهول نمی‌دانند و درواقع به جهل منتهی نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

معامله زمین مجازی در متاورس چالش‌هایی را در حوزه‌های فقهی و حقوقی به همراه دارد. تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهند که موضع‌گیری‌های فقهی در قبال مفهوم مالیت و شرایط صحت معاملات گوناگون است. در مورد شبهه مالیت نداشتن زمین مجازی در متاورس، اگر در خصوص تعریف بیع، نظر فقهایی را بپذیریم که مال بودن عوضین در بیع را شرط نمی‌دانند در صحت معامله زمین مجازی که مورد رغبت عده‌ای در دنیا هست تردیدی نیست. اگر هم مانند اکثر فقها و برخی حقوق‌دانان، برای صحت بیع، مال بودن را شرط بدانیم، از آنجاکه شرع مالیت را منوط به عرف و بنای عقلا کرده است و حجیت بنای عقلا هم منوط به هم عصر بودن با زمان شارع نیست، چون عقلا امروزه مبادرت به مبادله زمین مجازی در متاورس می‌کنند، زمین مجازی مالیت داشته و معامله آن صحیح است.

در میان فقهایی که بیع را مبادله مال با مال تعریف کرده‌اند، عده‌ای معتقدند که برای صحت بیع، مبیع حتماً باید عینیت داشته باشد و بیع منفعت و اموال غیرمادی و بالتبع زمین مجازی را صحیح نخواهند دانست؛ اما همان‌طور که بیان شد، مفهوم بیع حقیقت عرفیه دارد و وقتی بیع اموال غیرمادی در دنیا متداول است، پس به‌نظر می‌رسد پذیرفتن این شرط، امروزه خلاف عرف عقلاست.

یکی دیگر از اشکال‌هایی که ممکن است به معامله مذکور وارد شود این است که چون ثمن و مثن مجازی هستند بیع غرری و باطل است. با بررسی مصادیقی که ممکن است ابهام در آنها موجب غرری شدن معامله شود و تطبیق آن با معامله زمین مجازی، به این نتیجه رسیدیم که به‌دلیل وجود حقیقی و دیجیتالی زمین مجازی، قابلیت به تملک درآمدن، توسط خریدار در قالب ان‌اف‌تی‌ها و نیز ثبت اطلاعات کامل در آنها، شبهات ابهام در اصل وجود مورد معامله، عدم امکان تسلیم قطعی به خریدار و جهل به مقدار و جنس و اوصاف

مورد معامله که موجب غرری شدن معامله می‌شوند، رفع می‌شود. با توجه به تحلیل‌های بیان شده می‌توان گفت که چون معاملات زمین مجازی در متاورس در دنیا مورد اقبال عقلا قرار گرفته است و از نظر آنها با سازوکارهای ویژه‌ای که در مورد معاملات متاورسی ایجاد شده است، جهلی که موجب ضرر باشد وجود ندارد و منع و ردعی هم از طرف شارع نیامده است، عمل آنها حجت تلقی شده و صحیح است.

پیشنهادهای

- ۱- با توجه به گسترش سریع و اجتناب‌ناپذیر فضای متاورس و مسائل مرتبط با آن، پیشنهاد می‌شود با تحلیل‌های دقیق و همه جانبه، قوانین مربوط به فضای متاورس به صورت رسمی و دقیق تعریف شود تا اولاً اقدامات و معاملات با هوشیاری کامل انجام شود، ثانیاً از بروز اختلافات جلوگیری گردد، ثالثاً از تشتت آرا جلوگیری به عمل آید.
- ۲- پیشنهاد می‌گردد با اصلاح ماده ۳۳۸ قانون مدنی، به‌طوری‌که منحصر در عین اختلاف‌نظرها در خصوص لزوم عینیت داشتن مبیع خاتمه داده شود.

منابع و مأخذ

- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۲ق). تحریرالمجله. نجف: نشر المكتبة المرتضوی.
- آملی، محمدتقی (۱۴۱۳ق). *المکاسب و البیع (آملی)*، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- اراکي، محسن (۱۴۰۰). سخنرانی در ششمین نشست از سلسله نشست‌های علمی- پژوهشی دین و فضای مجازی با محوریت حاکمیت و سیاستگذاری رمز ارز از منظر فقه، ۲۵ آذر ماه ۱۴۰۰.
- اصفهانی، محمدحسین (۱۴۲۷ق). *حاشیه المکاسب (اصفهانی)*. محقق: عباس آل‌سباع قطیفی؛ نویسنده: مرتضی بن محمدامین انصاری، قم: ذوی القربی.
- اکبرنژاد، محمدتقی (۱۳۸۹). *حجیت ذاتی بناهای عقلایی و تأثیر آن در فقه و اصول فقه*. مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، ۷(۶۴)، ۱۷-۳۷.

- امامی، حسن (۱۳۹۱). دوره حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- امامی، حسن و صفایی، حسین (۱۳۸۰). حقوق مدنی اشخاص و اموال. تهران: میزان.
- انصاری، محمدعلی (خلیفه شوشتری) (۱۴۱۵ق). الموسوعة الفقهية الميسرة، قم: مجمع الفکر الإسلامي.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۱). المكاسب. قم: دار الذخائر.
- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۸). دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: انتشارات جنگل.
- ایروانی، علی (۱۳۷۹). حاشیه المكاسب (ایروانی). تحقیق مرتضی بن محمدامین انصاری. قم: کتبی نجفی.
- بروجردی، حسین (۱۳۹۴). الرسائل الفقهية (بروجردی). محرر: جواد خندق آبادی. قم: مؤسسه آیت الله العظمی البروجردی لنشر معالم اهل البيت عليهم السلام، پناهی، مهدی و دیگران (۱۳۹۹). مؤلفه‌ها و اصول حقوقی حاکم بر مالکیت در فضای مجازی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۳(۴۸)، ۲۳-۳۸.
- پناهی، مهدی؛ شمس، احمد و محمدطاهری، محمودرضا (۱۳۹۹). تبیین حقوقی مفهوم «دارایی» و انواع آن در جهان مجازی. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۱(۱)، ۲۴۳-۲۶۶.
- ترابی، مرتضی (۱۴۰۰). درس خارج فقه، قابل دسترسی در: <https://eshia.ir/feqh/archive/text/torabi/feqh>
- توحیدی، محمدعلی (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهه (تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خویی). قم: مؤسسه انصاریان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). حقوق اموال. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰). مجموعه محشی قانون مدنی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حکیم، محسن (بی‌تا). نهج الفقاهه. تحقیق: مرتضی بن محمدامین انصاری. قم: ۲۲ بهمن.

حیدری، کمال (۱۴۳۴ق). *بحوث فی فقه عقد البیع*. محرر: زید احمد بطاط. بیروت: موسسه الهدی للطباعة و النشر.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۹). *تحریر الوسيله*. قم: انتشارات مطبوعات دارالعلم.
خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (قدس سره).

خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۴ق). *توضیح المسائل (محشّی)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۲ق). *مصباح الفقاهه*، بیروت: دارالهادی.
خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.

راسل، جان (۱۴۰۱). *متاورس؛ راهنمای ورود به دنیای شگفت‌انگیز متاورس*. علی تقوی. تهران: راه پرداخت.

رفیعی، محمدتقی (۱۳۷۸). *مطالعه تطبیقی غرر در معامله*. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.

شهید اول، محمد بن مکی (۱۳۱۴). *القواعد و الفوائد*. قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. قم: کتابفروشی دآوری.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۰). *حقوق مدنی ۳: تعهدات*. تهران: انتشارات مجد.
شیرانی، مسعود و طلاکش، ملیکاسادات (۲۰۲۱). *قانونگذاری بلاکچین در ایران، چین و انگلستان*. فصلنامه تمدن حقوقی، ش ۷.

صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

صالحی علی‌آبادی، حامد؛ شمشیری، علیرضا و کریمی، عباس (۱۴۰۲). *واکاوی غرر مؤثر در فقه امامیه و حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق مصرف*. حقوق اسلامی، ش ۷۷.
صدر، محمدباقر (۱۳۸۹). *بانک بدون ربا*. مرتضی زنجانی. تهران: فرهنگ سبز.

- طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۳۷۰). *حاشیه المکاسب*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- عباسی خراسانی، هادی (۱۳۹۹). درس خارج فقه، قابل دسترسی در:
https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/abbasi_khorasani/feqh
- فخلعی، محمدتقی و ولی‌اللهی، مجتبی (۱۳۸۹). بررسی شرط معاصرت سیره عقلا با عصر معصومان (ع). *مجله مطالعات اسلامی فقه و اصول*، ۴۲ (۸۵).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). حقوق مدنی، دوره عقود معین. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *اموال و مالکیت*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کریمی، عباس و موسوی، اسماء (۱۳۹۰). بیع اموال فکری از منظر حقوق اسلامی. *مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۴۴ (۲)، ۷۳-۵۳.
- مادرشاهی، محمد (۱۴۰۰). نشست علمی «بررسی جوانب اقتصادی متاورس از منظر فقهی»، ۲۸ دی ۱۴۰۰.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مراغه‌ای، سیدمیرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *عناوین الفقهیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *نظری به نظام اقتصاد اسلامی*. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق). *انوارالفقاهه*. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
- نجفی کاشف‌الغطا، عباس بن علی (بی‌تا). *المال المثلث و القیمی فی الفقه الاسلامی*. قم: انتشارات کاشف الغطا.
- نراقی، ملا احمد (۱۴۱۷ق). *عوائدالایام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۹۰). *کتاب الصوم*، قابل دسترسی در:
<https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/noori/feqh/>
- وحدتی شبیری، سیدحسن (۱۳۷۹). *مجهول بودن مورد معامله*. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۹). ضابطه مال بودن در مباحث فقهی. *فصلنامه علمی و اقتصاد اسلامی*، ش ۷۹.

Erlank, W. (2015). Introduction to virtual property: Lex virtualis ipsa loquitur. *Potchefstroom Electronic Law Journal (PELJ)*, 18(7), 2525-2559.

- <https://dx.doi.org/10.4314/peli.v18i7.04>
- Fairfield, Joshua. (2005). *Virtual Property. Articles by Maurer Faculty, 1787*.
<https://www.repository.law.indiana.edu/facpub/1787>
- Freeze, Patrick. (2022). *Virtual Real Estate Investing: What is it and Is it Worth it?* Available at: <https://www.baymgmtgroup.com/>
- Gadekallu, T. R., Huynh-The, T., Wang, W., Yenduri, G., Ranaweera, P., Pham, Q. V., ... & Liyanage, M. (2022). *Blockchain for the metaverse: A review*. Available at: <https://arxiv.org>
- Laeq, Kashif. (2022). *Metaverse: why, how and what*.
Oxford Dictionaries Updates 'Blockchain' and 'Miner' Definitions. Available at: <https://newsbtc.com>
- Wang, Y., Su, Z., Zhang, N., Xing, R., Liu, D., Luan, T. H., & Shen, X. (2022). *A survey on metaverse: Fundamentals, security, and privacy*. IEEE Communications Surveys & Tutorials.
<https://www.edub.ir/education>

ماهیت غنا و مشروعیت آن در رسانه با محوریت آیات و روایات

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴

زهرا لامع^۱

چکیده

در باب آوازاها و موسیقی‌هایی که در رسانه‌های کشور تولید و پخش می‌شود، یک موضوع روشن است و آن حرمت آن دسته از موسیقی‌هاست که مصداق غنا هستند، ولی یک موضوع همچنان مجمل است و نیاز به بررسی دارد و آن ماهیت غناست. آنچه مفهوم پایه و کلیدی است و حرمت و حرمت غنا وابسته به آن است، مورد اختلاف بین فقهاست. بهترین طریق برای یافتن مفهوم پایه در غنا، رجوع به آیات و روایات وارد شده در این باب است. به سه آیه ۷۲ سوره فرقان، ۳۰ سوره حج و ۶ سوره لقمان بیش از آیات دیگر استناد می‌شود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی با مراجعه به این آیات و کتب تفسیری و روایی در پی تبیین این مطلب است که این موضوع را باید با روش تفسیری دوسویه بین آیه و روایت مورد بازپژوهی قرار داد. آنچه حاصل این مطالعه است، دخیل بودن موضوع‌هایی غیر از صرف صوت و آواز، از قبیل کلام و محتوای باطل و اختلاط زن و مرد نامحرم در حرمت غناست. در رسانه‌های صوتی و تصویری نیز حرمت ترانه‌ها بستگی به محتوای اشعار و شکل اجرای آن دارد.

واژگان کلیدی

غنا، موسیقی، آواز، قول الزور، لهو الحدیث، رسانه.

۱- استادیار دانشکده رفاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

قریب به نیم‌قرن از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و در تمام این سال‌ها، حرمت آوازاها و موسیقی‌هایی که از رسانه‌های جمعی تولید و پخش می‌شود، مورد بحث و انتقاد عده‌ای و تأیید عده‌ای دیگر بوده است. طبق بعضی دیدگاه‌ها، آوازاها و موسیقی‌ها همگی مصداق غنا محسوب می‌شوند و حکم حرمت دارند. از نظر عده‌ای آنچه عرف مردم، موسیقی بدانند حرام است. از نظر بعضی غنا مطلقاً حرام است و از نظر بعضی دیگر غنا دو نوع حلال و حرام دارد (مبلغان، ۱۳۷۹، صص. ۶۱-۶۶). برای برون‌رفت از این اختلاف دیدگاه‌ها، راه‌حل، تمرکز بر ماهیت غناست. غنا چیست؟ آنچه که حرمت و حرمت غنا دائرمدار آن است دقیقاً کدام عنصر غناست؟ بهترین روش برای یافتن پاسخ، رجوع به آیات و روایات است. در بعضی آیات کریمه اصطلاح‌هایی وجود دارد مانند «لهو‌الحديث» و «قول الزور» که در روایات و کتب تفسیر به غنا تعبیر شده‌اند. همچنین در روایات، شرایط و احکامی برای غنا بیان شده است. این مقاله با استفاده از دیدگاه‌های آیت‌الله علی‌دوست مبتنی بر مطالعه دوسویه آیات و روایات در این موضوع، در پی یافتن ماهیت غنا و گره‌گشایی از این مطلب است. تاکنون در زمینه غنا پژوهش‌های زیادی صورت گرفته؛ اما تمرکز اکثر آنها بر آیات و روایات نیست، مانند مقاله‌ای با عنوان «مبنای فقهی نظریه اخیر امام خمینی در زمینه غنا و موسیقی» که توسط عباسعلی مشکانی به رشته تحریر درآمده و تمرکز آن بر رأی امام خمینی (ره) است (۱۳۹۸) و مانند مقاله «بررسی دلالت روایات قول زور بر حرمت غناء» که توسط زهرا عزیزاللهی نوشته شده و فقط یک اصطلاح قرآنی مورد مطالعه قرار گرفته و درباره «لهو‌الحديث» بررسی صورت نگرفته است (۱۳۹۸). بعضی مقاله‌ها نیز مانند مقاله سیدعباس سیدکریمی با عنوان «نقد و بررسی تعاریف موجود در موضوع غنا» بحث را به تعاریف لغویون محدود کرده‌اند (۱۳۹۳).

۱- مفهوم‌شناسی

در آغاز طبق عرف هر پژوهشی باید مفاهیم هسته‌ای آن مورد مذاقه قرار گیرد تا مخاطب بداند درباره چه موضوعی مطالعه می‌کند.

۱-۱. مفهوم رسانه

رسانه یا رسانه جمعی در معنای وسیع شامل کلیه وسایل ارتباطی است که در سطحی گسترده به انتشار اطلاعات، اخبار، عقاید و نظرها می‌پردازد. این وسایل که دارای تنوع فراوان هستند (مانند روزنامه، مجله، کتاب، رادیو، تلویزیون، شبکه‌های رایانه‌ای و...) از ابزارهای کنترل اجتماعی تلقی می‌گردند (ره‌پیک، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷). در این پژوهش رسانه‌های صوتی و تصویری مورد بحث هستند.

۱-۲. مفهوم غنا

غنا به معنی سرود، نغمه و آوازخوانی آمده است (دهخدا، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۶۷). در کتب لغت عربی به معنای «ما طُرِبَ به» آمده است، آنچه انسان را به طرب درآورد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳۹). طرب نیز به ترجیع در صدا معنی شده است (فراهیدی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۲۰). همچنین به معنای سبکی و نشاطی است که بر اثر شدت اندوه یا خوشحالی بر انسان عارض می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۸۵). ترجیع به معنای نغمه زدن و بازگرداندن آواز در گلوست (دهخدا، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۲۲). غنا در کتب فقهی تعاریف مختلفی دارد، از جمله:

- کشیدن صدا همراه با برگرداندن آن در گلو در صورتی که طرب‌آور باشد؛ بنابراین تعریف دو شرط در تحقق غنا لازم است؛ اول ترجیع و دوم طرب‌آور بودن.
- برگرداندن آواز در گلو و کشیدن آن.
- آواز طرب‌آور.
- آنچه عرف آن را غنا بدانند.
- کشیدن صدا همراه با گرداندن آن در گلو، در صورتی که طرب‌آور باشد و یا آنچه در عرف غنا نامیده شود هر چند طرب‌آور نباشد.
- کشیدن صدا و گرداندن آن در گلو با کیفیتی خاص که طرب‌آور بوده و مناسب مجالس فاسقان و فاجران و آلات لهو باشد.
- آواز لهوی که اهل فسق و فجور در مجالس لهو و لعب می‌خوانند؛ خواه تنها ترجیع داشته یا طرب‌آور باشد و یا توأم با هردو باشد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۶۱۳).

همان‌طور که مشاهده می‌شود از نظر بعضی فقها، ملاک صدق عرفی است و دیگر وجود یا عدم وصف طرب‌آوری دخالتی ندارد. بعضی نیز مناسبت با مجالس فسق و فجور را دخیل در حکم غنا می‌دانند. طبق نظر صاحب جواهر اگر سه رکن طرب‌آوری و ترجیع و مناسبت با مجالس فسق و فجور یکجا جمع شود، طبق همه دیدگاه‌ها مصداق غناست (صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۴۷۰).

درباره حکم تکلیفی غنا، می‌توان گفت اگر آوازی مصداق غنا باشد، خواندن آن، مزد گرفتن برای آن، آموزش دادن و آموختن و شنیدنش حرام است. از این حکم دو مورد استثنا شده است: یکی عروسی؛ بعضی از فقها آواز خواندن زن را در مراسم عروسی، به شرط اینکه مشتمل بر محتوای باطل نباشد و نامحرم نشنود و آلات لهو هم استفاده نشود، جایز می‌دانند. دوم حُداء؛ که اشعاری است که ساربان برای شتران می‌خواند تا آنها را به طرب وادار کند تا سریع حرکت کنند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۸۰).

اما درباره حرمت یا جواز آوازه‌ها و موسیقی‌هایی که در رسانه‌های مختلف تولید و پخش می‌شود، تمرکز بحث باید روی شناخت دقیق ماهیت غنا باشد. حکم تکلیفی غنا حرمت است^۱ و در این موضوع بحثی نیست؛ بحث در این است که کدام آواز و موسیقی مصداق غناست و کدام نیست؟ آیا موضوع حرمت صرفاً موسیقی‌های تولیدشده با آلات موسیقی هستند یا وجود و عدم کلام هم تأثیری در حکم دارد؟ آیا صرف ترجیع و طرب‌انگیزی در تعلق حکم کفایت می‌کند یا مناسبت با مجالس اهل فسق و فجور نیز دخالتی در تعلق حکم حرمت دارد؟ برای تشخیص غنای حرام از غیرحرام (با فرض وجود غنای غیرحرام) اولین قدم مطالعه و بررسی منابع فقه به ویژه کتاب و سنت است.

۲- بررسی ماهیت غنا در قرآن

بیشترین استناد در بحث غنا به چند آیه قرآن کریم است که مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۲. «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» (فرقان، ۷۲): و کسانی که شهادت

۱. بدیهی است که حکم تکلیفی به موضوع غنا فی نفسه تعلق نمی‌گیرد بلکه به افعال ارادی مرتبط با آن تعلق می‌گیرد مانند شنیدن، آموختن، آموزش دادن، اجرت، حضور در مجلس غنا و...

به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

نیز «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج، ۳۰). پس، از پلیدی بت‌ها دوری کنید، و از گفتار باطل اجتناب ورزید. در هر دو آیه کریمه تمرکز بر اصطلاح «زور» است. در تفسیر این اصطلاح اختلاف نظر بسیاری بین مفسران وجود دارد. ازجمله معانی که برای این اصطلاح گفته‌اند، یکی معنای مجالس بدعت‌گذاران است. آیه می‌فرماید یکی از اوصاف عبادالرحمن این است که در مجالس بدعت‌گذاران حضور پیدا نمی‌کنند (تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۱۴). معنای دیگر گناه و شرک است به معنای عدم حضور ایشان در مجالس گناه و شرک (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۴۳). معنای دیگر مجالس غنا و لهو است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۱۷؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۴۳؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۱۳). معنی دیگر مجالس دروغ و گناه است (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۲۷۳). معنای دیگر اعیاد مشرکین است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۸۰). معنای دیگر بازی‌هایی است که در جاهلیت مرسوم بوده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۸۰). معنایی که در اکثر کتب تفسیری به آن اشاره شده است، معنای غنا و لهو است. طبری، مفسر بزرگ قرن چهارم اهل سنت، دلیل اختلاف نظر درباره اصطلاح زور را چنین شرح می‌دهد: کلمه زور در اصل به معنی تحسین یک شیء و توصیف آن به وصفی است که واقعی نیست تا اینکه کسی که آن را می‌شنود یا می‌بیند تصویری خلاف واقع پیدا کند. با این توضیح، شرک مصداق زور است؛ زیرا در نظر اهلس نیکو جلوه داده شده به گونه‌ای که فکر می‌کند حق است درحالی‌که باطل است. غنا هم یک مصداق زور است چون ترجیع صوت نیکو به نظر می‌رسد و به مذاق انسان شیرین می‌آید، ولی باطل است. دروغ هم همین‌طور است و شنونده را به اشتباه می‌اندازد. با این توضیح، بهترین قول در تفسیر آیه این است: کسانی که در باطل حضور پیدا نمی‌کنند؛ چه شرک باشد و چه غنا و چه دروغ و هرچه که مصداق باطل باشد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۳۱). صاحب تفسیر تبیان نیز تحلیلی نزدیک به همین دارد و می‌فرماید: معنی ریشه‌ای غنا جلوه دادن باطل به صورت حق است که مصادیقش زیاد است از جمله دروغ و شرک و غنا... (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۱۱). صاحب مجمع البیان نیز زور را به معنی مجالس باطل می‌داند که می‌تواند مجالس غنا باشد و فحش

و ناسزا و... (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۸۳). صاحب المیزان دو احتمال درباره زور مطرح می‌کند: یکی معنای دروغ و شهادت دروغ دادن و دیگری معنای لهو و باطل و غنا و امثال آن. سپس می‌فرماید: جمله ذیل آیه، یعنی «و إذا مروا باللغو مروا کراماً» با احتمال دوم مناسب‌تر است، چون لغو هم به معنای هر عمل و گفتاری است که مورد اعتنا نباشد و هیچ فایده‌ای که غرض عقلا بر آن تعلق گیرد نداشته باشد. این معنا با لهو و باطل و غنا مناسب‌تر است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۴).

۲-۲. «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان، ۶): و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود. درباره اصطلاح «لهو الحدیث» نیز در کتب تفسیری معانی مختلفی به چشم می‌خورد، از جمله: معنای غنا و شرب خمر و همه هوسرانی‌ها (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۱)، صاحب مجمع البیان می‌فرماید اکثر مفسرین لهو الحدیث را به معنای غنا یعنی موسیقی و آوازخوانی می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۹۰)، همچنین سیوطی این معنا را از طرق بسیاری نقل کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۹). معنای دیگر، خرید و فروش کنیزان آوازخوان است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۹). شیخ طوسی درباره این اصطلاح دو معنا را بیشتر احتمال داده است. یکی معنای خرید و فروش کتبی که لهو الحدیث در آنهاست و دوم به معنای مشغول شدن به اخبار و احادیث لهو مانند حوادث زمان که فایده‌ای در نقل آن نباشد و عده‌ای مثال زده‌اند به امثال داستان رستم و اسفندیار که مردم را از شنیدن و تدبر در قرآن باز می‌دارد و مشغول می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۷۲). همچنین به معنای قصه‌گویی درباره اساطیر و وقایعی که واقعیتهای ندارد و گفتگو درباره خرافات و حرف‌های بیهوده و مواردی مانند غنا و آموزش آن نیز آمده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۱). آلوسی نیز لهو الحدیث را به هر چه که انسان را از عبادت خدا منصرف و به کار دیگر مشغول کند مانند قصه‌ها و لطیفه‌ها و خرافات و غنا و... دانسته است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۶۷). صاحب المیزان می‌فرماید لهو به معنای هر چیزیست که آدمی را از امور مهم بازدارد و لهو الحدیث آن سخنی است که آدمی را از حق منصرف کرده به خود مشغول سازد؛ مانند حکایات خرافی و داستان‌هایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند و یا از قبیل

شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو که همه اینها مصادیق لهوالحدیث هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۹).

۳- بررسی ماهیت غنا در روایات

احادیث باب غنا در ابواب مختلفی در کتب روایی آمده است مانند بخش مربوط به مکاسب محرمة و بخش مربوط به قضا و شهادت. در موضوع غنا با چند دسته روایت مواجه هستیم: یک دسته ذیل آیات فوق‌الذکر (آیه ۶ سوره لقمان و آیه ۳۰ سوره حج) هستند و اصطلاح‌های لهوالحدیث و قول الزور را به غنا تفسیر می‌کنند؛ دسته دیگر محتوی نهی از حضور در مجالس غنا هستند، دسته دیگر به آثار و عوارض شنیدن و حضور در مجالس غنا اشاره دارند و دسته آخر که مهمترین بخش در پژوهش حاضر هستند، ماهیت و چیستی غنا را تبیین می‌کنند. از هر دسته به ذکر چند روایت به عنوان نمونه بسنده می‌شود.

۳-۱. روایات تفسیر «لهوالحدیث» و «قول الزور» به غنا

- عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» قَالَ الْغَنَاءُ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۱).^۱

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى... عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ فَقَالَ الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنُجُ وَ قَوْلُ الزُّورِ الْغَنَاءُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۷).^۲

- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» قَالَ الْغَنَاءُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۱).^۳

- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْغَنَاءُ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ وَ هُوَ مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ

۱. سند روایت از نظر علامه مجلسی ضعیف است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۰)؛ اما آیت‌الله خامنه‌ای آن را معتبر می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۸).

۲. سند روایت از نظر آیه الله خامنه‌ای معتبر است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۹).

۳. سند روایت از نظر علامه مجلسی صحیح است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۱).

جَلَّ - وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۵).^۱
این روایات و روایات بسیار دیگری با این مضمون در کتب روایی وجود دارند که اصطلاحات قول الزور و لهو الحدیث را به غنا تفسیر می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۵۹).

۳-۲. روایات نهی از حضور در مجلس غنا و شنیدن آن

- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ... قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي إِنِّي أَدْخُلُ كَنِيفًا لِي وَ لِي جِيرَانٌ عِنْدَهُمْ جَوَارٌ يَتَغَنَّيْنَ وَ يَضْرِبْنَ بِالْعُودِ فَرُبَّمَا أَطَلْتُ الْجُلُوسَ اسْتِمَاعًا مِنِّي لَهُنَّ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَقَالَ الرَّجُلُ وَ اللَّهُ مَا آتِيَهُنَّ إِنَّمَا هُوَ سَمَاعٌ أَسْمَعُهُ بِأُذُنِي فَقَالَ لِلَّهِ أَنْتَ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولٌ»^۲ (إسراء، ۳۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۲): مسعده بن زیاد گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که مردی گفت: پدر و مادرم به فدای شما! وقتی وارد دستشویی خانه‌ام می‌شوم گاهی بیشتر در آنجا توقف می‌کنم تا صدای کنیزان آوازه‌خوان همسایه را که تار می‌زنند بشنوم. فرمود: چنین نکن! آن مرد گفت: به خدا سوگند! من نزد آنها نمی‌روم، فقط صدایشان را با گوشم می‌شنوم. فرمود: تو را به خدا! مگر سخن خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «همانا گوش، چشم و دل همه مسئول هستند»؟
- عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَعَمَدُ الْغِنَاءَ يُجْلِسُ إِلَيْهِ قَالَ: لَا (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۳۱۲).^۳ روایت درباره کسی است که قصد استماع غنا می‌کند یعنی عمداً پای غنا می‌نشیند.

۳-۳. روایات آثار غنا

- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ^۴ (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۴۳۱) این دسته از روایات حاوی وعده عذاب الهی نسبت

۱. سند روایت از نظر علامه مجلسی حسن است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۵).

۲. سند روایت از نظر علامه مجلسی حسن یا صحیح است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۳).

۳. سند روایت از نظر آیه الله خامنه‌ای معتبر است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵).

۴. سند روایت از نظر علامه مجلسی حسن است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۱).

به شنونده غناست.

- إِسْحَاقُ بْنُ جَرِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفْنَدَرُ إِذَا ضُرِبَ فِي مَنْزِلِ رَجُلٍ أَرْبَعِينَ يَوْمًا بِالْبَرَبِطِ وَدَخَلَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عَضْوٍ مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْخَةً فَلَا يَغَارُ بَعْدَهَا حَتَّى تُؤْتَى نِسَاؤُهُ فَلَا يَغَارُ» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۳). این دسته نیز دال بر اینکه شیطانی با نام قفندر وجود دارد که هرگاه در منزلی چهل روز بربط نواخته شود و مردم وارد آن خانه شوند، این شیطان هر عضو از بدن خود را بر نظیر آن از بدن صاحبخانه می‌نهد. سپس بادی می‌دمد که دیگر پس از آن، غیرت صاحبخانه از بین می‌رود به‌حدی که همسرانش مورد تجاوز قرار می‌گیرند؛ اما او به غیرت نمی‌آید.

- زَيْدُ الشَّحَامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۳). این دسته درباره عدم استجاب دعا در خانه غناست. زید شحام گوید: امام صادق (ع) فرمود: خانه آواز و غنا، از فاجعه خوارکننده در امان نیست. دعا در آن مستجاب نمی‌شود و فرشته به آن وارد نمی‌گردد.

- و همچنین دسته‌های دیگری از روایات در این زمینه وجود دارد که دلالت بر آثار دیگری دارد مانند نظر نکردن خداوند به خانه‌ای که مجلس غناست (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۳)، محرومیت اهل غنا از شنیدن اصوات بهشتی (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۴)، رویدن نفاق در اثر نواختن تار (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۴) و....

۳-۴. روایات مربوط به ماهیت غنا

دسته آخر روایاتی هستند که تمرکز این پژوهش بر آن موضوع است و آن ماهیت و چیستی غناست. این‌طور که از روایات اهل بیت (ع) استفاده می‌شود، شکی نیست که دو اصطلاح «لهوالحديث» و «قول الزور» منطبق با غناست؛ یا قدرمتیقن این است که یکی از مصادیق بارز آن غناست. همچنین شکی نیست که غنا مورد نهی قرار گرفته است و آثار

۱. سند روایت از نظر علامه مجلسی موثق است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۴).

۲. سند روایت از نظر علامه مجلسی صحیح ارزیابی شده است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۵).

و عواقب سوئی برای آن شمرده شده است؛ اما نکته اصلی اینجاست که غنائی که مورد نهی شارع است دقیقاً چیست؟ آیا از جنس صوت و موسیقی و ساز است یا از جنس کلام و سخن؟ برای یافتن پاسخ صحیح به روایات رجوع می‌کنیم:

– عَبْدُ الْأَعْلَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْغَنَاءِ وَقُلْتُ إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَخَّصَ فِي أَنْ يُقَالَ جِنَّاكُمُ حَيُّونَا حَيُّونَا نُحَيِّكُمْ فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ» «لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخِذْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ. بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»^۱ (انبیاء: ۱۱۸-۱۲۰؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۳). عبدالاعلی گوید: از امام صادق (ع) درباره غنا پرسیدم و گفتم: اهل تسنن می‌گویند که پیامبر خدا (ص) اجازه داده است که چنین گفته شود: «جِنَّاكُمُ جِنَّاكُمُ حَيُّونَا حَيُّونَا نُحَيِّكُمْ». فرمود: دروغ گفته‌اند، به‌راستی که خداوند متعال می‌فرماید: «ما آسمان، زمین و آنچه در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم. اگر می‌خواستیم بازی قرار بدهیم چیزی از جانب خود برمی‌گزیدیم اگر این کار را انجام می‌دادیم بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را نابود سازد و بدین‌سان باطل نابود می‌شود، وای بر شما از آنچه توصیف می‌کنید».

در این روایت راوی می‌گوید: درباره غنا از امام (ع) پرسیدم. سپس مشاهده می‌کنیم که سؤال راوی درباره شعری است که در زمان جاهلیت مرسوم بوده، وقتی خانواده عروس و خانواده داماد در مشایعت عروس و داماد، به هم می‌رسیده‌اند آن را می‌خوانده‌اند. امام (ع) آن شعر را جایز نمی‌دانند. تا اینجا یک نکته معلوم است و آن اینکه منظور راوی از غنا یک شعر است و از جنس کلام است؛ نه از جنس آلات موسیقی. غنا می‌تواند از جنس کلام باشد و حرام باشد؛ اما نکته‌ای که اهمیت دارد این است که آیا هر شعرخوانی و سرودی حرام است؟ این موضوع را باید با توجه به روایات دیگر بدست آورد.

– سَأَلَ رَجُلٌ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ شَرَاءِ جَارِيَةٍ لَهَا صَوْتُ فَقَالَ مَا عَلَيْكَ لَوْ اشْتَرَيْتَهَا فَذَكَرْتُكَ الْجَنَّةَ يَعْنِي بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالزَّهْدِ وَالْفَضَائِلِ الَّتِي لَيْسَتْ بِغَنَاءٍ – فَأَمَّا الْغَنَاءُ فَمَحْظُورٌ (فيض الكاشاني،

۱. سند روایت از نظر علامه مجلسی حسن است (مجلسی، ۱۳۲۳، ج ۲۲، ص ۳۰۳) و از نظر آیت‌الله خامنه‌ای صحیح است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۵۰).

۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۲۱۷).^۱ مردی از امام زین‌العابدین(ع) سؤال کرد درباره خرید کنیزی که صدای خوشی دارد. امام(ع) فرمود: چه اشکالی دارد اگر تو را به یاد بهشت بیندازد؟ در این روایت امام(ع) خرید کنیز آوازخوان را بی‌اشکال دانسته‌اند. فیض کاشانی در شرح حدیث می‌فرماید: اولاً از کلمه «یعنی» به بعد، کلام مرحوم ابن‌بابویه است که در شرح کلام امام می‌گوید: اگر این کنیز قرآن بخواند و یا آوازی که غنا نباشد، چه اشکالی دارد؟ قطعاً منظور امام آوازی است که غنا نیست، چون غنا حرام است. سپس مرحوم فیض در شرح حدیث می‌گوید: آنچه که از مجموع اخبار وارده ظاهر است، این است که حرمت غنا و لوازم آن مثل اجرت بر غنا و تعلیم و تعلّم و استماع و خرید و فروش لوازمش و... اختصاص به مجالسی دارد که در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس مرسوم بوده و ویژگی بارز آن، اختلاط زن و مرد بوده است همراه با اشعار باطل و آلات لهو مثل تار(عیدان) و نی و... به اعتقاد مرحوم فیض، دو رکن محتوای باطل همراه با منهیات دیگری مثل اختلاط زن و مرد یا آلات موسیقی، هردو در حرمت غنا دخالت دارند؛ اما آنچه در حرمت غنا مفهوم پایه و کلیدی است، اشتغال آن بر باطل است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۲۱۸).

– أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن أيوب بن الحر عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله عليه السلام: أجر المغنية التي تزف الغرائس ليس به بأسٌ ليست بالتي يدخل عليها الرجال^۲ (کلبی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۲۰). ابوبصیر گوید: امام صادق (ع) فرمود: مزد کنیز آوازه‌خوان که مجالس را برگزار می‌کند، اشکالی ندارد؛ این کنیزی نیست که مردان نزد او (برای شنیدن آوازش) می‌روند.

در این روایت، به‌صراحت، حرمت کار زنان آوازه‌خوانی که در مجالس عروسی می‌خوانند معلق بر شنیدن نامحرم شده است. چون در مجالس عروسی زنان جدا از مردان هستند و اختلاط زن و مرد وجود ندارد. در ضمن آواز این زنان مصداق لهووالحدیث

۱. این روایت در من‌لایحضره الفقیه نیز آمده است (ابن‌بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۶۰). مجلسی اول ذیل این حدیث می‌فرماید: از ظاهر کلام مصنف چنین پیداست که امثال این موارد را غنا نمی‌نامد بلکه غنا فقط آن است که در باطل باشد و عرف نیز آن را تأیید می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۱۶۹).

۲. این روایت از نظر علامه مجلسی صحیح است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۸۰).

محسوب نمی‌شود.

– عَنْ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْغِنَاءِ هَلْ يَصْلَحُ فِي الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَالْفَرَحِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ مَا لَمْ يُعْصَ بِهِ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۱۲۳).

در این روایت نیز غنا در اعیاد اسلامی مانند فطر و قربان بی‌اشکال دانسته شده منوط بر اینکه ملازم با گناه نباشد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از آیات و روایاتی که آمد چند نکته قابل توجه است: نکته اول اینکه آن‌طور که اساتید اهل فن فرموده‌اند، در برداشت از آیات و روایات، بهتر است «تفسیر دوسویه» داشته باشیم. منظور از تفسیر دوسویه این است که همان‌طور که روایت، آیه را تفسیر می‌کند، آیه نیز روایت را تفسیر می‌کند و این یک ارتباط متقابل است (علیدوست، ۱۴۰۱/۷/۱۷). وقتی به سراغ آیات می‌رویم، شأن نزول آیات، موضوع موسیقی و آلات آن و مطلق صوت و آواز نیست بلکه موضوع‌هایی مانند افسانه‌سرایی و قصه‌گویی است مانند قصه رستم و سهراب. آیه می‌فرماید این لهوالحديث است. با این حساب می‌توان اطمینان یافت که ماهیت غنا مطلق صوت نیست بلکه محتوا هم دخیل است. صوت غنائی همراه با محتوای فاسد، غناست و مصداق تحریم آیه کریمه است. همچنین وقتی آیه اصطلاح «قول الزور» و «لهو الحديث» را نهی می‌فرماید، معلوم می‌شود قول و حدیث و کلام در حکم حرمت دخیل است والا این شبهه پیش می‌آید که چرا قرآن نفرمود از غنا اجتناب کنید بلکه فرمود از قولی که وصف زور دارد و حدیثی که وصف لهو دارد اجتناب کنید؟ زمخشری می‌گوید: اضافه لهو به حدیث در آیه مبارکه ۶ سوره لقمان، برای تبیین است و اضافه به معنای «من» است؛ جنس لهو را مشخص می‌کند. لهو می‌تواند از جنس حدیث باشد و می‌تواند از جنس دیگری باشد. آیه کریمه اشعار دارد به اینکه منظور لهوی است که از جنس حدیث است و حدیث هم قطعاً منکر است. همان‌طور که در روایت آمده است: «الحديث في المسجد يأكل الحسنات كما تأكل البهيمة الحشيش» که منظور قطعاً گفتار منکر است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۱). اکنون وقتی روایات را در ذیل آیات بازخوانی می‌کنیم، روایت

عبدالاعلی از امام صادق(ع) درباره شعر نیست که فامیل داماد و عروس مقابل هم می‌خوانند. در معنی شعر هیچ باطل و خلاف شرعی مشاهده نمی‌شود. پس علت حرمت چیست؟ بعضی معتقدند علت اینکه عنوان غنا برای این اشعار به‌کار رفته است، محتوای آن نبوده بلکه آنچه آن را تحت عنوان غنا می‌آورد، اختلاط زن و مرد بوده چون زن‌ها این اشعار را در مقابل مردها می‌خوانده‌اند و احتمالاً همراه با رقص بوده است. درباره این ماجرا، غنا (به‌معنای موضوعی که مشتمل بر محتوای باطل است) از موضوعیت می‌افتد و حرمت به‌خاطر محرمات دیگر است (علی‌دوست، ۱۴۰۱/۷/۱۸؛ شهیدی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۰).

با توجه به روایات دیگری که اشاره کردیم، این‌طور نیست که غنا مطلقاً حکم حرمت داشته باشد. طبق نظر فقهای معاصر، مجرد پخش یک موسیقی از رسانه‌های عمومی مثل صداوسیما هم حجت شرعی بر إباحه و حلیت برای شنونده نیست (حسینی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۲) بلکه حرمت آن وابسته به محتوای آن و همراهی با عناوین حرام دیگر مثل اختلاط زن و مرد است. درنهایت یک قاعده به‌دست می‌آید: در هر موضوعی باید عنوان پایه را به‌دست آورد. منظور آن عنوانی است که حکم تکلیفی دائرمداً وجود و عدم آن است. گاهی در یک واقعه عناوین مختلفی کنار هم قرار می‌گیرد و درمجموع حکم حرمت یا وجوب را به خود اختصاص می‌دهد. کار اصلی یک فقیه یافتن عنوان پایه است که حکم منوط به آن است. به‌عنوان نمونه رسول الله(ص) در جنگ خیبر از ذبح و اکل الاغ‌های اهلی نهی فرمودند. در این حکم چند موضوع با هم قرین شده‌اند. یکی خوردن گوشت الاغ و دیگری جنگ خیبر. آنچه عنوان پایه در حکم پیامبر است، کدامست؟ عده‌ای گمان کردند خوردن گوشت الاغ مطلقاً حرام یا مکروه است، ولی وقتی اصحاب امام صادق(ع) علت را از ایشان می‌پرسند، ایشان می‌فرمایند: این حرمت خاص روز خیبر بوده است و به‌خاطر نیاز به الاغ‌ها برای حمل غنائم بوده است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ص. ۱۱۷). پس عنوان پایه، گوشت الاغ نیست بلکه وقوع در روز خیبر علت حکم است.

آنچه پس از بررسی آیات و روایات به‌نظر می‌رسد این است که درباره غنا نیز حکم حرمت به‌طور مطلق مناسب نیست؛ زیرا آن‌طور که از کلام عرب و اشعار ایشان و عبارات فقها به‌دست می‌آید غنا اسم مطلق صوت است یا صوت به همراه ترجیع، مثل کلمه قول که

بر هر کلامی که تکلم شود اطلاق می‌شود. همان‌طور که کلمه قول اعم است از حرام و غیرحرام، غنا هم اعم است از حرام و غیرحرام (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۲۱۸). طبق یافته این پژوهش، عنوان پایه و مرجع در غنا، باطل یا لهُو و لعبی است که با آن همراه می‌شود و واسطه عروض وصف حرمت برای آن آواز می‌شود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- آلوسی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۱۵). روح المعانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه. قم: جماعه المدرسین بحوزه العلمیه بقم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالصاد.
- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). تفسیر تستری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- حسینی، سیدمجتبی (۱۳۹۳/۱۰/۱۵). اپلیکیشن قرارگاه جهاد فرهنگی و اقتصادی، رساله دانشجویی، احکام موسیقی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). غنا. تهران: فقه روز.
- دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۷۹). حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی و رسانه‌ها. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۹، ص ۱۲۵-۱۴۴.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف. بیروت: دار الکتب العربی.
- سیدکریمی، سیدعباس (۱۳۹۳). نقد و بررسی تعاریف موجود در موضوع غنا. مجله الهیات هنر، شماره ۲، ص ۱۱۳-۱۳۸.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شهیدی، محمدتقی (۱۳۹۵/۱۰/۲۹). *درس خارج فقه*.
- صاحب جواهر، محمدحسن (بی‌تا). *جواهر الکلام*. بیروت: إحياء التراث العربی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عزیزاللهی، زهرا (۱۳۹۸). بررسی دلالت روایات قول زور بر حرمت غنا. *مجله مطالعات قرآنی*، شماره ۱۳۱، ص ۵۹-۷۲.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۴۰۱/۷/۱۷). *نرم‌افزار سلسبیل، فقه هنر*.
- فرّاء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰). *معانی القرآن*. قاهره: الهیئه المصریه العامه للكتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی‌تا). *العين*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) العامه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. قم: دار الكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). *تأویلات اهل السنه*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). *مرآه العقول فی شرح اخبار الرسول*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*. تهران: بنیاد فرهنگی کوشانپور.
- مشکانی، عباسعلی (۱۳۹۸). مبنای فقهی نظریه اخیر امام خمینی(ره) در زمینه غنا و موسیقی. *مجله فقه و اجتهاد*، ش ۱۲، ص ۳۳-۵۹.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع).

توسعه روش‌شناسی ارتباطات با تمرکز بر زمینه‌های ارتباطی میان مطالعات گفتمان با دانش فقه

نوع مقاله: پژوهشی

سعید اشیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

چکیده

این مقاله در پی ارائه پاسخ به این پرسش اصلی است که با رویکرد مطالعات میان‌رشته‌ای و با استفاده از الگوی خادم - مخدوم، چگونه می‌توان از نقاط مشترک و دستاوردهای میان مطالعات گفتمان (به‌مثابه خادم) با دانش فقه (به‌مثابه مخدوم) سخن گفت؛ بر این پایه، مطالعات گفتمان در توسعه دستگاه روش‌شناختی اصول فقه می‌تواند مؤثر باشد، از جمله در شناخت فرایند تکون معرفت در منطق فهم دین و توسعه معنایی مبحث دلالت، موجب توسعه مباحث و استفاده از ظرفیت‌های این مطالعات شود. مطالعات گفتمان، امکان توسعه فقه اجتماعی را با تمرکز بر شناخت تغییرات اجتماعی، توسعه شناخت عرف و توسعه موضوع‌شناسی فراهم خواهند کرد. این مقاله با طرح «شأن گفتمانی ولی فقیه» به مهم‌ترین دستاوردهای مطالعات گفتمان در فقه حکومتی پرداخته است.

واژگان کلیدی

منطق فهم دین، روش‌شناسی، روش‌شناسی ارتباطات، مطالعات گفتمان، فقه، فقه حکومتی، مطالعات میان‌رشته‌ای.

۱- استادیار دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

مقدمه

«روش‌شناسی مطالعات ارتباطات» به رویکردها و روش‌های نظام‌مندی اطلاق می‌شود که در مطالعات ارتباطی برای توصیف، ارزیابی، تحلیل و درک جنبه‌های مختلف ارتباطات انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ این دانش روشی، شامل استفاده از روش‌های تحقیق دقیق و چهارچوب‌های نظری برای کشف فرایندها، اثرها و کارکردهای ارتباط در زمینه‌ها و رسانه‌های مختلف است. از نگاه مریگان و همکاران (۲۰۱۲)، روش‌شناسی مطالعات ارتباطی شامل جمع‌آوری، تفسیر و تجزیه و تحلیل نظام‌مند داده‌های پژوهشی برای ارزیابی پدیده‌های ارتباطی است و بر هر دو روش تحقیق کیفی و کمی، از جمله نظرسنجی، مصاحبه، تحلیل محتوا، آزمایش‌ها و قوم‌نگاری تأکید دارد؛ هدف ارتقای دانش در مورد فرایندهای ارتباطی، اثرهای رسانه‌ای، تعاملات بین‌فردی و ارتباطات سازمانی است (نیز نک: Bryant & Pribanic-Smith, 2010).

در فضای روش‌شناسی مطالعات ارتباطات، مطالعات گفتمان، با رویکردها و نحله‌های مختلفی مورد توجه بوده است (Ruth & Meyer, 2015): در یک نگاه فراگیر و عمومی، پایه‌ای‌ترین رابطه‌ای که میان مطالعات گفتمان^۱ (یا مطالعات درباره گفتمان) و دانش‌های اسلامی - از جمله فقه - قابل طرح است، کاوش درباره «معنای معنا» است؛ منظور از معنای معنا، کندوکاوها درباره ماهیت و چیستی و تعریف از معنا است (و/عظی، ۱۳۹۲).

در یک سده اخیر در غرب و پرسش‌ها درباره رابطه زبان و تفکر به‌طور عام و به‌طور خاص، رابطه میان زبان و فرهنگ، یکی از اصلی‌ترین موضوع‌ها در مطالعات فرهنگی بوده است و زمینه‌های اصلی مطالعات گفتمان، در چنین فضایی تولد و نضج یافته است. در این فضای این پرسش‌ها، دو پیش‌فرض همواره مورد مناقشه و تمرکز بوده است: یک. زبان، میانجی ممتازی است که در آن «معانی» فرهنگی شکل می‌گیرند و با هم مرتبط می‌شوند؛ دو. زبان، نوعی ابزار و میانجی است که از خلال آن، ما «معنا و دانستن» درباره خویشتن و جهان اجتماعی را شکل می‌دهیم. در فضای مطالعات گفتمان در غرب، این زبان است که معانی را برمی‌سازد؛ زبان، به قابلیت یا ناتوانی به‌کارگیری معانی در شرایط معین از سوی

سوژه‌های سخنگو، ساختار می‌دهد (بارکر، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۹-۱۵۰). از سوی دیگر، زمینه مطالعه معنا در سنت اسلامی بسیار وسیع بوده است. پی‌جویی درباره معنا متناسب با فهم قرآن کریم، در دانش تفسیر، متناسب با فهم کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) در علوم حدیثی از جمله فقه الحدیث، برای استخراج احکام الهی در علم فقه و اصول فقه، در فضای دانش‌های ادبی در علم بلاغت و علم الشعر مورد توجه قرار گرفته است و مباحث عمیق و مبسوطی درباره چیستی و هستی و چگونگی معنا، شرح شده است (پاکتچی، ۱۳۸۷، صص. ۱۲۳-۱۲۴؛ نیز نک: واعظی، ۱۳۹۲).

بحث درباره حقیقت معنا و چیستی آن، از مباحث کلیدی فلسفه زبان است؛ اما نوع تلقی از معنا و فرایندهای دلالت، همواره یکی از مهم‌ترین اصول روش‌شناختی مؤثر در مطالعات فرهنگی در فضای فکری غرب و همچنین در سنت فکری اندیشمندان مسلمان بوده است؛ و در هر کدام از این حوزه‌های دانشی، مسئله معنا و دلالت و نوع دریافت از نشانه‌ها، دال‌ها، متن‌ها و پدیدارها همواره امری کلیدی محسوب می‌شود؛ بنابراین فضای بحث و تعامل و نقد درباره معنای معنا، ارتباط عمومی و کلی میان مطالعات گفتمان با دانش‌های اسلامی را برقرار می‌کند؛ اما در این مقاله، به دنبال تعیین نقاط تلاقی خاص میان مطالعات گفتمان و دانش فقه هستیم که با طرح دو نکته روش‌شناختی، فضای بحث را مشخص‌تر خواهیم کرد:

نخست اینکه گونه‌ای از مطالعات میان‌رشته‌ای، مطالعات میان‌رشته‌ای روشی (ابزاری)^۱ و گونه دیگر آن مطالعات میان‌رشته‌ای نظری^۲ است. در مطالعات میان‌رشته‌ای روشی، الگوی موسوم به خادم - مخدوم در حوزه علم استفاده می‌شود که یک رشته یا حوزه دانشی، به عنوان حوزه و رشته مبنا در نظر گرفته می‌شود و رشته دیگر نقش خادم و وسیله را برای رشته مبنا و حل مسئله آن بازی می‌کند (نک: پاکتچی، ۱۳۹۰، صص. ۱۱۹-۱۲۰). دیگر آنکه مطالعات درباره گفتمان، از جهاتی یک حوزه دانشی جدید، میان‌رشته‌ای و گسترده، متنوع و تا حدی قوام‌نیافته است؛ آنچنان که واژه مطالعات (یا Studies) نیز ناظر به همین وضعیت و ویژگی در این حوزه دانشی است اما دانش فقه، با رویکرد

1. Methodological or Instrumental Interdisciplinarity

2. Theoretical Interdisciplinarity

روش‌شناختی، یک رشته (یا Discipline) محسوب می‌شود که حاکی از قوام‌یافتگی تاریخی و بنیادین در صورت‌بندی ماهیت، منابع و مبانی، مبادی، موضوع، مسائل، روش، رویکرد، غایت، قلمرو و... است.

۱- بیان مسئله

در فضای واقعی و عملی در نظام جمهوری اسلامی ایران، ما در بالاترین سطح از حکمرانی ولی فقیه، با مقوله گفتمان - و گفتمان‌سازی به مثابه یک مطالبه عمومی - مواجهیم؛ به سخنی دیگر، اکنون بحث درباره مطالعات گفتمان، گفتگو درباره یک موضوع غربی و مسئله‌ای خارج از فقه حکومتی نیست بلکه گفتمان و گفتمان‌سازی، به عنوان یک موضوع اولیه و از دستاوردهای فکری غرب، به فضای فقه حکومتی امروز ما وارد شده است هرچند در نظریه اجتماعی و اجتهادات فقهی در ایران، صورت‌بندی متفاوت و جدیدی از آن طرح و بسط شده است؛ و حتی بالاتر از آن، بخش‌های مختلف نهادی در نظام اسلامی، به شکل‌ها و شیوه‌های مختلف به این مهم (امر گفتمان‌سازی) مشغولند. این صورت‌بندی جدید از گفتمان در فقه حکومتی امروز؛ البته نقاط مشترکی نیز با بخشی از مطالعات گفتمان در غرب دارد. این رهیافت از فقه حکومتی با نظریه‌پردازی، تفقه و اجتهادات رهبر گرامی انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام عزّه)، با استفاده از یکی از روش‌های ارتباطات بین‌انزبانی، تحت عنوان «وام‌گیری»^۱ قابل توصیف است. در این فضای دانشی، ایشان ضمن توجه به معنا و توصیف گفتمان در فضای فکری غرب (دانش مبدأ/ خادم)، در فضای فکری دانش فقه حکومتی (دانش مقصد/ مخدوم)، دامنه گسترده‌ای از این مفهوم را از لایه سیاست‌گذاری تا سطوح اجرایی، صورت‌بندی کرده‌اند. این صورت‌بندی، بیش از هر چیزی ناظر به موضوع کلیدی «نظام‌سازی در فقه حکومتی» است. در بیان آیت‌الله خامنه‌ای: «سابقه فقه سیاسی در شیعه، سابقه عریقی است؛ لیکن یک چیز جدید است و آن، نظام‌سازی بر اساس این فقه است؛ که این را امام بزرگوار ما انجام داد. قبل از ایشان کس دیگری از این ملتقطات فقهی در ابواب مختلف، یک نظام به وجود نیاورده بود. اول کسی

1. Borrowing

که در مقام نظر و در مقام عمل - توأماً - یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود؛ که مردم‌سالاری دینی را مطرح کرد، مسئله ولایت فقیه را مطرح کرد. بر اساس این مبنا، نظام اسلامی بر سر پا شد» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷).

در این مجال، برآنیم با رویکردی میان‌رشته‌ای و با طرح نقاط تلاقی میان مطالعات گفتمان با دانش فقه، فضای تعاضد و تعامل و گفتگو و نقد فعال میان این دو حوزه را مورد توجه قرار دهیم و بیشتر روی این پرسش کلی متمرکز هستیم که با رویکردی میان‌رشته‌ای و در یک الگوی خادم - مخدوم، مطالعات گفتمان (به‌مثابه خادم) چه نقاط مشترکی با دانش فقه (به‌مثابه مخدوم) دارد و چه دستاوردهایی را ایجاد خواهد کرد؟

این مقاله به اختصار و با طرح این نقاط تلاقی، تلاش خواهد کرد دست‌کم در دو سطح مباحث جدیدتر در دانش فقه را طرح کند: نخست در سطح دستگاه روشگانی فقه (اصول فقه)؛ و دوم در سطح توسعه فقه حکومتی و بحث از شأن گفتمانی ولی فقیه.

۲- اهمیت موضوع

علم فقه، دانشی است که متکفل بیان حلال و حرام و اعتبارات (وضع‌ی و تکلیفی) الهی برای مردم است. بر اساس نگاه حداکثری به دانش فقه، این مسائل، اگر نه همه، دست‌کم بخش عمده‌ای از سطوح فردی و اجتماعی و حاکمیتی جوامع انسانی را دربرمی‌گیرد؛ پس گرچه پاسخ‌های این دانش بر پایه منابع و مستندات شرعی استوار است؛ اما محوریت مسائل و همچنین مخاطب آن «فرد و جامعه» هستند و کارکرد آن نیز در متن حیات انسانی جریان خواهد داشت؛ بنابراین مسلماً بدون لحاظ عرف در فرایند استنباط احکام شرعی، اجتهاد سامان نمی‌یابد و به سرانجام نمی‌رسد. به دلیل این اهمیت است که برخی فقیهان شیعه و سنی در بیان مقدمات اجتهاد، «أنس به محاورات و فهم موضوعات عرفی» را مطرح کرده و اجتهاد بدون «شناخت عادات مردم» را ناتمام دانسته‌اند (علی‌رست، ۱۳۹۶). مطالعات گفتمان، همچنان که در تعاریف و ویژگی‌های آن خواهد آمد، به فضای ذهنی و سپهر و شرایط معنایی جامعه توجه می‌کند و بر همین اساس، دستاوردهای این حوزه مطالعاتی می‌تواند در فضای شناخت دقیق‌تر از موضوع‌هایی در درون دانش فقه، از جمله شناخت و تحلیل

عادت‌ها مردم و موضوع‌های عرفی، کمک‌رسان باشد.

تذکر این نکته نیز ضروری است که شناخت از عرف «کارایی ابزاری» خواهد داشت و نه «کارایی استقلالی» و به‌ویژه در دانش فقه شیعی جواهری، کثرت کاربرد حوزه مطالعات و شناخت عرف، منبعی مستقل برای کشف و استنباط احکام شرعی نیست و باید این ملاحظه را مورد توجه قرار داد که با توسعه شناخت از عرف و کاربرد آن در فرایند تفقه و اجتهاد، همواره باید این شریعه قدسی را از گزند «عرفی‌سازی فقه» مصون نگاه داشت (نک: علی‌دوست، ۱۳۹۶، بخش دوم).

۳- چهارچوب نظری

۳-۱- فقه حکومتی

فقه حکومتی، استنباط آن بخش از فقه و قواعد فقهی است که احکام آن به‌طور عام یا خاص به تمام شئون از حیات انسانی مرتبط است که حاکمیت می‌تواند در آن تأثیرگذار باشد (طالبی طادی، ۱۳۹۷، ص. ۵۷). در نگاهی دقیق‌تر و با توجه به جایگاه و تعریف حکومت، فقه حکومتی دانش احکام شرعی مبتنی بر ادله تفصیلی در چهارچوب یک سازمان متشکل و مبتنی بر قدرت حاکم در یک دولت-کشور است (صرامی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲).

فقه حکومتی مبتنی بر نیاز و مصلحت جامعه و متناسب با نگرش و تجویز دانش فقه در امور حکومت‌داری و حکمرانی است. دیدگاه‌ها و تعاریف درباره فقه حکومتی، از جهتی به سه دسته و رویکرد، قابل تقسیم است: تعاریف روش‌شناختی و معطوف به تحولات و تطورات روشمند در فقه و اصول فقه؛ تعاریف موضوع‌شناختی و متناظر با اولویت‌گذاری موضوعات جدید در حیطه حکومت‌داری؛ و تعاریف معطوف به استنباط کل که ضمن پایبندی و توجه به فقهات کنونی، به‌طور بنیادین در صدد تغییر و تکمیل در ادبیات استنباطات فقهی (اعم از فضای روش‌شناختی و موضوع‌شناختی) است (خلف‌خانی، ۱۳۹۵).

۳-۲- دیسکورس (گفتمان)

پس از ورود واژه «دیسکورس»^۱ به فضای زبان فارسی و ترجمه اولیه آن به «گفتار» (مثلاً: فروغی، ۱۳۱۰) و سپس ترجمه این واژه به «گفتمان» (آشوری، ۱۳۶۸)، محققان فارسی‌زبان در فرایند کاربرد این اصطلاح، با دو مشکل مواجه شدند: نخست آنکه معنا و مفهوم دیسکورس (گفتمان) در فضاهای مختلف فکری اروپایی یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان شکل گرفته بود و این مفاهیم شکل‌گرفته، حاوی معانی و روایت‌های متفاوتی بود؛ اما ما در ایران همه این تلقی‌ها و روایت‌ها از گفتمان را، بی‌هیچ تفاوتی، در کنار همدیگر گذاشته‌ایم و برای همه این معانی از دیسکورس، تنها «یک معنا» را برگزیده‌ایم؛ بنابراین هر محقق در مواجهه با افکار، اندیشه‌ها و حتی روش‌های متنوع تحقیقی و تحلیلی، دچار سردرگمی می‌شود که گفتمان دقیقاً به چه معناست؟ دومین مشکل این است که واژه‌ای که به‌عنوان معادل اصطلاح «دیسکورس» در زبان فارسی انتخاب کرده‌ایم از ابتدا سوءتفاهم پیش می‌آورد؛ واژه گفتمان که از ریشه «گفتن» ساخته شده است ما را دچار سوءتفاهم می‌کند؛ به دلیل این دو مشکل، سردرگمی‌ها و سوءتفاهم‌ها به‌طور پیوسته و سلسه‌وار تا آخر مباحث ادامه پیدا می‌کند (پاکتچی، ۱۳۹۴).

ویژگی مهمی که در علوم انسانی متعارف و در تعریف گفتمان محوریت دارد، تعریف گفتمان به‌مثابه «کنشی اجتماعی» است (بشیر، ۱۳۹۵، صص. ۱۵۰-۱۵۱). این نکته منشأ بیان و ویژگی دیگری می‌شود که «شرایط اجتماعی» را در فرایند گفتمان‌سازی مؤثر می‌داند و شرایط اجتماعی، عاملی است که در فرایند تولید و تفسیر و درک گروهی افراد جامعه دخالت دارد (Fairclough, 1993, pp.96-99). از نگاه جی (۲۰۰۵) گفتمان نوعی تفکر است. به سخنی دیگر، گفتمان، فکر غالبی است که با صدا زدن عناصر مختلف زبان و جمع‌آوری آنها حول یک دال مرکزی، آنها را از حاشیه متن می‌آورد و با مفصل‌بندی‌های ممکن و استفاده از بینامتنیت‌ها و فراگفتمان‌ها، نوعی از تفکر را در مقابل سایر افکار موجود، هژمونیک می‌کند. در حقیقت، تفکر هژمونیک در هر عرصه از زندگی، یک گفتمان به‌شمار می‌آید. در تعریفی دیگر و با نگاهی فراگیرتر، گفتمان، شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان

1. Discourse

و فهم آن یا فهم یکی از وجوه آن است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۱۹).

۳-۳- مطالعات گفتمان (در غرب)

مطالعات گفتمان در غرب، بخشی از فضای مطالعات فرهنگی و مبتنی است بر علوم اجتماعی مطالعه تولید، توزیع، مبادله و دریافت معنای درون‌متنی؛ و ماهیت مطالعاتی بودن^۱ آن نیز حاکی از تنوع تلقی‌ها درباره گفتمان و همچنین گوناگونی شیوه‌ها و رویکردهای آن است (میلنر و براویت، ۱۳۸۵، ص. ۱۸).

در نگاهی فراگیرتر از حوزه مطالعات فرهنگی، دست‌کم در سه ساحت ادبی (و نشانه‌شناختی)، فلسفی و جامعه‌شناختی، می‌توان درباره مطالعات گفتمان در غرب سخن گفت. براین‌اساس، گفتمان، مفهومی چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای است که از چرخش زبانی در حوزه‌های فلسفه و جامعه‌شناختی پدید آمده است. در ساحت زبان‌شناسی: دوسوسور و فرکلاف، در فلسفه: ویتگنشتاین، نیچه و هایدگر و در جامعه‌شناسی: گارفینکل و آلتوسر، بیشترین سهم را در تکوین و تکمیل مفهوم گفتمان در فضای فکری غرب جدید داشته‌اند؛ اما نقش ویژه در ترکیب و تلفیق این سه منظر با میشل فوکو است؛ گفتمان نزد او، تحلیل روابط متقابل «دانش و قدرت» در برساختن «حقیقت» است (کلانتری، ۱۳۹۱).

در نگرش فوکو، گفتمان برآیندی از قدرت و دانش است. هر رشته‌ای از دانش در هر دوره خاص تاریخی، مجموعه‌ای از قواعد و قوانین پذیرنده و طردکننده دارد که تعیین می‌کند درباره چه چیزهایی می‌توان بحث کرد و در چه مواردی نمی‌توان وارد بحث شد؛ «دیسکورس» هر حوزه دانش، درواقع همین قواعد نانوشته است که بر هر گفتار و نوشتاری حاکم است. در نگاه فوکو، مجموع دیسکورس‌ها، نظام دیسکورس‌ها را ایجاد می‌کنند و از ترکیب آنها در هر دوره، اپیستمه صورت‌بندی می‌شود که با روش تبارشناسی می‌توان آن را فهمید. دیسکورس‌ها، مجموعه‌ای جمله‌ها، گزاره‌ها و قضایای متنوعی است که کارکردهای وسیع و مشخص دارند (فوکو، ۱۳۹۲). فوکو در «دیرینه‌شناسی دانش»، روش خود را با روش تاریخ‌نگاری سنتی مقایسه می‌کند که مفروض آن حاکمیت سوژه

خودمختار و استمرار پیوسته وقایع و تفکرات به‌عنوان محصول آگاهی انسان است (همان؛ نیز نک: همو، ۱۳۹۰-الف). فوکو معتقد است هر صورت‌بندی گفتمانی با چهار عنصر اساسی سروکار دارد: صورت‌بندی موضوع‌ها، صورت‌بندی قواعد اظهار و بیان، صورت‌بندی مفاهیم و صورت‌بندی راهبردها. اصولاً فوکو بر این باور است که مسائل و موضوع‌ها، نه پیش از گفتمان بلکه از دل گفتمان پدید می‌آیند. مفاهیم، قواعد و موضوع‌های علم و معرفت نیز چنین هستند. (فوکو، ۱۳۹۲؛ نیز نک: همو، ۱۳۹۰-ب).

در ادامه این تفکر و در فضای مطالعات گفتمان، لاکلاو و موفه، نظریه‌پردازانی گفتمانی و پسامارکسیست، پسامدرن و پساساختارگرا، از مطالعات و تحقیقات فوکو، گرامشی و آلتوسر برای طرح نظریه خویش بهره جستند. مفهوم گفتمان در اندیشه آنها ویژگی پساسوسوری دارد و دال‌های شناور دگرگون‌شونده بدون آنکه معنایی فراگفتمانی داشته باشند، تنها در متن تعارض‌های اجتماعی معنای موقتی می‌یابند. معنا و وجود هر چیز در نسبت با زبان است که تعیین پیدا می‌کند؛ هویت هر چیز در دل گفتمان‌های گوناگون به‌وجود می‌یابد می‌شود. از دید این دو اندیشمند، ساختارهای گفتمانی (نظام‌های معنایی) خود برساخته‌های سیاسی و اجتماعی هستند و مفصل‌بندی^۱ (تأسیس نقاط هم‌پیوندی که به‌طور نسبی معنا را تثبیت می‌کنند) برای درک آنها اهمیت فراوانی دارد. ساختار اجتماعی به دلیل «ازجاکندگی» و «گشودگی» همواره راه را برای کنش‌های دگرگون‌کننده هموار می‌کند. بی‌کرانگی زمینه گفتمان‌ها امکان تهدید و تغییر گفتمان توسط رقیبان را فراهم می‌سازد (لاکلاو و موفه، ۱۳۹۳).

۳-۴- مطالعات گفتمان (فقه حکومتی)

کاربرد مکرر واژه گفتمان در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای و طرح و مطالبه «گفتمان‌سازی» در سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی ایشان، بیانگر ورود این واژه به ادبیات «فقه حکومتی» است، (از جمله، بند ۲۱ سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی: «تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن

1. Articulation

به گفتمان فراگیر و رایج ملی» (۱۳۹۲/۱۱/۲۹)؛ نیز نک: بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ بیانات در تشکیل جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۱۲/۶؛ بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴.

از نگاه رهبر انقلاب: «گفتمان، یعنی یک مفهوم و یک معرفت همه‌گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه» (بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲)؛ «گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند» (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). گفتمان، به مثابه هوای تنفس‌شونده جامعه، اهل تحقیق را رهنمون می‌شود به این نکته که درباره «مفهوم فرهنگ» هم، ایشان تعبیر مشابهی را بیان کرده‌اند: «درواقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک، فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری وادار می‌کند؛ بنابراین نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع - کالبد بزرگ انسانی - است» (بیانات در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۷). در مجموع، این برداشت قابل طرح است که در اندیشه رهبر انقلاب، گفتمان، ماهیتی فرهنگی دارد و اولاً و بالذات، باید گفتمان را ذیل و در درون فرهنگ دانست. پیش‌تر و در یک پژوهش تفصیلی، معنا و توصیف تفصیلی گفتمان در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، بیان شده است (اشیری، ۱۳۹۷، فصل ۲). برای این منظور، ابتدا گفتارهایی از مجموعه سخنان ایشان انتخاب شده‌اند که این واژه در آنها به کار رفته است و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمونی^۱، معانی صریح (منطوق) و ضمنی (مفهوم) کلام ایشان و با توجه به قرائن و سیاق کلام، ذیل آنها استنباط و نوشته شده است؛ و در نهایت با توجه به روابط بینامتنی^۲ میان این متون، تحلیلی از شبکه معنایی گفتمان به دست آمده است که تعریف و توصیف گفتمان را در رویکردی اسلامی بیان می‌کند:

- گفتمان جامعه، وضعیتی است که موضوعی به «عرف و فضای ذهنی جامعه» تبدیل می‌شود. گفتمان در جامعه، شرایط و زمینه‌هایی واقعی و توافق‌شده است که امکان باور و فهم مشترک و مقبول عمومی را به وجود می‌آورد؛ گفتمان جامعه، در درون فرهنگ

1. Thematic Analysis
2. Intertextuality

جامعه متولد و تعریف می‌شود؛ گفتمان در جامعه، مثل هوا است و بدون هوا، «امکان و شرایطی» برای تنفس نخواهد بود.

- تحقق گفتمان، به صورت شیوه منسجمی از باور، تفاهم، همفکری، گرایش، جهت‌گیری و عمل (در جامعه) است؛ باور عمومی، تجلی‌گاه گفتمان جامعه است؛ گفتمان یعنی آن وضعیتی که یک سخن (یک آرمان، یک معرفت و...) مورد تفاهم، قبول و پذیرش عموم مردم تلقی بشود و مردم به آن توجه کنند؛ بر این اساس، می‌توانیم بگوییم گفتمان جامعه، مفهوم و معرفتی است که در برهه‌ای از زمان در یک جامعه همه‌گیر می‌شود؛ از همین‌جا گفتمان - علاوه بر انسجام درونی - با دو بُعد «زمان» و «مکان» نیز ارتباط پیدا می‌کند.

- ماهیت گفتمان‌ها، ماهیتی فرهنگی است و گفتمان‌ها در فضای فرهنگی جامعه متولد می‌شوند (ناظر به دیدگاه «فرهنگ مثل هوا است»). هر مضمونی امکان تبدیل شدن به گفتمان را ندارد و پذیرش و استقبال جامعه، عامل تحقق گفتمان در جامعه است. گفتمان‌ها در فضای خلأ به وجود نمی‌آیند؛ هر گفتمانی در مرحله پیدایی با گفتمان‌های پیش از خود در ارتباط است. برخی گفتمان‌ها، در درون خود گفتمان‌هایی را به وجود می‌آورند. عوامل مختلفی در بالندگی و رشد گفتمان‌ها مؤثرند، مثلاً تبلیغ موفق، تبیین صحیح، استفاده از قواعد بلاغت، استفاده از استدلال و... از عوامل ایجادکننده فضای گفتمان‌ساز در جامعه هستند.

- گفتمان‌ها، توانمند و کم‌رمق می‌شوند و آنچنان‌که قوت و ضعف دارند، ممکن است زنده بمانند یا بمیرند؛ چراکه گفتمان‌ها، مستقل از وجود جامعه، وجود خارجی نخواهند داشت و به‌طور کلی شرایط مفاهمه - آگاهانه یا ناآگاهانه - در ساحت جامعه به وجود می‌آید؛ مرگ یک گفتمان، آن را به بخشی از «تاریخ فرهنگی» جامعه تبدیل می‌کند (چون گفتمان جامعه، در درون فرهنگ جامعه متولد و تعریف می‌شود) و ممکن است بعد از گذشت سالیان دراز، دوباره جامعه تصمیم بگیرد یک گفتمان مرده را دوباره زنده کند؛ برای زنده کردن آن گفتمان، جامعه به مفهوم مرکزی آن توجه می‌کند؛ از همین‌جا می‌توانیم درباره تولد یک گفتمان سخن بگوییم.

در جمع‌بندی از معنا و توصیف گفتمان در غرب (با تمرکز بر آراء فوکو) و در سنت اسلامی و فقه حکومتی (با تمرکز بر نظرات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^۴ ع^۴ه)، این تفاوت بنیادین میان این دو دیدگاه را باید در نظر داشت که بنیادهای فکری در این دو نظرگاه، تفاوت‌های بزرگ، مبنایی و قابل توجهی دارند. فوکو در فضایی ضدّ ذات‌گرایانه و ذیل پساساختگرایی، درباره مفهوم گفتمان، سخن گفته است (بارکر، ۱۳۹۴، صص. ۱۷۲-۱۷۴). گفتمان و معنا در نگاه فوکو، امری نسبی است که نه از راه بازسازی ایده «دالت» بلکه از طرح «روابط قدرت» به جای «روابط معنی» صورت گرفته است (میلنر و براویت، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۷).

وجوه تفاوت از تلقی‌ها درباره معنا در مطالعات فرهنگی پسامدرن و مطالعات فرهنگی اسلامی، در جدول زیر نشان داده شده است (اشیری، ۱۴۰۲، ص. ۷۲):

مطالعات فرهنگی (اسلامی)	مطالعات فرهنگی (پسامدرن)	وجوه و تعریف «معنا»
ذات‌گرایانه	ضدّ ذات‌گرایانه	بنیاد فلسفی
عینی (مستقلّ از ذهن)، نفس‌الامری و مفهومی	ذهنی (یا مصداقی یا رفتاری)	حقیقت و ماهیت معنا
ثابت و معین	غیر ثابت و متغیر	ویژگی معنا
ضابطه‌مند بودن تفسیر	بی‌انتها بودن تفسیر	فرایند تفسیر
نظام‌مند، غیرسیال، مشخص و مبتنی بر وضع (ارجاع دال به مدلول)	واسازانه، سیال و مبتنی بر تغییر (ارجاع دال به دال دیگر، در نگاه دریدا)	رابطه میان دال و مدلول
مؤلف (نویسنده، گوینده)	زبان (سنت، بینامتنیت)، خواننده	خاستگاه و خالق معنا
قرینه لفظی	منشأ و خاستگاه معنا	نقش روابط بینامتنی
تقدم معرفت بر فرهنگ (و گفتمان)	تقدم گفتمان بر معرفت	معناسازی بر پایه رابطه گفتمان و معرفت

توجه به این مبانی و نظریه‌های برآمده از آن، حاکی از تفاوت‌های متعارض و متضاد در این دو نگرش است؛ اما از جهات دیگری می‌توان میان تلقی و تعریف از گفتمان، اشتراک‌هایی را طرح کرد، از جمله از این زاویه دید که هر دو نظریه گفتمانی، در تعریف از گفتمان به‌مثابه یک ویژگی در جهان اجتماعی، مشترکاتی را طرح کرده‌اند؛ به سخنی دیگر،

هر دو نظریه، واقعیت بیرونی و اجتماعی گفتمان را شبیه به همدیگر تعریف می‌کنند؛ اما در تحلیل از بنیادها و عوامل و ریشه‌های آن، با همدیگر تفاوت دارند. اصولاً فوکو بر این باور است که مسائل و موضوع‌ها، نه پیش از گفتمان بلکه از دل گفتمان پدید می‌آیند؛ در این تلقی، گفتمان در جامعه، شرایط مفاهمه و سپهری معنایی است که نشانه‌ها و دال‌ها در آن سپهر معنی دارند. در دیدگاه فقه حکومتی و مبتنی بر آراء آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان جامعه، وضعیتی است که موضوعی به «عرف و فضای ذهنی جامعه» تبدیل می‌شود. در این دیدگاه، گفتمان، دارای ماهیتی فرهنگی و برآمده از درون فرهنگ جامعه است. این گفتمان است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری وادار می‌کند؛ بنابراین نقش گفتمان‌ها، نقش روح در کالبد اجتماع - کالبد بزرگ انسانی - است.^۱ این تلقی از گفتمان به مثابه یک سپهر معنایی و نحوه تأثیر آن در جهان اجتماعی، نقطه اشتراک اصلی در تعریف از گفتمان (میان این دو نظرگاه) است. در تعریف از گفتمان جامعه (مبتنی بر دیدگاه فقه حکومتی)، یک مضمون و معرفت در سطحی از جامعه فراگیر می‌شود و در نتیجه، آن فکر رایج میان مردم به مطالبه عمومی جامعه - متناسب با سطحی از جامعه که آن را پذیرفته‌اند - تبدیل می‌شود؛ چراکه مردم درباره آن مضمون و معرفت به تفاهم رسیده‌اند و آن را به خوبی شناخته‌اند و طبعاً آنچه را شناخته‌اند و پسندیده‌اند، بیشتر خواهند خواست و بیش‌ازپیش سعی می‌کنند آن را محقق کنند؛ بنابراین گفتمان‌ها تعیین‌کننده خواست‌ها و مطالبه‌های مردم می‌شوند یا به تعبیر درست‌تر، خواست‌ها و مطالبات مردم در گفتمان‌ها تعریف می‌شود و توسعه می‌یابد و همین وضع، مایه حرکت عمومی مردم نیز می‌شود.

۴- زمینه‌های ارتباطی

وسعت و تنوع دیدگاه‌ها درباره گفتمان، کار را برای ارائه زمینه‌های ارتباط میان مطالعات گفتمان و دانش فقه سهل و ممتنع می‌کند. برای این منظور، در این مقاله تلقی از معنای

۱- «[...] درواقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است» (بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۷).

گفتمان در دو رویکرد پساساختگرایی فوکویی و فقه حکومتی مورد توجه بوده است. با توجه به این نقطه مشترک در سطح تعریف از گفتمان در جامعه، مطالعه درباره گفتمان، از جهات مختلفی می‌تواند با دانش فقه ارتباط برقرار کند؛ دست‌کم به سه زمینه ارتباطی کلیدی تأثیر مطالعات گفتمان در این مقاله، اشاره خواهیم کرد: یک. توسعه اصول فقه؛ دو. توسعه فقه اجتماعی؛ سه. توسعه فقه حکومتی از طریق بازشناسی شأن ولی فقیه.

۴-۱- توسعه اصول فقه

۴-۱-۱- تأثیر در پیش‌انگاره‌های اصول فقه (فرایند تکون معرفت در منطق فهم

دین) و توسعه مرزهای فقه اجتماعی

دانش اصول فقه، به‌مثابه یک دستگاه روش‌شناختی و عقلانی در فضای اندیشه اسلامی، از مبانی و مبادی و نظریه‌های روش‌شناختی کلان‌تر و پیش‌انگاره‌های خود تأثیرپذیر است. نظریه ابتناء (رشاد، ۱۳۸۹، صص. ۱۲۷-۱۲۷)، از جمله نظریه‌هایی است که «علاوه بر کارکرد در تبیین تکون و تحول معرفت دینی، می‌تواند به‌عنوان چهارچوب نظری شایسته برای طراحی و تأسیس دستگاه روش‌گانی» (رشاد، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۳) به‌کار رود. براین‌اساس، این نظریه به‌مثابه یک کلان‌نظریه روش‌شناختی، می‌تواند در نظریه‌های روش‌شناختی جزئی‌تر از جمله اصول فقه نیز تأثیرگذار باشد. مطالعات گفتمان، در توسعه نظریه ابتناء، تأثیراتی خواهد داشت که در ادامه به آن خواهیم پرداخت؛ و در صورت اثبات امکان این ارتباط معرفتی، می‌توان از تأثیر مطالعات گفتمان در سایر نظام‌های روش‌شناختی دینی (مانند اصول فقه) نیز سخن گفت.

نظریه ابتناء مبتنی بر چهار اصل کلیدی بنیان گذاشته شده است: اصل نخست: فرایندمندی تکون معرفت و برآیندوارگی معرفت دینی؛ اصل دوم: دوگونگی سازوکارهای دخیل در تکون معرفت دینی و بالتبع امکان سرگی و ناسرگی معرفت دینی؛ اصل سوم: پیام‌وارگی دین و شمول آن بر مبادی خمسه دخیل در فهم پیام؛ چهار: برساختگی کشف و کاربرد صائب و جامع دین بر کشف و کاربرد صائب و جامع مبادی (همان). در اصل نخست و در رویکردی معرفت‌شناختی، «سازه سه‌ضلعی سازکار معرفت» طرح شده است که متناسب با فرایند معرفت قرار می‌گیرند، سه ضلع «شناخت‌گر» (خصائص ذاتی فاعل

معرفت)، «شناخته» (خصائی ذاتی متعلق معرفت) و «پیراشناخته‌ها» (معدّات و موانع فرایند شناخت) طرح شده‌اند؛ پیراشناخته‌ها نیز به سه بخش «عناصر عارضی مستند به شناخت‌گر»، «عناصر عارضی مستند به شناخته» و «عناصر طرفینی» تقسیم شده‌اند (رشاد، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۶).

مطالعات گفتمان از جمله در بازشناسی عناصر عارضی مستند به شناخت‌گر، مانند توصیف و تحلیل از پیش‌دانسته‌ها، فضای ذهنی، عادات و ذهنیت‌ها و علایق و سلايق شناخت‌گر، به‌ویژه در ساحت جمعی و ناظر به جهان اجتماعی، می‌تواند به این فضای دانشی کمک کند. مطالعات گفتمان، درباره مضمون‌ها و معرفت‌هایی در جامعه بحث می‌کند که این معرفت‌ها، از سوی افراد و جامعه، مورد توجه قرار گرفته‌اند و تا حدی فراگیر شده‌اند و اصطلاحاً طنین اجتماعی پیدا کرده‌اند.

در بخش عناصر طرفینی نیز سازوکارهای مادی و دانش ناظر به شناخت محیط و ظروف فرایند شناخت، با مباحث مطالعات گفتمان، کاملاً مرتبط است که در «مبحث دلالت» و «شناخت قرائن» در این مقاله، درباره آن سخن خواهیم گفت.

در سطح عناصر عارضی مستند به شناخته نیز آنجا که به مطالعه نشانه‌ها و نمادها (و به‌طور کلی دال‌ها) مرتبط می‌شود، باز می‌توان از مطالعات گفتمان و با تمرکز بر رویکرد دانش نشانه‌شناسی فرهنگی بهره‌مند شد. گفتمان‌ها در این رویکرد، سپهرهای نشانه‌ای هستند که در آن دال‌های درون‌گفتمانی معنایی متناسب با آن فضا را پیدا می‌کنند.

۴-۱-۲- بازتعریف حافظگی و خلاقیت فرهنگی

در نگرشی مبنایی و متناسب با رویکرد اسلامی، این دیدگاه مطرح است که کنش اجتماعی با اراده انسان شکل می‌گیرد و اراده انسان بر مدار معرفت و آگاهی او سامان می‌یابد و علم اجتماعی، معرفت و آگاهی انسان را تثبیت می‌کند و تعمیق می‌بخشد یا آنکه آن را تغییر می‌دهد و دگرگون می‌کند و چون معرفت و آگاهی، بستر اراده و عمل انسان است، هر نوع تغییری در این معرفت، زمینه تحولی در اراده مبتنی بر آن را فراهم می‌کند (پارسانیا، ۱۳۹۱، ص. ۷۲). هر یک از صور معرفت، ملازمات، پیامدها و مبانی خاص خود را دارد؛ و اگر این صور به وساطت اراده و آگاهی انسان به عرصه حیات اجتماعی وارد شوند، لوازم وجودی

خود را نیز در قالب یک ساختار و نظام اجتماعی به دنبال می‌آورند (پارسانیا، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۵). در این دیدگاه از تأثیر «تثبیت‌کننده» و «تغییردهنده» علم اجتماعی بر کنش اجتماعی سخن به میان آمده است، به این معنا که گاه علم اجتماعی، حاوی وضعیتی است که موجب تثبیت و تعمیق کنش اجتماعی می‌شود و گاه مایه تغییر در کنش اجتماعی. با این وصف، این پرسش قابل طرح است که وضعیت تثبیت‌کننده و تغییردهنده علم اجتماعی دقیقاً چگونه حاصل می‌شود و منشأ و ریشه آن چیست؟ این دیدگاه، بخشی از پاسخ را در «ظرفیت‌های تاریخی فرهنگ» و فضای گفتمانی جامعه طرح می‌کند؛ بدین معنا که جامعه و آگاهی و اراده مشترک اجتماعی در فرهنگ تبلور می‌یابد. فرهنگ در برابر چالش‌ها و مسئله‌ها، با استفاده از ذخیره معرفتی خود، از نظریه‌پردازی اندیشمندان علوم اجتماعی پشتیبانی می‌کند و علوم اجتماعی به دلیل تعامل مستمری که با فرهنگ دارند، به گونه‌ای مضاعف، خصلتی تاریخی پیدا می‌کنند؛ به این معنا که علوم اجتماعی متناسب با ظرفیت‌های تاریخی فرهنگ شکل می‌گیرند و همگام با تحولات تاریخی آن، دگرگون می‌شوند (پارسانیا، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۳؛ نیز نک: همو، ۱۳۹۲)؛ بنابراین می‌توان از وضعیتی در فرایند ایجاد کنش اجتماعی سخن گفت که از سویی مبتنی بر ظرفیت تاریخی فرهنگ است و از سوی دیگر بر ظرفیت تغییردهنده فرهنگ؛ و این دو وضعیت را می‌توان ناظر به دو جنبه و قوه در فرهنگ نگریست: «حافظگی» و «خلاقیت»؛ حافظگی فرهنگ بر ظرفیت تاریخی فرهنگ استوار است و خلاقیت فرهنگ نیز دال بر قوه و ظرفیت تغییردهنده فرهنگ است. کنش‌های اجتماعی - از جمله تولید متن و محتوا در فضای گفتمانی جامعه - همواره در یک وضعیت طیفی قرار دارند که در یک سر طیف، حافظگی فرهنگی جامعه قرار دارد و در سر دیگر خلاقیت فرهنگی (اشیری، ۱۳۹۹؛ نیز نک: ایمان و کلاته‌ساداتی، ۱۳۹۲).

متناسب با این برداشت و طرح سویه‌های حافظگی و خلاقیت در فرهنگ در این دیدگاه مبنایی، زمینه‌هایی برای تعامل و هم‌سخنی با دیدگاه «نشانه‌شناسی فرهنگی» در فضای مطالعات گفتمان، ممکن و میسر می‌شود. در فضای نشانه‌شناسی فرهنگی، عمومی‌ترین تعریف برای فرهنگ، حافظه اکتسابی جمعی است که در یک نظام معین بایدها و نبایدها بیان می‌شود. فرهنگ، ضمن ایجاد الگویی مخصوص به خود، فعالانه بر فرایند سازمان‌دهی خود تأثیر می‌گذارد، به لحاظ سلسله‌مراتب، خود را سازماندهی می‌کند، برخی متن‌ها را

مقدس می‌شمارد و برخی دیگر را حذف می‌کند (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۱، صص. ۲۳-۲۴). در این رویکرد، اصلی‌ترین نظریه درباره تولید متن، دوگان «حافظه تاریخی - خلاقیت فرهنگی» است. در این نگرش و مبتنی بر تتبعات و یافته‌های نویسندگانی چون یوری لوتمان در مکتب نشانه‌شناسی مسکو - تارتو، حافظه تاریخی، پردازش و بازتاب مجموعه‌ای از ارزش‌ها، عادات و پروژه‌هایی است که به‌طور کلی و آشکارا اعلام نمی‌شود لیکن در جامعه حضور دارند و آنها را می‌توان مشاهده کرد. فرهنگی بودن و نسبی بودن، ازجمله معیارهایی است که یک رخداد را به یک امر به‌یادآوردنی مبدل می‌کند و همین امر موجب می‌شود حافظه را بتوان مسئله‌ای اجتماعی و فرهنگی تلقی کرد (لاروسو، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۷-۱۲۹). در نشانه‌شناسی فرهنگی، این دیدگاه مطرح است که حافظه تاریخی و فرهنگی مبتنی بر متن‌ها شکل می‌گیرد و ما از همان سنین آغازین، متون مختلفی را فرامی‌گیریم که فضای نشانه‌شناختی ما را شکل می‌دهند: قصه‌های خانوادگی، حکایت‌ها، برنامه درسی مدرسه، گزارش‌های رسانه و موجودیت‌های متنی متعدد دیگری که فرهنگ فردی و خانوادگی ما را شکل می‌دهند. در مواجهه با یک متن، وجود حافظه مشترک میان فرستنده و گیرنده، یک پیش‌فرض مهم است و همواره این حافظه، فرایند فهم و دریافت را بسیار تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در عین حال، هرچه حافظه کمتری میان این دو، مشترک باشد، فرایند رمزگشایی نزد گیرنده، خلاقانه‌تر خواهد بود (سیمنکو، ۱۳۹۶، صص. ۱۱۵-۱۱۸)؛ بنابراین در این نگرش، فرهنگ به‌مثابه برآیند حافظه تاریخی و خلاقیت فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ از طرفی خلاقیت فرهنگی، عاملی است که پیوسته در حال تولید امور جدید فرهنگ و گفتمان‌ها است و از طرف دیگر، ما با حافظه تاریخی و فرهنگی روبرویم و این دو با هم، سازنده فرهنگ هستند؛ به سخنی دیگر، خلاقیت فرهنگی بدون حافظه تاریخی و حافظه تاریخی بدون خلاقیت فرهنگی، امکان وجود و بروز ندارند (نک: پاکتچی، ۱۳۹۳، ۱۲۳).

این توضیح، نشان می‌دهد متناظر به صورت‌بندی عناصری که در سازه سه‌ضلعی فرایند تکون معرفت دینی اثرگذارند و با تعامل و ارتباط میان این مؤلفه‌ها با حوزه‌های دانشی دیگر، از جمله نشانه‌شناسی فرهنگی و مطالعات گفتمان، امکان بسط و طرح دیدگاه‌هایی نوین‌تر نیز فراهم خواهد شد. این ارتباط از سویی در فضای پیش‌انگاره‌های

اصول فقه تأثیرگذار است و از سوی دیگر، در توسعه مرزهای فقه اجتماعی؛ یعنی در آنجا که دانش فقه به حوزه‌های شناخت جهان اجتماعی ورود می‌کند و مبتنی بر یک چهارچوب شناختی، به تجویزهای احکام فقهی در سطح امور جامعه و حکومتی می‌پردازد. این ارتباط را می‌توان مبتنی بر نظریه روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی (پارسانیا، ۱۳۹۲)، به‌ویژه با تمرکز بر «زمینه‌های وجودی غیر معرفتی» و «عوامل اجتماعی غیر معرفتی» نیز توضیح داد (پارسانیا، ۱۳۹۲، صص. ۱۷-۲۰). در این نظرگاه، شناخت عوامل اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک حاکی از میزان تأثیرگذاری عوامل غیرمعرفتی در فضای تولید نظریه‌ها است. کارایی زمینه‌های دانشی و معرفتی و نیز مؤلفه‌های غیرمعرفتی در تکوین و نضج و تولد نظریه‌های دانشی در فضای تاریخی و فرهنگی گوناگون، همسان و یکسان نیست. در فضایی که ایمان به فهم و دریافت‌های وحیانی و الهی رشد و نمو بیشتری دارد، کارایی زمینه‌ها و سازه‌های دانشی و معرفتی، اثرگذارتر و پایاتر است. در فرهنگ‌هایی که مبتنی بر هویت سکولار و دنیوی، به عالم دنیا و علایق آن محدودتر و مقیدترند، دامنه عوامل و زمینه‌های غیردانشی، متفاوت‌تر و رشدیابنده‌تر است (پارسانیا، ۱۳۹۲، صص. ۱۷-۲۰). این اثرگذاری تا آنجاست که گاه حتی در بنیاد گفتمان – که همان معنا است – زمینه‌گرایی^۱ در شکل مفرط آن، اصالت پیدا می‌کند و عامل ایجاد و تحقق معنا می‌شود (نیز نک: واعظی، ۱۳۹۲، صص. ۲۶۷-۲۶۸؛ رضایی، ۱۳۹۳).

۴-۱-۳- توسعه معنایی مبحث «دلالت»

با توجه به رابطه معنایی میان گفتمان با مبحث دلالت (در اصول فقه)، رابطه دانش فقه و روش‌شناسی آن با دانش‌های نوینی همچون زبان‌شناسی، معناشناسی و نشانه‌شناسی با تمرکز بر مبحث دلالت، قابل طرح و بسط خواهد بود.

در بحث دلالت، پیوسته از دال‌هایی سخن می‌گوییم که بر مدلول‌هایی دلالت دارند. وقتی یک دال بر مدلولی دلالت دارد، احتیاج به قرائنی دارد که این دلالت محقق بشود. در آنجایی که استعمال در ساحت استعاره و مجاز انجام می‌شود، فرایند کشف دلالت احتیاج به قرینه

1. Contextualism

دارد و بدون قرینه نمی‌شود لفظی را در معنای مجازی و استعاری به‌کار برد؛ در آنجایی هم که استعمال لفظ در «مَا وَضِعَ لَهُ» به‌کار می‌رود، ما می‌دانیم عمدتاً وضع‌ها تعیینی هستند نه تعینی؛ و برای اینکه ما علم به وضع داشته باشیم، باید علم به مواردی از جمله استعمال و تبادل و... داشته باشیم. گفتمان عبارت است از فضای مفاهیم که درواقع ما تحت عنوان قرائن استعمال مجازی و هم قرائن تشخیص حقیقت از مجاز (مثل تبادل، عدم صحت سلب و...) آن را به‌کار می‌بریم (پاکتچی، ۱۳۹۰). در این نگاه، تفاوت گفتمان با باورهای بنیادین، در این است که باورهای بنیادین در حوزه تصدیقات است؛ اما گفتمان هم در تصورات وجود دارد و هم در تصدیقات؛ یعنی گفتمان هم شرایطی را فراهم می‌کند که ما معنای یک تصدیق فهم کنیم و هم فراهم‌کننده شرایطی است که ما معنای واژه‌ای، دالّ بر یک امر تصویری را نیز بفهمیم. همچنین تفاوت گفتمان با مبانی معرفت‌شناسی در این است که در مباحث معرفت‌شناسی، ما به مقوله صدق و موجه بودن توجه می‌کنیم؛ اما در گفتمان، مسئله ما، قبل از وارد شدن به مقوله صدق و موجه بودن است، مسئله ما در گفتمان، بحث درباره مفهوم بودن و معنا داشتن چیزها، نشانه‌ها، دال‌ها و الفاظ است. در گفتگوی میان دو نفر، قبل از اینکه تصدیق و ارزیابی کلام و گفتگو مطرح بشود، اول باید این سخنان از سوی دو طرف، فهم بشود و این گفتگوها برای طرفین معنادار باشد که بعد بر اساس آن فهم و معناداری، مسئله موجه بودن و ارزیابی مطرح شود (پاکتچی، ۱۳۹۰).

در یک پی‌جویی تاریخی، مفهوم یا مؤلفه‌های معنایی گفتمان (از حیث ارتباط با مبحث دلالت) در سنت فکری اسلامی با تفصیل بیشتری مورد توجه بوده است و به‌ویژه در دانش تفسیر قرآن کریم، منطق و اصول فقه، از سه اصطلاح مهم و کلیدی «سیاق»، «قرینه» و «مقتضای حال» سخن به میان آمده است (صانعی‌پور، ۱۳۹۲، صص. ۴۹-۶۰). برای کشف صائب از مراد صاحب متن، لااقل به چهار دسته از اطلاعات متناسب نیاز خواهیم داشت: اطلاعات زبانی؛ اطلاعات درون‌متنی؛ اطلاعات سیاقی (بافت موقعیتی) و اطلاعات بینامتنی (بافت زبانی) (قائم‌نیا، ۱۳۸۹، ص. ۴۹).

بافت، محیطی است که پیرامون یک جمله قرار دارد. اگر این بافت، جمله‌هایی باشند که قبل یا بعد از جمله موردنظر آمده‌اند، این بافت را «بافت درون‌زبانی» می‌نامیم؛ اما بافت

دیگری نیز وجود دارد که «بافت موقعیتی» یا «بافت برون‌متنی» نامیده می‌شود. این بافت تمامی اشیاء و اعمالی را در برمی‌گیرد که پیرامون گوینده و شنونده قرار دارند. به کمک بافت درون زبانی و بافت برون زبانی می‌توان به تعبیر معنی رسید (صفوی، ۱۳۸۵، ص. ۴۹). از نظر شهید صدر، سیاق هرگونه دلیلی است که به الفاظ و عباراتی که می‌خواهیم آنها را بفهمیم پیوند خورده است؛ خواه این قرینه از مقوله الفاظ باشد، مانند کلمه دیگری که با عبارت موردنظر، یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند؛ خواه این قرینه، قرینه حالی باشد، مانند اوضاع و احوال و شرایطی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است و در فهم موضوع و مفاد لفظ مورد، نوعی روشنگری و تأثیر دارد (صدر، ۱۹۷۸ م، ص. ۱۰۳). گاه، از قرائن حالیه، به سیاق مقامی^۱ نیز مراد کرده‌اند که منظور، امور و شرایط زمانی و مکانی مرتبط با دلالت متن است. نوعی خاص از سیاق مقامی، «سیاق اجتماعی» است و مراد از آن، امور و شرایط اجتماعی مرتبط با دلالت متن است. زبان، پدیده‌ای اجتماعی است و نمی‌توان آن را از شرایط اجتماعی جدا کرد چراکه نوعی فعالیت اجتماعی برای ارتباط برقرار کردن با دیگران است. ارتباط هم به کمک شرایط اجتماعی صورت می‌گیرد. واژه‌ها و جملات زبانی در ارتباط با شرایط، معنای خاصی را می‌رسانند و بدون توجه به این شرایط دلالت آنها کامل نمی‌شود (قائم‌نیا، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۰). بنابراین اطلاعات سیاقی و بستر فرهنگی صدور کلام، در حقیقت، اشاره به همان شرایطی است که در معناداری یک متن مؤثر است و می‌توانیم این وضعیت را ناظر به معنای «گفتمان» نیز به کار ببریم.

۴-۲- توسعه فقه اجتماعی

۴-۲-۱- فقه الاجتماع

مطالعات گفتمانی و رهاوردهای آن، زمینه مفهومی دیگری است که با توجه به جنبه گفتمانی بودن پدیدارهای فرهنگی، رابطه فقه و فرهنگ و در نگاهی خاص‌تر و در فضای فقه‌های مضاف، فقه الاجتماع را با این بخش از مطالعات فرهنگی، پیوند می‌زند.

1. Situational context

۴-۲-۲- مطالعات گفتمان، تغییرات اجتماعی و دانش فقه

مطالعه گفتمان‌ها، درحقیقت می‌تواند پیوند میان «فقه و جامعه» را برقرار کند به‌ویژه از این زاویه که چگونه روند تغییرات در جامعه، رخ می‌دهد و کدام جنبه از حیات جامعه، بیشترین تأثیر را در فرایند تحولی آن خواهد داشت؟

واقعیت‌ها و تحولات اجتماعی، از دو حیث قابل مطالعه‌اند: یکی آنکه این واقعیت‌ها در یک زمینه و بستر تاریخی و اجتماعی خاص و توسط کنشگران اجتماعی محقق می‌شوند، افرادی منشأ این واقعیت‌ها هستند، حوادث و قضایای مختلفی به وجود می‌آید و همه اینها در یک سیر تاریخی قابل مطالعه است؛ دوم آنکه این واقعیت‌ها، حاکی از یک «شرایط کلی و فراگیر» است که در آن شرایط، پدیده‌ها، نشانه‌ها، وقایع، جریان‌ها و کلاً رفتارهای انسانی، معنای خاص خود را می‌یابد و درحقیقت در آن شرایط، پدیده‌ها معنا دار می‌شوند. حیث دوم از مطالعه واقعیت‌های اجتماعی، در حقیقت حیث گفتمانی جامعه است و آن شرایطی که پدیده‌ها را معنا دار می‌کند و نوعی جهت‌گیری و کنش عمومی را در فضای جامعه نشان می‌دهد؛ گفتمان‌ها، از حیث وجودی، تابع فرهنگ هستند. با لحاظ این اصل کلی و مهم درباره شأن وجودی گفتمان‌ها، این نتیجه حاصل می‌شود که به علت «تابعیت گفتمان‌ها از فرهنگ» روابط و تعامل میان گفتمان‌ها نیز همیشه به یک صورت نیست بلکه متناسب با تحولات اجتماعی - که موجد یا مشروط‌کننده آن است - تغییر می‌کنند و به اقتضای تحولات اجتماعی، گاهی تحولات و منازعه‌های گفتمانی، خفیف و گاهی شدید است و گاه آشکار و گاه تحت شرایطی مخفی می‌گردد (کچویان، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۷).

درباره علت‌یابی و کشف منشأ تغییرات اجتماعی، در حوزه دانش‌های متعارف علوم انسانی، دیدگاه‌های مختلفی قابل طرح است. از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، منشأ تحول در واقعیت‌های اجتماعی، مبتنی و منبعث از تحول و انقلاب درونی افراد جامعه است. «اسلام به ما یاد می‌دهد که برای پیشرفت در دستیابی به هدف‌های دنیا و آخرت، باید تحولی در درون انسان به‌وجود آید. تا آن تحول در درون یک جامعه و در جوامع اسلامی به‌طور خاص ایجاد نشود و تا وقتی که دل‌ها با خدا آشنا نگردد و راه خدا به‌عنوان برترین راه و صراط مستقیم مورد توجه و تبعیت قرار نگیرد، مشکلات جوامع اسلامی حل نخواهد شد»

(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۷۲/۰۱/۰۴)؛ البته این تحول اگر از سطح حاکمان، خواص و نخبگان جامعه آغاز شود، عمق و گستره بیشتری خواهد داشت (نک: بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت میلاد پیامبر(ص)، ۱۳۶۸/۰۷/۲۶).

در مجموعه نظراتی که رهبر انقلاب به عوامل قوام‌بخش و هویت‌آفرین جامعه بیان کرده‌اند، نسبت وثیق و بنیادی مهمی میان اخلاق و هویت جامعه وجود دارد. از نظر ایشان: «هویت حقیقی جامعه، هویت اخلاقی آنهاست؛ یعنی درواقع سازه اصلی برای یک اجتماع، شاکله اخلاقی آن جامعه است و همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد» (بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱). بر همین اساس است که ایشان برای تحقق عدالت اجتماعی - به مثابه یکی از اهداف مهم نظام اسلامی - تحول اخلاقی جامعه را شرط اساسی می‌دانند. از نگاه ایشان «عدالت اجتماعی، به مقدار زیادی وابسته به اخلاق است. البته بخش عمده آن مربوط به مقررات و قوانین جامعه است اما مقررات و قوانین، بدون اینکه افراد از اخلاق الهی و اسلامی برخوردار باشند، چندان کارساز نیست. اگر اخلاق در جامعه تأمین شد، عدالت اجتماعی تأمین می‌شود؛ جامعه آباد می‌شود و انسان‌ها در بهشت زندگی می‌کنند؛ ولو در همین دنیا. در سطح عالم، مشاهده می‌کنیم عمده فجایعی که بر سر بنی آدم می‌آید، ناشی از اخلاق سوء و فسادهایی است که در اخلاق افرادی از نوع بشر هست» (بیانات در دیدار کارکنان برخی وزارتخانه‌های دولت، ۱۳۷۲/۰۴/۲۳).

مبنتی بر این دیدگاه، مدیریت تحولات گفتمانی جامعه در فرایند مهندسی فرهنگی گفتمانی جامعه رخ می‌دهد؛ به طور کلی، تحقق آرمان‌ها و اهداف جامعه اسلامی، مستلزم تأمین کارکردهای فرهنگی آن است. آیت‌الله خامنه‌ای، فرهنگ و گفتمان‌ها را عامل شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی و جهت‌بخش و تأثیرگذار در عرصه تصمیمات کلان کشور دانسته، مهندسی فرهنگ را به منزله بازشناسی، آسیب‌شناسی، پالایش و ارتقابخشی فرهنگ و جهت‌دهی آن بر پایه هویت اصیل اسلامی - ایرانی با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی بیان کرده‌اند. همچنین در نگاه ایشان، مهندسی فرهنگی، بازطراحی، اصلاح و ارتقاء شئون و مناسبات نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور مبتنی بر فرهنگ مهندسی‌شده است (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳؛ بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰/۰۳/۲۳). درواقع می‌توان جوهره و کارکرد مهندسی

فرهنگی را تحقق و تأمین نحوه تعامل مؤثر و ارتباط سازمند و پویای نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با نظام فرهنگی و گفتمانی جامعه دانست (سند نقشه مهندسی فرهنگی، صص ۹-۱۰).

۴-۲-۳- توسعه شناخت عرف و بنای عقلا

در فضای مطالعات ارتباطات و با تمرکز بر مطالعات گفتمان، میان این حوزه با دانش فقه از جهت توسعه شناخت عرف نیز می‌تواند ارتباط برقرار کند؛ از سویی شناخت عرف و نسبت عرف با حکم، موضوعی کلیدی در دانش فقه است به‌ویژه آنجا که «عرف‌های مستحدثه» منشأ طرح مباحث و چالش‌ها و مسائل و موضوعات نوینی است یا شناخت عرف به‌مثابه یک مسیر و ابزار شناختی در فرایند بالندگی و توسعه دانش فقه، نقش خواهد داشت.

از عناصری که شارع مقدس در شریعت مورد نظر قرار داده است در فقه حضوری پر رنگ دارد و متصدی اجتهاد بایستی آن را در کنار خویش لحاظ کند «عرف» است. بدون لحاظ عرف، اجتهاد سامان نمی‌یابد و به انجام نمی‌رسد ازاین‌رو برخی فقیهان از تشیع و تسنن در بیان مقدمات اجتهاد «انس به محاورات و فهم موضوعات عرفی» را مطرح کرده و اجتهاد را بدون «شناخت عادات مردم» ناتمام دانسته‌اند (علیدوست، ۱۳۹۶). از نگاه امام خمینی (ره): «از جمله شرایط اجتهاد، انس به محاورات عرفی و فهم موضوعات آن است؛ همان عرفی که محاورات قرآن و سنت بر طبق آن صورت گرفته است. شرط اجتهاد، دوری جستن از خلط دقایق علوم عقلی با معانی عرفی عادی است» (خمینی، ۱۴۱۰ق).

ماهیت بنای عقلا نیز حاکی از شناخت روش عموم مردم در مسائل مختلف و روزمره زندگی است. به‌عنوان نمونه، همه مردم در دوره‌ها و موقعیت‌های مکانی گوناگون، در فضای محاوره و گفتگو به «ظاهر کلام گوینده» توجه می‌کنند و آن را اصل قرار می‌دهند مگر اینکه قرینه خاصی در این خصوص، وجود داشته باشد یا عموم مردم در موضوعات مختلف به خبرگان آن حوزه مراجعه می‌کنند (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۷۶). از نگاه شهید صدر، بنای عقلا، در عمل و سلوک عقلا منحصر نیست و شامل مرتکزات عقلایی نیز خواهد شد، یعنی آن مجموعه از احکام و بایسته‌های عقلایی که در ژرفای ادراک و فطرت اهل خرد هست و ممکن است بر آن طریق، سلوک عملی نکنند (صدر، ۱۹۷۸م).

۴-۲-۴- توسعه حوزه موضوع‌شناسی

فتوا، از دو رکن موضوع و حکم بنیاد گرفته است. منظور از احکام شرعی، همه حکم‌هایی است که از سوی شارع متناسب با موضوعات مختلف صادر شده است؛ چه احکام وضعی (مانند صحت و بطلان) و چه احکام تکلیفی (چون اباحه، استحباب، کراهت و حرمت)؛ با این وصف، موضوع، آن است که احکام بر آن بار شود و در تحقق و فعلیت حکم، نقش دارد (نک: ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵).

دست‌کم سه معنا از موضوع‌شناسی قابل بیان است: نخست، شناخت مفهوم موضوعی که در دلیل اخذ شده است، مثل موردی که ما مفهوم و معنای غنا را ندانیم و درباره آن شبهه مفهومی داشته باشیم؛ در این مورد کسی نمی‌تواند درباره عدم نیاز به موضوع‌شناسی - با توجه به شبهه حکمی - تردید کند و تا معلوم نشود که موضوع متخذ در دلیل به چه معناست، نمی‌توان درباره آن حکمی را بیان کرد؛ دوم، شناخت مصداق خارجی آن موضوعی که در دلیل اخذ شده است و تطبیق موضوع متخذ در دلیل بر مصداق خارجی؛ در این باب، با توجه به پیچیدگی زندگی بشر، همان عناوینی که در لسان ادله اخذ می‌شود، امروز مصادیق متنوع و متعددی پیدا کرده است؛ مثل تنوعی که درباره انواع جنون در دوران حاضر به بحث گذاشته می‌شود و شاید در بیش از قسم، جنون را دسته‌بندی کرده‌اند؛ در بیان احکام این اقسام از جنون، نمی‌شود آنها را به عرف واگذار کرد؛ سوم، گاهی اوقات موضوعات خارجی، ابعاد متعدد و متنوعی پیدا می‌کنند و یک مصداق خارجی با دقت نظر، جزء فروع چند دلیل متعدد محسوب می‌شود؛ در این معنا، اگر مجتهد تدقیق نکند که یک موضوع خارجی، مصداق چند دلیل می‌تواند قرار بگیرد، امکانی برای صدور حکم از سوی مجتهد وجود نخواهد داشت؛ مثلاً در خصوص استفاده از اینترنت، پرسش می‌شود که آیا استفاده از آن مجاز است یا خیر؟ در نگاهی دقیق‌تر باید مجتهد توجه کند که استفاده از اینترنت متناسب با کدام یک از عناوین متخذ از ادله می‌شود (حاج‌ابوالقاسمی، ۱۴۰۰).

فقیه و مجتهد دارای سه منصب و شأن است: منصب افتاء، منصب قضاء و منصب ولایت و رهبری امت (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، صص ۵۴۵-۵۴۶). ادله متعددی دال بر این است که لازم است مجتهد در موضوع‌شناسی و شناخت موضوعات - موضوعاتی که پیچیده است و

فهم آن برای عرف به‌سادگی میسر نیست - دخالت بکند.

در دیدگاه امام خمینی (ره): «مجتهد باید به مسائل زمان خود اطلاع داشته باشد، برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم، آشنایی به روش برخورد با حيله‌ها و تزویرها، فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با فرهنگ حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته‌شده آنان، درک موقعیت‌ها و نقاط قوت و ضعف غول سرمایه‌داری که در حقیقت راهبرد حکومت بر جهان را ترسیم می‌کند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است، یک مجتهد باید زیرکی، هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد.» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹).

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمُ الْأُصُولَ وَ عَلَيْكُمْ أَنْ تُفَرِّعُوا» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۵۷۵)؛ و نیز از امام رضا (ع) نقل است: «عَلَيْنَا إلقاء الْأُصُولِ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ» (حرالعالمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۷، ص ۶۲)؛ تفریع بر اصول یعنی تشخیص اینکه موضوعات خارجی، مصداق کدام یک از اصول و قواعدی است که از سوی معصومین (علیهم‌السلام) برای ما بیان شده است؟ اکنون ما برای اینکه تشخیص بدهیم این قبیل موضوع‌های خارجی، از فروعات کدام اصل است، باید ماهیت موضوعات را بشناسیم و تا ماهیت این موضوع‌ها را نشناسیم، نمی‌توانیم تشخیص بدهیم این موضوع‌های خارجی، از فروعات کدام اصل است. مجتهد باید در شناخت موضوعات پیچیده، موضوع‌شناسی کند چراکه می‌خواهد برای یک جامعه، حکم بدهد و تشخیص مصداق خارجی، لازمه رهبری او محسوب می‌شود. همچنین به این روایت از امام زمان (عج) نیز باید استناد کرد که آن حضرت در بخشی از توقیع شریف خود و در پاسخ به مسائل اسحاق بن یعقوب چنین فرموده‌اند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص ۴۸۴)؛ مراد از «حوادث»، مطلق امور مهمی است که برای اجتماع پیش می‌آید (انصاری، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۵۵۵). براین اساس، متناسب با این روایات و همچنین سیره علماء بزرگوار، ورود به دایره «موضوع‌شناسی» در موضوع‌هایی که فهم

آن برای عرف، صعوبت دارد و حاوی پیچیدگی است، بر مجتهد، لازم و واجب است. در موضوع‌هایی که عرف، آن را می‌داند، ورود مجتهد البته ضرورتی ندارد و ورود مجتهد برای مقلدین، فاقد حجیت است (حاج/ابوالقاسم، ۱۴۰۰).

۳-۴. توسعه فقه حکومتی از طریق بازشناسی شأن گفتمانی ولی فقیه

در فقه حکومتی، شناخت و تحلیل رفتار ولی فقیه، از مباحث کلیدی و بنیادی است. ولی فقیه دارای چهار شأن اساسی حفاظت، افتاء، قضاء و ولاء است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۲). در حوزه شأن و وظیفه ولاء، حاکم اسلامی پس از اجتهاد عمیق در متون و منابع دین و به دست آوردن احکام اسلام در همه ابعاد زندگی مسلمین، موظف به اجرای دقیق آنها است. فقیه جامع الشرایط، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، چه در امور فرهنگی نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی صالح، چه در امور اقتصادی مانند منابع طبیعی، جنگل‌ها، معادن، دریاها و...، چه در امور سیاسی داخلی و خارجی مانند روابط بین‌الملل و چه در زمینه‌های نظامی همانند دفاع در برابر مهاجمان و تجهیز نیروهای رزمی و در سایر امور لازم، به تطبیق قوانین اسلامی و اجرای احکام ثابت الهی مبادرت می‌ورزد. احکام اسلامی، برخی فردی است و برخی اجتماعی، برخی مربوط به مردم است و برخی مخصوص مجتهد و حاکم؛ که در همه این موارد، ولی فقیه باید پس از شناخت دقیق حدود این احکام، وظیفه هر فرد یا گروهی را در جامعه اسلامی مشخص سازد و با هماهنگ ساختن آنان، اداره درست جامعه را صورت دهد و با اجرای احکام اسلام و رفع تزام احکام و تقدیم «احکام اهم» بر «احکام مهم»، هدایت هر چه بیشتر مسلمین و جامعه اسلامی را متحقق سازد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۲).

اکنون با توجه به تحلیلی از مجموعه دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (دام عزه) در دسترس است و با تعریفی که پیش از این درباره گفتمان (از نگاه ایشان) بیان شد و بر اساس، یک رویکرد تحلیلی و استقرائی، برخی از مهم‌ترین عملکردها و کنش‌های گفتمانی و گفتمان‌سازانه آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر گرامی انقلاب را می‌توانیم در این سطوح دسته‌بندی کنیم و ذیل هر عنوان به مصادیقی استناد کنیم.

کنش‌های گفتمان‌سازانه رهبری ناظر به مجموعه‌ای از گفتارها، تدابیر و سیاست‌های

رهبری است که توأمان با کنش‌های مدیریتی و هدایت مسئولان، مایه توسعه مضمونی آن موضوع در فضای جامعه شده است. این کنش‌ها گاه نوآورانه است، گاه ناظر به حل و فصل تعارض‌های گفتمانی جامعه بوده است، گاه ناظر به مرزبندی و طرد گفتمان‌های غیرانقلابی بوده است، گاه فضایی انتقادی را در جامعه گسترانده است، گاه ناظر به اصلاح یک گفتمان در جامعه بوده است و گاه به تثبیت و تحکیم گفتمان‌های از پیش موجود در جامعه توجه کرده است.

- نوآوری‌های گفتمانی

تهاجم فرهنگی، اقتصاد مقاومتی، دوران جدید عالم، عصر/مأم خمینی (ره)، مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، جنبش تولید علم و...؛

- حلّ تعارض‌های گفتمانی جامعه

دوگانه‌های اصول‌گرایی- اصلاح‌طلبی، واقع‌گرایی - آرمان‌گرایی، مقبولیت - مشروعیت، توسعه سیاسی- توسعه اقتصادی، عدالت یا پیشرفت، حاکمیت دوگانه، استبداد دینی یا آزادی و...؛

- طرد گفتمان‌های غیرانقلابی

هنر غیر انقلابی، توسعه غیراسلامی، اسلام آمریکایی، تشیع انگلیسی، اسلام رحمانی، مذاکره و سازش با آمریکا و...؛

- طرح گفتمان‌های انتقادی

در حوزه بین‌الملل: حقوق زن در غرب، اخلاق جنسی غرب، مردم‌سالاری در غرب، عدالت در غرب و...؛

در حوزه منطقه‌ای: مطالبه‌گری مسلمانان از دولت‌ها، وحدت شیعه و سنی، حمایت از مقاومت و...؛

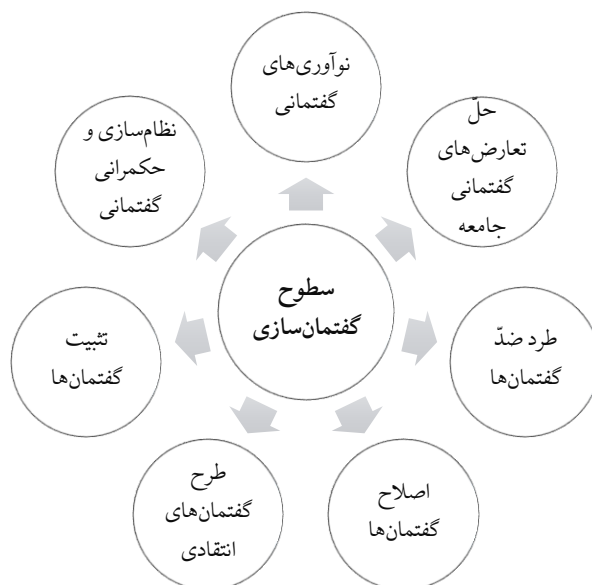
در حوزه داخلی: اصلاح الگوی مصرف، تحدید نسل، اشرافی‌گری مسئولان و...؛

- اصلاح گفتمان‌ها

گفتمان خطّ/مأم (ره)، جامعه مدنی، آزادی، اصلاحات، اعتدال و...؛

- تثبیت گفتمان‌های انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)

بیداری اسلامی، صدور انقلاب اسلامی، هنر انقلابی، دشمن‌شناسی، مبارزه با استکبار جهانی، اسلام ناب محمدی، نهضت خدمت‌رسانی و....



از کارکردهای مهم و مورد انتظار از گفتمان‌سازی از سوی ولی‌فقیه، ایجاد سازوکاری برای وحدت، انسجام و تفاهم در جامعه از طریق خلق باورها و ارزش‌های مشترک و مورد پذیرش مردم است که در پی آن، حفظ و ارتقاء هویت ملی^۱ و فرهنگی^۲، وحدت و انسجام ملی و مقابله با سلطه و تهاجم فرهنگ استکباری^۳ محقق شود. گفتمان‌سازی با

۱. «اساس تحول باید بر ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی قرار داده شود که آرمان‌های اساسی و اصولی مهم‌ترین آنها است» (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۸/۰۸/۱۳۸۵).

۲. «در باب فرهنگ، سیاست کلی کشور باید عبارت باشد از حفظ و پرداخت و وابستگی شدید و کامل به فرهنگ ملی؛ البته جزو مهم‌ترین ارکان فرهنگ ملی، اسلام است» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲).

۳. «امروز مهم‌ترین چیزی که در بلندمدت برای مراکز قدرت سیاسی دنیا مطرح است، سلطه فرهنگی است» (بیانات در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸/۱۱/۰۴).

جذابیت‌بخشی (و مرزبندی با اغیار و دافعه نسبت به آنها)، اعتمادسازی و متقاعدسازی راه خود را در فضای جامعه می‌گشاید. جذابیت‌ها، عامل پذیرش گفتمان‌ها می‌شوند و این پذیرش اجتماعی، مقدمه‌ای خواهد بود برای این هدف از گفتمان‌سازی که «ارزش‌های فطری و اسلامی» به «عرف و فرهنگ جامعه» تبدیل گردند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش کردیم به نقاط مشترک و دستاوردهای میان مطالعات گفتمان (به‌مثابه خادم) با دانش فقه (به‌مثابه مخدوم) توجه کنیم. با توجه به تعریف گفتمان در دو رویکرد پساساختگرای فوکویی و فقه حکومتی شیعی، درباره سه زمینه ارتباطی اصلی، شامل توسعه اصول فقه، توسعه فقه اجتماعی و توسعه فقه حکومتی از طریق بازشناسی شأن ولی‌فقیه بحث شد.

در فضای توسعه اصول فقه، با توجه به دستاوردهای نظری و روش‌شناختی نظریه ابتناء، تأثیر مطالعات گفتمان، امکان توسعه مباحثی از جمله پیش‌انگاره‌های اصول فقه (فرایند تکون معرفت در منطق فهم دین) و توسعه مرزهای فقه اجتماعی، بازتعریف حافظگی و خلاقیت فرهنگی و نیز توسعه معنایی مبحث دلالت را در پی خواهد داشت.

مطالعات گفتمان افزون بر توسعه مباحث فقه‌الاجتماع، پیوند و ارتباط معنایی میان فقه و جامعه را برقرار می‌کند و روند تغییرات و فرایندهای تحولی در جامعه را تبیین می‌کند؛ همچنین این مطالعات با تمرکز بر شناخت عرف و به‌ویژه عرف‌های مستحدثه و نیز موضوع‌شناسی، موجب توسعه دامنه مباحث فقه اجتماعی خواهد شد.

«شأن گفتمانی ولی‌فقیه» به‌مثابه یکی از دستاوردهای مطالعات گفتمان در فقه حکومتی، مهم‌ترین عملکردها و کنش‌های گفتمانی و گفتمان‌سازانه ولی‌فقیه را تحلیل کرده است، ازجمله: نوآوری‌های گفتمانی؛ حلّ تعارض‌های گفتمانی جامعه؛ طرد گفتمان‌های غیرانقلابی؛ طرح گفتمان‌های انتقادی؛ اصلاح گفتمان‌ها و تثبیت گفتمان‌های انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره).

منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش (۱۳۶۸). *نظریه غربزدگی و بحران تفکر در ایران، ایران‌نامه*، ش ۲۷، صص. ۴۵۴-۴۶۰.
- ابن ابی جمهور، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *الأقطاب الفقهیة علی مذهب الإمامیة*، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی (ره).
- ابن‌ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر*، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- اشیری، سعید (۱۳۹۷). *گفتمان فرهنگ‌ساز در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای* (دام عزه)، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- اشیری، سعید (۱۴۰۲). *اصول روش‌شناختی مطالعات فرهنگی مبتنی بر حکمت متعالیه*. پژوهش در دست انتشار.
- اشیری، سعید و باسیتی، شهرام (۱۳۹۹). *تحلیل تطبیقی میان عقلانیت و خلاقیت تمدنی در دو پارادایم مدرن و اسلامی (مبتنی بر حکمت متعالیه)*. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۳، ش ۱، صص. ۲۱۱-۲۴۴.
- انصاری، مرتضی بن محمد أمين (۱۴۲۰ق). *المکاسب (إعداد لجنة تحقیق تراث الشیخ الأعظم)*. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- ایمان، محمدتقی و احمد کلاته ساداتی (۱۳۹۲). *روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بارکر، کریس (۱۳۹۴). *مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)*. ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بشیر، حسن (۱۳۹۵). *کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۱). *جهان‌های اجتماعی*، قم: نشر فردا.
- پارسانیا، حمید. (۱۳۹۲). *نظریه و فرهنگ: روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی*،

- راهبرد فرهنگ، ش ۲۳، صص ۷-۲۸.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۷). *مطالعه معنا در سنت اسلامی*. نامه پژوهش فرهنگی، ش ۱۳، صص ۱۲۱-۱۵۶.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق تخصصی*. تهران: انتشارات انجمن علمی امام صادق (علیه‌السلام).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۳). *نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ارتباطات*، به کوشش: حسین سرافراز، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۴). *درس‌گفتارهای کاربرد تحلیل گفتمان*، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۱) ولایت فقیه. قم: مؤسسه تحقیقاتی اسراء.
- حاج‌ابوالقاسم، محمد (۱۴۰۰) *درس‌گفتار اجتهاد تمدنی* (۱۴۰۰/۱۰/۲۲)، خبرگزاری حوزه، بازیابی در: <https://hawzahnews.com/xbxn2>
- حراملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث.
- خلف‌خانی، علی (۱۳۹۵). *بررسی و تحلیل مؤلفه‌های نظریات حوزه فقه حکومتی*. پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی، سال چهارم، ش ۲، صص ۲۷-۵۰.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸) *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۰ق). *الرسائل (مع تزییلات لمجتبی الطهرانی)*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- رضایی، محمد (۱۳۹۳). *مراد استوارت هال از مطالعه فرهنگ چه بود؟ و بگاه هامون ایران*. سیمینکو، الکسی (۱۳۹۶). *تار و پود فرهنگ: درآمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان*، ترجمه حسین سرافراز، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۱۱۵-۱۱۸.
- صانعی‌پور، محمدحسن (۱۳۹۰). *مبانی تحلیل کارگفتی قرآن کریم*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- صدر، محمدباقر. (۱۹۷۸م). *دروس فی علم الاصول*. قاهره: دارالکتب المصری.
- صرامی، سیف‌الله. (۱۳۹۰). *درآمدی بر فقه حکومتی (تعریف و مبانی)*. نشریه فقه، سال هجدهم، شماره ۴، صص. ۴۴-۳.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۵). *آشنایی با معنی‌شناسی*. تهران: پژواک کیوان.
- طالبی طادی، بهنام (۱۳۹۷). *فقه حکومتی (درآمدی بر ماهیت، اصول و منطق نظری)*، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۶). *فقه و عرف*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۱۰). *گفتار دکارت: گفتار در روش درست راه بردن عقل*، نوشته رنه دکارت، تهران: مطبوعه مجلس [شورای ملی].
- فوکو، میشل (۱۳۹۰-الف) *تاریخ جنون*. ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر هرمس.
- فوکو، میشل (۱۳۹۰-ب). *تولد پزشکی بالینی*. ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر ماهی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۲). *دیرینه‌شناسی دانش*. ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
- فیاضی، غلامرضا؛ ملک‌زاده، هادی و پاشایی، محمدجواد (۱۳۹۲). *چیستی معنا*. فصلنامه آیین حکمت، سال پنجم، ش ۱۶، صص. ۱۶۰-۱۲۵.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹). *بیولوژی نص (نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن)*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرائتی، محسن (بی‌تا)، *تفسیر نور در تارنمای* (<http://gharaati.ir>)
- کچویان، حسین (۱۳۸۴)، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران (ایرانی در کشاکش با تجدید و مابعد تجدید)*. تهران: نشر نی.
- کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۱). *گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی*. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- لاروسو، ماریا (۱۳۹۸)، *نشانه‌شناسی فرهنگی: جست‌وجوی منظری فرهنگی در نشانه‌شناسی*، ترجمه حسین سرافراز، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۱۲۷-۱۲۹.

لاکلاو، ارنستو و شانتال موفه (۱۳۹۳). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال*. ترجمه محمد رضایی، تهران: نشر ثالث.

لوتمان، یوری و باریس اوسپنسکی (۱۳۹۸)، ترجمه *بینانسانه‌ای: از نظریه تا کاربرد* (مجموعه مقالات)، به کوشش احمد پاکتچی، ترجمه محسن نوبخت، سعید سیفی و ناهیده کلاشی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، صص. ۲۴-۲۳.

مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). *اصول الفقه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

میلنر، آندور. و براویت، جف. (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*. ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر نی.

واعظی، احمد. (۱۳۹۲). *نظریه تفسیر متن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

Bryant, J.; Pribanic-Smith, E. (2010). A historical overview of research in communication science. In *The Handbook of Communication Science* (2 ed., pp. 21-36). SAGE Publications, Inc., <https://doi.org/10.4135/9781412982818>

Fairclough, n. (1993). *Discourse and Social Change*, Polity press.

Gee, James p. (2005). *An Introduction to Discourse Analysis, Theory and Method*, Second Edition, London, Routledge.

Gerianne Merrigan, G.; Huston, C.; Johnston, R. (2012). *Communication Research Methods: Canadian Edition*. Oxford University Press

Ruth, W.; Meyer, M. (2015). *Methods of Critical Discourse Studies*. SAGE Publications Ltd.

سوءاستفاده از داده‌های شخصی توسط شبکه‌های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن

علی ساعتچی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

سیدعلیرضا رضایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

علی جوادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

چکیده

شبکه‌های اجتماعی بخش عمده از زندگی امروز ما را شکل داده‌اند. این پدیده در کنار فواید برای جوامع، معایبی نیز به همراه داشته است. یکی از این معضله‌های مهم، عدم رعایت حریم خصوصی کاربران در شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی به داده‌ها و اطلاعات بسیاری از کاربران خود دسترسی دارند که می‌توانند از آن اطلاعات در جهت اهداف مختلف استفاده نمایند. از این‌رو حفظ اطلاعات و حریم خصوصی مخاطبان بیش از گذشته ضرورت می‌یابد. سؤال اصلی آن است که آیا جمع‌آوری، دسته‌بندی و فروش اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی نقض حریم خصوصی آنان نیست؟ و چه راهکارهایی برای مقابله با آن وجود دارد؟ در این مقاله، با استفاده از روش تحقیقی توصیفی تحلیلی، موضوع فوق بررسی شده است. در نهایت مقاله حاضر به این نتیجه نائل آمده است که استفاده از اطلاعات کاربران توسط شبکه‌های مجازی نقض حریم خصوصی کاربران است و نمی‌توان به صورت مطلق، پذیرفتن تمامی شروط هنگام ثبت‌نام کاربران در شبکه‌های اجتماعی را به معنای رضایت کاربر مبنی بر انتشار داده‌های خود دانست؛ لذا باید به نحوی استفاده از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی را ضابطه‌مند کرده و از سوءاستفاده‌های بیشتر اطلاعات کاربران جلوگیری نمود. در این خصوص سه راهکار اصلی (وضع قانون، خودتنظیمی و اخذ مالیات) وجود دارد. به کار بستن صرفاً یک روش در خصوص حمایت از داده‌های کاربران مؤثر نیست بلکه استفاده ترکیبی از روش‌های مذکور، پیشنهاد می‌شود؛ اما مؤثرترین روش در این راستا وضع مالیات بر شبکه‌های اجتماعی و صرف این مبالغ در جهت توسعه امنیت دیجیتال، حمایت از داده‌های کاربران و جبران خسارات وارده است. در ایران نیز به دلیل وجود خلأ قانونی، جهت حمایت از داده‌های کاربران، قانون متناسب با حمایت از کاربران و اطلاعات ایشان در شبکه‌های اجتماعی تصویب شود.

کلمات کلیدی

حریم خصوصی، اینترنت، تبلیغات، خودتنظیمی، شبکه‌های اجتماعی.

۱- استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.

alisaatchi@um.ac.ir

۲- دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد (نویسنده مسئول).

alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir

۳- کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران. ali.javadi74@gmail.com

مقدمه

امروزه به‌سختی می‌توان شخصی را پیدا کرد که به‌نحوی از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی استفاده نکند. اینترنت امروزه با گسترش دسترسی افراد به اطلاعات گام بلندی را در جهت رشد و شکوفایی افراد جامعه و تسهیل برخورداری افراد از برخی حقوق خود نظیر آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات، آزادی تجارت و حق مشارکت در امور عمومی برداشته‌اند و افراد با دسترسی و استفاده از اینترنت می‌توانند به سهولت از برخی خود خود بهره‌مند شوند (انصاری و عطار، ۱۴۰۲، ص. ۱۹). شرکت‌های ارائه‌کننده شبکه‌های اجتماعی یا سایر خدمات مرتبط با اینترنت، عمدتاً خدمات خود را به رایگان در اختیار کاربران قرار می‌دهند. در این شرایط نمی‌توان منکر این واقعیت شد که شرکت‌های عرضه‌کننده خدمات اینترنتی من جمله شبکه‌های اجتماعی، شرکت‌های تجاری هستند و شرکت‌های تجاری هدفشان کسب سود است. حال مسئله این است این شرکت‌ها در شرایطی که خدمات رسمی خود را به‌صورت رایگان عرضه می‌کنند، راه‌های مختلفی جهت کسب درآمد برای شبکه‌های اجتماعی وجود دارند و یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی این شبکه‌ها، جمع‌آوری و تجمیع اطلاعات کاربران خود و درنهایت، فروش اطلاعات به شرکت‌های تبلیغاتی است. درواقع آنان با دسته‌بندی کاربران بر اساس جنسیت، مذهب، سن، علایق و ... می‌توانند به شرکت‌های تبلیغاتی اطلاعات مرتبط با نیازهای هر کاربر و تبلیغات مورد نیاز او را بدهند. این داده‌ها برای شرکت‌های تبلیغاتی نیز مفید است؛ زیرا می‌توانند با تبلیغات هدفمند، و هر کالا یا خدمت را صرفاً به دسته خاصی از مخاطبان که به تهیه آن تمایل دارند، عرضه کنند.

رعایت حریم خصوصی و حفظ اطلاعات کاربران امری است که در بسیاری از معاهدات حقوق بشری بین‌المللی بر آن تأکید شده است. طبق این معاهدات مداخله در زندگی خصوصی، خانواده، اقامتگاه و مکاتبات افراد ممنوع است و صرفاً در مورد ضروری و به‌دلایلی نظیر جلوگیری از بی‌نظمی یا ارتکاب جرم یا حفاظت از امنیت ملی، امنیت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، بهداشت و اخلاقیات، حقوق و آزادی‌های دیگران می‌توان با مجوز قانون و در چهارچوب آن به‌صورت محدود و موردی حریم خصوصی

افراد را نقض کرد.^۱

حال سؤال اینجاست که آیا جمع‌آوری، دسته‌بندی و فروش اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی نقض حریم خصوصی آنان نیست؟ آیا می‌توان پذیرفت که پذیرفتن «تمامی شرایط شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات» هنگام عضویت در شبکه‌های اجتماعی به معنای رضایت کامل کاربران در انتشار و فروش اطلاعات ایشان است؟ و در نهایت آیا می‌توان راهکاری جهت حمایت از داده‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی پیشنهاد داد؟ در این مقاله تلاش شده است که ابتدا نحوه جمع‌آوری اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی و اشکال مختلف استفاده از آن توضیح داده شود. سپس مقررات حقوق ایران و اتحادیه اروپا در حمایت از اطلاعات کاربران شرح داده شود و در نهایت نیز راهکارهایی جهت حمایت بیشتر از داده‌های کاربران، ارائه گردد.

۱. جمع‌آوری اطلاعات کاربران و نحوه استفاده از آن‌ها توسط شبکه‌های اجتماعی

در عصر گسترش اطلاعات، کاربران اطلاعات خود را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند؛ اما ممکن است به این نکته توجه نکنند که با به اشتراک‌گذاری اطلاعات خود در یک موضوع خاص، نظیر حضور در مهمانی دوستانه شب گذشته، علاوه بر دنبال‌کنندگان، داده‌های خود را به صورت غیرمستقیم با شرکت‌های تبلیغاتی نیز به اشتراک می‌گذارند. درواقع هر فعالیت کاربر، اطلاعاتی را جهت فروش در اختیار شبکه‌های اجتماعی قرار می‌دهد. ممکن است هر شخص به طور روزمره، عکس‌های خود را در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام یا فیس‌بوک منتشر کند و همراه با آن به مکان محل عکس نیز اشاره کند. بعد از مدتی همان شخص با یک تبلیغ از هتل یا رستوران از محل انتشار عکس در همان شبکه اجتماعی یا در شبکه‌های اجتماعی دیگر روبه‌رو می‌شود. مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که شبکه‌های اجتماعی شرکت‌های اقتصادی هستند و

۱. ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی و ماده ۸ کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی رم مصوب ۱۹۵۰.

اگرچه که از کاربران خود مبلغی را دریافت نمی‌کنند؛ اما با فروش اطلاعاتی که کاربران در اختیار آنان می‌گذارند، کسب درآمد می‌کنند. از این رو با توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی اطلاعات کاربران خود را جهت استفاده تبلیغاتی در اختیار شرکت‌های تبلیغاتی قرار می‌دهند، جای تعجب نیست که میان تبلیغات انبوه در شبکه‌های اجتماعی، تبلیغ مذکور برای کاربر انتخاب شده است؛ زیرا که شرکت‌های تبلیغاتی با استفاده از داده‌های کاربران نیازهای کاربران را می‌دانند و تبلیغ مناسب با هر کاربر را نشان می‌دهند (Dembrow, 2022, p. 325).

بعد از ایجاد حساب کاربری در یک شبکه اجتماعی، کاربران با شرایط و ضوابط آن شبکه اجتماعی به‌طور کامل موافقت می‌کنند. همچنین در برخی شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، کاربر اختیارات خاصی به شبکه اجتماعی در خصوص رعایت حریم خصوصی خود نظیر امکان جمع‌آوری اطلاعات برای شبکه اجتماعی، تجمیع این اطلاعات با کاربران مشابه و فروش آن اطلاعات به شرکت‌های تبلیغاتی می‌دهد؛ لذا کاربران با عضویت در فیس‌بوک، تأیید شرایط عضویت و نصب نرم‌افزار فیس‌بوک بر تلفن همراه خود، اجازه استفاده از اطلاعات خود را در زمینه‌هایی مثل منطقه زمانی، اپراتور تلفن همراه، زبان و موقعیت مکانی به فیس‌بوک می‌دهند. همچنین در شبکه اجتماعی اینستاگرام، کاربر ضمن ثبت‌نام در این شبکه، به‌طور کامل می‌پذیرد که تمامی تصاویر و ویدئوهای آنان، توسط شرکت‌های تبلیغاتی قابل استفاده و دریافت است. کاربران گاهی تصاویر خصوصی خود را در اینستاگرام منتشر می‌کنند، درحالی‌که، نسبت به انتشار عمومی آن رضایت ندارند؛ اما بنا به شرایط عضویت در این شبکه اجتماعی، اینستاگرام از این اطلاعات جهت اهداف تبلیغاتی خود استفاده می‌کند (Dembrow, 2022, pp.325-326).

شبکه‌های اجتماعی معمولاً برای جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات کاربران از «الگوریتم‌ها»^۱ استفاده می‌کنند. الگوریتم‌ها، ساختارهایی هستند که برای حل مشکلات یا تکمیل برخی کارها استفاده می‌شوند. الگوریتم‌ها با دریافت داده‌های خام، آنان را مرحله به مرحله بر اساس چهارچوب‌های طراحی شده خاص، پردازش کرده و نتیجه را ارائه

1. Algorithm

می‌دهند. هیچ شخص یا سازمانی نمی‌تواند تمامی داده‌های خام کاربران شبکه‌های اجتماعی را استخراج نماید و بعد از آن به حجم انبوهی از سؤال‌ها در خصوص سن، جنسیت، علایق و سایر اطلاعات مربوط به کاربران پاسخ دهد و آنان را بنا به ویژگی‌های مختلف دسته‌بندی نماید. در این شرایط دستگاه‌های رایانه‌ای جهت پردازش داده‌های خود از الگوریتم‌ها کمک می‌گیرند (Buchser, 2018, pp.20-21)؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت، الگوریتم یک ابزار فنی است که شبکه‌های اجتماعی برای رتبه‌بندی پیام‌ها بر اساس میزان اهمیتشان از آن بهره‌مند می‌شوند. در فضای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، کاربران با نحوه فعالیت خود نظیر: جستجوی واژه‌های مختلف، تعیین اولویت‌ها و علایق، محتوای محبوب و مناسب خود را مشخص می‌کنند؛ سپس الگوریتم مطالب و اطلاعات مورد پسند کاربر را به وی پیشنهاد می‌دهند. در این شرایط، کاربران محتوای موردعلاقه خود را سریع‌تر و راحت‌تر پیدا می‌کنند و این امر باعث استفاده روزافزون از شبکه‌های اجتماعی می‌شود؛ به عنوان نمونه، الگوریتم اینستاگرام با کسب اطلاعات از نحوه فعالیت کاربر، پست‌ها و استوری‌های مورد علاقه هر شخص را در ابتدا به او نشان می‌دهد. الگوریتم‌ها همواره در حال یادگیری بوده و با استفاده از اطلاعات جدید، توسعه و بهبود پیدا می‌کنند؛ به عبارت دیگر، آنان طی فرایند خود ایستا و ثابت نیستند بلکه بر اساس فعالیت‌های کاربران، بهبود پیدا می‌کنند (Hunt & McKelvey, 2019, pp.309-310). علاوه بر این، مهم‌ترین استفاده از الگوریتم‌ها در مسائل تبلیغاتی است. الگوریتم‌ها با استفاده از ارزیابی رفتارهای کاربران در شبکه اجتماعی، بررسی می‌کنند که آن‌ها کدام موضوعات را می‌پسندند؛ سپس شبکه‌های اجتماعی با کنترل جریان محتوایی، اطلاعات را به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌کنند که مطابق با اهداف تبلیغاتی آن‌ها باشد. بدین نحو که ابتدا پستی را به کاربر نشان می‌دهند که کالای مشابه آن جهت خرید و استفاده در بازار یا همان شبکه اجتماعی موجود باشد. بدین صورت، شبکه‌های اجتماعی با فروش اطلاعات کاربران یا ایجاد دسترسی شرکت‌های تجاری به الگوریتم‌ها درآمدزایی می‌کنند (Tiwaria, 2023, pp.1043-1044). شبکه‌های اجتماعی این گونه ادعا می‌کنند که کاربران با پذیرفتن شرایط عضویت در شبکه اجتماعی، در واقع نسبت به تمامی داده‌های جمع‌آوری شده و نقض حریم خصوصی خود رضایت دارند. با

این استدلال و با جمع‌آوری و فروش اطلاعات کاربران، شرکت‌های حوزه فناوری اطلاعات ظرف دو دهه به یکی از ثروتمندترین شرکت‌های دنیا تبدیل شده‌اند (Dembrow, 2022, p.326). شبکه‌های اجتماعی به طرق مختلف از داده‌های حاصل از الگوریتم‌های خود استفاده می‌کنند و می‌توانند آن اطلاعات را در اختیار شرکت‌های تبلیغاتی قرار دهند. با جمع‌آوری داده‌های تعداد زیادی از افراد و دسته‌بندی اطلاعات بر اساس هر گروه خاص، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند این اطلاعات را جهت اهداف تجاری بفروشند؛ مثلاً ممکن است کاربری در این طبقه‌بندی اطلاعات به‌عنوان طرفدار تیم فوتبالی خاص یا به‌عنوان طرفدار نوع خاصی از غذا شناخته شود، در این‌صورت تبلیغات مرتبط با آن به وی نمایش داده می‌شود. به‌طور کلی هر شبکه اجتماعی که استفاده از آن رایگان است، فروش و استفاده از اطلاعات و داده‌های افراد را به‌عنوان اصلی‌ترین هدف خود قرار می‌دهد. این استفاده از اطلاعات هم شامل داده‌های عمومی نظیر سرگرمی‌ها یا تفریحات، هم شامل اطلاعات شخصی نظیر اسم، تاریخ تولد، آدرس آی پی، جنسیت و... می‌شود. استفاده رایگان از شبکه‌های اجتماعی، سازندگان آن را به انبوهی از اطلاعات ارزشمند می‌رساند که می‌توانند از آن اطلاعات در راستای مشاوره برای تولید و عرضه کالاها و خدمات جدید استفاده کنند (Tiwaria, 2023, pp.1044-1045).

شبکه اجتماعی با داشتن اطلاعات کاملی از هر شخص، می‌تواند تبلیغاتی مخصوص هر کاربر را به او نشان دهد. این تبلیغات می‌تواند بر اساس ترجیحات، سابقه جست‌وجو یا موقعیت مکانی هر فرد شخصی‌سازی شوند. در این شرایط هدف یک تبلیغ، تحت‌تأثیر قرار دادن خود شخص است. شرکت‌های تجاری علاقه بسیاری به یادگیری یا خرید اطلاعات مربوط به مشتریان و رفتارهای آنان در شبکه‌های اجتماعی دارند؛ به‌عنوان نمونه، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با رهگیری اینکه یک کاربر چگونه از یک خدمت خاص استفاده می‌کند، برنامه‌ریزی بهتری جهت بازاریابی محصول انجام دهند. یکی از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی، جهت کسب اطلاعات از کاربران خود استفاده از نظرسنجی‌های مکرر است. شبکه‌های اجتماعی با انجام نظرسنجی در زمینه‌های مختلف از کاربران خود، اطلاعات مختلفی در زمینه‌های سلیقه، عادات و... کسب می‌کنند که

درنهایت آن اطلاعات را جهت اهداف بازاریابی و فروش استفاده می‌کنند (Hunt & McKelvey, 2019, p.322).

در هنگام تجزیه و تحلیل داده‌های مختلف از فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف، الگوریتم‌ها نیز متفاوت عمل می‌کنند؛ مثلاً می‌توان با ارائه برنامه‌ای خاص به نرم‌افزارها، دسترسی به نوع خاصی از هنر یا دانش را در یک منطقه خاص محدود کرد یا آن را صرفاً در اختیار یک منطقه خاص قرار داد. اعمال الگوریتم‌های مختلف هم می‌تواند دارای اثرهای مثبت باشد و هم اثرهای منفی داشته باشد. بسیاری از مواقع، الگوریتم‌ها به‌منظور افزایش آگاهی نسبت به موضوعی خاص توسعه می‌یابند. در نتیجه برخی کاربران ممکن است متوجه افزایش پست‌ها در آن موضوع خاص، نظیر موضوع‌های سیاسی یا فیلم‌ها یا سایر موارد در شبکه اجتماعی خود شوند. از طرفی دیگر یکی از معایب الگوریتم‌ها این است که ممکن است موجب شود که محتوای حساسیت‌برانگیزی بارها و بارها در شبکه‌های اجتماعی تکرار شود یا بخشی از اطلاعات دور از دسترس کاربران قرار بگیرد یا اینکه آنان را در مواجهه با اطلاعات ناقصی قرار دهد. در این شرایط الگوریتم‌ها از اطلاعات فردی کاربران برای فهم اینکه چه محتوایی باید در شبکه اجتماعی نمایش داده شود، استفاده می‌کنند که همه این امور نقض حریم خصوصی کاربر و استفاده از داده‌های او را در پی دارد (Tiwaria, 2023, pp.1046-1047). از طرف دیگر، شبکه‌های اجتماعی با در دسترس قرار دادن بخش زیادی از اطلاعات مرتبط، عملاً باعث ایجاد محدودیت کاربران نسبت به دسترسی به سایر داده‌ها و کسب اطلاعات ناقص توسط کاربران می‌شوند. الگوریتم‌ها با ایجاد محدودیت در شبکه‌های اجتماعی، محتوای موجود را رتبه‌بندی می‌کنند که معمولاً این رتبه‌بندی بر مبنای اولویت‌های درآمدزایی شبکه‌های اجتماعی است. الگوها و نحوه برنامه‌نویسی الگوریتمی تعیین می‌کند که در هر موضوع خاص چه محتوایی و از چه شخص یا شرکتی باید دیده شود. این موضوع تحت عنوان تبعیض الگوریتمی^۱ در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود. تبعیض الگوریتمی در یک معنای عام به معنای اعمال تبعیض دستگاه‌های مختلف بین اشخاص مختلف در اختصاص

1. Algorithmic discrimination

امکانات به آنان است. این روش در سطوح پایین‌تر بین گزینه‌های مختلف، گزینش و غربال‌گری می‌کند و در سطوح بالاتر ممکن است جایگزین نیروهای انسانی شده و تصمیم‌گیری نیز نماید (انصاری، ۱۴۰۱، ص. ۱۵۲)؛ اما تبعیض الگوریتمی در شبکه‌های اجتماعی به این معناست که موتورهای جست‌وجو، عمدتاً بر اساس ویژگی‌های کاربر نظیر جنسیت، مذهب، ملیت، زبان و... و نیز اطلاعاتی که از کاربر در طی مدت فعالیتش به دست آورده‌اند، در هنگام جست‌وجوی وی در شبکه‌های اجتماعی مواردی را پیشنهاد داده و برخی گزینه‌ها را نیز حذف می‌کنند. مطلوبیت این امر از آن جهت است که موتورهای جست‌وجو به کمک کاربران می‌آیند و مواردی که برای آنان مناسب‌تر است را به ایشان پیشنهاد می‌دهند؛ اما از طرف‌دیگر چون این اقدام با حذف دسته‌ای از اطلاعات، موجب عدم امکان جست‌وجوی آزاد کاربران می‌شود، انتخاب‌ها و فرصت‌های کاربران را محدود می‌کند. علاوه‌براین، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به وسیله تبعیض الگوریتمی، یک جریان خاصی را در سطح جامعه ایجاد کرده و یا مانع از ایجاد آن شوند؛ لذا تبعیض الگوریتمی با حق دسترسی آزاد کاربر بر اطلاعات و منع سانسور در تعارض است (Hunt & McKelvey, 2019, pp.342-343).

۲. مقررات قانونی جهت حفاظت از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی

به دلیل استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی و تجارت‌های برخط، اهمیت حفاظت از داده‌های خصوصی افراد بیش‌ازپیش نمایان شده است. نگرانی‌های زیادی بابت جمع‌آوری، استفاده و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی کاربران، بدون آگاهی و رضایت آنان وجود دارد. فارغ از مقررات و قواعد عامی که در خصوص حمایت از حریم خصوصی کاربران وجود دارد، برخی کشورها نظیر کشورهای حوزه اتحادیه اروپا و ایران تلاش کردند که حفاظت از داده‌های کاربران را در چهارچوب قواعد مشخصی سازمان‌دهی نمایند.

۲-۱- مقررات قانونی اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا یکی از اولین سازمان‌های بین‌المللی است که به حمایت از داده‌های شخصی افراد توجه ویژه‌ای داشته است. ابتدا با تصویب «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» در سال ۱۹۵۰ حق بر حمایت از داده‌های شخصی افراد در ماده ۸ کنوانسیون مذکور حمایت شده است و پس از آن نیز در آرای متعدد دیوان اروپایی حقوق بشر و در «کنوانسیون شورای اروپا در حمایت از داده‌های شخصی» به حفاظت از داده‌های شخصی افراد تاکید شده است (انصاری و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۲۲). مقررات عمومی اتحادیه اروپا راجع به حمایت از اشخاص در برابر پردازش داده‌های شخصی^۱ (GDPR) مجموعه‌ای قواعد هستند که نحوه دریافت، جمع‌آوری و تحلیل و بررسی داده‌های کاربران در اتحادیه اروپا و خارج از آن را مدیریت می‌کند. بعد از تصویب قانون در ۲۰۱۶، فرایند اجرای قانون در سطح اتحادیه اروپا شروع شد که در نهایت پس از دو سال، قانون مذکور به طور کامل در سطح اتحادیه اروپا اجرایی شد. این قانون در تلاش است که با پاسخگو کردن شرکت‌های تجاری در مورد نحوه مدیریت و رفتار داده‌های کاربران، از استفاده خودسرانه از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی جلوگیری کند. هر شبکه اجتماعی‌ای که بازدیدکننده‌ای از اروپا داشته باشد، فارغ از اینکه مقر اصلی شرکت در اروپا است یا خیر، ملزم به رعایت این قانون است، حتی اگر کالا یا سرویس مشخصی را در محدوده اروپا ارائه ندهد. مقررات این قانون فارغ از اینکه مقر اصلی شبکه‌های اجتماعی در کجاست، برای تمامی ۲۷ عضو اتحادیه اروپا و منطقه اقتصادی اروپا جاری خواهد بود. به عنوان نتیجه، این مقررات باید توسط هر شبکه اجتماعی‌ای که بازدیدکنندگانی در اروپا دارد رعایت شود حتی اگر هدف، فروش کالاها در شبکه اجتماعی در اروپا نباشد؛ حتی این مقررات برای کاربرانی که تابعیت کشوری در اتحادیه اروپا را ندارند؛ اما در یکی از کشورهای عضو زندگی می‌کنند نیز جاری خواهد بود و همانند سایر شهروندان اروپایی از داده‌های آنان حفاظت خواهد شد (Hoofnagle & others, 2019, p.10).

این قانون از برخی حقوق اشخاص در برابر شبکه‌های اجتماعی نظیر حق دریافت

1 General Data Protection Regulation

اطلاعات در خصوص داده‌های شخصی، دسترسی به داده‌های شخصی، تصحیح و حذف داده‌های شخصی، درخواست محدودیت پردازش، حق انتقال داده، اعتراض به پردازش و عدم قرار گرفتن در معرض تصمیمات خودکار به رسمیت شناخته و از آنان حمایت کرده است (لطیف‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۹۸۳). در این قانون برخی حقوق کاربران برای حفاظت از اطلاعات شخصی‌شان در شبکه‌های اجتماعی به رسمیت شناخته شده است، اشخاص بر مبنای حق دریافت اطلاعات، باید از هرگونه پردازش اطلاعات شخصی‌شان، علت و هدف آن مطلع شوند و بنا به حق دسترسی به داده‌های شخصی و حق بر اصلاح و حذف داده‌ها، کاربران باید به تمامی اطلاعات خود در شبکه‌های اجتماعی دسترسی داشته باشند؛ همچنین در صورتی که بخواهند باید بتوانند اطلاعات خود را اصلاح یا حذف نمایند. علاوه بر این به علت اینکه گاهی اطلاعات کاربران اطلاعات حساس است یا به هر دلیلی کاربران علاقه‌ای به پردازش اطلاعات خود ندارند، آنان می‌توانند به استناد حق بر محدودیت پردازش اطلاعات، در مورد امکان تغییر اطلاعات، محدودیت ایجاد کنند. در صورتی که اطلاعات کاربران در هنگام پردازش مورد سوءاستفاده قرار گیرد، کاربران می‌توانند بر این پردازش اطلاعات اعتراض نمایند و در نهایت، گاهی شبکه‌های اجتماعی برخی درخواست‌های کاربران را به صورت خودکار و با الگوریتم‌های خاص خود پردازش می‌کنند و پاسخ می‌دهند که در این شرایط کاربران به علت ماهیت خاص برخی درخواست‌ها، می‌توانند تقاضا کنند که درخواست آنان توسط انسان‌ها بررسی و پاسخ داده شود (لطیف‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۱۰۰۱).

۲-۲- مقررات حقوق ایران

در ایران حمایت از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی در مجموعه‌ای از قوانین پراکنده آمده است. هیچ‌کدام از قوانین موجود در ایران جامع نیستند و نمی‌توانند شامل تمامی مصادیق استفاده از داده‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی شوند. از این روی در جهت حمایت از داده‌های کاربران و در خصوص لزوم رعایت حریم خصوصی باید ابتدا به مبانی فقهی و اصول کلی حقوقی استناد کرد و سپس در قوانین مختلف به جست‌وجوی موارد مورد حمایت قانون‌گذار از داده‌های کاربران پرداخت.

حریم خصوصی تعریف واحدی در متون فقهی و حقوقی ندارد و برخی حریم خصوصی را تعریف کرده‌اند و برخی دیگر به بیان مصادیق آن اکتفا کرده‌اند. در متون فقهی، تعریف مشخصی از حریم خصوصی بیان نشده است و صرفاً به برخی از مصادیق آن نظیر چاه، چشمه، خانه و... پرداخته شده است و اشخاص غیرمالک از دخالت در آن نهی شده‌اند (ولی‌پور، ۱۳۹۷، ص. ۱۶). باوجوداین برخی تلاش کرده‌اند که تعریفی از حریم خصوصی ارائه دهند؛ مثلاً برخی محققان، حریم خصوصی را به‌عنوان قسمتی از زندگی انسان که مصون از تعرض دیگران است تعریف کرده‌اند (جعفری و رهبرپور، ۱۳۹۶، ص. ۴۶) و بعضی دیگر آن را قلمرویی از اطلاعات و دارایی‌های هر فرد می‌دانند که سایر افراد نوعاً و عرفاً بدون اجازه مالک امکان استفاده و بهره‌برداری از آن را ندارند (کبری و فلاحیان، ۱۴۰۰، ص. ۳۶۴). در راستای حمایت از داده‌های کاربران، در مبانی فقهی باید به حمایت شارع از حریم خصوصی اشاره نمود.

از نظر فقهی بر مبنای حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که غیبت را به یادکردن برادر دینی نسبت به آنچه که برای او ناخوشایند است، تعریف کرده‌اند، می‌توان گفت مصادیق حریم خصوصی بیش از آنکه نوعی باشد، شخصی است. این امر به این معناست که هر شخص می‌تواند برخی حیطه‌های زندگی شخصی خود را حریم خصوصی خود اعلام کند و در این صورت سایر اشخاص بدون اجازه فرد مجاز به دخالت در حریم خصوصی او نیستند (شهباز قهقرخی، ۱۳۹۴، ص. ۹۷). با توجه به شخصی بودن مصادیق حریم خصوصی در متون فقهی، قاعده مشخصی که بر مبنای آن از حریم خصوصی حمایت شود، وجود ندارد؛ اما حمایت از برخی مصادیق حریم خصوصی را می‌توان از منابع فقهی و فتاوی فقها استخراج کرد. تجسس در لغت به‌معنای جست‌وجوی خبرهای پنهانی است (واعظی و همتی فارسانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۲) و در اصطلاح به‌معنای جست‌وجوی عیب‌های پنهانی مردم جهت آگاهی از امور ناپسند و پنهانی آنان است (واعظی و همتی فارسانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۳). از نظر آیات قرآن کریم در برخی آیات مؤمنین از تجسس در مورد دیگران منع شده‌اند.^۱ بر مبنای نظر مفسرین این ممنوعیت، ظهور در حکم حرمت دارد و بر این مبنا هرگونه

تجسس در امور زندگی اشخاص حرام و ممنوع است (واعظی و همتی فارسانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۶). بر اساس نظر مفسران از این آیه مسلمانان باید در زندگی روزمره خود، رفتار ظاهری افراد را ملاک و مبنا قرار دهند و در جست‌وجوی عیوب مردم نباشند (واعظی و همتی فارسانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۷). در برخی دیگر از آیات قرآن کریم به موضوع ممنوعیت تجسس به صراحت اشاره نشده است؛^۱ اما به زشتی و ممنوعیت اشاره فحشا میان اهل ایمان اشاره دارد. بر اساس نظر برخی از محققین به صورت کلی شایع شدن فحشا در سطح جامعه نتیجه جاسوسی و تفتیش است و در با توجه به حرمت مقدمه حرام، می‌توان با توجه به حرمت اشاعه فحشا، تفتیش و جاسوسی را که مقدمه اشاعه فحشا است را حرام و ممنوع دانست (واعظی و همتی فارسانی، ۱۳۹۵، صص. ۱۶۷-۱۶۸). در برخی دیگر از آیات برخی مصادیق تجاوز به حریم خصوصی افراد ممنوع شناخته شده است؛^۲ به عنوان نمونه برخی آیات به ممنوعیت ورود به منزل و نقض حریم خصوصی موضوع اشاره دارند. بر اساس این آیات، داخل شدن در منازل دیگران بدون اذن آنان ممنوع است. بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت هنگامی که ورود به منزل افراد بدون اذن آنان ممنوع است، پس به طریق اولی جاسوسی و تجسس از منازل و عیوب و اعمال دیگران نیز ممنوع خواهد بود (واعظی و همتی فارسانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۹). ممنوعیت عدم تجسس بحث بسیار گسترده‌ای است. منع تجسس شامل منع انتشار هرگونه داده و اطلاعات پنهان از اشخاص می‌شود. در خصوص این ممنوعیت فرقی میان اینکه این تجسس با چه هدفی صورت بگیرد نیست؛ البته بنا به نظر برخی فقها این آیه صرفاً در خصوص منع تجسس در اموری است که باعث خواری مؤمنان و از دست رفتن حیثیت اجتماعی آنان شود (حدادپور، ۱۴۰۱، ص. ۴۶). در روایات نیز مصادیقی در خصوص ممنوعیت دخالت در حریم خصوصی افراد وجود دارد؛ به عنوان مثال در روایتی از پیامبر اکرم (ص)، شکستن حریم خصوصی افراد در منزل منع شده است یا ایشان از گوش دادن به گفتگوهای افراد در شرایطی که فرد راضی به این اقدام نیست منع فرموده‌اند یا حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر بر لزوم

۱. آیه ۱۹ سوره نور

۲. آیه ۲۷ و ۲۸ سوره نور

پوشاندن عیوب مردم تأکید می‌کنند (حدادپور، ۱۴۰۱، صص. ۴۷-۴۶). عقل انسان نیز از یک طرف هرج و مرج و فساد در جامعه را قبیح می‌داند و از طرف دیگر پخش و افشای آنچه را که سبب خواری مؤمنان است، مذموم می‌داند. آنچه که در این شرایط واضح است آن است که یکی از امور زمینه‌ساز فساد در جامعه، تجسس در حریم خصوصی افراد است. پس می‌توان گفت تجسس در امور مردم با توجه به مقدمه امور مفسده‌برانگیز بودن از نظر عقل نیز ممنوع است (واعظی و همتی فارسانی، ۱۳۹۵، صص. ۱۷۴-۱۷۵). علاوه‌براین بنای عقلای عالم نیز عدم دخالت در حریم شخصی افراد است. در این زمینه فرقی میان اینکه این دخالت آثار زیان بار داشته باشد یا نداشته باشد نیست (نعمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۷). به تبعیت از آیات، روایت و حکم عقل، در آرای فقهی نیز ممنوعیت برخی مصادیق خاص از نقض حریم خصوصی وجود دارد. این ممنوعیت تا حدی است که برخی در خصوص حرمت دیدن غیر مجاز خانه افراد، لزوم حفظ اسرار و عیوب مردم ادعای اجماع نموده‌اند (حدادپور، ۱۴۰۱، ص. ۴۷).

از نظر قانونی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در هیچ‌یک از اصول خود به صراحت حق حفظ حریم خصوصی را به رسمیت نشناخته است بلکه از برآیند اصول مختلف قانون اساسی می‌توان به حمایت قانون‌گذار از برخی مصادیق حریم خصوصی پی برد. در برخی اصول قانون اساسی به مصادیقی از رعایت حریم خصوصی نظیر حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی اشاره شده است^۱ (واعظی و علی‌پور، ۱۳۸۹، صص. ۱۳۸-۱۳۹). باوجوداین، حریم خصوصی به‌عنوان یک اصل و یکی از حقوق مردمی صراحتاً به رسمیت شناخته نشده است. همچنین حفظ حریم خصوصی در رسانه‌ها نیز در قانون اساسی مورد بحث قرار نگرفته است. تنها در اصل ۲۴ قانون اساسی به آزادی اطلاعات و رسانه‌ها اشاره شده است و موارد استثنا را «عدم اخلال به مبانی اسلام» و «عدم اخلال در حقوق» دانسته که به‌نظر می‌رسد استفاده شبکه‌های اجتماعی از داده‌های کاربران ذیل هیچ‌یک از استثنای این

۱. اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

اصل قرار نگیرد. تنها در اصل ۲۵ قانون اساسی به حمایت از حریم خصوصی در حوزه ارتباطات پرداخته شده است (واعظی و علی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۲). با توجه به ماهیت خاص استفاده از اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی، این امر ذیل ممنوعیت موجود در این اصل قرار نمی‌گیرد. در قوانین عادی ایران نیز به بحث حمایت از داده‌های شخصی افراد توجه شده است در خصوص موضوع داده‌های شخصی افراد، در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ داده‌پیام‌های شخصی را به داده‌پیام‌های یک شخص حقیقی مشخص و معین تعریف کرده است که از این نظر این تعریف مشابه تعاریف موجود در اسناد اروپایی از مفهوم داده‌پیام است. علاوه‌براین در بند ب ماده ۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ برخی مصادیق نظیر نام و نام خانوادگی، نشانی محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی و خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمانی، شماره حساب بانکی و رمز عبور از مصادیق داده‌های شخصی دانسته شده است (انصاری، ۱۴۰۲، صص. ۳۴-۳۵).

در این تعاریف صرفاً برخی مصادیق داده‌های شخصی ذکر شده است و در آن معیاری که از آن طریق بتوان داده‌های شخصی را از داده‌های عمومی منفک کرد وجود ندارد. از این رو در جهت حل این ابهام‌ها کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، در تصویب‌نامه خود تحت عنوان «شیوه‌نامه تشخیص و تفکیک اطلاعات مربوط به حریم خصوصی و اطلاعات شخصی از اطلاعات عمومی» داده‌های شخصی را به هفت دسته داده‌های هویتی، داده‌های مکانی، داده‌های اقتصادی، داده‌های سلامت، داده‌های ارتباطی، داده‌های اعتقادی و سیاسی و داده‌های استخدامی تقسیم نموده و برخی از مصادیق اهم آن را نیز ذکر کرده است و از این طریق با تفکیک داده‌های شخصی به عمومی و غیرعمومی، دسترسی به داده‌های شخصی عمومی را برای شهروندان مجاز دانسته است. طبق تصریح شیوه‌نامه مذکور داده‌هایی که یا توسط خود فرد منتشر شده باشد یا هویت افراد موجود در آن معلوم نباشد، داده‌های خصوصی یا شخصی محسوب نمی‌شوند (انصاری، ۱۴۰۲، ص. ۳۵).

داده‌های شخصی در قوانین ایران نیز در قانون تجارت الکترونیک و برخی دیگر از قوانین حمایت شده است. قانون تجارت الکترونیک را می‌توان قانونی عام دانست که از آن

طریق قانون از تمامی داده‌های افراد در فضای مجازی اعم از اینکه مرتبط با فضای تجارت الکترونیک یا ابزارهای ارتباطی جدید باشد یا نباشد، حمایت می‌کند و شامل تمامی داده‌هایی که با ابزارهای الکترونیک مختلف توسط تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی رد و بدل می‌شود، می‌گردد (زند، ۱۴۰۱، صص. ۲۸-۲۹)؛ مثلاً ذخیره، پردازش و یا توزیع داده‌پیام‌های شخصی که نشان‌دهنده ریشه‌های قومی و نژادی یا دیدگاه‌های کاربر در زمینه‌های مختلف نظیر دیدگاه‌های سیاسی و عقیدتی یا خصوصیت اخلاقی یا جسمی کاربران باشد، ممنوع است.^۱ علاوه‌براین «ذخیره داده‌پیام‌ها» را صرفاً در صورت مشخص بودن اهداف ذخیره، ضروری بودن ذخیره و تناسب میزان ذخیره با میزان ضرورت، صحیح و روزآمد بودن، دسترسی کاربر به اطلاعات ذخیره‌شده و امکان اصلاح اطلاعات توسط کاربر مجاز دانسته شده است.^۲

موضوع جرائم اینترنتی و سایبری ذیل مواد ۷۲۹ تا ۷۸۵ قانون تعزیرات و مجازات بازدارنده آمده است. در این قانون موضوعات و جرائم مختلف اینترنتی بحث و بررسی شده است؛ اما موضوع جمع‌آوری داده‌های کاربران و انتشار آنان جز در موضوع‌های محدودی نظیر داده‌های سری و محرمانه بحث نشده است.^۳ تنها موضوعی که می‌توان از آن در جهت حمایت از داده‌های کاربران کمک گرفت، ماده ۷۴۵ قانون مذکور است. طبق این ماده هرکس به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به‌نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس یا جزای محکوم خواهد شد. در نظریه مشورتی ۷/۱۴۰۱/۷۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۴ در خصوص تعیین مصادیق تصاویر یا فیلم‌های خصوصی در ماده ۷۴۵ قانون مذکور، تصاویر خصوصی را آن دسته از تصاویری می‌داند که به‌صورت عمومی منتشر نشده باشد و افشای آن تصاویر بدون اعلام رضایت کاربر، موجب ضرر و هتک

۱. ماده ۵۸ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲.

۲. ماده ۵۹ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲.

۳. مواد ۷۳۱ تا ۷۳۳ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵.

حرمت او شود.

قانون مجازات اسلامی در خصوص حمایت از داده‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی دارای مشکلات زیر است: اولاً؛ کما اینکه در نظریه مشورتی بیان شده است: ماده ۷۴۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در خصوص اطلاعات خصوصی و محرمانه کاربران است. این در حالی است که بسیاری از داده‌هایی که شبکه‌های اجتماعی جمع‌آوری می‌کنند، داده‌های عمومی افراد است و آنان خود با اختیار و پذیرش شرایط عضویت در شبکه اجتماعی، آن را منتشر می‌کنند. ثانیاً؛ جریمه اختصاص یافته برای انتشار داده‌های خصوصی افراد، در مقایسه با سودی که شبکه‌های اجتماعی از جمع‌آوری، تجمع و انتشار داده‌های کاربران خود می‌برند، بسیار ناچیز است. ثالثاً؛ بنا به ادعای شبکه‌های اجتماعی، کاربران در ابتدای عضویت خود شرایط و ضوابط عضویت در شبکه‌های اجتماعی را می‌پذیرند، پس نمی‌توان گفت رفتار شبکه‌های اجتماعی در این خصوص، بنا به رضایت کاربرانشان نیست. رابعاً؛ در این ماده ورود ضرر و زیان به شخصی که اطلاعات او افشاشده است، شرط است. حال سؤال اینجاست که آیا جمع‌آوری اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از آنان جهت مصارف تبلیغاتی، ورود ضرر و زیان به کاربر محسوب می‌شود؟ کما اینکه عمده‌تاً شبکه‌های اجتماعی این ادعا را دارند که با جمع‌آوری اطلاعات کاربران می‌توانند شناخت دقیق‌تری از آنان داشته باشند و در نتیجه محتوای مناسب‌تری را در اختیار کاربران قرار دهند. درنهایت با توجه به موارد مذکور به نظر می‌رسد که قانون فعلی نتواند مانعی بر راه استفاده از داده‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی باشد.

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد که منابع فقهی و قوانین مذکور نمی‌توانند به‌طور کامل مشکل استفاده‌های شبکه‌های اینترنتی از داده‌های کاربران را حل نمایند؛ زیرا در خصوص منابع فقهی، هیچ اشاره صریحی به لزوم احترام به حریم خصوصی و ممنوعیت نقض آن نشده است و همچنین آیات و روایات در قالب احکام تکلیفی و نه احکام وضعی از حریم خصوصی حمایت کرده‌اند. در نتیجه اگرچه مسئولیت نقض‌کننده حریم خصوصی ذیل احکام تکلیفی قرار می‌گیرد؛ اما آن را باید از احکام تکلیفی استخراج کرد. یکی از دلایل

این امر می‌تواند این باشد که آیات و روایات، بیشتر جنبه مذهبی و اخلاقی دارند تا جنبه حقوقی و در نتیجه آن تحمیل مسئولیت بر عهده نقض‌کننده قابل استناد باشد (انصاری، ۱۳۸۳، صص. ۱۲-۱۳).

در خصوص قانون تجارت الکترونیک نیز به نظر می‌رسد، اولاً علی‌رغم حمایت از داده‌پیام‌های شخصی افراد، در خصوص اطلاعاتی که کاربران در هنگام ثبت‌نام در شبکه‌های اجتماعی در اختیار آنان می‌گذارند، حکمی بیان نشده است. ثانیاً شبکه‌های اجتماعی عمدتاً ادعا می‌کنند که کاربر در ابتدای ثبت‌نام در شبکه اجتماعی شرایط و ضوابط دسترسی شبکه اجتماعی را پذیرفته است و لذا جهت جمع‌آوری و پردازش داده‌های خود رضایت دارد. در قانون تجارت الکترونیک به این موضوع پرداخته نشده است و صرفاً به اعلام رضایت صریح کاربر اکتفا شده است. این در حالی است که در قوانین بسیاری از کشورها در خصوص اطلاعات حساس کاربران، شبکه‌های اجتماعی موظف‌اند که از کاربر مجدداً اخذ اجازه نمایند. ثالثاً در این قانون در خصوص مسئولیت شبکه‌های اجتماعی مبنی بر تقویت سیستم ایمنی داده‌های خود صحبتی نشده است. فرض کنیم در صورتی که اطلاعات بخشی از کاربران به علت ضعف سیستم ایمنی شبکه اجتماعی هک شود، باید بتوان علاوه بر هکرها، شبکه اجتماعی را به علت ضعف در سیستم ایمنی خود مسئول دانست (قناد و علیقلی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱۷).

۳. راهکارهای پیشنهادی جهت حفاظت از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی

با عنایت به تعریف حریم خصوصی، مقررات اتحادیه اروپا و ایران، با توجه به اینکه کاربران در ابتدای عضویت خود در شبکه‌های اجتماعی، رضایت خود را جهت استفاده از اطلاعات توسط شبکه‌های اجتماعی اعلام می‌کنند. به نظر می‌رسد که در یک قاعده کلی استفاده شبکه‌های اجتماعی از داده‌های کاربران در چهارچوب توافق‌نامه اولیه، نقض حریم خصوصی کاربران نیست؛ اما با وجود این به نظر می‌رسد بنا به دلایل زیر علی‌رغم این رضایت اولیه، نمی‌توان رضایت کامل کاربران را در انتشار داده‌های خصوصی خود

را احراز نمود و بدین وسیله تمامی مصادیق استفاده از اطلاعات کاربران را مجاز دانست. اولاً در خصوص احراز اراده واقعی کاربر در این زمینه ابهام وجود دارد؛ زیرا هیچ قطعیتی وجود ندارد که هویت کاربران هنگام ثبت نام و پذیرش شروط ثبت نام و رعایت حریم خصوصی، با هویت کاربری که حساب کاربری در اختیار اوست و از آن استفاده می کند یکسان باشد. ممکن است در هنگام ثبت نام بنا به دلایل مختلف، شخصی دیگری ثبت نام کرده است و حساب کاربری خود را در اختیار کاربر فعلی قرارداد داده باشد (Schwartz & Wilde, 1979, p. 630). این ابهام در زمانی نیز بیشتر می شود که بسیاری از شبکه های اجتماعی شروط مرتبط با ثبت نام و رعایت حریم خصوصی خود را به زبان انگلیسی در صفحه ثبت نام قرار داده اند؛ اما بسیاری از کاربران ایشان به این زبان مسلط نیستند و نمی توانند به صورت دقیق و کامل شرایط مربوط به حریم رعایت حریم خصوصی را مطالعه نمایند. در نتیجه با توجه به موارد مذکور، پذیرفتن این موضوع که همیشه کاربران با اراده واقعی شرایط مربوط به حریم خصوصی را می پذیرند دارای ابهام و تردید است.

ثانیاً در شرایط فعلی و گسترش روزافزون شبکه های اجتماعی، عضویت در شبکه های اجتماعی به امری ضروری تبدیل شده است. به نحوی که عدم عضویت در یک یا چند شبکه اجتماعی زندگی روزمره شهروندان را دچار اختلال می کند. از این روی نمی توان عضویت کاربران با اراده واقعی و آزاد و بدون هیچ فشار محیطی ای در شبکه های اجتماعی را پذیرفت.

ثالثاً کاربران در هنگام پذیرفتن شرایط عضویت در شبکه های اجتماعی و رعایت حریم خصوصی، به نحوی مجبورند که تمامی شرایط را قبول کنند و امکان مذاکره و چانه زنی در خصوص شرایط برای کاربران وجود ندارد. از این رو این قراردادها در حالت کاملاً منصفانه خارج شده و در وضعیت تردید نسبت به منصفانه یا غیرمنصفانه بودن، قرار می گیرند (بهری و فلاح خاریکی، ۱۳۹۹، ص ۱۷؛ کاظم پور، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵). با توجه به این تردید و امکان غیرمنصفانه بودن شروط شبکه های اجتماعی، ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی اعمال شروط غیرمنصفانه در قراردادهای الکترونیکی به ضرر مصرف کننده را صحیح

نمی‌داند. در این شرایط با توجه به اینکه اراده آزاد کاربر وجود ندارد و منصفانه بودن شروط مذکور مورد تردید است، دولت‌ها وظیفه دارند که با بررسی شروط مذکور، شبکه اجتماعی را ملزم به اعمال شروط منصفانه نمایند. همچنین دادگاه‌ها نیز می‌توانند در هنگام رسیدگی به پرونده‌های شکایت نقض حریم خصوصی کاربران توسط شبکه‌های اجتماعی به غیرمنصفانه بودن آن توجه نمایند.

با توجه به موارد مذکور به نظر می‌رسد که اگرچه که در شرایط آزادانه و برابر پذیرفتن تمامی شرایط عضویت و رعایت حریم خصوصی توسط کاربران نقض حریم خصوصی آنان نیست و پذیرفتن «تمامی شرایط شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات» هنگام عضویت در شبکه‌های اجتماعی به معنای رضایت کامل کاربران در انتشار و فروش اطلاعات ایشان است؛ اما با توجه به برابر نبودن طرفین در هنگام عضویت در شبکه‌های اجتماعی باید شروط اعمال شده منصفانه باشد و در غیراین صورت انتشار و فروش داده‌های کاربران نقض حریم خصوصی آنان است و صحیح نیست. از این روی نیاز است که دولت‌ها اقدامات مختلفی را در جهت حمایت از داده‌های کاربران انجام دهند.

جمع‌آوری و فروش اطلاعات کاربران، درآمد هنگفتی را برای شبکه‌های اجتماعی به همراه دارد و به علت ماهیت تخصصی شبکه‌های اجتماعی، کشف این موارد دشوار است و به راحتی نمی‌توان از جمع‌آوری اطلاعات کاربران جلوگیری کرد؛ لذا جهت حفاظت از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی، قواعد سنتی مربوط به «حفظ حریم خصوصی» کفایت نمی‌کند و باید مقررات و راهکارهای متناسب با اوصاف شبکه‌های اجتماعی اتخاذ گردد.

با توجه به اهمیت بالای شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزمره جوامع کنونی، نمی‌توان ممنوعیت کلی برای استفاده از اطلاعات کاربران توسط شبکه‌های اجتماعی وضع نمود. بهترین رویکرد آن است که استفاده شبکه‌های اجتماعی از اطلاعات کاربران ضابطه‌مند و دارای قواعد مشخص باشد. در این راستا، صرف وضع قانون و مجازات استفاده‌کنندگان از داده‌های خصوصی کاربران شبکه‌های اجتماعی کافی نیست. در ادامه مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی جهت نظام‌مند کردن استفاده از شبکه‌های اجتماعی و حفظ حریم خصوص افراد مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱- اخذ مالیات از داده‌ها

یکی از راهکاری حفاظت از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی آن است که بابت استفاده تبلیغاتی از این‌گونه اطلاعات، مالیات از شبکه‌های اجتماعی اخذ شود. برخی از محققان، جهت انتشار اطلاعات کاربران، مالیاتی در حدود ۰.۸ تا ۱ درصد را پیشنهاد کرده‌اند. بدیهی است که هر شخصی بابت درآمد خود باید مالیات بپردازد و شبکه‌های اجتماعی نیز باید بخشی از درآمد خود، بابت فروش اطلاعات کاربران را به‌عنوان مالیات هزینه کنند. با توجه به درآمد بالای فروش داده‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی، دریافت این میزان مالیات، مبلغی معقولانه برای شبکه‌های اجتماعی است. همان‌طور که سابقاً بیان گردید، امکان سوءاستفاده از داده‌های کاربران توسط شبکه‌های اجتماعی همیشه وجود دارد. دریافت مالیات، این امکان را به دولت‌ها می‌دهد که در صورت سوءاستفاده شبکه‌های اجتماعی از داده‌های کاربران از محل مبالغ دریافتی، خسارت واردشده به کاربران را جبران نمایند. طبق گزارش لس‌آنجلس تایمز، صنعت فروش اطلاعات کاربران در سال ۲۰۱۹ حدود ۲۰۰ میلیارد دلار درآمد داشته است که با اخذ ۱ درصد مالیات از آن حدود ۲ میلیارد دلار درآمد برای کشورها ایجاد می‌شود. مبلغ مذکور می‌تواند برای حفاظت از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی و جبران خسارات وارد به آن‌ها هزینه شود. درواقع با توجه به این که منبع اصلی درآمد شبکه‌های اجتماعی از طریق فروش اطلاعات کاربران است؛ پس می‌توان گفت مبلغ مالیات پرداخت شده در این روش امری فراتر از مالیات‌های پرداختی شرکت‌ها نخواهد بود؛ اما در این روش بیان می‌شود که مالیات پرداختی شرکت‌ها می‌بایست در راستای حفاظت از داده‌های کاربران، تقویت امنیت شبکه‌ها و جبران خسارات وارده به افراد از طریق فروش اطلاعات شخصی آنان مصرف شود (Dembrow, 2022, p. 337).

نقدی که به راهکار مذکور وارد می‌شود آن است که مقر اصلی شبکه‌های اجتماعی در کشوری مشخص است و مالیات مذکور توسط همان کشور دریافت می‌شود؛ اما مخاطبان شبکه‌های اجتماعی در تمام دنیا حضور دارند و نمی‌توانند از مالیات دریافتی بهره‌مند شوند؛ به‌عنوان مثال مقر اصلی اینستاگرام در کشور ایالات متحده آمریکا است و اگر

مخاطبی که در ایران حضور دارد از افشای اطلاعات خود خسارت ببیند، نمی‌تواند از مالیات‌های پرداختی شبکه اجتماعی مذکور بهره‌مند شود. در این شرایط و با فقدان یک نظام مالیات جهانی، کاربران مستقر در کشورهای دیگر چگونه می‌توانند از این مالیات سود ببرند؟ در این شرایط سایر کشورها نیز بر آن شبکه اجتماعی قدرت و تسلطی ندارند که امکان دریافت مالیات برای آن‌ها وجود داشته باشد. همچنین اطلاعاتی که در اختیار شبکه‌های اجتماعی است، کالاهای اعتباری هستند که کاربران از سرتاسر دنیا آن‌ها را در اختیار این شبکه‌های اجتماعی قرار می‌دهند؛ لذا اخذ مالیات در هنگام ارائه اطلاعات ممکن نیست؛ زیرا اطلاعات کاربران کالای فیزیکی نیست که بتوان در هنگام تحویل کالا از آن مالیات اخذ نمود. علاوه‌براین، حتی اگر کشور مقر شبکه‌های اجتماعی بر استفاده آن‌ها از داده‌ها مالیات وضع کند، آن شبکه اجتماعی به راحتی می‌تواند محل اصلی فعالیت خود را به کشور دیگری که مالیات کمتری دارد، منتقل کند (Dembrow, 2022, pp.337-338).

با توجه به ایراد فوق، به نظر می‌رسد که نمی‌توان از مبالغ مالیاتی دریافتی از شبکه‌های اجتماعی، برای جبران مؤثر خسارات وارده به کاربران بهره برد؛ زیرا مخاطبان شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی هستند؛ اما ساختار مالیاتی بین‌المللی وجود ندارد؛ البته باید توجه داشت که دولت دریافت‌کننده مالیات می‌تواند از این مبالغ جهت نظارت بر عملکرد شبکه‌های اجتماعی و تأمین بودجه سازمان‌های ناظر استفاده کند.

۳-۲- استانداردهای حفاظت از اطلاعات

یکی از راه‌های حفاظت از داده‌های کاربران، قانون‌گذاری در سطح داخلی و بین‌المللی است. با توجه به رشد روزافزون شبکه‌های اجتماعی، قانون‌گذاری روش مناسبی برای جلوگیری از سوءاستفاده از اطلاعات کاربران است. برای قانون‌گذاری و اجرای سیاست‌های حفاظت از داده‌ها، دو رویکرد حداکثری و حداقلی وجود دارد. در رویکرد حداکثری، تمامی اقدام‌های شبکه‌های اجتماعی موضوع مقررات تنظیمی قرار می‌گیرد. به علت ماهیت پویای شبکه‌های اجتماعی و توسعه هر روزه آنان، اعمال این رویکرد به دلیل اینکه نمی‌تواند همه ابعاد فعالیت‌های شبکه‌های اجتماعی را دربرگیرد، عملاً

امکان‌پذیر نبوده و از طرفی در برخی موارد مقررات وضع شده کارایی خود را از دست خواهند داد. علاوه‌براین، در قوانین باید منافع تمامی طرفین درگیر در نظر گرفته شود و وضع قانون سخت‌گیرانه بدون توجه به منافع شبکه‌های اجتماعی، منجر به برهم خوردن تعادل در قانون می‌شود. به همین دلیل به نظر می‌رسد، اتخاذ رویکرد حداقلی مؤثرتر است. به این معنا که محدوده حداقلی رعایت حریم خصوصی و جمع‌آوری و فروش داده‌های کاربران تعیین شود و استفاده از داده‌های کاربران در خارج از آن چهارچوب، تنها با اخذ رضایت از کاربران در هنگام عضویت در شبکه اجتماعی مجاز باشد. در وضع قوانین مربوط به حفاظت از اطلاعات کاربران، باید به چند ملاحظه اصلی توجه نمود:

۱. یکی از دغدغه‌های اصلی در هنگام وضع قوانین، رعایت حریم خصوصی کاربران در شبکه‌های اجتماعی است. فارغ از بحث حمایت از حریم خصوصی کاربران در هنگام استفاده از شبکه اجتماعی، نحوه طرح دعوی کاربران علیه شبکه‌های اجتماعی به‌صورت انفرادی یا از طریق دادستان همچنان مسئله با اهمیتی است. در صورت تجویز طرح دعوای شخصی علیه شبکه‌های اجتماعی، دعوای زیادی در دادگستری مطرح می‌شود که رسیدگی به آن‌ها دشوار است. در صورت عدم تجویز اقامه دعوای شخصی نیز ممکن است حق داشتن حریم خصوصی و دادرسی اشخاص نقض شود و امکان طرح دعوای منتفی گردد. در این شرایط، قوانین مختلف روش‌های مختلفی را پیش گرفته‌اند؛ مثلاً در مقررات حریم خصوصی مشتریان در کالیفرنیا (CCPA)^۱ در خصوص طرح دعوی در موضوعات دسترسی غیرمجاز، نفوذ، سرقت یا افشای اطلاعات شخصی رمزگذاری نشده کاربران، این امکان را به آنان می‌دهد که ابتدا دعوای خود را نزد همان شبکه اجتماعی مطرح کنند و در صورت عدم حل موضوع ظرف ۳۰ روز، امکان طرح دعوای مراجع قضایی را خواهند داشت.

۲. در هنگام تصویب قوانین مرتبط بر حفظ حریم خصوصی کاربران، دغدغه شرکت‌های تجاری نیز باید مورد بررسی قرار بگیرد. منبع اصلی درآمد شبکه‌های اجتماعی،

1. California Consumer Privacy Act

استفاده از داده‌های کاربران است و تصویب قانون بدون در نظر گرفتن منافع شبکه‌های اجتماعی، باعث قطع منبع اصلی درآمد آن‌ها شده و در نتیجه ممکن است ادامه فعالیت آن‌ها با اختلال روبه‌رو شود. در این شرایط کشورها و مردم از خدمات آن‌ها محروم می‌شوند که با توجه به استفاده گسترده کاربران از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، این امر امکان‌پذیر نیست (Dembrow, 2022, pp. 338-339).

۳. مسئله مهم دیگر آن است که مقر اصلی شبکه‌های اجتماعی ممکن است در کشوری متفاوت از اقامتگاه کاربران باشد. در این صورت طرح دعوای کاربر علیه شبکه اجتماعی، نزد مراجع قضایی کشور مقر شبکه اجتماعی محتمل نیست. جهت حل این مشکل دو راهکار وجود دارد: ۱- وضع مقررات بین‌المللی در خصوص شبکه‌های اجتماعی یا تنظیم قوانین نمونه در این خصوص، تا با وضع آن‌ها در قوانین داخلی کشورها وحدت رویه‌ای ایجاد شود تا کاربر بتواند در اقامتگاه خود طرح دعوا کند. ۲- کشور مقر شبکه اجتماعی، با وضع مقررات قانونی، شبکه اجتماعی را ملزم کند که بدون نیاز به رسیدگی قضایی، ساختار حل اختلاف داخلی ایجاد کرده و به شکایات و اعتراضات کاربران رسیدگی نماید. این روش که موسوم به خودتنظیمی است در بخش بعدی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Dembrow, 2022, p.340).

در نهایت می‌توان گفت، قوانین در تلاش هستند که با افزایش مسئولیت شبکه‌های اجتماعی نسبت به داده‌های کاربران، استفاده از داده‌های آنان را به حداقل برسانند. قوانین حمایت از حریم خصوصی کاربران، معمولاً از یک طرف حقوق فردی کاربران را به رسمیت می‌شناسند و از طرف دیگر مشخص کردن چهارچوب جمع‌آوری، استفاده و اشتراک‌گذاری داده‌ها توسط شبکه‌های اجتماعی و حفظ حقوق و منافع آن‌ها می‌شود. در این قوانین، عمدتاً راهکاری جهت نحوه اعلام رضایت کاربر در خصوص جمع‌آوری و انتشار داده‌های حساس خود وجود دارد که در خصوص برخی از داده‌ها، صرف اعلام رضایت اولیه در شرایط عضویت در شبکه‌های اجتماعی کافی نبوده و کاربر باید به‌صراحت نسبت به جمع‌آوری و انتشار داده‌های حساس خود نظرش را اعلام نماید (Dembrow, 2022, p.340).

در خصوص وضع قوانین به عنوان راهکار حمایت از حریم خصوصی کاربران این نکته وجود دارد که تجربه کشورها در خصوص وضع قوانین نشان داده است که علی‌رغم وضع قانون در بسیاری از کشورها، همچنان نقض حریم خصوصی کاربران وجود دارد و قوانین نتوانسته است به نحو مطلوبی از نقض حریم خصوصی کاربران و انتشار داده‌های آنان بدون رضایت و مجوز قانونی جلوگیری نماید.

۳-۳- خودتنظیمی شبکه‌های اجتماعی

مقررات قانونی در خصوص حفاظت از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی، نتوانسته‌اند تأثیر زیادی داشته باشند. با توجه به اینکه که مخاطبان شبکه‌های اجتماعی در کشورهای مختلفی اقامت دارند، طرح دعوا علیه شبکه اجتماعی در کشور مقر آن، دشوار یا محال است. به همین دلیل، برخی از شبکه‌های اجتماعی، راهکارهای خودتنظیمی را پیش گرفته‌اند؛ زیرا در صورتی که راهکارهایی برای حفاظت از اطلاعات کاربران وجود نداشته باشد، استقبال کاربران از آن شبکه اجتماعی کاهش می‌یابد؛ لذا با توجه به نارسایی مقررات قانونی، خود شبکه‌های اجتماعی تمایل دارند که با اتخاذ سیاست‌های مقتضی، به کاربران این اطمینان را بدهند که اطلاعات آن‌ها مورد حفاظت قرار می‌گیرد. در اجلاس حفظ حریم خصوصی کاربران در سال ۲۰۲۱، شرکت اپل اعلام کرد که نرم‌افزاری را ارائه خواهد داد که بر مبنای آن سیاست‌های جدید حفظ حریم خصوصی کاربران اعمال خواهد شد. در واقع در این اجلاس اعلام شد که برخی شرکت‌ها با استفاده از روش‌های تولید محتوا و الگوریتم خود آشکارا کاربران را گمراه می‌کنند؛ مثلاً در برخی شبکه‌های اجتماعی به تبلیغات علیه واکسن و کاهش اعتماد عمومی نسبت به آن یا تبلیغات گروه‌های خشن و افراطی دامن زده می‌شود. شرکت مذکور، با این سیستم جدید نرم‌افزاری خود در تلاش است که به این‌گونه تبلیغات پایان دهد. بر اساس نرم‌افزار جدید شرکت اپل، این شرکت از تمامی کاربران خود قبل از به اشتراک‌گذاری داده‌های آنان سؤال می‌کند که آیا تمایل دارند که داده‌های خود را در سایر شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند یا خیر. بر اساس این سیاست‌ها، وقتی کاربری برای اولین بار

نرم‌افزاری را در تلفن همراه یا سایر دستگاه‌های خود نصب می‌کند، اعلانی برای کاربر ارسال می‌شود و دسترسی‌های نرم‌افزار به داده‌های کاربر توضیح داده می‌شود. در این شرایط کاربر می‌تواند انتخاب کند که آیا تمایل دارد که اطلاعات مذکور را به آن نرم‌افزار بدهد یا خیر. شرکت مایکروسافت نیز پس از تصویب و اجرای مقررات حفاظت از داده‌های عمومی خود را با آن هماهنگ کرده است و در چهارچوب آن از داده‌های کاربران محافظت می‌نماید (Dembrow, 2022, pp.343-344).

این سیاست‌ها در تمامی شرکت‌ها و شبکه‌های اجتماعی وجود ندارد؛ بلکه سیاست‌های اخیر فیس‌بوک و شرکت متا جهت حفظ حریم خصوصی کاربران خود، بیش از اینکه از حریم خصوصی کاربران حفاظت کند به ترجیحات تبلیغ‌کنندگان و مشتریان توجه می‌نماید. کاربران با عضویت در این شبکه اجتماعی، تأیید شرایط عضویت و نصب نرم‌افزار فیس‌بوک بر تلفن همراه خود، اجازه استفاده از داده‌ها و اطلاعاتشان را در زمینه‌هایی مثل منطقه زمانی، اپراتور تلفن همراه، زبان، موقعیت مکانی دسترسی به فیس‌بوک می‌دهد. طبق سیاست‌های جدید، پیام کاربران در پیام‌رسان واتساپ جمع‌آوری می‌شود و با داده‌های فیس‌بوک تجمیع می‌گردد و در این نهایت این داده‌های تجمیعی در جهت اهداف بازاریابی و تبلیغات استفاده می‌شود؛ اما باوجود این محتوای چت‌های کاربران در واتساپ همچنان رمزگذاری شده باقی خواهد ماند. در شبکه اجتماعی اینستاگرام، کاربر ضمن ثبت‌نام در این شبکه، به‌طور کامل می‌پذیرد که تمامی تصاویر و ویدئوهای آنان حتی بدون تأیید قبلی کاربران توسط شرکت‌های تبلیغاتی قابل استفاده و دریافت است. این درحالی است کاربران گاهی تصاویر خصوصی خود را در اینستاگرام منتشر می‌کنند که نسبت به انتشار آن رضایت ندارند؛ اما بنا به شرایط عضویت در این شبکه اجتماعی، اینستاگرام از این اطلاعات جهت تبلیغاتی خود استفاده می‌کند (Soussan & Trovati, 2021, pp.3-4).

نتیجه‌گیری

حضور اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در دنیای فعلی امری ضروری و لازم است. تصور دنیای بدون اینترنت، تصویری دور از ذهن و تقریباً ناممکن است. حضور اینترنت مانند

سایر پدیده‌های بشری دیگر، در کنار فایده‌های بسیاری که برای جامعه داشته است، با معایب و ضررهایی همراه بوده است. یکی از این معایب، در دسترس بودن اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی است. این موضوع هنگامی که شبکه‌های اجتماعی با دسترسی به اطلاعات جمع زیادی از کاربران، آن اطلاعات را تجمع و دسته‌بندی می‌کنند، به یک مشکل جدی تبدیل می‌شود؛ زیرا که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند این اطلاعات تجمعی را در اهداف مختلف نظیر فعالیت‌های تبلیغاتی استفاده نمایند.

در شرایط فعلی با توجه به اینکه نمی‌توان به صورت مطلق، پذیرفتن تمامی شروط هنگام ثبت‌نام کاربران در شبکه‌های اجتماعی را به معنای رضایت کاربر مبنی بر انتشار داده‌های خود دانست و در این زمینه باید به منصفانه یا غیرمنصفانه بودن شروط توجه نمود و علاوه بر این با عنایت به چندین مورد افشای اطلاعات کاربران از شبکه‌های اجتماعی، مردم و دولت‌ها در تلاش‌اند که به نحوی استفاده از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی را ضابطه‌مند نمایند و از سوءاستفاده‌های بیشتر اطلاعات کاربران جلوگیری نمایند.

برای جلوگیری از سوءاستفاده اطلاعات کاربران، معمولاً اولین راهکار کشورها وضع قانون و تعیین چهارچوب‌های حفظ حریم خصوصی کاربران در شبکه‌های اجتماعی بوده است؛ اما این روش به نتیجه مطلوب خود نرسیده است. از این رو، روش‌های مختلف دیگری نظیر وضع مالیات بر استفاده شبکه‌های اجتماعی از داده‌های کاربران پیشنهاد شده است. در این خصوص نیز به نظر می‌رسد این روش در صورتی مؤثر است که منابع درآمدی حاصل از مالیات مذکور در راه جبران خسارت افراد آسیب‌دیده از سوءاستفاده‌های شبکه‌های اجتماعی از داده‌های آنان، توسعه امنیت دیجیتال، حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد که در راستای حمایت از حریم خصوصی کاربران در اینترنت فعالیت می‌کنند، مصرف شود. به علت اینکه بسیاری از شبکه‌های اجتماعی در کشورهای مختلف دفتر یا شعبه‌ای ندارند، دریافت مالیات از این شرکت‌ها بسیار دشوار خواهد بود و تنها در صورت برقراری سازوکار نظام مالیاتی جهانی، امکان اجرا شدن مطلوب این پیشنهاد وجود خواهد داشت.

در کنار راه‌های تنظیم‌گری نهادهای خارج از فضای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نظیر دولت‌ها، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در داخل مجموعه خود، تنظیم‌گری داشته باشند و از این طریق، داده‌ها و حریم خصوصی کاربران محافظت شود. حمایت شبکه‌های اجتماعی از داده‌های کاربران، بهترین راه حفاظت از حریم خصوصی است؛ اما این امر مستلزم وجود نفع یا جلوگیری از ضرر شدید برای شبکه‌های اجتماعی است که در شرایط فعلی چنین وضعی وجود ندارد. با توجه به موارد مذکور اگرچه که امروزه در راستای حمایت از داده‌های کاربران، گام‌های بلندی در سطح بین‌المللی برداشته شده است؛ اما به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از راهکارهای بیان‌شده نتواند به‌تنهایی از حریم خصوصی کاربران حفاظت نماید. در این شرایط بهترین روش، استفاده از چندین راه مختلف جهت حمایت از داده‌های کاربران است که با این روش بتوان حداقل از بخش زیادی از سوءاستفاده‌ها در فضای اینترنت جلوگیری کرد.

در ایران نیز قوانینی که بتوانند به‌طور کامل از اطلاعات کاربران در شبکه‌های اجتماعی حمایت نمایند، وجود ندارد. باوجوداین امروزه با توسعه روزافزون شبکه‌های اجتماعی داخلی، این نیاز حس می‌شود که دولت جهت حمایت از داده‌های کاربران داخلی، قانون متناسب با حمایت از کاربران و اطلاعات ایشان در شبکه‌های اجتماعی وضع نماید. علی‌رغم اینکه وضع قوانین مختلف می‌تواند موثر باشد؛ اما موثرترین روش در این راستا وضع مالیات بر شبکه‌های اجتماعی و صرف این مبالغ در جهت توسعه امنیت دیجیتال و حمایت از داده‌های کاربران است که این امر می‌تواند شبکه‌های اجتماعی داخلی را به‌سمت خود تنظیم‌گری و حمایت از داده‌ها و حریم خصوصی کاربران هدایت نماید و علاوه بر این در صورت سوءاستفاده شبکه‌های اجتماعی از داده‌ها و اطلاعات کاربران، دولت می‌تواند از محل مالیات پرداخت شده، خسارت وارده به کاربران را جبران نماید.

منابع و مأخذ

ابهری، حمید و فلاح خاریکی، مهدی (۱۳۹۹). شروط غیرمنصفانه در قراردادهای تجاری الکترونیکی در حقوق ایران و اروپا. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۴(۱)، صص. ۳۴-۹.

- اکبری، علی، فلاحیان، مهدی (۱۴۰۰). حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و اسلام. تمدن حقوقی، ۴(۹)، صص. ۳۸۲-۳۶۱.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳). حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام تطبیقی و ایران. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۶(۰). صص. ۵۳-۱.
- انصاری، باقر (۱۴۰۱). مطالعه حقوقی تبعیض الگوریتمی. فصلنامه دانش حقوقی، ۱۱(۳۸)، صص. ۱۴۱-۱۷۰.
- انصاری، باقر (۱۴۰۲). حقوق داده‌ها: اصول پردازش داده‌های شخصی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- انصاری، باقر و دیگران (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی حمایت از داده‌های شخصی در اروپا، آمریکا، چین و ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- انصاری، باقر و عطار، شایما (۱۴۰۲). حقوق کاربران فضای مجازی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جعفری، علی و رهبرپور، محمدرضا (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی داده‌ها در فقه امامیه و حقوق موضوعه. پژوهش حقوق خصوصی، ۵(۱۸)، صص. ۷۴-۴۳.
- حدادپور، جواد (۱۴۰۱). حریم خصوصی افراد در فقه امامیه و حقوق موضوعه. آرا، ۲۵، صص. ۵۶-۴۳.
- زند، حسین (۱۴۰۱). حمایت از داده‌ها در حقوق موضوعه ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شهباز قهفرخی، سجاد (۱۳۹۴). حریم خصوصی معنوی افراد در فقه امامیه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، ۲(۷)، صص. ۹۳-۱۱۰.
- قناد، فاطمه و علیقلی، امیره. (۱۳۹۹). مفهوم و اهمیت داده‌های شخصی و حریم خصوصی و انواع حمایت از آن در فضای مجازی. حقوق فناوری‌های نوین (حقوق قراردادهای و فناوری‌های نوین)، ۱(۱)، صص. ۳۲۲-۲۹۷.
- کاظم‌پور، سیدجعفر (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی حمایت از طرف ضعیف قرارداد در ایتالیا و

«دکترین نامعقول بودن» در ایالات متحده آمریکا. *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۴(۷۱)، صص. ۱۳۹-۱۸۰.

لطیف‌زاده، مهدیه و دیگران (۱۴۰۲). حمایت از داده شخصی در حقوق اتحادیه اروپا و امکان‌سنجی آن در نظام حقوقی ایران. *مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*. ۵۳(۲)، صص. ۹۸۱-۱۰۰۵.

نعمی، حامد (۱۳۹۴). بررسی حفظ حریم خصوصی افراد در رسانه از دیدگاه فقه امامیه، مشهد: دانشگاه فردوسی.

واعظی، سیدحسین و همتی فارسانی، تورج (۱۳۹۵). تجسس و تحلیل آیات فقهی و اخلاقی آن. *نشریه قرآنی کوثر*، ۵۷، صص. ۱۶۱-۱۸۲.

واعظی، سیدمجتبی و علی‌پور، سیدعلی (۱۳۸۹). بررسی موازین حقوقی حاکم بر حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق ایران. *مجله حقوق خصوصی*، ۱۷(۱)، صص. ۱۳۳-۱۶۳.

ولی‌پور، یوسف (۱۳۹۷). فلسفه فقه اطلاعات و مفهوم واژه حریم خصوصی. *نشریه پژوهش‌های فقه اسلامی و مبنای حقوق*، ۱، صص. ۷۹-۱۰۶.

Bucher, Taina (2018). *If...Then: Algorithmic Power and Politics*. New York: Oxford Studies in Digital Politics.

Dembrow, Brett (2022). Investing in Human Futures: How Big Tech and Social Media Giants Abuse Privacy and Manipulate Consumerism. *University of Miami Business Law Review*, vol. 30, no. 3, pp. 324-349.

Hoofnagle, Chris Jay, Sloot, Bart van der, Zuiderveen Borgesius, Frederik (2019). The European Union general data protection regulation: what it is and what it means. *Information & Communications Technology Law*, 28(1), pp 65-98.

Hunt, Robert & McKelvey, Fenwick (2019). Algorithmic Regulation in Media and Cultural Policy: A Framework to Evaluate Barriers to Accountability. *Journal of Information Policy*, 9, pp 307-335.

Schwartz, Alan & Wilde, Louis. L. (1979). Intervening in Markets on the Basis of Imperfect Information: A Legal and Economic Analysis. *University of Pennsylvania Law Review*, 127(3), 630-682.

Soussan, Tariq, Trovati, Marcello. (2021). Social Media Data Misuse. available at <https://www.preprints.org/manuscript/202103.0331/v1>. Accessed in 18 october 2023.

Tiwari, Prakhar (2023). Misuse of personal data by social media giants. *Jus Corpus Law Journal*, 3(2), pp 1041-1064.

ارزش نظر برائت هیئت منصفه دادگاه مطبوعات برای دادگاه و شکایت فرجامی

(نقدی بر دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۳۸۱۰۰۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ صادر شده از
شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

حسن محسنی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

خانم فاطمه صفری[□]

چکیده

در جرائم مطبوعاتی، ممکن است دادگاه نخستین بر اساس رأی هیئت منصفه حکم به برائت و یا محکومیت متهم را صادر نماید. حکم محکومیت بر اساس تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲) قابل فرجام‌خواهی است. اما در خصوص قابل فرجام بودن حکم برائت تصریحی در قانون وجود ندارد. آیا باید در این خصوص به قاعده عام عدم قطعیت آراء کیفری رجوع نمود یا اینکه قانونگذار از تدوین قانون به این شکل مصلحت خاصی را مد نظر داشته است؟ در این راستا شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور در برداشت از تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات و نیز بنیادهای قانون مطبوعات که مبتنی بر اصل آزادی مطبوعات در بیان اندیشه‌هاست، عقیده بر قطعیت رأی برائت صادر شده از دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی دارد که البته این گرایش با ماهیت حقوق و آزادی مطبوعات سازگار است.

کلمات کلیدی

مطبوعات، جرائم مطبوعاتی، هیئت منصفه، آزادی، برائت

۱- دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hmohseny@ut.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

fateme.safari@ut.ac.ir

مقدمه

۱- مطبوعات در هر جامعه‌ای از آن نظر دارای اهمیت هستند که با نگاهی موشکافانه تلاش می‌کنند تا نقاط ضعف و قوت مدیریت حاکمان را خاطر نشان سازند؛ بنابراین اصل بیست‌و‌چهارم قانون اساسی آزادی مطبوعات را به رسمیت شناخته و محدوده این آزادی را تا اخلاص به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی اعلام نموده است؛ اگر چنین آزادی نباشد ممکن است مطبوعات فقط اخبار و اطلاعاتی را منتشر می‌کنند که خوشایند اداره‌کنندگان یک جامعه است. رسانه‌ها و مطبوعات تنها در صورتی می‌توانند به رسالت خود عمل کنند که در سایه این آزادی فعالیت نمایند.

۲- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ با توجه به اهمیت این نهادها تصویب شده و بر اساس این قانون، رسالت مطبوعات، حقوق مطبوعات، حدود مطبوعات و جرائم مطبوعاتی تبیین شده است. ماده ۲ این قانون، رسالت مطبوعات را در پنج بند بیان نموده که اولین و مهمترین آن «روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم» است. ماده ۴ نیز اعمال فشار بر مطبوعات توسط هر مقام دولتی و غیردولتی جهت سانسور و کنترل نشریات را غیرقانونی اعلام نموده است.

۳- با وجود این گزاره‌ها، اشخاصی به قصد اضرار مطبوعات و ایجاد مانع برای فعالیت این نهادها و گاهی جهت وادار ساختن آنها به سکوت و عدم انتشار اخبار در برابر رفتارهای غیرقانونی، با طرح شکایت علیه مطبوعات تلاش می‌کنند تا با انتساب رفتارهایی که در قانون از آن با عنوان جرم مطبوعاتی یاد می‌شود، مطبوعات را کنترل و سانسور نمایند.

۴- یکی از موضوع‌هایی که رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را از دیگر جرائم تفکیک می‌کند، حضور هیئت منصفه در جلسه رسیدگی به این جرائم است. بر اساس ماده ۳۴ قانون مطبوعات، حضور هیئت منصفه در جلسه رسیدگی به جرائم مطبوعاتی الزامی است و دلیل این الزام نیز ماهیت این جرائم است؛ زیرا مخاطب مطبوعات عموم مردم هستند و بهترین میزان جهت سنجش رفتار مطبوعات، مردم یک جامعه هستند و از آنجا که امکان اعمال نظر همه مخاطبان مطبوعات در خصوص اقدام یکی از مطبوعات میسر نیست، هیئت منصفه به عنوان نمایندگان دیدگاه عموم مردم یک جامعه به داور در خصوص رفتار مطبوعات

می‌پردازد. این نهاد در نظام حقوقی ایران دارای سابقه طولانی است و از ابتدای زمان تدوین قوانین در ایران مورد توجه قانونگذار بوده به نحوی که اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۲۸۶ نیز به آن پرداخته و پس از آن نیز در قوانین دیگر پیش‌بینی شده است از جمله قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۱، مواد ۱۶۲ تا ۱۶۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، قانون محاکمه وزرا و هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۷ و ... (محسنی و صفری، ۱۳۹۹، ص ۳).

۵- در ماده ۳۰۵ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز این نهاد پیش‌بینی شده است. بر اساس این ماده: «جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده ۳۵۲ این قانون به‌طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود ...». بدیهی است قانونگذار در قانون مطبوعات و قانون آیین دادرسی کیفری اهمیت و جایگاه نظر هیئت منصفه در تصمیم دادگاه را به شکل‌های مختلف مورد تأکید قرار داده است؛ از جمله الزامی بودن حضور اعضای هیئت منصفه در جلسات دادگاه رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، رسمیت یافتن جلسات دادگاه با حضور این هیئت (ماده ۲۸ قانون مطبوعات).

۶- بر خلاف نکات پیش گفته، همچنان برخی از حقوق‌دانان اهمیت این هیئت را انکار نموده و پیش‌بینی این نهاد در قانون را عامل اطاله دادرسی، رواج عوام‌زدگی در تصمیم دادگاه و ناقض استقلال قاضی می‌دانند (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). ولی، باید گفت حضور هیئت منصفه از آن جهت در فرایند رسیدگی به جرائم مطبوعاتی ضروری است که دیدگاه این هیئت، علاوه بر آنکه بازتاب‌دهنده افکار عموم مردم یک جامعه در خصوص اقدام مطبوعات است، دخالت ایشان در جریان دادرسی صرفاً در امور موضوعی بوده بی‌آنکه در امر حکمی دخالتی داشته باشند. تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مطبوعات نیز مقرر داشته: «پس از اعلام نظر هیئت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید».

۷- حال چنانچه هیئت منصفه در خصوص یک اتهام مطبوعاتی با توجه به ابتدا ماده ۴۳ قانون مطبوعات-که مقرر داشته هیئت منصفه باید نظر کتبی خود را در مورد دو سؤال: الف) متهم بزه‌کار است یا خیر؟ و ب) در صورت بزه‌کاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ کتباً به دادگاه اعلام نماید- نظر بر بزه‌کار نبودن متهم و یا به عبارت دیگر برائت او

داشته باشد و دادگاه نخستین نیز با توجه به نظر هیئت منصفه عقیده بر برائت متهم داشته و حکم برائت صادر نماید، آیا شاکی می‌تواند نسبت به این رأی دادگاه نخستین تجدیدنظرخواهی نماید؟ آیا قانونگذار در زمان تدوین تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات، به مصلحت خاصی توجه داشته که بیان داشته اگر رأی دادگاه بر مجرمیت متهم استوار باشد، رأی صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدیدنظر است؛ اما در خصوص اینکه اگر رأی دادگاه برائت باشد سکوت نموده است؟

در ابتدا شاید پاسخ به این پرسش‌ها بدیهی به نظر برسد و بیان شود که بر اساس ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر عدم قطعیت آراء کیفری بوده و از آنجاکه بند ۳ ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار داده؛ بنابراین رأی برائت در این خصوص بر اساس ماده ۴۲۸ قانون مذکور قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است؛ اما پاسخ به این پرسش به سادگی ممکن نبوده و نیازمند بررسی بیشتر است؛ در این راستا خواهیم دید که شعبه دیوان عالی کشور در دادنامه‌ای که مربوط به شکایت از اقدامات یکی از مطبوعات است، به چه شکلی به موضوع ورود نموده و از چه جنبه‌ای نسبت به آن اظهار نظر کرده است.

گزارش پرونده و رأی شعبه دیوان عالی کشور

الف) گزارش پرونده

در رأی مورد بررسی، شکایتی علیه یک شخص و یک خبرگزاری با موضوع افتراء، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و یا به قصد اضرار به غیر، پخش شایعات و مطالب خلاف واقع در دادرسی فرهنگ و رسانه مورد رسیدگی قرار گرفته و پس از ارجاع پرونده به شعبه چهارم بازپرسی آن دادرسی، شعبه یاد شده به استناد جرم ندانستن رفتار، قرار منع تعقیب صادر نمود. به این ترتیب شاکی پرونده نسبت به قرار یاد شده اعتراض نموده و پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه کیفری یک تهران ارجاع شد و آن شعبه قرار دادگاه را نقض و پرونده را با صدور قرار جلب به دادرسی جهت تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاعیات متهمین به دادرسی بازگرداند. پس از آن در ادامه رسیدگی، شعبه ۹ دادگاه کیفری

یک تهران، ضمن تشکیل جلسه و دعوت از طرفین، هیئت منصفه را نیز جهت اظهار نظر دعوت کرد. در جلسه رسیدگی، هیئت منصفه متهمین را بزهکار ندانست و دادگاه نیز بر اساس تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مطبوعات و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حکم برائت صادر نمود. شاکی نسبت به این رأی فرجام‌خواهی نمود و پرونده به شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور ارجاع شد و آن شعبه به دلیل نقص تحقیقات و بر اساس بند ۲ بخش (ب) ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری، جهت تکمیل تحقیقات پرونده را به شعبه ۹ دادگاه کیفری یک (صادرکننده رأی نخستین) ارسال نمود که شعبه یادشده نیز تکمیل تحقیقات را از شعبه چهارم بازپرسی درخواست نمود. پس از تکمیل تحقیقات دوباره پرونده از شعبه بازپرسی به شعبه ۹ دادگاه کیفری یک ارسال شد و شعبه دادگاه جلسه تشکیل داد و از طرفین و هیئت منصفه جهت شرکت در جلسه دعوت به عمل آمد. این بار نیز هیئت منصفه اعلام نمود که متهمین بزهکار نیستند و دادگاه نیز بر این مبنا و نیز بر اساس اصل کلی برائت حکم برائت صادر نمود. شاکی نسبت به این رأی درخواست فرجام نمود و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور ارسال شد که آن شعبه رأی برائت صادر شده را غیرقابل فرجام اعلام نمود.

ب) رأی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور

«در خصوص فرجام‌خواهی وکیل شاکی آقای ح.ف. به طرفیت آقایان ۱- ح.ق. مدیر مسئول خبرگزاری... ۲- م.ک. نسبت به دادنامه شماره ۳۷۵ مورخ ۱۰/۱۷/۱۳۹۹ شعبه نهم دادگاه کیفری یک تهران که به موجب آن در مورد اتهام‌های انتسابی به متهمان مذکور دائر بر نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و ایراد افتراء از طریق گفتگو و انتشار در خبرگزاری... با توجه به نظر هیئت منصفه مطبوعات مبنی بر مجرم تشخیص ندادن متهمان و به لحاظ عدم احراز وقوع بزه رأی بر برائت آنان صادر گردیده است، با عنایت به محتویات پرونده و نظر به اینکه اولاً- حسب اصل ۲۴ قانون اساسی، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد و از سوی دیگر اصول و قواعد حاکم در قانون مطبوعات در راستای تضمین آزادی اندیشه و قلم و آنچه

در مطبوعات انتشار می‌یابد وضع شده است و تخلفات و جرائم مربوط استثنائاتی خلاف اصل و قاعده والای برائت بوده که بایستی به موارد قدر متیقن اکتفا و مبتنی بر نظر مخالف هیئت منصفه به عنوان نماینده افکار عمومی جامعه باشد. ثانیاً – مستنبط از تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات این است که اگر تصمیم هیئت منصفه بر عدم بزهکاری متهم باشد و دادگاه مطبوعات نیز بر اساس نظر هیئت منصفه رأی بر برائت متهم صادر کند چنین رأی برائتی دیگر قابل تجدیدنظر (فرجام) نخواهد بود؛ زیرا هرچند در ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری عام رأی صادره درباره جرائم مطبوعاتی به طور مطلق قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور اعلام گردیده؛ ولیکن در قانون خاص مطبوعات صرفاً رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت متهم قابل تجدیدنظر شناخته شده است و از نظر قواعد اصولی، قانون عام مؤخر نمی‌تواند ناسخ قانون خاص مقدم باشد بلکه در این قبیل موارد قانون خاص مخصّص قانون عام است مگر خلاف آن تصریح شده باشد که در مانحن‌فیه چنین نصی نداریم و قرائنی دال بر آن نیز وجود ندارد و اعتباربخشی و قطعی دانستن این قبیل آراء در راستای پاسداشت حقوق و تضمین آزادی مطبوعات ارزیابی می‌گردد؛ لهذا توجهاً به مراتب مذکوره دادنامه صادره را قطعی و غیرقابل فرجام تشخیص داده و به استناد وحدت ملاک بند ۶ ماده ۳۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی، فرجام‌خواهی مردود اعلام می‌شود. شعبه چهل و دوم دیوان عالی کشور».

نقد و بررسی رأی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور

- ۱- از آنجاکه موضوع نوشته حاضر، قابلیت فرجام‌خواهی رأی برائت صادر شده در جرائم مطبوعاتی که با حضور هیئت منصفه صادر شده می‌باشد؛ بنابراین ورود به جزئیات پرونده و بررسی درستی رأی صادره از دادگاه نخستین موضوع بحث قرار نمی‌گیرد.
- ۲- شعبه دیوان عالی کشور دلایل زیر را مبنای صدور رأی خود که همان عدم قابلیت فرجام‌خواهی از رأی برائت صادر شده از دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی می‌باشد، قرار داده است:

۱-۲- اصل ۲۴ قانون اساسی که نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب آزاد می‌داند

مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.

۲-۲- اصول و قواعد حاکم بر قانون مطبوعات که در راستای تضمین آزادی اندیشه و قلم و آنچه در مطبوعات انتشار می‌یابد وضع شده و تخلفات و جرائم مندرج در آن قانون استثنائاتی خلاف اصل و قاعده برائت است؛ بنابراین باید در این موارد به قدر متیقن اکتفا نمود.

۳-۲- تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات که می‌توان از آن استنباط نمود چنانچه تصمیم هیئت منصفه بر عدم بزهکاری متهم باشد و دادگاه نیز بر اساس رأی هیئت منصفه رأی بر بی‌گناهی متهمین صادر کند، این رأی قابل تجدیدنظر (فرجام) نخواهد بود.

۴-۲- هر چند بر اساس ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رأی صادره در جرائم مطبوعاتی به‌طور مطلق قابل فرجام است؛ اما در قانون خاص مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ صرفاً رأی دادگاه در خصوص مجرمیت متهم قابل تجدیدنظر اعلام شده و طبق اصول، عام مؤخر نمی‌تواند ناسخ قانون خاص مقدم باشد بلکه در این موارد قانون خاص مخصّص قانون عام است مگر آنکه خلاف آن تصریح شود، و چون در قانون مطبوعات تصریحی در خصوص قابل فرجام بودن آراء برائت وجود ندارد؛ لذا رأی برائت در این خصوص در راستای پاسداشت حقوق و تضمین آزادی مطبوعات قطعی است.

۳- شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور، اساس رأی خود را آزادی مطبوعات و نشریات قرار داده است و در خصوص عدم قابلیت فرجام رأی برائت صادر شده از دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی، به استنباط از تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات اشاره نموده و نه مفهوم مخالف این مقرره‌های قانونی؛ زیرا: تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات مقرر داشته: «در صورتی که رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رأی صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدیدنظرخواهی است...» مفهوم مخالف این تبصره این است که اگر رأی دادگاه مبنی بر برائت باشد، قابل تجدیدنظرخواهی (فرجام) نیست؛ اما با بررسی دقیق‌تر مفهوم این نتیجه به دست می‌آید که مفهوم یاد شده فاقد حجیت است؛ زیرا مفهوم مخالف شرط با سه شرط حجیت دارد:

الف) دلالت وضع جمله شرطیه بر ملازمه بین مقدم و تالی؛

ب) دلالت وضع جمله شرطیه بر معلق بودن تالی بر مقدم؛

ج) دلالت اطلاق جمله شرطیه بر انحصار سببیت در مقدم به ترتیبی که مقدم، سبب انحصاری تالی باشد.

البته با گردهم آمدن هر سه شرط باید توجه نمود که جمله شرطیه سالبه به انتفاء موضوع نباشد (بنی صدر، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰). در مورد مفهوم مخالف تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات دو ایراد وجود دارد که این مفهوم را فاقد حجیت می سازد: اول آنکه شرط دوم که همان معلق بودن تالی بر مقدم است وجود ندارد و دوم مورد از موارد سالبه به انتفاء موضوع بودن جمله شرطیه است و در این مورد شرط عین موضوع حکم است. شعبه محترم دیوان عالی کشور با توجه به این نکته، مبنای رأی خود را نه مفهوم مخالف تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات بلکه اصل آزادی مطبوعات و اهمیت نظر هیئت منصفه در رأی برائت صادر شده از دادگاه نخستین قرار داده است.

۴- از سوی دیگر، موضوع قطعیت رأی برائت صادر شده در دادگاه نخستین در خصوص جرائم مطبوعاتی و عدم قابلیت فرجام خواهی از این رأی، نه خلاف اصل عدم قطعیت آراء کیفری (موضوع ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری) است - زیرا همان طور که در رأی دیوان عالی کشور آمده عام مؤخر نمی تواند ناسخ قانون خاص مقدم باشد بلکه در این موارد قانون خاص مخصص قانون عام است مگر آنکه خلاف آن تصریح شود - نه خلاف اصل ۳۴ قانون اساسی (حق دادخواهی اشخاص در مراجع دادگستری) و ناقض حقوق مکتسبه افراد؛ زیرا بر اساس اصول حاکم بر قانون مطبوعات و همچنین تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات که قانونگذار در مقام بیان آن را وضع نموده، از ابتدا حقی برای فرجام خواهی نسبت به رأی برائت صادر شده در جرائم مطبوعاتی برای شاکی ایجاد نمی شود که در مرحله بعدی شائبه نقض آن ایجاد شود.

۵- شعبه دیوان عالی کشور در رأی حاضر، ضمن مستند نمودن رأی به اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری و عمل به تکلیف ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری (اصل مستند بودن دادرسی کیفری بر قانون) و اصل ۳۷ قانون اساسی و همچنین ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری (اصل برائت متهم) با ورود در ماهیت قانون مطبوعات و توجه به رسالت مطبوعات که در ماده ۲ آن قانون اشاره شده، تضمین آزادی مطبوعات را مبنای رأی

صادر شده قرار داده تا در سایه این آزادی، حق عمومی آحاد یک جامعه که همان شفافیت و آگاهی است تضمین گردد. با مطالعه این رأی ملاحظه می‌شود که قضات دیوان عالی کشور به عنوان بالاترین نهاد رسیدگی قضایی، فارغ از مباحث منطقی، اصولی و مفاهیم به فلسفه وجودی مطبوعات و نقش آن در زندگی مردم جامعه توجه دارند و به این ترتیب با صدور این رأی بار دیگر (صدور چنین رأیی پیش از این نیز در دیوان عالی کشور سابقه داشته است: دادنامه‌های شماره ۹۳۰۹۹۸۲۶۸۷۲۰۰۷۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۳۱ و ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۰۰۰۰۵۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۳۱ صادر شده از شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور) (www.ara.jri.ac.ir) ضمن تأکید بر اهمیت مطبوعات برای داشتن جامعه‌ای پویا، بر این نکته تأکید شد که پس از صدور رأی برائت نباید مطبوعات را درگیر رسیدگی‌های طولانی قضایی که نتیجه‌ای جز تنش و ایجاد وقفه در کار آنها ندارد نمود.

نتیجه‌گیری

بر مبنای روح حکم بر قانون مطبوعات و اهمیت مطبوعات و نشریات در ایجاد شفافیت و آگاه‌سازی مردم و حکومت اصل برائت، اگر رأی دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی مبتنی بر مجرم شناختن مطبوعات باشد، این رأی قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است و اگر دادگاه نخستین بر مبنای نظر هیئت منصفه رأی برائت صادر کند، بر اساس اصل آزادی مطبوعات- و نه قواعد اصولی و مباحث مربوط به مفاهیم- این رأی قطعی بوده و قابل فرجام‌خواهی نیست و این شیوه استنباط از قانون به دلیل مطابقت با مصلحت‌های والاتر و کمک به مطبوعات جهت انجام رسالت خویش، با منطق حقوقی سازگارتر است. براین‌بنیاد، رأی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور را باید یکی از درخشان‌ترین رأی‌های دیوان عالی در حمایت از آزادی بیان و مطبوعات دانست که بی‌گمان، موجب بالا بردن جایگاه این آزادی در جامعه می‌شود.

منابع و مآخذ

بنی‌صدر، سیدعلی (۱۳۹۷)، *اصول فقه تحلیلی*، تهران: چتر دانش.
شریفی، محسن (۱۳۹۸)، «نارسایی‌های تقنینی هیئت منصفه کارآمد در نظام حقوقی ایران»،

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وششم، ش ۱۰۰.
محسنی، حسن و صفری، فاطمه (۱۳۹۹)، «آزادی مطبوعات و قابلیت شکایت رأی برائت دادگاه نخستین در جرائم مطبوعاتی»، فصلنامه قضاوت، سال بیست، ش ۱۰۲.
www.ara.jri.ac.ir

دولت هوشمند و حقوق بشر؛ تصویری از آینده

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

امیر مقامی^۱

چکیده

«دولت هوشمند»، دولتی است که کارگزاران آن هوش مصنوعی خواهند بود و نه انسان‌ها. روندهای فناوری نشان می‌دهد چنین دولت‌هایی در آینده بسی فراتر از دولت الکترونیک و دولت مجازی، براساس اعتماد انسان به تصمیم‌گیری بهینه هوش مصنوعی و با تبدیل قانون اساسی به الگوریتم اساسی شکل خواهند گرفت. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که با تحقق دولت هوشمند، حقوق بشر چه وضعیتی خواهد داشت؟ از آنجاکه آنچه اعتماد بیشتر به هوش مصنوعی را رقم می‌زند، گستره اطلاعاتی است که توسط کاربران و شهروندان در اختیار او قرار می‌گیرد، انتظار می‌رود هوش مصنوعی، مفهوم حریم خصوصی و بسیاری از مشاغل را دگرگون کند و تغییرهای بنیادی در نهادهای اجتماعی نظیر خانواده پدید آورد. اقتضای این روند آن است که مردم‌سالاری و حقوق سیاسی ناشی از آن، مفهوم تازه‌ای بیابند، نظارت بر دولت دچار تحول شود، شهروندی به هوش مصنوعی توسعه یابد، حکومت قانون در معنای کمی خود تقویت و انعطاف‌پذیری قاعده حقوقی تضعیف شود و حقوق بشر، جایگاه خود را در روابط بین‌المللی از دست بدهد. درواقع دولت هوشمند، خطری است برای ذات کرامت انسانی و آنچه این خطر را دفع خواهد کرد؛ اجماعی گسترده بر سر اخلاق و ارزش‌های الگوریتم اساسی است.

کلیدواژه‌ها

دولت هوشمند، آینده‌پژوهی، هوش مصنوعی، حقوق بشر، مردم‌سالاری، حکومت قانون.

۱- استادیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه^۱

دولت مدرن، واحد سیاسی متمایزی است که دارای چهار عنصر اصلی سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت است (افضلی، ۱۳۸۶، ص ۲۲). شناخت دولت مدرن از معاهده وستفاليا آغاز می‌شود که در آن، سرزمین زمینه‌ساز عینی شدن ابعاد دولت است و علاوه بر آن، حاکمیت در چهارچوب قانون، قدرت غیرشخصی را برای تحقق خیر مشترک (نفع عمومی یا کالای عمومی) اعمال می‌کند. براین اساس، دولت با ویژگی‌هایی نظیر تمرکز منابع قدرت سیاسی و اداری، وجود ترتیبات نهادی، مرجعیت قانون، خاتمه‌بخشیدن به روابط خویشاوندی، پاسخگویی بر اساس قرارداد اجتماعی و کارآمدی بر مبنای خیر عمومی شناخته می‌شود (افضلی، ۱۳۸۶، ص ۳۹). اما هرگونه تحلیلی درباره چیستی یا کارکرد دولت، متأثر از فضای حاکم بر شکل‌گیری یا ایفای کارکرد دولت است؛ ازجمله بحث پیرامون نقش اقتصادی دولت تا حد زیادی ناشی از این واقعیت است که امکان تبادل اقتصادی و تجاری به واسطه پیشرفت فناوری حمل و نقل و سپس بانکداری بین‌المللی افزایش یافت. درواقع هر چه فناوری و امکان تبادل یا جابجایی نیروی انسانی، سرمایه، فناوری و... متحول شود؛ باید انتظار داشت که مباحثات پیرامون نقش دولت نیز گسترده‌تر شود؛ مثلاً با پدیدار شدن ارزهای دیجیتال، گفتگو درباره چیستی پول و نقش دولت در تضمین پول بار دیگر مطرح شد؛ زیرا این نوع پول جدید شبیه پول‌های ابتدایی (صدف دریایی، استخوان و...)، خارج از کنترل و نظارت دولت پدید می‌آید و حتی جنبه فیزیکی ندارد که جمع‌آوری شود. بدین ترتیب می‌توان درباره ضرورت و اهمیت بانک مرکزی و نقش دولت در تورم، بیکاری و... وارد گفتگو شد تا این موضوع‌ها بازتعریف شود.^۲ همچنین وقتی ربات‌ها (بعضاً هوشمند) وارد جنگ می‌شوند و جای نیروی انسانی را می‌گیرند؛ حقوق بشردوستانه هم باید واکنش متناسب خود را نشان دهد تا با حفظ

۱. نگارنده لازم می‌داند مراتب سپاسگزاری خود را از سرکار خانم زینب صادقیان، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف که در بازخوانی متن و مشورت در ابعاد فنی موضوع هوش مصنوعی، همکاری مؤثری داشتند اعلام نماید.

۲. ناگفته نماند که امکانات سخت‌افزاری مربوط به حل معادلات پیچیده برای تحصیل (استخراج) این نوع پول هنوز می‌تواند مورد نظارت یا مقابله و کنترل دولت‌ها واقع شود.

اصول جوهری این نظام حقوقی، قواعد مناسبی را برای جنگ‌های جدید رباتیک و نیز جنگ‌های سایبری پیش‌بینی کند (Kittichaisaree, 2017, p.350)؛ بنابراین آنچه روشن است این است که شناخت دولت و نظام حقوقی حاکم بر نقش دولت در عرصه‌های مختلف از محیط پیرامون دولت نظیر فناوری هم‌عصر دولت اثر می‌پذیرد.

اکنون دنیای معاصر از دو فناوری بسیار تأثیر پذیرفته و پیش‌بینی می‌شود این دو فناوری آینده حیات بشر را نیز دگرگون کنند. نخست فناوری زیستی است که به ما امکان می‌دهد در برابر نامالایمات زیستی، استقامت بیشتری داشته باشیم و خود با چالش‌های متعدد اخلاقی، مذهبی و حقوقی روبروست (جاوید و طباطبایی، ۱۳۹۳) و ممکن است بنیان کرامت ذاتی انسان را منهدم سازد (جاوید، ۱۳۹۲، ص. ۳۹). دوم فناوری هوش مصنوعی^۱ است که هم می‌تواند زندگی آسوده‌تر و البته کم‌تحرک‌تری برای نوع بشر رقم بزند و هم ممکن است مصائب اخلاقی ویرانگری را پدیدار سازد. موضوع مقاله حاضر، فناوری اخیر است که می‌تواند مفهوم دولت را از آنچه در ذهن داریم، بسیار دور کند و در نتیجه هرآنچه درباره نقش سرزمین در پیدایش دولت می‌دانیم (بالوی و بیات کمیتی، ۱۳۹۶، ص. ۷۰) یا هر جایگاهی که برای حاکمیت سیاسی در معنای «قدرت رسمی» جامعه قائل هستیم؛ زیر ویر کند. با این دو پیش‌فرض مقاله پیش‌رو با روشی توصیفی - تحلیلی به پیشواز این پرسش اساسی می‌رود که وقتی هوش مصنوعی جایگزین کارگزار انسانی در اعمال قدرت سیاسی شود، چه بر سر حقوق بشر خواهد آمد؟ فرضیه نویسنده آن است که از آنجا که هوش مصنوعی، عاملیت انسان را در روند تصمیم‌گیری تضعیف می‌کند؛ دولت هوشمند همچنان که می‌تواند در برابر نقض حقوق بشر از شهروندان محافظت کند، می‌تواند دولتی اقتدارگرا و تمامیت‌خواه را نیز بسازد که قلمرو حریم خصوصی و برخی حق‌های فردی را تحدید نماید.

برای این منظور باید نخست دریابیم که در عصر هوشمندی، چه تحولاتی در چرستی دولت می‌تواند روی دهد؛ سپس به مخاطرات پیشرفت هوش مصنوعی نسبت به حقوق بشر خواهیم پرداخت و در نهایت تأثیرات ممکن دولت هوشمند بر حقوق بشر موضوعه را با

۱. تعاریف متعددی از هوش مصنوعی وجود دارد. برخی آن را به سامانه‌ای که مانند انسان عمل می‌کند تعریف می‌کنند و برخی دیگر سامانه‌ای که عقلانی عمل می‌کند (راسل و نورویک، ۱۳۹۰، ص. ۲).

تأکید بر حقوق سیاسی که در پیوند با نهاد دولت هستند، مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

۱. مفهوم دولت هوشمند

تحولات تجاری و فناوری، دو عنصر مهم قدرت را جابه‌جا کرده است. نخست قدرت اقتصادی است که دیگر با منابع مادی و فیزیکی تولید در معنای سنتی‌اش – هرچند در حجم و شکل صنعتی – سروکار ندارد بلکه هر روز از اهمیت تولید مادی کاسته شده و فناوری‌های خلاقانه پسارایانه که با مفاهیم اینترنت، دنیای مجازی و هوش مصنوعی شناخته می‌شوند، جایگزین تولید سنتی شده است. این فناوری‌ها، روزبه‌روز حجم بیشتری از اقتصاد جهان را به خود اختصاص می‌دهند و انتقال پیام، مهم‌تر از انتقال اجسام می‌شود (وینر، ۱۳۶۶، ص. ۱۱۲). دوم قدرت سیاسی است که رفته‌رفته جایگاه سلسله‌مراتبی خود را از دست می‌دهد و دولت در کنار اعمال قدرت بر سرزمین (شامل قلمرو زمینی، هوایی و دریایی) و جمعیت (شامل اشخاص حقیقی و حقوقی)، در حالی خود را در مقام اعمال قدرت بر فضای مجازی، اینترنت و هوش مصنوعی می‌یابد که هنوز قادر به تسلط کامل بر آن نشده و حکومت‌ها به سان شوالیه‌هایی در تاریکی، شمشیر خود را به این‌سو و آن‌سو می‌پراندند (Kittichaisaree, 2017, p.356).

۱-۱- دولت هوشمند، دولت مبتنی بر الگوریتم

نظریه دولت مجازی از کوچک‌ترشدن کارویژه‌های دولت می‌گوید؛ زیرا به‌سبب جابه‌جایی توانایی تولید، اهمیت تولیدات وابسته به زمین کاهش یافته و نتیجه منطقی آن رهایی دولت از قید سرزمین است (رحمت‌اللهی، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۰) و چه‌بسا رسیدن به دولت مجازی مستلزم دورانی از بی‌تفاوتی نسبت به دولت باشد. درواقع اکنون، اینترنت حوزه عمومی جهان شده است؛ جایی که کثرت‌گرایی، افزایش بازیگران و تکثر قواعد بیشتر ما را به امکان ناهماهنگی و رقابت سوق می‌دهد تا تصویری مشارکت‌جویانه و همکاری‌طلبانه از جهان پیش‌رو (رجایی، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۸). اگرچه نظریه مزبور تا حدود زیادی به تحول اعمال قدرت توسط دولت اشاره دارد؛ اما همه آنچه که می‌تواند در آینده روی دهد را تحلیل نمی‌کند. آینده‌نگری

مقاله حاضر از ادغام فناوری هوش مصنوعی در حکمرانی سخن می‌گوید که امری فراتر از دولت مجازی است. اکنون سخن بر سر آن است که با بهره‌گیری از فناوری، نقش انسان در تصمیم‌گیری جای خود را به الگوریتم‌های هوش مصنوعی بدهد. از این رو برای شناخت دولت هوشمند لازم است ابتدا درک مختصری از چیستی هوش مصنوعی داشته باشیم. موضوع سخن، فراتر از دولت الکترونیک است. دولت الکترونیک، ابزاری برای حکمرانی دولت مدرن است (معمارزاده و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶). اما هوشمندی یک دولت نه یک ابزار بلکه ویژگی جایگزین دولتی است که در طول تاریخ مستقیماً به دست انسان‌ها حاکمیت خود را اعمال کرده است. آنچه اکنون از دولت هوشمند می‌دانیم، بسیار کمتر از آن چیزی است که ممکن است روی دهد؛ بنابراین فعلاً در مقام یک پیش‌بینی برآمده از مشاهده روندهای فناوری، دولت هوشمند را همان حاکم هوشمند تلقی خواهیم کرد که علاوه بر کارکردهای متعارف دولت واقعی، کارکردهای دولت مجازی را نیز برعهده خواهد داشت و این کارکردها را با تکیه بر الگوریتم اساسی انجام خواهد داد (De Minico, 2021, p.398). از نظر فنی در صورت خلق ماشین‌هایی که بتوانند شبیه انسان، بیاندیشند و با محیط پیرامون خود تعامل کنند؛ جایگزینی کارگزار مصنوعی با انسان، غیرقابل تصور نیست. اگرچه دانش یا فناوری امروز در سطحی نیست که این انتظار را برآورده کند؛ اما رسیدن به این مرحله دور از دسترس انسان نیست (Wang and Siau, 2018, p.2).

براین اساس، یکی از ویژگی‌ها (و نه لزوماً تهدیدها) دولت مجازی و دولت هوشمند آن است که تمامی نظریه‌های پیشین درخصوص قرارداد اجتماعی و مفهوم قانون را به چالش خواهد کشید. بعید است که بتوان دولت هوشمند را هم‌تراز دولت‌های بدوی یا حتی دولت‌های مدرن قرار داد که از خلال وضع طبیعی برآمدند و نیز بعید است که با ظهور دولت مجازی و سپس دولت هوشمند بتوان مفهوم قانون را به مثابه تجویز یا دستور حاکم – آن‌گونه که هارت توصیف می‌نمود – ادراک نمود (هارت، ۱۳۹۰، ص. ۶۷) بلکه با فضایی متکثرتر و چه‌بسا با حاکم پنهان، دست نامرئی یا چیزی شبیه آنها مواجه شویم.^۱ حال چه

۱. مفهوم دست نامرئی اسمیت بیان می‌کند که هر فردی به دنبال منافع خویش است و دستی نامرئی او را برای تحقق این هدف – ولو بدون قصد او – هدایت می‌کند (نوزیک، ۱۳۹۵، ص. ۳۳).

یک حاکم پنهان شده پشت ارقام صفر و یک، نهادهای مالی دیجیتال و هوشمند را هدایت کند و چه دست پنهان، منافع فردی را به سوی گزینش نوعی خاص از مبادلات، ارزش مالی نوع خاصی از رمزارز و... سوق دهد؛ در هر صورت به نظر می‌رسد دولت متعین مدرن در حال خروج از بازی است. این تصور از آینده با تردیدهای بسیاری که درباره کیستی مبدع بلاک‌چین و رمزارزها وجود دارد^۱ و با توجه به کارکردهای متنوع این نوع پول در مبادلات و استفاده از آنها در دارک وب – که قاعدتاً اموری غیرقانونی را شامل می‌شود – کاملاً موجه به نظر می‌رسد؛ بنابراین نه تنها حاکمیت و مبنای آن (بالوی و بیات کمیتی، ۱۳۹۶، ص. ۷۲) بلکه چه‌بسا حکومت نیز با تحقق دولت هوش مصنوعی، از عناصر سازنده دولت حذف شود یا معنا، مبنا و کارکردی دیگر بیابد.

با این اوصاف، دولت هوش مصنوعی (از این پس «دهم») چیزی فراتر از دولت مدرن خواهد بود و بیشتر به مفهوم عام حکمرانی شباهت دارد و می‌تواند وظایف حکومت را از دولت مدرن گرفته و به اجرا درآورد. به سبب ناپیدایی و ناپایداری افق‌های ممکن تکثر و اقتدارگریزی – چنانکه اشاره خواهد شد – مقاله حاضر، به مفهومی حداقلی از دولت هوشمند بسنده می‌کند و آن عبارتست از واسپاری معلوم عناصر اقتدار دولت به هوش مصنوعی از طریق یک الگوریتم اساسی.

۱-۲- ارزش‌های الگوریتم

روانشناسان بر این فرضیه صحه می‌گذارند که یک انسان یا حتی سازمان، در طول عمرش، براساس علایق، انگیزه‌ها، عوامل وراثتی و شناختی و... مجموعه‌ای از تصمیم‌ها را اخذ می‌کند که نسبتاً پیش‌بینی‌پذیرند. مفهوم الگوریتم که یک مفهوم ریاضی‌گونه است از همین عوامل سخن می‌گوید. به عبارت دیگر از طریق الگوریتم‌ها، تصمیم‌ها پیش‌بینی‌پذیر می‌شوند. با وجود این، اغلب پژوهش‌های مرتبط با ذهن انسان نشان می‌دهد که تغییر ذهن، حتی به واسطه مداخله‌های بیرونی امری قابل تحقق است (گاردنر، ۱۳۹۹، ص. ۲۲۱) و در نتیجه تقریباً هیچ انسان/نظام زنده‌ای قابل پیش‌بینی نیست؛ اما قابلیت پیش‌بینی و امنیت قضایی

۱. با وجود مقاومت اغلب دولت‌ها، اخیراً السالوادور این رمزارزها را به عنوان پول به رسمیت شناخته است.

به‌ویژه برای فعالان سیاسی و اقتصادی یک انتظار مشروع از نظام حقوقی و حکمرانی محسوب می‌شود. پیش‌بینی‌پذیر ساختن حکمرانی با تکیه بر قوانین و نظام حقوقی محقق می‌شود و خود نظام حقوقی نیز به سبب تبعیت از قانون اساسی و التزام به حقوق بنیادین، در مرتبه‌ای عام دست‌کم از حیث سلبی قابل پیش‌بینی است؛ یعنی می‌توان انتظار داشت که در آینده چه قوانینی وضع نمی‌شوند؛ مثلاً وضع قانونی که شکنجه را مجاز بشمارد در نظام حقوقی اغلب کشورها غیرقابل تصور به نظر می‌رسد.

حال فرض خود را تغییر می‌دهیم: انسان‌ها در طول تاریخ همواره کارگزاران انحصاری حکمرانی بوده‌اند؛ قابلیت حکمرانی خود را به یک کارگزار هوش مصنوعی (راسل و نورویک، ۱۳۹۰، ص. ۳۹) واگذار کنند. این هوش مصنوعی بر اساس الگوریتمی خاص که می‌تواند همان قانون اساسی متضمن حقوق بنیادین طبیعی باشد یا حتی هر ایدئولوژی دیگر، قانون وضع کند، نیروی پلیس را به اجرا بگذارد، محاکمه‌های قضایی را انجام دهد و حتی وارد روابط بین‌المللی با دولت‌های دیگر شود.^۱

فناوری هوشمند می‌تواند در قالب فعال‌شدن الگوریتم‌ها به‌جای انسان و حتی نهادهای حاکمیت قرار بگیرد و بعید نیست که نقش‌های کلیدی دیگری نیز به منظور حفاظت از دولت به وی سپرده شود. امروز بحث از ربات‌های سرباز است، فردا احتمالاً درباره ربات‌های فرمانده صحبت خواهیم کرد. این ربات‌ها بعضاً با شبیه‌سازی حیوانات کوچک مثل مگس یا پشه نیز می‌توانند عمل کنند و انواع اقدام‌های نظامی مثل شناسایی، هدف‌گیری و شلیک و حتی مسموم‌سازی را می‌توان از طریق آنها انجام داد.^۲ اگر ربات از کنترل مؤثر دولت خارج باشد و بتواند تکامل خود را پی گیرد، مسئولیت بین‌المللی دولت نیز با چالش مواجه خواهد شد. درواقع هوش مصنوعی یک ربات فیزیکی صرف نیست بلکه قادر به تولید

۱. البته این فرض که دولت‌های دیگر نیز خود هوش مصنوعی دیگری باشند و الگوریتم آنان از سوی ملت مورد نظر تأیید شده باشد؛ حیطه بحث را به «حقوق بین دولت‌های هوش مصنوعی» (معادل حقوق بین‌الملل کنونی) توسعه می‌بخشد.

۲. مسئولیت کیفری بین‌المللی ربات‌ها می‌تواند ادامه پیشنهادها درخصوص مسئولیت مدنی خودرو در تصادفات باشد؛ اما ضرورت وجود عنصر روانی جرم در حقوق کیفری کنونی، اغلب این پیشنهاد را با مشکل مواجه می‌کند.

داده‌هایی است که در کنترل سازنده آن نیستند؛ اما به دلیل فقدان شعور و آگاهی (تا اینجا اینطور به نظر می‌رسد)، انتساب رکن معنوی جرمی مثل نسل‌زدایی به این ربات ساده نیست. گفتگوی ربات‌های فیسبوک به ما یادآور می‌شود که ممکن است ربات‌های هوش مصنوعی، کاملاً خارج از الگوریتم اولیه اقدام کنند و ما قادر به شناخت زبان و پیش‌بینی اعمالشان نباشیم (Bradley, 2017). به همین سبب، دستیابی به اجماعی گسترده درباره اخلاق هوش مصنوعی یک ضرورت فوری و انکارناپذیر است (Nemitz, 2018, p.7) و انتظار می‌رود پیش از تدوین الگوریتم اساسی^۱ (ن.ک: منصوری بروجنی، ۱۳۹۹، ص. ۶)، وفاقی نسبی درباره هنجارها و ارزش‌های بایسته آن درون جامعه پدید آید؛ اما بخشی از مسئله دولت هوشمند به این موضوع برمی‌گردد که فناوری‌های جدید منتظر نمی‌مانند تا فیلسوفان اخلاق و سیاست و الهی‌دانان ابتدا به توافق برسند تا به فناوری اجازه ظهور دهند بلکه معمولاً فناوری چندگام جلوتر از اخلاق و الهیات قرار داشته است و تنها از طریق خودآگاهی نسبت به مشارکت کنونی انسان در شکل‌گیری آینده می‌توان بر آن مسلط شد (تکمارک، ۱۳۹۷، ص. ۵۲۶).

الگوریتم اساسی که باید مورد تأیید حکومت‌شوندگان قرار گیرد، وابسته به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی بنیادین جامعه ملی و ارزش‌های جهانشمول بشری است. به‌ویژه از آنجا که هوش مصنوعی اغلب به سبب کارکرد عقلانی‌اش ستایش می‌شود (Risse, 2018, p.5) انتظار می‌رود پیش از رسیدن به آن مرحله، تضمین شود که ارزش‌های انسانی و اجتماعی کنونی حقوق بشر قابل بقا باشند (EU, 2020)، وگرنه اساساً سخن از جایگاه حقوق بشر بیهوده خواهد بود.

۲. هوش مصنوعی و حقوق بشر

از آنجاکه در حقوق معاصر، رعایت و تضمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بخشی مهم از کارکرد هر دولت را تشکیل می‌دهد؛ انتظار می‌رود «دهم» نیز به حقوق بشر ملتزم باشد. باوجوداین، آنچه تصور آینده از «دهم» را اندکی ترسناک می‌سازد؛ این است که علاوه بر تکرر و ناپیدایی حاکمیت در «دهم»، ممکن است او به یک ربات خودآگاه تبدیل شود؛ از

1. Constitutional Algorithm

الگوریتم اساسی تبعیت نکند و موجب انقیاد انسان‌ها شود؛ بنابراین هوشمندسازی فرایندهای حاکمیت به‌رغم جذابیتی که دارد و رهایی و تکثری که نوید می‌دهد، ممکن است به اقتدارگریزی^۱ بیانجامد یا به سبب عبور از ارزش ذاتی انسان، تهدیدی برای حقوق بشر باشد که این مستلزم اجماعی جدید بر سر ارزش مزبور است (Risse, 2018, p.8). حتی فارغ از این آینده‌نگری بدبینانه اساس واسپاری دولت به هوش مصنوعی یا تسلّم حکمرانی توسط هوش مصنوعی، بدون تبعات منفی بر حقوق بشر نخواهد بود که در ادامه به آن می‌پردازیم. مفهوم حداقّلی «دهم» کمک می‌کند تا عنصر خیال و وهم – که بخشی از فلسفه – ورزی است – (وینر، ۱۳۶۶، ص. ۱۰۹) اثر کمتری بر آینده‌نگری ما بگذارد و بتوان تا جایی که ممکن است و دامنه دید کنونی بشر اجازه می‌دهد به ارزیابی وضعیت حقوق بشر در دولت‌های هوشمند احتمالی آینده بپردازیم.^۲

۲-۱- فناوری علیه انسان‌گرایی حقوقی

نگرش کانتی، نظام‌های حقوقی را به‌سوی انسان‌گرایی سوق داد تا غایت نظام حقوقی، تأمین منافع نوع و شخص انسان باشد. دیگر اندیشمندان و فیلسوفان مثل روسو، لاک و حتی این اواخر رالز همه از خوان اندیشه کانت برخوردار شدند. جنبش‌های دستورگرایی و حقوق بشر تحت تأثیر چنین اندیشه‌هایی غایت نظام حقوقی را از بقای حکمرانان به بقای نوع انسان و تأمین معاش و امنیت و آزادی او تغییر داد یا دست کم تکامل بخشید؛ اما آنچه درباره حقوق بشر در عصر هوش مصنوعی قریب‌الوقوع به‌نظر می‌رسد؛ زوال اومانیزم است. اومانیزم به این معنا که انسان به عنوان مبدأ و مقصد حیات باشد، مهمترین مبدأ لیبرالیسم و لیبرالیسم سرمنشأ ظاهری نظام بین‌المللی حقوق بشر بوده است. در چهارچوب حقوق مدرن و غیرالهی، بدون بقای اومانیزم صحبت کردن از انسان به مثابه غایت نظام حقوقی دیگر معنایی نخواهد داشت. در طیف افراطی اومانیزم، دولت کمینه، قدر

1. Anarchism

۲. جنس نوشتار حاضر از نوع آینده‌پژوهی است؛ لیکن بسیاری از مدعیات مقاله با روش‌های مرسوم حقوقی قابل راستی‌آزمایی نیست؛ جنبه پیش‌بینی دارد و البته هر پیش‌بینی در ذات خود، انتظار پیشامدشوندگی را رقم می‌زند.

نهایی دولت برای تحقق حقوق فردی است و دولتی فراتر از آن، به‌سوی نقض حقوق فردی میل خواهد کرد (نوزیک، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۹)؛ اما اگر ورود به عصر دیجیتال، قدرت دولت‌های پلیسی را برای کنترل شهروندان افزایش داده است (اشمیت و کوهن، ۱۳۹۵، ص. ۶۹) و از طریق بازتولید حقانیت، امکان تسلط بر شهروندان را افزایش داده (خلیلی، ۱۳۹۴، ص. ۲۸) هوش مصنوعی این خطر را برای حقوق فردی به همراه دارد که دولت را به بیشینه‌ترین سطح دخالت در اختیار شخصی و زندگی خصوصی افراد وارد نماید (تگمارک، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۰) و چه‌بسا به یک نظام پلیسی و تمامیت‌خواه بدل شود (تگمارک، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۷). دولت هوش مصنوعی، کارکردهای خود را بر داده‌هایی استوار می‌سازد که شهروندان معمولاً به اختیار خود در دسترس نهادهای عمومی و خصوصی قرار داده‌اند و براین‌اساس، کارکردهای پولی و مالیاتی، تنظیم‌گری بیمه‌های حوادث و درمان و هر چیز دیگری را می‌تواند ساماندهی کند.

فناوری هوش مصنوعی با ساده‌سازی فرایندهای زیستی و تبدیل آنها به الگوریتم، امکان تصمیم‌گیری‌های بهتر را می‌دهد و در نتیجه احتمالاً هر روز از اعتماد بیشتری برخوردار می‌شود. طبیعی است که وقتی نظام جدید زندگی هوشمند با اتکا به «اینترنت همه‌چیز» شکل بگیرد، کم‌کم از ادعاهای خود نسبت به آزادی‌های فردی، حریم خصوصی و در یک کلام اختیار و اراده آزاد انسانی عقب خواهیم نشست و اختیارات ناشی از آن را به هوش مصنوعی واگذار می‌کنیم.

نتیجه طبیعی این روند چنین خواهد بود که فناوری، جانشین انسان شود. ابتدا این جانشینی در مشاغل روی می‌دهد و هوش مصنوعی جایگزین متصدیان فنی می‌شود و به کمک ربات‌های برنامه‌نویسی شده، نیاز انسان را برآورده می‌کند؛ بنابراین مشاغل نیز که معمولاً به روابط عاطفی و انسانی مستلزم شعور و آگاهی وابسته‌اند، در اختیار هوش مصنوعی قرار می‌گیرد. درواقع فناوری هوش مصنوعی به‌تدریج ربات‌ها را جایگزین انسان‌ها خواهد کرد. بدین‌ترتیب نه‌تنها حقوق بشر بلکه به‌طورکلی قاعده حقوقی و حرفه حقوقی نیز در اختیار هوش مصنوعی قرار خواهد گرفت. هوش مصنوعی بدون تأثیرپذیری از احساسات می‌تواند قوانین را بیابد، مطابق قواعد شناسایی شده، تفسیر و اجرا کند و از

این طریق حکومت قانون که مفهومی برای اقتدار انسان در برابر قدرت دولت بود، خود به دیواری آهنین و غیرقابل نفوذ تبدیل شود. حتی تخفیف و تشدید مجازات بر اساس ویژگی‌های شخصیتی متهمان و مجرمان را نیز می‌توان الگوریتم‌سازی کرد و قضاوت نیز از اعتماد و قطعیت بیشتری برخوردار شود؛ بنابراین توسعه هوش مصنوعی به انحاء مختلف، انسان‌زدایی از حقوق را موجه خواهد ساخت. به خصوص اگر منشور بین‌المللی حقوق بشر فاقد ارزش ذاتی و تنها ابزاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود، «دهم» ممکن است این صلح را بدون ضرورت بقای هنجارهای کنونی حقوق بشر نیز تضمین کند. فرضیه بدبینانه دیگر این است که دانش هوش مصنوعی، انسان را به مثابه ماشین می‌نگرد و ممکن است مفهوم انسان، از مفهوم صرفاً زیستی موجود بیرون آمده و مفهومی «مهندسی‌شده» به خود بگیرد (برایتون و سلینا، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۱) این رویکرد رادیکال می‌گوید که شاید حتی چیستی انسان متحول شود.

۲-۲- حق‌ها در محاق؟

«وال-ای» آینده‌ای را نشان می‌دهد که در آن تقریباً هیچ انسانی کاری برای انجام دادن و تولید ندارد. اگر چنین آینده‌ای پیش روی بشر باشد، «دهم» با انسان بدون تولید چه خواهد کرد؟ انسان‌هایی که در تعریف امروزی، نه شغلی دارند و نه چیزی هست که نیاز به آموزش داشته باشند؛ و احتمالاً نیاز چندانی به نوشتن، خبر و تحلیل دنیای بی‌هیجان نخواهند داشت بلکه هوش مصنوعی به آنها خبر می‌دهد، برایشان (احتمالاً به سبکی زرد) روزنامه‌نگاری خواهد کرد و تمام این امور را به بهترین نحو انجام می‌دهد؛ بنابراین به نظر می‌رسد انسان در چنین موقعیتی برای بقای نوع خود و توانایی‌هایی که سازنده‌ی تمایزات او با دیگر موجودات هستند، نیازمند نوآوری بیشتر خواهد بود؛ گرچه احتمالاً هوش

۱. مطابق ماده ۱۱۳ قانون برنامه هفتم توسعه مصوب ۱۴۰۲، قوه قضائیه و وزارت دادگستری مکلف شده‌اند «تا پایان سال دوم اجرای برنامه امکان انجام اموری از قبیل ارجاع پرونده، تعیین وقت، انتخاب کارشناس و اتخاذ تصمیم در امور فاقد پیچیدگی قضایی را با استفاده از فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی فراهم نمایند». مقرر مزبور احتمالاً نخستین گام تقنینی برای قضاوت هوش مصنوعی در ایران است و از طرفی، نخستین زنگ خطر برای شغل قضاوت است.

مصنوعی در این کار هم موفق‌تر است (تگمارک، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۶). چه بسا انسان مجبور شود به گذشته رجوع کند؛ چنانکه در «میشل‌ها در برابر ماشین‌ها»، پدرخوانده میشل‌ها با رجوع به «دست‌ورزی» توانست جهان را از شر ربات‌ها خلاص کند. حتی صنعت سرگرمی نیز در آن زمان کار سختی خواهد داشت؛ زیرا تدریجاً به سبب اشباع هیجان‌ها، نوروں‌های مغز روزبه‌روز حساسیت خود را از دست می‌دهند و دیرتر تحریک می‌شوند.

با به‌حاشیه‌رفتن نقش‌های فردی انسان، حیثیت ذاتی انسان، اهمیت خود را از دست خواهد داد (Cataleta and Cataleta, 2020, p.45) و فقدان احساس مفیدبودن، پیش از کرامتی که مستلزم حمایت قاعده حقوقی است، عزت نفس انسان را به خطر خواهد انداخت (تگمارک، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۵). این بی‌حسی، احساس کامیابی را از بین می‌برد؛ زیرا احساس کامیابی متأثر از تحریکات لذت است و اگر انسان دیرتر به آستانه لذت برسد، احساس خوشبختی و کامیابی – که نخستین حق در اعلامیه استقلال آمریکا است – از دست خواهد رفت (Hojman and Miranda, 2018). وقتی خوشبختی اصلاً قابل حس نباشد و وجودش نادیده گرفته شود؛ دلیلی ندارد که مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، اجازه‌ها و ممنوعیت‌ها برای تحقق آن در نظام حقوقی باقی بماند.^۱

در یک پیش‌بینی نزدیک به واقع، حق بر شغل به‌طور جدی به مخاطره خواهد افتاد. تبدیل تولید سنتی به تولید صنعتی با حذف هوش انسانی، صنایع دستی را که حاصل حلول عاطفه و روح انسانی است، به کالایی لوکس تبدیل کرده؛ اما اکنون طراحی و تمام مراحل اجرای عملیات تولیدی، حسابداری و حسابرسی و مدیریت شرکت‌ها نیز می‌تواند به هوش مصنوعی ربات‌ها واگذار شود (تگمارک، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۷). آنگاه ممکن است هوش انسانی، اگر برتری عمیقی دارد خود را با ساختن شغل‌های جدید و کارآفرینی به رخ بکشد.^۲

۱. ایده مقابل آن است که ربات‌ها نقش بردگان آنتی را بازی کنند تا فرصت پرداختن به فلسفه و هنر و ادبیات برای انسان‌ها بیشتر فراهم شود (تگمارک، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۸). در این صورت، آرمانشهر برینولفسن کرامت انسانی را تعالی خواهد بخشید.

۲. در رمان عشق سال‌های وبا، شخصیت اصلی داستان مدتی را به نوشتن نامه‌های افراد بی‌سواد می‌گذراند و از این طریق امرار معاش می‌کند. نامه‌ای که می‌نوشت می‌توانست با احساسات عمیق او گره بخورد و احساسی و اثرگذار باشد، خواه خطاب به فرزندی دور از منزل و یا شهردار و وزیر. او الگوریتم تأثیرگذاری

حمایت از خانواده احتمالاً چالش دیگری خواهد بود که هوش مصنوعی – احتمالاً در کنار مطالعات مغزشناسی و زیست فناوری – ایجاد خواهند کرد. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان داشته «خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است به وسیله حکومت نگاهداری شود»؛ اما مفهوم خانواده در آینده چه خواهد بود؟ پدر، مادر و هوش مصنوعی با احتمالاً فرزندان یا یک شخص و یک هوش مصنوعی یا...؟ می‌توان تصور کرد که هوش‌های مصنوعی نیز تشکیل خانواده دهند یا عضو خانواده ما باشند. واقعیت این است که در چین فعلاً چنین اتفاقی افتاده است، همسر ربانیک هوش مصنوعی تولید شده و در یک مورد تولید به وسیله یک مهندس شخصی‌سازی نیز شده است (Huang, 2017). ممکن است این فرایند به فرزندان مصنوعی تسری یابد.

چنانکه اشاره شد اولین قربانی توسعه هوش مصنوعی برای نفع همگانی، حریم خصوصی است (حاکمی‌فر و ربیعی، ۱۳۹۷، ص. ۳۲۸). ما مکرراً با نصب نرم‌افزارهای مختلف به آنها اجازه می‌دهیم به اطلاعات و سوابق ما دسترسی پیدا کنند (عاملی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۰). اگر این روند به صورتی برنامه‌ریزی شده انجام شود چه‌بسا به بهبود کیفیت زندگی ما کمک کند؛ مثلاً چند روز طول می‌کشد تا مراکز بهداشتی با پردازش اطلاعات حاصل از مراجعات به این نتیجه برسند که ویروس خاصی در منطقه‌ای مشخص همه‌گیر شده است. اگر به روند علمی مشاهده/تجربه، آزمایش، جمع‌آوری و تمرکز داده‌ها و ارزیابی و تصمیم‌گیری، یک فرایند دیوان‌سالارانه در دسرساز یا یک نظام سیاسی ناکارآمد نیز اضافه شود، چند روز فرصت بیشتر در اختیار ویروس‌ها قرار می‌گیرد تا کار تکثیر خود را بدون زحمت زیادی پیش ببرند^۱؛ اما نظام بهداشتی فراگیر هوش مصنوعی می‌تواند این فرایند را بسیار

هر نوع نامه را می‌دانست. با رونق سواد این شغل به حاشیه رفت. هوش مصنوعی می‌تواند همین الگوریتم را نیز پیاده کند، همان‌گونه که تاکنون توانسته شعر بسراید و موسیقی پراحساسی بسراید که انسان قادر به تشخیص صدور آن از ناحیه هوش انسانی یا هوش مصنوعی نیست. ربات‌های هوش مصنوعی فیس‌بوک با زبان خودشان با هم صحبت می‌کردند و انسان چون از کارشان سردر نمی‌آورد آنها را نابود کرد!

۱. تعلل و انکار دولت چین در مواجهه با ویروس کرونا در پاییز ۲۰۱۹، چنان طولانی شد که همه‌گیری این ویروس پس از جشن سال نوی چینی و مسافرت گسترده شهروندان این کشور به اقصای نقاط جهان، به یک همه‌گیری تبدیل شد.

سریع‌تر به انجام برساند و در نتیجه به تصمیم‌گیری سریع‌تر برای مقابله با عامل بیماری مثل آب آلوده شهر یا قرنطینه یا هر تصمیم دیگر، کمک کند. برای این منظور کافی است این نظام هوش مصنوعی، سوابق و وضعیت همه شهروندان را بداند.

طبیعی است که تجربه ما از سوءاستفاده از اطلاعات منجر می‌شود که نگاه بدبینانه‌ای به این موضوع داشته باشیم؛ اما از جهتی نیز ممکن است با کاهش دادن دخالت انسانی در فرایند پردازش و مشاهده نمونه‌ها، اعتماد و قطعیت بیشتری بیافرینیم؛ بنابراین کارمندان نظام سلامت هم در خطر از دست دادن شغل هستند؛ حتی پزشکان و از آن مهم‌تر وزارتخانه بهداشت؛ بنابراین هوش مصنوعی می‌تواند تصمیم‌هایی فارغ از احساسات بگیرد و برای اداره امور عمومی و نظم بخشیدن به ترافیک، کلانتری و دادگاه هم به کار خواهد آمد. بدیهی است که مفهومی خشک و غیرمنعطف از حکومت قانون در انتظارمان خواهد بود که از فساد پلیس و تشتت رویه قضایی (وینر، ۱۳۶۶، ص. ۱۲۶) بیشتر در امان بمانیم؛ اما این را هم باید در نظر داشت که انصراف بیشتر از حریم خصوصی، هوش مصنوعی را به اتخاذ تصمیم‌های عادلانه و منصفانه‌تر نیز هدایت خواهد کرد، چون اگر قاضی هوش مصنوعی بداند که در روز حادثه، فشار خون متهم بالا بوده و به‌خاطر جروب‌بحث با یک همکار یا هر اتفاق دیگر، رفتار نامناسبی داشته و معمولاً این‌طور رفتار نمی‌کند، به‌سادگی می‌تواند از کیفیات مخفیه بهره ببرد. او وضعیت صورتحساب‌های مالی خوانده (محکوم‌علیه) را می‌داند و بدون نیاز به استشهادهای مبالغه‌آمیز یا دروغین، می‌تواند محکوم‌به را منصفانه تقسیط کند یا با پردازش رفتار زوجین، یاریگر دادگاه خانواده باشد. همچنین هیچ قانون خاص یا رأی وحدت رویه‌ای نیست که وکلا لازم باشد در جلسه دادرسی یادآوری کنند. طبیعی است که وکیل هم باید یک ربات هوش مصنوعی باشد (Dervanović, 2018, p.217)؛ البته وکلای هوش مصنوعی اگر جایگزین انسان‌ها شوند، جامعیت اطلاعات و پردازش و چه‌بسا توانایی آشفته‌ساختن داده‌های طرف دعوی (وینر، ۱۳۶۶، ص. ۱۳۱)، آن‌ها را به وکلایی برتر تبدیل خواهد کرد.

با این فرایند ممکن است ناچار باشیم برای هوش مصنوعی نیز شخصیت حقوقی قائل شویم و آنها نیز از حقوق و آزادی‌های مدنی برخوردار شوند؛ بنابراین با رشد هوش

مصنوعی، انتظار می‌رود این هوش جانشین انسان شود و دلیل ساده آن هم این است که کارگزار دارای هوش مصنوعی با استفاده از الگوریتم، خواهد توانست این امور را بهتر انجام دهد؛ بدون آنکه خستگی فیزیکی بر کارکرد او تأثیر بگذارد و «دهم»، دولت پدرسالار نخواهد بود که روابط خویشاوندی و قبیله‌ای را جایگزین ضوابط و معیارهای قانونی کند. با این‌وصف، ارزش داده‌ها شاید بیشتر از ارزش انسان‌ها باشد؛ زیرا هوش مصنوعی زمانی به‌کار می‌آید که بیشترین داده را دریافت کند و این به معنی انصراف از حریم خصوصی و در نتیجه کمرنگ‌شدن اومانیزم – اگر نگوییم پایان آن – رقم خواهد خورد. قلمرو تأثیر هوش مصنوعی بر حقوق بشر به این موارد نیز محدود نیز نیست (Accessnow, 2018).

آنچه این سناریو را پیش‌بینی‌ناپذیر و اندکی ترسناک‌تر می‌کند احتمال فراگیر شدن هوش مصنوعی خودفرمان است. گرچه هنوز تا تحقق این آینده فاصله بسیار است؛ اما اتحادیه اروپا پیشاپیش به استقبال چنین تحولی رفته (EU, 2021) و «اصول کلی مربوط به توسعه رباتیک و هوش مصنوعی در کاربرد غیرنظامی» را به تصویب رسانده‌است (EU, 2017). اندیشمندان اخلاق، فلسفه و حقوق درباره بایسته‌های هوش مصنوعی و ربات‌های خودفرمان سخن می‌گویند (Cohen et al, 2020, and also Jarota, 2021). نه می‌توان از ساخته‌نشدن ربات خودآموز و خودفرمان مطمئن بود و نه می‌توان عدم تحقق آن را تضمین کرد.

۳. حقوق بشر در دولت هوشمند

با تکرر اعمال قدرت توسط هوش مصنوعی – علاوه بر «دهم» – خشونت ناشی از اراده معطوف به قدرت تغییر چهره خواهد داد، کنترل انحصاری دولت مدرن بر ابزارهای خشونت (بالوی و بیات کمیکی، ۱۳۹۶، ص ۷۳) نیز ممکن است دستخوش تغییر شود. همان‌گونه که امروز، هوش مصنوعی اینستاگرام تشخیص می‌دهد که کدام حساب کاربری از موافقت – نامه کاربری تخطی کرده و آن را محدود می‌کند یا توییتر حتی رئیس ایالات متحده آمریکا را مشمول محدودیت قرار می‌دهد. در هر دو مثال، گرچه کاربر می‌تواند نشر دیدگاه‌های خود را در سکوی دیگری دنبال کند؛ اما به‌واقع اعمال زور غیررسمی و قراردادی اعمال شده توسط این سکوها که معمولاً فاقد نظارت و ارزیابی قضایی است (EU, 2018)، اراده

کاربر را برای انتخاب محل نشر دیدگاهش محدود ساخته و علاوه بر آن نوعی انحصار غیررسمی بر اثر مجموعه رفتار کاربران برای برخی شبکه‌های اجتماعی پدید آمده که عملاً به آنها اقتداری جهانشمول بخشیده است. فقدان دادرسی عادلانه در نمونه‌های اخیر، شاهی بر مدعای فوق است (عاملی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۲).

سیستم‌های هوشمند حفاظت از محیط زیست یا خلق پول مجازی از دیگر ظرفیت‌های توسعه بیشتر هوش مصنوعی است و چالش‌های حقوقی جدیدی درباره معانی مسئولیت، اعتبار و... برای دولت پدید خواهند آورد. به‌طور کلی تصویر ما از آینده چنین است که بسیاری از تصمیم‌های دولت را ممکن است به سامانه‌های هوشمند بسپاریم. وقتی الگوریتم هوش مصنوعی به جای انسان و دولت قرار می‌گیرد، قوه مقننه هوشمند قوانین را وضع خواهد کرد، قوه مجریه هوشمند این قوانین را به اجرا می‌گذارد و از طریق سیستم هوشمندی که پول الکترونیکی را به رسمیت می‌شناسد مالیات را برداشت می‌کند و قوه قضاییه هوشمند به اختلافات و جرایم رسیدگی می‌کند.^۱ این دولت هوشمند در فرایند دولت‌سازی، اعمال قدرت و روابط خارجی چگونه به حقوق بشر ملتزم خواهد ماند؟

۳-۱- مردم‌سالاری و حقوق سیاسی

با گسترش فناوری هوش مصنوعی، اولین هدف رقابتی سیاسی چنین بوده است که از این فناوری برای هدایت افکار عمومی استفاده کنند. برای این منظور، (سوء)استفاده از کلان‌داده‌ها برای جهت‌دهی به رأی‌دهندگان با تکیه بر نقاط قوت وی یا نقاط ضعف رقیب سیاسی، ساخت کاربران ربانی برای ایجاد «طوفان توییتری»، برجسته‌ساختن گفتمان یا کلیدواژه‌های نامزدها در جهت تقویت یا تخریب آن‌ها، ارسال پست‌های الکترونیک انبوه و... از جمله نخستین موارد به‌کارگیری هوش مصنوعی در فرایند سیاسی - به‌ویژه انتخابات - بوده است که منصفانه‌بودن انتخابات را زیر سؤال برده است (Accessnow, 2018, p.25). تحقق «دهم»، تهدیدات گسترده‌تری برای آزادی اراده رأی‌دهندگان ایجاد

۱. در چنین وضعیتی حقوق بین‌الملل نیز می‌تواند هوشمند باشد؛ مثلاً سازمان ملل متحد از طریق سامانه‌ای هوشمند اداره شود که در نتیجه آن شورای امنیت قطعنامه‌هایی را در راستای اهداف سازمان مثل حقوق بشر یا صلح و امنیت بین‌المللی صادر میکند و این قطعنامه‌ها خودبه‌خود اجرا می‌شوند.

خواهد کرد. از جمله آنها می‌توان به پیش‌بینی رأی شهروندان بر اساس الگوریتم رفتار آنها در فضای مجازی اشاره نمود (Schippers, 2020, p.32). تحلیل داده‌های منتشرشده و عمومی هر شهروند، یک ربات نسبتاً معمولی هوش مصنوعی را قادر می‌سازد، علایق و نگرش سیاسی وی را شناسایی کند؛ بدون آنکه نیاز باشد مجموعه‌ای از افراد به‌عنوان ناظر و محقق و... برای این منظور در سستادهای انتخاباتی یا نهادهای اجرایی و نظارتی استخدام شوند.^۱ بدین ترتیب، هوش مصنوعی برآوردی اولیه از رأی نامزدها، وضعیت آرای خاکستری و گرایش‌های طیف خاکستری برای کشاندن آنها پای صندوق رأی و انتخاب گزینه مورد نظر فراهم خواهد کرد؛ در نتیجه استفاده احزاب یا نامزدها از سامانه هوشمندتر، رقابت سیاسی را نابرابر می‌کند؛ البته همین روند، هوش مصنوعی را قادر می‌سازد آرای ساکنان هر منطقه را - به شرط ثبت نام رأی‌دهندگان - پیش‌بینی و از این جهت نظارت بر انتخابات را تسهیل کند؛ هرچند امکان جعل داده نیز منتفی نیست. چه‌بسا توسعه هوش مصنوعی، لزوم برگزاری انتخابات را از بین ببرد؛ زیرا از طریق دریافت الگوریتم، حزب سیاسی پیروز انتخابات قابل تشخیص خواهد بود و برخی هزینه‌ها و آرای هیجانی نیز کاهش خواهد یافت. به همین ترتیب، رأی ممکن است به یک هویت تبدیل شود. به این معنا که مثلاً رأی به دموکرات‌ها انتظارات معینی ایجاد کند و این انتظارات، الگوریتم رفتار شورای شهر، مجلس یا دولت را تشکیل دهد. بدین ترتیب، مجموعه آرا به‌مثابه یک الگوریتم، انتظارات مشروعی را نسبت به تصمیم‌گیری حکومت (بر اساس هویت رأی عمومی و سطح مشروعیت تغییر قوانین در دوره جدید قانون‌گذاری) ایجاد خواهد کرد. با این فرایند می‌توان گفت روش مشارکت سیاسی تغییر و توسعه خواهد یافت (Savaget, et al., 2018, p.10) و نقش افراد نماینده در نهادهای منتخب نیز کاهش می‌یابد.

۱. در نظام‌های حقوقی که شرایط کیفی نظیر «اعتقاد» به امری یا «التزام» به موضوعی از جمله شرایط انتخاب‌شوندگان است - فارغ از میزان انطباق چنین شرایطی با موازین حقوق سیاسی - هوش مصنوعی می‌تواند از طریق همین تحلیل، صلاحیت افراد را برای نامزدی احراز کند. میزان خطای هوش مصنوعی در مقایسه با خطا یا سوگیری سیاسی و شخصی مقامات رسمی، چندان قابل اعتنا نیست ولی این روند می‌تواند با حق تجدیدنظرخواهی تکمیل شود یا اگر شرط سکونت در محل برای رأی دادن وجود دارد؛ هوش مصنوعی اجرای این قاعده در روز انتخابات را تضمین خواهد کرد و از رأی دادن غیرساکنان جلوگیری خواهد کرد.

چون الگوریتم مشارکت/انتخابات می‌تواند وضع هوشمند قواعد حقوقی را نیز تضمین کند و مخاطرات خلف وعده یا تخطی از انتظارات رأی‌دهندگان توسط منتخبان را کاهش دهد (تگمارک، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۱)؛ بنابراین کیفیت قانونگذاری نیز می‌تواند با اعتماد به هوش مصنوعی ارتقا یابد.

۳-۲- تغییر نظارت به خودنظارتی

نظارت، بخشی مهم از اصول حاکم بر چهارچوب هنجاری و ساختاری دولت مدرن و حق‌بنیاد است و نقشی اساسی در تحقق حکومت قانون و حکمرانی خوب دارد (بالوی و بیات کمیتی، ۱۳۹۶، ص. ۳۹۲) پیش‌بینی نهادها و هنجارهای نظارتی، اعمال قدرت در چهارچوب قانون را تأمین می‌کند و آن را به وارستگی یا شایستگی حکمران وانمی‌نهد. اگر الگوریتم‌های حکمرانی اعمال حاکمیت را قابل پیش‌بینی سازند و امکان تخطی از هنجارها به واسطه تنظیمات دقیق و اطمینان‌بخش الگوریتم ناممکن گردد؛ عملاً مفهوم و جایگاه نظارت در دولت و بر دولت تغییر خواهد کرد. تغییرات مورد انتظار آن است که اولاً نظارت به حیطه تدوین الگوریتم و مقابله با جعل داده و کسب اطمینان از مبادله ایمن داده‌ها تسری یابد؛ ثانیاً سازکار خودنظارتی یا هوش مصنوعی ناظر ممکن است ضرورت یابد. به عبارت دیگر، کارکردهای هوش مصنوعی در دو بخش اقدام و نظارت تقسیم خواهد شد و هوش مصنوعی نظارت بر خود را برعهده خواهد گرفت. هرچه میزان اعتماد به هوش مصنوعی افزایش یابد، حساسیت نسبت به ضرورت نظارت بر آن کاهش خواهد یافت و می‌توان تصور کرد که تدریجاً الگوریتم‌های نظارت با الگوریتم‌های اجرایی ادغام شوند.

۳-۳- توسعه مفهوم شهروندی و اعطای حق به موجودات هوشمند غیرانسانی

خلق شخصیت حقوقی یکی از بزرگترین شاهکارهای حقوقی ذهن انسان بوده است که به موجودی انتزاعی جان بخشیده، او را واجد اهلیت قانونی قرار داده، اغلب حقوق مدنی متناظر با انسان را به او اعطا کرده و حتی آن را واجد اعتبار لازم برای برخورداری از برخی حق‌های بشری همچون دادرسی عادلانه دانسته است. اگرچه اشخاص حقوقی، در

حقوق سیاسی امکان مشارکت ندارند؛ اما مستقیماً از برخی مواهب اجتماعی نظیر یارانه‌ها و کمک‌های دولتی برخوردار می‌شوند و چه‌بسا بهره‌مندی از برخی امتیازات منوط به تأسیس یک شخصیت حقوقی قرار گیرد. «دولت» مدرن نیز فی‌نفسه به عنوان یک شخصیت حقوقی شناخته می‌شود و فارغ از جابه‌جایی مقامات و فرمانروایان، استقلال خود را محفوظ می‌دارد. اصل دوام دولت در حقوق بین‌الملل مدرن از آثار این شخصیت است. تحقق دولت هوشمند، این نیاز را پدید خواهد آورد که نوع دیگری از شخصیت حقوقی به‌جز شرکت‌ها و دستگاه‌های دولتی مورد شناسایی قانونگذار قرار گیرد. برخی از مسئولیت مدنی هوش مصنوعی سخن گفته‌اند (Vladeck, 2014) که مبتنی بر اعطای شخصیت حقوقی است. ایده‌های رادیکال‌تری نیز درباره امکان شناسایی آگاهی هوش مصنوعی در معنای «آزادی اراده» وجود دارد که حتی از حق رأی هوش مصنوعی دفاع می‌کند (تگمارک، ۱۳۹۷، ص. ۴۸۹) چه آنکه شاید شخصیت حقوقی هوش مصنوعی، جایگزین شخصیت حقوقی اداره شده و نسبت به صدور احکام استخدامی یا قراردادهای تصدی‌گری و متعاقباً قراردادهای اداری و معاهدات بین‌المللی اقدام نماید. این شخصیت حقوقی می‌تواند به‌عنوان جانشین دولت متعارف کنونی اقدام کند؛ اما انتظار می‌رود شخصیت‌های دیگری نیز با ماهیت هوش مصنوعی به عنوان طرف تعامل با دولت، واقع شوند.

۳-۴- بهبود کمی حکومت قانون و مخاطرات کیفی

قانونگذاران، کارمندان و قضات همگی از نوع انسان هستند و هر یک ساختار ذهنی منحصر به فردی شامل عواطف و تمایلات خود را دارند. وضع و اجرای هر قانونی عملاً با این ساختار ذهنی محقق می‌شود و این ذهن انسان است که براساس ملاحظات مختلف، از ابزارهای به‌ظاهر حقوقی نظیر تفسیر، تأویل و تطبیق قاعده حقوقی، اجرای قانون را انعطاف‌پذیر می‌سازد. به‌علاوه، قانون مجموعه‌ای از اختیارات صلاحیدی را به مقامات رسمی و امی‌نهد و اجازه می‌دهد در شرایط پیش‌بینی نشده، تصمیمات پیش‌بینی نشده اتخاذ کنند یا حتی مسیر اجرای قانون را به‌نحوی که هرچه بیشتر اهداف مطلوب مجری/قانونگذار/جامعه را فراهم آورد، تعیین نمایند (منصوری بروجنی، ۱۳۹۹، ص. ۷۶)؛

همانگونه که کارل اشمیت، دولت را همزمان امری بیرون از قانون نیز توصیف می‌کند که این اقتدار، او را در وضعیت استثنایی، در موقعیت انحصاری تصمیم درباره اجرا یا وضع هر قانونی قرار می‌دهد (حسینی بهشتی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۹۴). این تحلیل، با وصف وجود حکومت قانون در دولت مدرن است؛ وگرنه در دولتی که ایده «حکومت به وسیله قانون» را پیاده می‌کند یا در دولت پیشامدرن و بدون قانون، انعطاف به سوی خودکامگی تقریباً بخش اصلی تاریخ حکمرانی بوده است.

واگذاری اقتدار به سامانه‌ای هوشمند، انعطاف در اجرای قانون و کارکرد قضایی دولت را به حداقل می‌رساند (منصوری بروجنی، ۱۳۹۹، ص. ۷) یا از بین می‌برد. تنها مدل‌های خاصی از انعطاف مثلاً در شخصی‌سازی مجازات‌ها ممکن است به وسیله الگوریتم‌های قضایی و با معیارهایی کمی و قابل اندازه‌گیری به بقای خود ادامه دهند. این روند، قطعیت تصمیم دولت را محقق می‌سازد و چه‌بسا در صورت قابلیت اتقان تصمیمات قضایی و اداری و اعتماد روزافزون به هوش مصنوعی که به جای انسان تصمیم می‌گیرد (تکمارک، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۷)، مرحله تجدیدنظر و اساساً حق تجدیدنظرخواهی به مثابه حقی در چهارچوب دادرسی عادلانه، غیرضروری به نظر رسیده و حذف شود تا سامانه هوشمند دارای قابلیت یادگیری عصبی عمیق، بتواند درباره امکان عفو مجرمان هم تصمیم بگیرد (تکمارک، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۸).

موضوع اساسی دیگر، امکان اعلام وضعیت اضطراری توسط هوش مصنوعی است. دولت‌ها معمولاً در مواجهه با جنگ، قحطی، بلایای طبیعی، بیماری‌های همه‌گیر و امثال آن، این اختیار را برای خود محفوظ داشته‌اند که با اعلام وضعیت اضطراری از تعهد به برخی حق‌ها و آزادی‌های بنیادین عدول کنند. ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، موازین حقوقی بین‌المللی برای تحقق چنین وضعیتی را مقرر کرده است؛ همان‌گونه که قوانین اساسی برخی کشورها چنین مقرراتی دارند. باوجوداین، اولاً بر سر مصادیق اعلام وضعیت اضطراری و ثانیاً درباره تصمیم‌هایی که باید به میزان ضرورت و برای مدت موقت اتخاذ شود اختلاف‌هایی پدید می‌آید. اینکه آزادی تجمع‌ها یا سفرهای بین‌شهری یا کسب‌وکارها ممنوع یا محدود شود، شهرها قرنطینه و افراد مشکوک به بیماری واگیردار ایزوله شوند و... چه زمانی و تا کجا ضروری است؛ اغلب محل اختلاف باقی می‌ماند و

گاهی عالی‌ترین نهاد قضایی دولت مدرن وادار به ارزیابی قضایی تصمیم‌هایی می‌شود که نمی‌داند در صورت لغو آن، حقیقتاً چه خطرهایی برای جامعه پیش می‌آید. اگرچه اکنون تمایل چندانی به تصمیم‌گیری الگوریتمی وجود ندارد (Starke and Lunich, 2020, p.15)؛ اما الگوریتم وضعیت اضطراری می‌تواند این تصمیم‌های سخت را اتخاذ کند و کمترین هزینه‌ی کاهش مشروعیت را به‌جان بخرد.

۳-۵- دولت هوشمند، حقوق بشر و روابط بین‌المللی

حقوق بین‌الملل عصر دولت‌های هوشمند، در ضرورت بقای نظام بین‌المللی حقوق بشر کنونی تردید ایجاد خواهد کرد. حقوق بشر علی‌رغم ادعای پیوستگی با حقوق طبیعی، بیشتر به دلیل کارکردی که به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی داشت یا می‌توانسته داشته باشد وارد نظام حقوقی بین‌المللی شد و زمانی که کارکرد خود را از دست دهد، احتمالاً جایگاهی نخواهد داشت. احتمالاً با توسعه هوش مصنوعی، ابتدا تضاد طبقاتی تشدید می‌شود و انسان‌ها/دولت‌های مجهز به هوش مصنوعی قوی، استثمار سایر انسان‌ها/دولت‌ها را در دستور کار قرار می‌دهند و هر زمان نفعی از آنها حاصل نشود، ممکن است تدریجاً از صحنه گیتی حذف شوند. اگرچه این یک پیش‌بینی است و واکنش ما می‌تواند تحقق آن را تعیین کند. پس در این روند، نابرابری نیز یک چالش اساسی است (Risse, 2018, p.13). از طرف دیگر آن بشری که تصادفاً به سبب محل تولد و قدرت فناوری پدرانش بر روی زمین باقی می‌ماند از امکانات توسعه‌یافته‌تری بهره‌مند خواهد شد و با تولید مثل می‌تواند نوع بشر را توسعه داده و محفوظ بگرداند؛ البته اگر تولید مثل و انتقال وراثتی ژن، همچنان یک ارزش اجتماعی محسوب شود.

در زمینه منابع قدرت، امروزه تحول عطف توجه از انرژی به دانش/فناوری، مشهود است. کشورهای که از طریق دانش و فناوری درآمد کسب می‌کنند و در چاه‌های نفت را می‌بندند آرامش و اطمینان بیشتری نسبت به آینده دارند. طبیعی است که حقوق انرژی جای خود را به حقوق دانش/فناوری می‌دهد و چون امنیت با دانش بیشتر می‌شود، نظام‌های حقوقی تابعیت باید برای پذیرش مهاجران با در نظر گرفتن مهارت ایده‌پردازی و داده‌پردازی آنها، سهولت بیشتری در نظر گیرند. دعوای حقوق مالکیت فکری، ارزشی

بیشتر از دعاوی مصادره و ملی‌شدن و قیمت‌گذاری حاملهای انرژی خواهند داشت. در مسئولیت کیفری بین‌المللی که مهمترین تحول ارزش‌محور حقوق بین‌الملل مدرن بوده است نیز همان‌طور که اشاره شد با چالش مواجه خواهیم بود. لازم است هوش مصنوعی به‌مثابه شخص حقوقی، مسئولیت کیفری داشته باشد و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اصلاح شود.

هوش مصنوعی و «اینترنت همه‌چیز» اگر به‌طور کامل محقق شود و تنها ابزاری تفریحی یا استثنایی برای افزایش کارایی بشر باقی نماند، بالاترین ارزش را برای آزادی اطلاعات و درواقع آزادی برای اطلاعات قائل خواهد شد و نه حاکمیت ملی یا حتی کرامت انسانی. چون از منظر هوش مصنوعی، جهان بهتر با اطلاعات بیشتر بر مبنای آزادی اطلاعات و آزادی پردازش اطلاعات حاصل می‌شود؛ بنابراین هر روز تجربیات بیشتری به اشتراک گذاشته می‌شود و این کار نوعی ارزش و کمک به عزم جهانی برای بهبود زندگی انسان تلقی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با پیشرفت هوش مصنوعی، دولت هوشمند نسخه‌ای تکامل‌یافته و بدیل دولت مدرن خواهد بود که مرزهای دولت الکترونیک و دولت مجازی را پشت‌سر خواهد گذاشت. درواقع استفاده روزافزون از هوش مصنوعی، نتیجه اعتماد به تصمیم‌های دقیق‌تر و ضریب خطای کمتر آن در مقایسه با انسان است. این اعتماد، خود بر اثر ازخودگذشتگی نسبت به حریم خصوصی و کرامت انسانی و ارائه مجموعه‌ای منسجم از داده‌های شخصی به هوش مصنوعی پدید آمده است؛ بنابراین بعید نیست که به‌تدریج مفهوم حریم خصوصی یا قلمرو آن تغییر یابد، با از دست دادن مشاغل و سپردن آنها به هوش مصنوعی، خلاقیت بیشتری برای حیات نیاز باشد و احتمالاً رسالت انسانی و معنای زندگی و بالمآل کرامت ذاتی انسان دچار بحران شود.^۱ این فرایند سبب خواهد شد ملت‌ها یا انسان‌هایی که نتوانند هوش

۱. وزارت ارتباطات ایران «حفظ کرامت انسانی و حمایت از معیشت مشاغل آسیب‌دیده ناشی از توسعه کاربردهای هوش مصنوعی» را به‌عنوان یکی از ارزش‌های حاکم بر پیش‌نویس نقشه راه توسعه ملی هوش

مصنوعی قدرتمندتری برای اداره جامعه خود فراهم آورند، تدریجاً حذف شوند. با این اوصاف، انسان‌گرایی حقوقی تضعیف خواهد شد و همان میزان که ممکن است هوش مصنوعی به مردم‌سالاری و حکومت قانون کمک کند، می‌تواند برای حقوق و آزادی‌های فردی مخاطره‌آمیز باشد؛ همان‌گونه که دولت هوشمند ممکن است از انتخابات در معنای کنونی بی‌نیاز شود یا فرایندهای نظارتی را با فرایندهای اجرایی ادغام کند.

ممکن است این پیش‌بینی‌ها محقق نشود. ممکن است این تصویر ما از آینده غافلگیرکننده و هراسناک باشد. هنوز نمی‌توان با قاطعیت گفت که مفهوم دولت و ملت که برای توسعه همکاری میان افراد انسانی اختراع شد، روزی کارکرد خود را از دست می‌دهد؛ اما اصرار بر توسعه فوری فناوری، بدون در نظر گرفتن اجماع اخلاقی درخصوص ارزش‌های الگوریتم اساسی دولت، برای بقای نوع انسان و موجودیت او یک تهدید محسوب می‌شود؛ همچنان که برای حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی. در غیاب چنین ارزش‌هایی، طبیعی خواهد بود که بشر زمینه انقراض خود را از طریق تسلط بخشیدن به هوش مصنوعی، تغییر مفهوم خانواده و تولید مثل فراهم کند؛ بنابراین ممکن است از دولت‌ها بخواهیم تا پیش از آن که بر سر آینده توافق کنیم، از شتاب فناوری هوشمند بکاهند.

منابع و مآخذ

- افضلی، رسول (۱۳۸۶). *دولت مدرن در ایران*. تهران: دانشگاه مفید.
- بالوی، مهدی و بیات کمیتیکی، مهناز (۱۳۹۶). *دولت حق‌بنیاد، دفتر اول: تحلیل معنا، تبیین مبنا*. تهران: مجد.
- تگمارک، مکس (۱۳۹۷). *زندگی ۳۰۰، انسان بودن در عصر هوش مصنوعی*. ترجمه میثم محمدامینی. تهران: فرهنگ نشر نو.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۹۲). *نقد مبانی فلسفی حقوق بشر*. تهران: مخاطب.
- جاوید، محمدجواد و طباطبایی، فهیمه سادات (۱۳۹۳). *ملاحظات اخلاقی و حقوقی مهندسی*

مصنوعی معرفی کرده است؛ اما اینکه چنین ارزشی تا چه اندازه بتواند قواعد حقوقی مورد نیاز را فراهم آورد و عملاً به حفاظت از کرامت انسانی اولویت بخشد، همچنان محل تأمل است.

بافت. تهران: مخاطب.

حاکمی‌فر، روح‌ا... و ربیعی، نازنین (۱۳۹۷). شهر هوشمند، اینترنت اشیا، مردم و سیستم‌ها، تهران: آتی‌نگر.

حسینی بهشتی، سیدعلیرضا و دیگران (۱۳۹۳). «منطق استثنا در فلسفه سیاسی کارل اشمیت»، *جستارهای فلسفی*، ش ۲۶.

خلیلی، محسن (۱۳۹۴). «کشاکش دولت الکترونیک با دموکراسی الکترونیک». *دولت‌پژوهی*، دوره ۱، ش ۳.

راسل، استورات و نورویک، پیتر (۱۳۹۰). *رویکردی نوین در هوش مصنوعی*. ترجمه سعید راحتی و دیگران، مشهد: دانشگاه امام رضا (ع).

رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰). *پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*. تهران: آگاه.

رحمت‌الهی، حسین (۱۳۹۸). *تحول قدرت*. تهران: میزان.

عاملی، سیدسعیدرضا (۱۳۸۹). *مطالعات انتقادی استعمار مجازی آمریکا: قدرت نرم و امپراتوری‌های مجازی*. تهران: امیرکبیر.

اشمیت، اریک و کوهن، جارد (۱۳۹۵). *تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر دیجیتال بر جوامع، دولت‌ها و بنگاه‌ها*. ترجمه علی عبدالهی و دیگران. تهران: آتی‌نگر.

گاردنر، هوارد (۱۳۹۹). *تغییر ذهن‌ها*. ترجمه سیدکمال خرازی، تهران: نشر نی.

معمارزاده، غلامرضا و دیگران (۱۳۹۱). *دولت الکترونیک*. تهران: اندیشه‌های گهربار.

منصوری بروجنی، محمد (۱۳۹۹). *مقدمه‌ای بر درک بیت‌کوین*. قم: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی.

نوزیک، رابرت (۱۳۹۵). *بی‌دولتی، دولت، آرمان‌شهر*. ترجمه محسن رنجبر. تهران: نشر مرکز.

وینر، نوربرت (۱۳۶۶). *استفاده انسانی از انسان‌ها، سیبرنتیک و جامعه*. ترجمه مهرداد

ارجمند. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

هارت، هربرت (۱۳۹۰). *مفهوم قانون*. ترجمه محمد راسخ. تهران: نشر نی.

Cataleta, Maria Stefania and Anna Cataleta (2020), "Artificial Intelligence and Human Rights, an Unequal Struggle", *CIFILE Journal of International Law*, Vol 1., No.2.

Cohen, Gelen, Et Al (2020), "The European Artificial Intelligence Strategy: Implications And Challenges For Digital Health", *The Lancet Digital Health*, Vol 2, Issue 7.

Dervanovi'c, Dena (2018), "I, Inhuman Lawyer: Developing Artificial Intelligence in the

- Legal Profession”, in *Robotics, AI and the Future of Law*, Marcelo Corales et al (eds), Singapore, Springer.
- De Minico, Giovanna (2021), “Towards an “Algorithm Constitutional by Design””, *Biolaw Journal*, No. 1.
- Hojman, Daniel And Alvaro Miranda (2018), “Agency, Human Dignity, And Subjective Well-Being”, *World Development*, Vol 101.
- Jarota, Maciej (2021), “Artificial Intelligence And Robotisation In The EU - Should We Change OHS Law?”, *Journal Of Occupational Medicine And Toxicology*, 16.
- Kittichaisaree, Kriangsak (2017), *Public International Law of Cyberspace*, Cham, Springer.
- Risse, Mathias (2018), *Human Rights and Artificial Intelligence, An Urgently Needed Agenda*, Cambridge, Carr Center for Human Rights Policy.
- Savaget, Paulo, et al (2018), “Empowering political participation through artificial intelligence”, *Science and Public Policy*, Vol. 4 (3).
- Schippers, Birgit (2020), “Artificial Intelligence and Democratic Politics”, *Political Insight*, Vol 11, Issue 1.
- Starke, Christopher and Marco Lünich (2020), “Artificial intelligence for political decision-making in the European Union: Effects on citizens’ perceptions of input, throughput, and output legitimacy”, *Data & Policy*, Vol 2.
- Vladeck, David (2014), “Machines without Principals: Liability Rules And Artificial Intelligence”, *Washington Law Review*, Vol 89.
- Wang, Weiyu and Keng Siau (2018), “Artificial Intelligence: A Study on Governance, Policies, and Regulations”, *Thirteenth Annual Midwest Association for Information Systems Conference*.

Cases, Reports and Websites:

- Accessnow (2018), Human Rights in the Age of Artificial Intelligence (Report). (2015/2103(INL))
- Bradley, Tony (2017), Facebook AI Creates Its Own Language In Creepy Preview Of Our Potential Future, available at: <https://www.forbes.com/sites/tonybradley/2017/07/31/facebook-ai-creates-its-own-language-in-creepy-preview-of-our-potential-future/?sh=282a0b72292c>
- EU (2018), Safeguarding human rights in the era of artificial intelligence, available at: <https://www.coe.int/en/web/commissioner/-/safeguarding-human-rights-in-the-era-of-artificial-intelligence>
- EU (2020), Need for democratic governance of artificial intelligence, Reprot, Committee on Political Affairs and Democracy.
- EU, A European Approach To Artificial Intelligence, Available At: <https://Digital-Strategy.Ec.Europa.Eu/En/Policies/European-Approach-Artificial-Intelligence>, Visited: 2021-06-27
- Huang, Kristin (2017), “Chinese engineer ‘marries’ robot after failing to find a human wife”, available at: <https://www.scmp.com/news/china/society/article/2084389/chinese-engineer-marries-robot-after-failing-find-human-wife>

EU (2017), Committee on Legal Affairs Report 27 January 2017 with recommendations to the Commission on Civil Law Rules on Robotics

In Persian:

Afzali, Rasul (2018), The Modern State in Iran, Tehran, Mofid University.

Ameli, Saeed Reza (2010), Soft Power and Cyber Empire, Tehran, Amir Kabir.

Balawi, Mahdi and Mahnaz Bayat (2018), Rights-based State, Vol. 1, Tehran, Majd.

Djavid, Mohammad Javad (2013), Critics to Philosophical Foundations of Human Rights, Vol 1, Tehran, Mokhtab.

Hakemifar, Ruhollah (2018), Smart City, Tehran, Atinegar.

Hart, Herbert (2010), The Concept of Law, translated by Mohammad Rasekh, Tehran, Ney.

Hosseini Beheshti, Alireza et al (2015), Exception Logic in the Political Philosophy of Carl Schmitt, Analytic Philosophy, No. 26.

Khalili, Mohsen (2016), Conflict of Electronic Democracy with Electronic Government, State Studies, Issue 3, No. 4.

Mansuri Borujeni, Mohammad (2020), An Introduction to Understanding Bitcoin, Tehran, Majlis.

Memarzade, Hjolamreza (2012), Electronic State, Tehran, Andishehaye Goharbar.

Nozick, Robert (2016), Stateless, State, Utopia, translated by Mohsen Ranjbar, Tehran, Markaz.

Rahmatollahi, Hossein (2019), The Evolution of Power, Tehran, Mizan.

Rajaei, Farhang (2001), Globalization, Human being and Information Civilization, Tehran, Agah.

Tegmark, Max (2019), Life 3.0, Being Human in the Age of Artificial Intelligence, Translated by Maysam Mohammad Amini, Tehran, Nashr-e-Now.

تفسیر فراملی از قیود حاکم بر حق آزادی اطلاعات (مطالعه موردی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲

احمد خسروی^۱

عاطفه آجری آیسک^۲

چکیده

حق بر آزادی اطلاعات به عنوان یکی از بنیادین‌ترین حق‌های بشری و همچنین یکی از الزام‌های مردم‌سالاری و از حق‌های سیاسی محسوب می‌شود که نقش اساسی در تضمین سایر حق‌ها از طریق آگاهی‌سازی افراد و شفافیت عملکرد دولت‌ها دارد. حق مزبور گرچه برابر تحلیل هوفلد جزو حق-ادعاها محسوب شده که مکلف آن دولت‌ها هستند، حقی مطلق نبوده و دارای قیودی است. قیود حاکم بر حق مزبور عمدتاً نظم عمومی، مصلحت عمومی، منفعت عمومی، اخلاقیات و امثال آن می‌باشند، که مفاهیمی مجرد و انتزاعی محسوب شده و در تعریف و ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد و در قوانین و اسناد حقوق بشری تعریف نشده است. به همین دلیل، همواره امکان اینکه مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار گیرند وجود دارد. احتمال سوءاستفاده به خصوص در مورد حق مزبور که در واقع حق دسترسی به اسناد و مدارک اداری است و درواقع حقی است که عملکرد دولت را رصد می‌کند، بیشتر است؛ لذا ضرورت دارد تا جهت تبیین قلمرو مفاهیم فوق‌الذکر رویه مراجع قضایی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه یک طرف این‌گونه دعاوی همواره دولت‌ها هستند و در رسیدگی‌های مراجع قضایی داخلی، احتمال سوءگیری وجود دارد، به همین دلیل مرجع قضایی فراتر از دولت‌ها، آن‌هم مرجعی که به صورت تخصصی به مسائل حقوق بشر می‌پردازد بهتر از هر نهاد دیگری در این خصوص می‌تواند تعیین‌کننده باشد؛ لذا سعی شده تا به صورت توصیفی-تحلیلی، رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان مرجع قضایی بین‌المللی، هر چند منطقه‌ای، در خصوص قیود حق آزادی اطلاعات بررسی شود.

واژه‌های کلیدی

حق آزادی اطلاعات، حق‌های بشری، دادگاه اروپایی حقوق بشر، رویه قضایی.

۱- استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران.

(نویسنده مسئول).

a.khosravi@birjand.ac.ir

۲- استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران.

ajori@birjand.ac.ir

مقدمه

حق بر آزادی اطلاعات که به معنای توانایی شهروندان در دسترسی به اطلاعات است (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۳، ص. ۶۴) دارای دو مفهوم موسع و مضیق است. حق مزبور در مفهوم موسع شامل حق افراد در کسب هرگونه اطلاعات و انتقال و انتشار آزادانه در هر مکانی است (UN General Assembly, calling of an international conference on freedom of information, 1946, a/RES/59). و در مفهوم مضیق به معنای آزادی شهروندان در دسترسی به اطلاعات نگهداری شده توسط دستگاه‌های دولتی اعم از حکومتی، اداری و در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی است (Council of Europe Convention on Access to official document). بر اساس این حق، هر یک از اعضای جامعه هر زمان که بخواهند می‌توانند درخواست دسترسی به اطلاعاتی را که در یکی از دستگاه‌های اجرایی نگهداری می‌شود را داشته باشند و آن مؤسسه فقط با استناد به دلایل پذیرفته شده و قانونی می‌تواند تقاضای وی را رد نماید (انصاری، ۱۳۸۷، ص. ۲۶). حق آزادی اطلاعات در مفهوم مضیق یا حق بر دسترسی آزاد به اطلاعات، عمدتاً به عنوان یکی از حقوق سیاسی و یکی از الزام‌های نظام‌های مردم‌سالار محسوب می‌شود. درواقع حامیان مردم‌سالاری معتقدند نخستین گام برای کمک به تحقق آرمان مردم‌سالاری حمایت از آزادی مطبوعات است که بعداً این آزادی به قلمرو فعالیت سایر رسانه‌های همگانی نیز تسری یافت و به حق بر آزادی اطلاعات و انتشار آن ارتقا یافت. از این ابزار به‌ویژه برای آگاهی دادن به مردم برای مشارکت در امور عمومی و سرنوشت اجتماعی استفاده می‌شود. به همین دلیل، آزادی مطبوعات و پس از آن آزادی اطلاعات به عنوان رکن چهارم مردم‌سالاری محسوب می‌شود. همچنین گام دوم در تحقق مردم‌سالاری، شفاف‌سازی حکومت و دولت است. به موجب این سازوکار حق مردم در دسترسی آزادانه به اسناد و مدارک دولتی به رسمیت شناخته شده است؛ لذا اهمیت این حق به قدری شده است که از آن به اکسیژن مردم‌سالاری یاد می‌شود (انصاری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۷-۱۳۸). نکته شایان توجه این است که با پیشرفت فناوری به خصوص وسایل ارتباط جمعی نوین و رسانه‌های گروهی فراگیر که ساختار نظام اجتماعی نوین را تشکیل داده‌اند و

امکان دسترسی به اطلاعات را آسان‌تر و نظارت و کنترل آن توسط دولت‌ها را کمتر کرده است، هر روز بر اهمیت حق مزبور افزوده شده؛ اما با توجه به اینکه این حق، حقی مطلق نیست و از حق‌های مقید است و از طرف دیگر با توجه به ماهیت حق مزبور که مکلف آن دولت‌ها هستند، قیدهای حاکم بر آن کدام است؟ گرچه قیدهای حق مزبور در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی مطرح شده؛ اما با توجه به ماهیت قیدهای مذکور و به‌خصوص اینکه به‌صورت الفاظ و اصطلاحات مجرد هستند و در خصوص تعریف و ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد، این موضوع، همواره مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار می‌گیرد و لذا ضرورت دارد تا رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر که مرجعی فراملی و تخصصی در زمینه حق‌های بشری است در این خصوص مورد توجه قرار گیرد. به‌همین‌خاطر در ابتدا جایگاه و اهمیت حق مزبور و به‌خصوص تأثیر آن بر سایر حق‌ها، سپس قلمرو و درنهایت قیدهای حاکم بر حق مزبور در اسناد بین‌المللی شناسایی و سپس در رویه دادگاه فوق‌الذکر بررسی می‌شود.

۱- رابطه حق بر آزادی اطلاعات با سایر حق‌های بشری

بین حق آزادی اطلاعات و انتشار آن و سایر حق‌های بشری ارتباط برونی و متقابل وجود دارد. از آنجاکه حقوق بشر در دوران کنونی نظامی هنجاری است که متضمن حق‌های افراد در برابر دولت است، کارکرد اصلی این نظام هنجاری محدود کردن قدرت دولت در برابر افراد است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۵۳). به عبارت دیگر گفتمان حاکم بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با دولتها، تعهدمدار و نسبت به افراد حق محور است. به‌خاطر همین تزامن و تضاد بین حق‌های افراد و قدرت دولت احتمال نقض آن توسط دولتها وجود دارد. این امکان نقض برای حق بر آزادی اطلاعات که جزو حق‌های سیاسی است که درواقع حق‌هایی در مقابل دولتها هستند، در مقایسه با سایر حق‌ها بیشتر است. علاوه بر آن انتشار اطلاعات خود به‌مثابه شمشیر دولبه عمل می‌کند و گاهی خود به‌عنوان ابزاری در جهت توجیه اقدامات ضدحقوق بشری دولتها است، به‌خصوص در کشورهای غیرمردم‌سالار که رسانه‌ها و به‌طورکلی ابزارهای اطلاع‌رسانی (ارتباطی) در تسلط دولتها قرار دارد و

این دولت‌ها که در نقض حقوق بشر محدودیتی برای خود قائل نیستند، با دخالت در رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جریان اطلاع‌رسانی صحیح را مختل می‌کنند و درواقع در این نوع از رژیم‌های سیاسی، وسایل ارتباط جمعی جزو دستگاه‌های تبلیغاتی دولت‌ها هستند و از خود هویت مستقل و خودمختاری ندارد (رستمی خوراسگانی، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۹). لذا نه تنها حق بر آزادی اطلاعات و انتشار آن به راحتی نقض می‌شود بلکه با نقض این حق، نقض سایر حق‌های بشری نیز چندان در این کشورها منعکس نمی‌شود و لذا دولت‌ها به راحتی دست به نقض حق‌های بشری می‌زنند. متقابلاً تضمین حق مزبور، به خصوص تأمین استقلال وسایل ارتباط جمعی، ضمن اینکه خود ابزاری جهت آزادی بیان هستند، با بازتاب مسائل حیاتی و مهم سیاسی و اجتماعی در حوزه حقوق بشر و با تعدیل شرایط و اصلاح رفتارهای مخالف با حقوق بشر در جوامع و از طرف دیگر با ارتقای سطح آگاهی افراد بشر، آنان را از حقوق خود آگاه کرده و در نتیجه باعث ارتقای وضعیت حقوق بشر می‌شود. علاوه بر آن، حق مزبور بر سایر حق‌های بشری نیز تأثیرگذار است و به همین خاطر می‌توان آن را جزو حق‌های بنیادین تلقی کرد، چرا که این حق که به معنای حق دسترسی به اخبار و اطلاعات و همچنین حق انتشار آن به وسیله ابزار و وسایلی مانند رادیو و تلویزیون، روزنامه، مجله و امثال آن نیز است، با انتشارات عقاید، اعم از سیاسی، مذهبی و غیره، ضمن اینکه خود مصداقی از آزادی بیان است بر آزادی اندیشه و عقیده تأثیر می‌گذارد و در سطح کلان‌تر همان‌طور که گفته شد با آگاهی‌سازی شهروندان از حقوق خود نسبت به دولت و آگاهی‌سازی از عملکرد دولت، باعث می‌شود که افراد به نحو مطلوب‌تری از حق تعیین سرنوشت اجتماعی خود بهره‌مند گردند. به خصوص که این حق یکی از الزام‌های حق مشارکت در اداره امور عمومی بالمباشره یا به واسطه نمایندگی، انتخابات و تصدی مشاغل عمومی کشور، آزادی بیان و آزادی تشکلات و تشکیلات است.

۲- ماهیت و قلمرو حق بر آزادی اطلاعات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

حق مزبور که از حق‌های بشری است، در تقسیم‌بندی هوفلد جزو دسته حق-ادعا^۱ قرار

1- Claim-right

دارد و حق به معنای خاص محسوب می‌شود (Hohfeld, 1917, pp.710-715) که لازمه آن تکلیف برای طرف مقابل است. حق‌های بشری به طور کلی و حق بر آزادی اطلاعات به طور خاص نظام هنجاری است که متضمن حق‌های افراد در برابر دولت است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۵۳) و دولت‌ها متعهد به تضمین این حق‌ها در برابر افرادند. از طرف دیگر حق مزبور که جزو حق‌های سیاسی محسوب شده، جزو حق‌های نسل اول بشر بوده و حق‌های مزبور ماهیتاً به گونه‌ای هستند که تحقق آنها با عدم مداخله غیرموجه دولت امکان‌پذیر بوده و لذا باید گفت ماهیت تکلیف دولت نسبت به آنها از نوع تعهد به نتیجه می‌باشد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۵۸). حق‌های مزبور از حق‌های جهانشمول بوده؛ اما جزو حق‌های مقید می‌باشد و همانند بسیاری دیگر از حق‌های بشری محدود و مقید به قیودی است. از طرف دیگر ممکن است حق مزبور در تزامن با سایر حقوق قرار گیرد که این امر نیز خود باعث تحدید حق مزبور می‌شود.

این قیود در اسناد حقوق بشری ضمن تبیین حق‌های بشری مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ در ماده ۲۹ مقرر می‌دارد: «هر کس در اجرای حق‌ها و آزادی‌های خود تنها تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصر برای تضمین شناسایی و مراعات حق‌ها و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در یک جامعه مردم‌سالار وضع گردیده است». حق بر آزادی اطلاعات که خود مصداقی از حق آزادی بیان نیز محسوب می‌شود در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ مورد توجه قرار گرفته است؛ «۱. هر کس از حق آزادی بیان برخوردار می‌باشد. این حق شامل آزادی داشتن عقیده و دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها، بدون مداخله مقام دولتی و صرف‌نظر از مرزهای جغرافیایی می‌باشد. این ماده مانع دولت‌ها از الزام به دریافت مجوز پخش اخبار بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود». بند ۲ ماده مذکور محدودیت‌های حق مزبور را بیان کرده است؛ «۲. اعمال این آزادی‌ها، از آنجا که با خود وظایف و مسئولیت‌هایی به همراه دارند، ممکن است

1- United Nations Universal Declaration of Human Rights (1948)

2- European Convention of Human Rights (1950)

منوط به تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشد که به موجب قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به دلایل امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی به منظور حفاظت از شهرت یا حقوق دیگران، به منظور جلوگیری از افشای اطلاعات دریافتی محرمانه به منظور حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضایی، ضروری می‌باشد. به‌طور کلی آنچه از مجموع اسناد حقوق بشری و به‌خصوص ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابل استنباط است می‌توان گفت قیدهای حاکم بر حق مزبور مسائلی مانند حقوق دیگران، حریم خصوصی، نظم عمومی، منفعت عمومی، مصلحت عمومی، اخلاقیات و امثال آن است. توجه به برخی از مفاهیم مانند نظم عمومی، منفعت عمومی، مصلحت عمومی و اخلاقیات مفاهیم مجرد و انتزاعی بوده؛ لذا ضمن اینکه نمی‌توان تعریف دقیقی از آنها ارائه داد، نمی‌توان ملاک و معیار دقیق و مشخصی برای آن ارائه کرد. به همین خاطر ممکن است مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار گیرد و در مرحله عمل، برداشت‌های مختلفی از آن صورت گیرد و دولت‌ها تحت لوای الفاظ مزبور اقدام به نقض حق مزبور نمایند. برای تعیین دقیق‌تر قیود حق مزبور، بررسی آن در مرحله عمل و اجرا، آن‌هم در مرجع قضایستی مستقل و فراتر از سطح کشورها می‌تواند به‌عنوان بهترین گزینه در این زمینه تلقی شود. از این‌رو در ادامه رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر که نهاد قضایی بین‌المللی منطقه‌ای است و به‌عنوان مرجع حمایت از حق‌های بشری تلقی می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- قیود حق بر آزادی اطلاعات در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر

محدودیت‌های حق مزبور مستنبط از ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیش از هر چیز باید با احراز شرایطی باشد. این شرایط عبارت‌اند از: الف) مطابق قانون تعیین شده باشد و این محدودیت‌ها باید برای عموم به صورت شفاف و روشن باشد، ب) محدودیت‌های تعیین شده باید براساس یکی از موارد مندرج و احصا شده در اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرای مربوط قابل توجیه باشد و ج) محدودیت باید در یک جامعه دموکراتیک از ضرورت برخوردار باشد (مولایی،

۱۳۷۸، ص. ۳۱). باوجود این مبانی دخالت دولت را میتوان در قالب یکی از قیود ذیل دانست که به تبیین آن می‌پردازیم.

۳-۱- نظم عمومی^۱

مفهوم نظم عمومی در ترمینولوژی حقوق، به مجموعه سازمان‌های حقوقی و قواعد مربوط به حسن جریان امور راجع به اداره کشور و حفظ امنیت و اخلاق که تجاوز از آنها امکان‌پذیر نیست (جعفری/نگرودی، ۱۳۸۷، ص. ۷۱۷) تعریف شده است. گرچه نظم عمومی آنقدر اهمیت دارد که اساس و پایه یک جامعه عدالت محور محسوب می‌شود، چراکه امنیت اشخاص و زندگی اجتماعی، توزیع و تجدید امتیازات اجتماعی، رعایت احترام به مفاهیم کلی حقوقی و تلاش و دقت در آیین دادرسی را تضمین می‌کند؛ اما در خصوص ماهیت نظم عمومی به دلیل گستردگی و ظرافت نظم عمومی، تعریف دقیقی وجود ندارد، به گونه‌ای که این اصطلاح در قوانین موضوعه بسیاری از کشورها تعریف نشده است و حقوق دانان بسته به گرایش و تخصص خود برای رسیدن به مفهوم آن هر کدام مسیری را پیموده‌اند (الماسی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۳)؛ بنابراین در تعریف آن، آنچه مهم تلقی می‌شود، به دست دادن یک معیار و ضابطه تشخیص است، نه جامع و مانع بودن آن (رحمت‌اللهی و آقا محمدآقایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۲).

نظم عمومی یکی از مبانی اعمال محدودیت بر حقوق سیاسی شهروندان محسوب می‌شود؛ اما بی‌شک این محدودیت مطلق نبوده و نبایستی خود به انتقای حق سیاسی شهروند منجر گردد. در پرونده‌ای علیه دولت اتریش^۲ شاکی به دلیل تحریک اعضای ارتش از طریق مطبوعات (توزیع ماهنامه در میان سربازان با مطالبی انتقادی در خصوص زندگی افراد نظامی، مبنی بر اینکه قوانین ارتش برخلاف قانون اساسی و عدالت است) به نافرمانی و نقض قوانین ارتش به سه سال حبس تعلیقی محکوم گردیده بود. اگرچه در نگاه اول محکومیت نامبرده از جهت حفظ نظم در ارتش استرالیا و حفظ امنیت ملی قابل

1- Public order

2-Vereinigung demokratischer Soldaten Österreichs and Gubi v. Austria, 19 December 1994, Series A no. 302.

توجیه است؛ اما دادگاه اروپایی حقوق بشر استدلال کرد که بیشتر مطالب، پیشنهادهایی در جهت تشویق خوانندگان برای طرح شکایت قانونی بوده و علی‌رغم محتوای تحریک‌آمیز آنها به‌نظر نمی‌رسد که مطالب چیزی جز بیان ایده‌هایی که باید در ارتش یک دولت مردم‌سالار رعایت شود، باشد و لذا محکومیت نامبرده را برخلاف ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانست (Voorhoof et al, 2016, p.37).

در پرونده‌ای دیگر علیه دولت انگلیس^۱، که حاوی شکایت‌های مشابه بود، افرادی به‌دلیل برهم زدن نظم عمومی از سوی مقامات انگلیس دستگیر و بازداشت شدند که نسبت به این موضوع به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کردند. شاکیان فعالان حوزه محیط زیست و صلح بودند که یکی در اعتراض به ساخت یک بزرگراه به دلیل ایجاد مشکلات زیست‌محیطی و دیگری در اعتراض به فروش بالگردهای نظامی شرکت کرده بودند. این اعتراض‌ها از طریق توزیع اعلامیه و در دست داشتن بنر در مقابل یک مرکز اجلاس بود. دادگاه اروپایی با این استدلال که هیچ نشانه‌ای از اینکه این افراد مانع از برگزاری اجلاس شده‌اند یا تلاشی برای جلوگیری از برگزاری اجلاس کرده باشند یا اقدام‌هایی برای تحریک دیگران به خشونت کرده باشند، وجود ندارد و توزیع مسالمت‌آمیز اعلامیه نمی‌تواند نقض صلح و نظم عمومی تلقی شود و با اتفاق آرا به این نتیجه رسید که نقض ماده ۱۰ کنوانسیون صورت گرفته است (Voorhoof et al, 2016, p.53-55).

۳-۲- منفعت عمومی^۲

ترکیب منفعت عمومی همانند بیشتر مفاهیم علوم انسانی، دارای تشبث در تعریف و تبیین است (ویژه و امجدیان، ۱۳۹۴، ص.۲۶). منفعت عمومی را می‌توان هر آن چیزی دانست که برای عموم افراد جامعه دارای ارزش و سودمند تلقی شده و همگان امکان بالقوه استفاده از آن را خواهند داشت (حاج‌زاده، ۱۳۹۳، ص.۷). از منظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، منفعت عمومی به اموری مربوط می‌شود که به‌حدی بر عموم تأثیر می‌گذارد که می‌توان گفت عموم

1- Steel and Others v. the United Kingdom, 23 September 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-VII.

2- Public interest

4- Társaság a Szabadságjogokért v. Hungary - 37374/05 Judgment 14.4.2009.

مربوط به مواد مخدر تقاضای دسترسی به این شکایت را کرد که دادگاه قانون اساسی مجارستان با این استدلال که داده‌های مزبور «شخصی» است و شکایات فقط با تأیید شاکی می‌تواند در اختیار افراد خارج از دعوی قرار گیرد، درخواست وی را رد کرد. با شکایت در دادگاه اروپایی، دادگاه مزبور استدلال کرد که با توجه به ماهیت فعالیت‌های سازمان مزبور، متقاضی یک ناظر عمومی اجتماعی بوده که فعالیت‌هایش از حمایتی شبیه حمایتی که کنوانسیون برای مطبوعات ارائه می‌کند برخوردار است و از طرف‌دیگر درخواست برای بررسی قانون از منظر قانون اساسی، به‌ویژه زمانی که توسط یکی از نمایندگان مجلس مطرح شود، بدون شک یک موضوع مربوط به منافع عمومی را تشکیل می‌دهد و ضمناً هیچ اشاره‌ای به زندگی خصوصی نماینده مجلس مورد نظر در شکایت دیده نمی‌شود؛ لذا اگر مقامات عمومی بتوانند مطبوعات و مباحثات عمومی را به نام حقوق شخصیتی خود سانسور کنند برای آزادی بیان در عرصه سیاست، کشنده خواهد بود (Voorhoof et al, 2016, p.197-198).

۳-۳- امنیت عمومی^۱

امنیت از ایمان و ایمنی گرفته شده که به مفهوم آرامش در برابر ترس، رعب و نگرانی است (عمید، ۱۳۷۹، ص. ۵۸۹) ریشه لاتین امنیت واژه secures است که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است. در اصطلاح حقوق، علما تعاریف متعددی ارائه داده‌اند؛ چنانچه از دید لارنی مارتین^۲، «امنیت تضمین رفاه آتی است» و از دید ایان بلانی^۳، «امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ» و از دید جان ای مورز^۴، «امنیت عبارتست از رهایی نسبی از تهدیدهای زیانبخش» (باری، ۱۳۷۸، ص. ۲۵). در تعریف جامع‌تری که از واین جونز^۵ ارائه شده، امنیت «به نبود هراس و بیم نسبت به مخاطره یافتن حقوق و آزادی‌های مشروع و به مصون بودن از تهدید و مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که

1- public security

2- Larene Martin

3- Ian Bellany

4- John. E. Morrz

5- Wyn Jones

آرامش انسان را از بین ببرد» تعریف شده است (Jones, 1999, p.102). گزارش توسعه انسانی^۱ در سال ۱۹۹۴ به دو مسئله اصلی تشکیل‌دهنده امنیت انسانی تأکید دارد: «آزادی از ترس» و «آزادی از احتیاج». این آزادی‌ها، بخشی از چهار آزادی است که فرانکلین روزولت در سخنرانی‌اش در سال ۱۹۴۱ به آن اشاره کرده است. وی از آزادی‌هایی چون «آزادی بیان و سخنرانی، آزادی اعتقاد، آزادی از ترس و آزادی از احتیاج» نام می‌برد (Roosevelt, 1941, pp.663-672).

به‌عنوان مثال در پرونده‌ای علیه دولت بریتانیا^۲ دو روزنامه‌نگار قصد چاپ و انتشار کتابی با عنوان «جاسوس‌گیر»^۳ با نویسندگی پیتیر رایت^۴ را داشتند. نویسندگان در این کتاب فهرستی از فعالیت‌های غیرقانونی که توسط مأمور سرویس اطلاعاتی بریتانیا ادعا شده بود را بیان کرده بود. نویسندگان بیان داشته بود که MI5 تمامی اجلاس‌های دیپلماتیک در لندن در سرتاسر دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ را به‌صورت پنهانی رصد می‌کرده است؛ ازجمله آنها مذاکرات استقلال زیمبابوه در سال ۱۹۷۹ است که این سرویس اطلاعاتی دیپلمات‌هایی از فرانسه، آلمان، یونان و اندونزی و ازجمله هتل محل اقامت خروشچف را جاسوسی کرده است. دادستان درخواست صدور قرار منع دائم چاپ کتاب را داده و در جولای ۱۹۸۶ قرار موقت صادر شد؛ اما با رد درخواست قرار منع دائم توسط مجلس لردان، شاکیان به دادگاه اروپایی از قرار منع موقت اعتراض کردند. استدلال دولت بریتانیا این بود که اطلاعاتی که نویسندگان بیان کرده به‌صورت محرمانه بوده و اگر منتشر شود اعتماد کشورهای دیگر نسبت به سرویس اطلاعاتی بریتانیا سلب شده که این باعث لطمه به امنیت بریتانیا و متضرر شدن دولت می‌شود؛ اما قاضی این استدلال را نقض آزادی دریافت اطلاعات دانسته و معتقد بود که این عمل افراد را از اطلاعات مربوط به عملکرد ارگان‌های دولتی محروم می‌کند، که این خود نقض حق بنیادین مردم سالارانه است. مطبوعات و رسانه‌ها باید در انتشار اخبار عمومی آزاد باشند و در زمان صلح دولت نمی‌تواند اتاکی برای محدود کردن انتشار اطلاعات تأسیس کند (Bychawska-Siniarska,)

1- Human Development Report 1994

2- Observer and Guardian v United Kingdom - 13585/88 Judgment 26.11.1991.

3- Spy catcher

4- Peter Wright

2017, p.48). در پرونده‌ای دیگر علیه دولت یوگسلاوی^۱ در سال ۲۰۱۷ که تعدادی خبرنگار، مناظره انتخابات مجلس یوگسلاوی را پوشش می‌دادند، به‌دنبال درگیری لفظی نمایندگان مجلس، نیروهای امنیتی مداخله کرده و علی‌رغم آنکه خبرنگاران نقشی در درگیری نداشتند و منفعلانه عمل کردند؛ اما نیروهای امنیتی آنان را از صحنه اخراج کردند که استدلال دادگاه اروپایی این بود که با توجه به اینکه نامبردگان هیچ‌گونه تهدیدی برای امنیت عمومی و نظم در مجلس نداشتند و از طرفی حذف آنها اثرهای نامطلوبی را به‌دنبال خواهد داشت و خبرنگاران را از دستیابی به دانش مستقیم و دست اول و براساس تجربه شخصی خود از وقایع رخ داده در مجلس که همگی عناصر مهمی در اجرای وظایف روزنامه‌نگاری است، محروم داشته است؛ لذا این اقدام را نمی‌توان نقض امنیت عمومی و در نتیجه مجوز تحدید حق انتشار آزاد اطلاعات دانست.

نکته مهمی که در آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر مشاهده می‌شود این است که حتی زمانی که عملکرد دولت را به‌دلیل یکی از قیود حاکم حتی حفظ امنیت عمومی تأیید می‌کند، معتقد است که مجازات مورد حکم باید به‌گونه‌ای باشد که خللی در کار اصحاب رسانه ایجاد نشود؛ به‌عنوان مثال، در پرونده‌ای علیه دولت ایتالیا^۲، سه روزنامه‌نگار، مرتکب شنود غیرقانونی گفتگوهای بین افسران پلیس به‌منظور اطلاع سریع از صحنه‌های جنایت و تهیه گزارش آن شده بودند و دادگاه کیفری ایتالیا آنان را به حبس تعلیقی و توقیف تجهیزات رادیویی که به‌صورت غیرقانونی در اختیار داشتند، محکوم کرد. دادگاه اروپایی ضمن تأیید اصل محکومیت آنان به دلیل ارتکاب جرم، مجازات حبس صادره را نیز به دلیل تعلیقی بودن، متناسب دانست و اذعان داشت دادگاه‌های ایتالیا بین وظیفه روزنامه‌نگاران برای رعایت قوانین داخلی و استمرار فعالیت‌های روزنامه‌نگاری آنها تمایز مناسب قائل شده‌اند و در غیر این صورت می‌توانست محدود کردن فعالیت‌های آنها محسوب شود که پذیرفتنی نیست (Voorhoof et al, 2016, pp.371-372).

1- Selmani and Others v. the former Yugoslav Republic of Macedonia - 67259/14 Judgment 9.2.2017 available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng#%7B%22itemid%22%3A%22002-11386%22%7D> last visited: 12/20/2023

2- Brambilla and Others v. Italy, no. 22567/09, 23 June 2016.

۳-۴- اخلاقیات و شرع^۱

یکی از مهمترین قیده‌های حاکم، اخلاق حسنه است. اخلاق حسنه مفهومی خیلی نزدیک به نظم عمومی دارد، به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند رابطه بین این دو رابطه عموم و خصوص مطلق است، چرا که برخی از قواعد الزام‌آور جزء نظم عمومی‌اند؛ اما رعایت نکردن آن کاری ضد اخلاقی تلقی نمی‌شود، از طرف دیگر هر امر غیر اخلاقی خود به خود خلاف نظم عمومی هم هست (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۱). در مقابل عده‌ای دیگر رابطه این دو را عموم و خصوص من وجه دانسته‌اند (شهابی و شهیدی، ۱۳۹۷، ص. ۵۱۳). اگرچه قواعد اخلاقی بر تمامی جوامع انسانی حاکم است؛ اما در کشورهای اسلامی قلمرو دیگری به نام قواعد شرعی نیز وجود دارد که حق‌ها و آزادی‌های سیاسی افراد می‌تواند تحت تأثیر آن باشد. با توجه به اینکه قواعد اخلاقی متناسب با مقتضیات هر جامعه ممکن است متفاوت باشد، به همین دلیل در اکثر پرونده‌های مطرح در دادگاه اروپایی حقوق بشر، که آزادی افراد با موانع اخلاقی و مذهبی مواجه شده است، دادگاه اروپایی، رأی دادگاه‌های داخلی را به دلیل احاطه بر قواعد اخلاقی و مذهبی ملی تأیید می‌کند؛ به عنوان مثال در پرونده‌ای علیه دولت سوئیس^۲ دخالت مقامات دولتی در آزادی‌های افراد و از جمله آزادی بیان توسط دادگاه اروپایی منطقی و در جهت حمایت از اخلاقیات در یک جامعه مردم‌سالار ضروری تشخیص داده شد. در پرونده مذکور، آقای مولر در یک نمایشگاه هنری نقاشی‌هایی با موضوع‌های لواط، استمناع، جماع با حیوانات و همجنس‌گرایی را به نمایش گذاشته بود. دادگاه سوئیس وی را محکوم کرد. ولی نامبرده مدعی نقض آزادی بیان در دادگاه اروپایی حقوق بشر بود. دادگاه اروپایی ضمن اشاره به فقدان مفهوم واحد از اخلاقیات در قلمرو دولت‌های عضو کنوانسیون، مقرر داشت دادگاه‌های ملی در موقعیت بهتری نسبت به قضات بین‌المللی در خصوص تصمیم‌گیری در مورد اخلاقیات قرار دارند، و در ضمن آن بیان داشته که نقاشی‌های مزبور به روش گستاخانه‌ای روابط جنسی، به خصوص رابطه انسان و حیوان را به نمایش گذاشته است و از آنجاکه هیچ‌گونه محدودیت سنی یا قید دیگری در بازدید قید نگردیده مسئول نمایشگاه نیز برخلاف اخلاقیات عمل کرده است

1- morals and religion

2- Müller and Others v Switzerland – 10737/84 Judgment 24 May 1988.

(Bychawska-Siniarska, 2017, p.57). در پرونده دیگری علیه دولت فنلاند^۱ که در سال ۲۰۱۱ مطرح شد خانم هنرمندی آثار هنری خود را در گالری هنری در هلسینکی به نمایش گذاشت. این آثار شامل صدها عکس از دختران نوجوان یا زنان بسیار جوان در حال اعمال جنسی بود. تصاویر از صفحات اینترنت رایگان بارگیری شده بود. یک روز پس از افتتاح نمایشگاه، پلیس تصاویر را ضبط کرد و نمایشگاه تعطیل شد. پلیس همچنین رایانه خانم مزبور را توقیف کرد. دادستان عمومی علیه این هنرمند اتهاماتی را مطرح کرد. دادگاه داخلی این هنرمند را به دلیل داشتن و توزیع تصاویر زننده جنسی که کودکان زیر ۱۸ سال را نشان می‌دهد محکوم کرد. همچنین با اشاره به اینکه اگرچه طبق بخش‌های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ قانون مجازات فنلاند داشتن و توزیع تصاویر زننده جنسی که کودکان را به تصویر می‌کشد، عمل مجرمانه تلقی می‌شود؛ اما با توجه به اینکه قصد مرتکب، ارتکاب یک عمل مجرمانه نبوده بلکه برعکس انتقاد از دسترسی آسان به پورنوگرافی کودکان در اینترنت بود و از طرفی، این جرائم قابل بخشش بودند، دادگاه فنلاند ممنوعیت و محرومیتی را علیه این هنرمند اعمال نکرد ولی در عوض دستور توقیف تمامی تصاویر را صادر کرد. نامبرده بابت نقض آزادی بیان، به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کرد و دادگاه با این استدلال که در اختیار داشتن و نمایش عمومی پورنوگرافی کودکان در هر صورت مشمول مسئولیت کیفری است و این اقدام نامبرده ضمن اینکه نقض حریم خصوصی کودکان است، نقض ملاحظه‌های اخلاقی نیز محسوب می‌شود، دعوای وی را رد کرد (Voorhoof et al, 2016, p.245).

۳-۵- وفاق ملی^۲

وفاق ملی و یا وحدت ملی در جوامع امروزی، به‌خصوص جوامع چندفرهنگی که دارای اقوام، مذاهب، زبان و نژاد مختلف هستند از اهمیت زیادی برخوردار است. جریحه‌دار کردن احساسات هویت‌های مختلف در کشور نه تنها نظم و امنیت عمومی را به هم می‌زند بلکه می‌تواند منجر به جنگ‌های داخلی و فروپاشی گردد. به همین مناسبت یکی از مبانی

1- Karttunen v Finland (dec.), no. 1685/10, 10 May 2011.

2- National Consensus

دخالت دولت، حفظ وفاق ملی است. شاخص‌ترین پرونده‌هایی که در این خصوص می‌توان مثال زد، دعاوی است که علیه ترکیه در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح شده است. در ۸ ژوئیه ۱۹۹۹، دادگاه مذکور در مورد ۱۳ پرونده که علیه ترکیه به دلیل نقض ماده ۱۰ کنوانسیون و حق آزادی بیان مطرح شده بود، رأی صادر کرد که در ۱۱ مورد^۱ آن به نقض ماده ۱۰ رأی داد. همه این دعاوی مربوط به محکومیت نشریات به دلیل تبلیغات جدایی طلبانه علیه تمامیت ارضی ترکیه و تشویق کردها به رفتارهای تجزیه طلبانه است. دادگاه‌های داخلی استنتاج کرده بودند که حمایت از امنیت ملی، همبستگی سرزمینی، وحدت ملی و جلوگیری از بی‌نظمی از قیود حق بر آزادی بیان است که متهمین آنها را نقض کرده‌اند. با بررسی کامل عبارات و محتوای نشریه‌ها، دادگاه اروپایی به این نتیجه می‌رسد که غیر از مطالب مندرج در دو هفته‌نامه^۲، سایر مقالات، گزارش‌های خبری و سخنرانی‌ها هیچ‌کدام به دنبال ترویج خشونت نبوده و صرفاً انتقاد از عملکرد دولت بوده که این یکی از وظایف رسانه‌هاست. همچنین تأکید کرد که قلمرو انتقادات از بدنه دولت و سیاستمداران گسترده‌تر از شهروندان خصوصی است و این مقامات داخلی در بهره‌مندی عموم از حق بر آگاهی از ابعاد مختلف وضعیت در جنوب شرق ترکیه بدون توجه به اینکه برای آنان خوشایند یا ناخوشایند باشد کوتاهی کرده‌اند و این برخلاف ماده ۱۰ کنوانسیون است. وانگهی این‌گونه محکومیت‌ها خصوصاً با مجازات‌های سنگین، مانع از مشارکت مطبوعات و رسانه‌ها در موضوعات مورد علاقه عمومی است. علاوه بر این، طبق

1- Arslan v. Turkey [GC], no. 23462/94, 8 July 1999.

Polat v. Turkey [GC], no. 23500/94, 8 July 1999.

Başkaya and Okçuoğlu v. Turkey [GC], nos. 23536/94 and 24408/94, ECHR 1999-IV.

Karataş v. Turkey [GC], no. 23168/94, ECHR 1999-IV.

Erdoğan and İnce v. Turkey [GC], nos. 25067/94 and 25068/94, ECHR 1999-IV.

Ceylan v. Turkey [GC], no. 23556/94, ECHR 1999-IV.

Okçuoğlu v. Turkey [GC], no. 24246/94, 8 July 1999.

Gerger v. Turkey [GC], no. 24919/94, 8 July 1999.

Sürek and Özdemir v. Turkey [GC], nos. 23927/94 and 24277/94, 8 July 1999.

Sürek v. Turkey (no. 2) [GC], no. 24122/94, 8 July 1999.

Sürek v. Turkey (no. 4) [GC], no. 24762/94, 8 July 1999.

2- Sürek v. Turkey (no. 1) [GC], no. 26682/95, ECHR 1999-IV.

Sürek v. Turkey (no. 3) [GC], no. 24735/94, 8 July 1999.

نظر دادگاه، در این پرونده‌ها نقض ماده ۶ کنوانسیون در خصوص حق دادرسی در دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف نیز صورت گرفته است، چراکه این دعاوی در دادگاه‌های امنیت ملی ترکیه مورد رسیدگی قرار گرفته بودند که یک نفر از سه قاضی آن، نظامی هستند (Voorhoof et al, 2016, pp.60-61).

۳-۶- حریم خصوصی و سایر منافع مشروع دیگران^۱

این محدودیت در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. چرا که عدم توجه به حقوق دیگران، به معنی مطلق بودن حق‌های سیاسی است و با توجه به تزامن حق‌ها می‌بایست گفت یکی دیگر از مبانی دخالت دولت، تحدید حق‌های بشر به‌طور کلی و حق‌های سیاسی به طور خاص در جهت حمایت از حقوق سایرین است. چنانکه جان استوارت میل در کتاب «رساله‌ای در باب آزادی» به بهترین نحو ممکن بیان می‌دارد که آزادی فرد را، حق تساوی فرد دیگر بر آزادی، محدود می‌کند (میل، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۴). در طیف عظیمی از پرونده‌های مطرح در دادگاه اروپایی، به این موضوع پرداخته شده است که آیا نقض آزادی بیان در راستای حمایت از حقوق دیگران به صورت موجه صورت گرفته است یا خیر. در پرونده‌ای علیه دولت سوئیس^۲ در سال ۲۰۰۶ گزارشگر روزنامه‌ای تصمیم گرفت در مورد یک سرقت بزرگ از اداره پست در زوریخ، تحقیق کند؛ لذا تقاضای اسامی افرادی که در رابطه با سرقت دستگیر شده بودند را داشت و با توجه به عدم حضور دادستان در اداره، این تقاضا را از دستیار اداری وی کرد که نامبرده اطلاعات را در اختیار گزارشگر قرار داد و وی علی‌رغم آنکه اطلاعات مزبور را منتشر نکرده بود ولی آنان را به یکی از مأموران پلیس نشان داده و او نیز ماجرا را به مقامات تعقیب اعلام کرده و علیه گزارشگر، پرونده کیفری مبنی بر تحریک دیگری به افشای اسرار رسمی مطرح شد که منجر به محکومیت وی در دادگاه سوئیس شد؛ اما دادگاه اروپایی حقوق بشر ضمن پذیرش این موضوع که داده‌های

1- privacy and other legitimate private interests

2- Dammann v. Switzerland - 77551/01 Judgment 25.4.2006

مربوط به سوابق کیفری مظنون باید مورد حفاظت قرار گیرد، با این استدلال که در پرونده مورد بحث، با توجه به اینکه نامبرده تصمیم گرفته بود اطلاعات مورد نظر را منتشر نکند، و از طرفی هیچ آسیبی به حقوق افراد مربوطه وارد نشده است نمی‌تواند نقض حقوق دیگران محسوب شود و محکومیت روزنامه‌نگار، نقض ماده ۱۰ کنوانسیون است (Voorhoof et al, 2016, p.144).

همچنین در پرونده‌ای علیه دولت استونی^۱ در سال ۲۰۱۳ یکی از بزرگترین پورتال‌های خبری استونی در اینترنت به نام دلفی، به دلیل اظهارات توهین‌آمیز شدید در نظرهای برخط خواندگانش، محکوم به نقض حقوق شخصیتی شاکی (یک کاپیتان از حوزه صنعت) شناخته شد. مطابق دستورالعمل تجارت الکترونیک و قانون استونی، هیچ تعهد کلی برای نظارت نباید بر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی تحمیل شود و حذف سریع در صورت اطلاع از محتوای غیرقانونی، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را از مسئولیت معاف می‌کند. علی‌رغم اینکه دلفی این‌گونه عمل کرده بود و به سرعت و به محض اطلاع از اظهارات توهین‌آمیز اقدام به حذف آن از تارنمای خود کرده بود، مشمول معافیت مزبور نشد؛ چراکه نظرهای خوانندگان را در پورتال خبری خود ادغام کرده بود و کاربران را برای ارسال نظرها دعوت می‌کرد و از منافع اقتصادی ناشی از ادغام بستر خبری خود با محیط نظرات کاربران بهره‌برداری می‌کرد. از آنجا که دلفی به جای ارائه‌دهنده خدمات فنی، ارائه‌دهنده خدمات محتوا در نظر گرفته شد که باید به‌طور مؤثر از انتشار نظرهای غیرقانونی جلوگیری می‌کرد؛ لذا دادگاه‌های استونی دلفی را به دلیل اینکه باید از علنی شدن اظهارات توهین‌آمیز جلوگیری می‌کرد، محکوم کرد و دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز با اتفاق آرا آن را تأیید کرد و دخالت دولت را موجه و متناسب در حق آزادی بیان دلفی دانست (Voorhoof et al, 2016, pp.295-296).

برابر رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، در خصوص احتمال تزامم بین انتشار اطلاعات به دلیل منافع عمومی و حریم خصوصی می‌بایست بین این دو توازن برقرار شود. در پرونده‌ای علیه دولت سوئد^۲ در سال ۲۰۱۰، دادگاه اروپایی حکمی را در مورد یک پرونده

1- Delfi AS v. Estonia, no. 64569/09, 10 October 2013.

2- Gillberg v. Sweden, no. 41723/06, 2 November 2010.

جالب با ترکیبی عجیب از مسائل مربوط به آزادی بیان، تحقیقات دانشگاهی، داده‌های پزشکی، حفاظت از حریم خصوصی و دسترسی به اسناد رسمی صادر کرده است. در این پرونده آنچه استنتاج شده این است که اگر روش تحقیق مطالعات یا تجزیه و تحلیل داده‌های علمی و نتیجه‌گیری‌های مبتنی بر داده‌ها قابل دسترسی برای بررسی، بحث و مناظره نباشد، - البته تحت شرایط سخت حفاظت از حریم خصوصی در رابطه با داده‌های پزشکی - پیشرفت در علم و دانش به‌طور بی‌موردی با مانع مواجه می‌شود. در این پرونده یک استاد سوئدی در دانشگاه گوتنبرگ (آقای گیلبرگ) مسئول طرح تحقیقاتی طولانی‌مدت در مورد بیش‌فعالی کودکان بوده است. در مورد محرمانه بودن داده‌های جمع‌آوری شده اطمینان خاصی به والدین کودکان و بعداً به خود جوانان داده شده و کمیته اخلاق دانشگاه نیز پیش‌شرط طرح را این قرار داده بود که اطلاعات حساس در مورد شرکت‌کنندگان فقط برای خود و کارکنانش قابل دسترسی باشد. چند سال بعد دو محقق دیگر که به دانشگاه گوتنبرگ مرتبط نبودند درخواست دسترسی به مواد تحقیقاتی را کردند که درخواست آنان توسط آقای گیلبرگ و سپس دانشگاه رد شد. هر دو محقق در خصوص تصمیمات دانشگاه به دادگاه سوئد اعتراض کردند و دادگاه با تشخیص اینکه محققان به‌خوبی با روش‌های رسیدگی به داده‌های محرمانه آشنا هستند، رأی به دسترسی محققان به داده‌ها را داد و شرایطی که محققان در استفاده از داده‌ها باید رعایت کنند را نیز مشخص کرد. با این حال، دانشگاه و آقای گیلبرگ از دسترسی محققان ممانعت کردند و چند روز بعد، داده‌های تحقیق توسط چند نفر از همکاران آقای گیلبرگ از بین رفت. به دنبال این ماجرا ضمن محکوم شدن دانشگاه و همکاران آقای گیلبرگ به دلیل از بین بردن داده‌ها، آقای گیلبرگ نیز به دلیل سوءاستفاده از مقام به مجازات محکوم شد که منجر به شکایت آقای گیلبرگ به دادگاه اروپایی حقوق بشر بابت نقض حق آزادی بیان وی از نوع منفی (منع از برقراری ارتباط) می‌شود. ضمناً وی مدعی بوده است که خودداری وی به دلیل حمایت از حقوق دیگران و حفظ حریم خصوصی کودکان شرکت‌کننده در پژوهش بوده است. دادگاه با این استدلال که برای پیشرفت دانش، باید روش‌ها و شواهد مورد استفاده در تحقیقات، - البته با در نظر گرفتن اصول حفاظت از

داده‌های شخصی، توسط سایر محققان بحث و بررسی شود، اصل محکومیت را ناقض ماده ۱۰ کنوانسیون ندانست ولی در میزان مجازات، به این دلیل که وی تلاش کرده از حریم خصوصی و تمامیت شرکت‌کنندگان در تحقیق محافظت کند، قائل به تخفیف شد (Voorhoof et al, 2016, pp.231-233).

۳-۷- حقوق مالکیت فکری^۱

یکی از حقوق مشروع دیگران به عنوان یکی از قیود مداخله دولت ها در آزادی اطلاعات و انتشار آن، حقوق مالکیت فکری است. حقوق مالکیت فکری، حقوقی است که شخص نسبت به نتایج، یافته‌ها و آثار فکری خود دارد (محمودی، ۱۳۹۱، ص. ۹۷) حق مزبور که صاحب آن از دو نوع حق مالی و اخلاقی بهره‌مند می‌گردد، غالباً ماهیت منفی و سلبی دارد تا ماهیت و محتوای ایجابی. به عبارت دیگر حق مزبور حقی است که به پدیدآورده خود امکان می‌دهد دیگران را از تجاوز به حق خود باز دارد تا اینکه حق مثبت بهره‌برداری (مانند ساخت، تولید، فروش و امثال آن) بدهد (Shear and Kelley, 2006, p.1128). حق مزبور به دلیل نزدیکی با حق آزادی اطلاعات دارای مرز مشخصی نیست و گاه به نام حق آزادی اطلاعات ممکن است حق مالکیت افراد و گاه برعکس به نام حق مالکیت فکری ممکن است حق آزادی اطلاعات و آزادی انتشار آن محدود گردد (شیخی، ۱۳۸۴، ص. ۹۰-۹۴)؛ لذا تعیین مرز دقیق بین این دو نیز به سختی امکان‌پذیر است. دادگاه اروپایی حقوق بشر برای اولین بار در پرونده‌ای علیه دولت فرانسه^۲ در سال ۲۰۱۳، بیان داشته محکومیت مبتنی بر قانون مالکیت فکری برای بازتولید غیرقانونی یا نشر عمومی مطالب محافظت شده از طریق حق مؤلف می‌تواند به عنوان مداخله در حق آزادی بیان و اطلاعات مطابق ماده ۱۰ کنوانسیون تلقی شود. در پرونده مذکور سه عکاس مد، پس از انتشار تصاویر موجود در نمایشگاه مد در پاریس که در سال ۲۰۰۳ گرفته شده بود در تارنمای اینترنتی viewfinder به دلیل نقض مالکیت فکری در مجموع به ۲۵۵۰۰۰ یورو به عنوان جریمه و غرامت به فدراسیون طراحی لباس فرانسه و پنج خانه مد محکوم شدند. دادگاه اروپایی گرچه

1- intellectual property rights

2- Ashby Donald and Others v. France, no. 36769/08, 10 January 2013.

محکومیت به پرداخت خسارت را دخالت در حق آزادی بیان منتشران عکس‌ها می‌داند، چرا که آزادی بیان شامل انتشار تصاویر در اینترنت نیز می‌شود، با این حال با بیان اینکه در این موارد باید به مقامات داخلی اختیار عمل گسترده‌تری داده شود، همسو با دادگاه فرانسه، معتقد است انتشار تصاویر بدون مجوز صاحبان حق مؤلف، نقض حقوق مالکیت فکری آنان محسوب می‌شود و مداخله دولت در آزادی بیان موجه است. به خصوص اینکه انتشار تصاویر مدل‌ها در یک شوی مد، یک موضوع دارای منفعت عمومی نیست که بتواند انتشار تصاویر بدون اجازه صاحبان حق مؤلف را توجیه نماید؛ بنابراین طبق نظر دادگاه اروپایی، قاضی ملی با برتری دادن به حقوق پدیدآورندگان مد بر حق آزادی بیان خواهان دعوا از حاشیه اختیار خود فراتر نرفته و نقض ماده ۱۰ کنوانسیون صورت نگرفته است (Voorhoof et al, 2016, pp.276-277).

۳-۸- تجویز شده توسط قانون^۱

مطابق ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در زمینه دسترسی به اسناد دولتی، هر یک از قیود فوق‌الذکر در صورتی می‌تواند مجوزی برای مداخله در حق دسترسی به اطلاعات و آزادی انتشار آن باشد که به موجب قانون پیش‌بینی و تجویز شده باشد. در پرونده‌ای علیه دولت صربستان^۲ در سال ۲۰۱۳، یک سازمان غیردولتی که با هدف اطمینان از احترام به حقوق بشر، مردم‌سالاری و حاکمیت قانون تأسیس شده بود از سازمان اطلاعات دولت صربستان درخواست اطلاعات در جهت تضمین اهداف مذکور را نمود که سازمان اطلاعات این درخواست را رد کرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر در رای خود چنین استدلال کرد که یک سازمان غیردولتی درگیر در موضوع‌های مربوط به منافع عمومی نقش نظارت عمومی با اهمیتی مشابه نقش مطبوعات ایفا می‌کند. از آنجایی که بدیهی است متقاضی خواهان جمع‌آوری قانونی اطلاعات مورد علاقه عمومی به قصد انتقال آن به عموم و در نتیجه مشارکت در مباحث عمومی داشته است، حق آزادی بیان نقض شده است. آزادی بیان می‌تواند مشمول محدودیت‌هایی باشد؛ اما هرگونه محدودیتی باید

1- Prescribed by law.

2- Youth Initiative for Human Rights v. Serbia - 48135/06 Judgment 25.6.2013.

مطابق با قوانین داخلی باشد. محدودیت‌های اعمال شده توسط سازمان اطلاعات در پرونده مذکور این معیار را برآورده نکرده است؛ لذا اقدام سازمان اطلاعات صربستان مغایر با قوانین داخلی بوده و نوعی خودسری می‌باشد (Voorhoof et al, 2016, pp.286-287). همچنین در پرونده‌ای دیگر علیه دولت مجارستان^۱ در سال ۲۰۰۹ یک تاریخ‌دان از وزارت کشور درخواست نمود تا به اسناد خاصی دسترسی پیدا کند؛ زیرا او مایل به انتشار مطالعه‌ای در خصوص عملکرد سرویس امنیت دولت مجارستان در دهه ۱۹۶۰ بود. درخواست وی به دلیل طبقه‌بندی اسناد مذکور به عنوان اسرار دولتی رد شد. پس از شکایت به دادگاه منطقه‌ای و در نهایت دیوان عالی این کشور و علی‌رغم صدور رأی به نفع وی، وزارت کشور اجازه دسترسی را به شرط دادن تعهد رعایت محرمانه‌گی به وی داد که وی را به هدفش نمی‌رساند. علی‌رغم اعتراض‌های مکرر، پس از گذشت ۸ سال همچنان به متقاضی دسترسی نامحدود به تمام اسناد مربوطه داده نشده بود. دادگاه اروپایی استدلال کرد که اکراه سرسختانه مقامات از اجرای احکام و دستورهای قضایی، در تضاد با قوانین داخلی و مساوی با خودسری است. این سوءاستفاده از قدرت از سوی مقامات عمومی را نمی‌توان یک اقدام «تجویز شده توسط قانون» توصیف کرد (Voorhoof et al, 2016, p.199).

نتیجه‌گیری

حق بر آزادی اطلاعات به عنوان یکی از حق‌های بشری و به خصوص حق‌های سیاسی محسوب می‌شود که نقش اساسی در تضمین سایر حق‌های بشری دارد. چرا که حق مزبور باعث ارتقای سطح آگاهی افراد جهت شناخت امور و آگاهی از حقوق خود، تصمیم‌گیری بهتر و مناسب‌تر در امور عمومی، شناخت بیشتر و دقیق‌تر در انتخابات و ارزیابی عملکرد دولت‌ها می‌شود. همچنین لازمه حق مشارکت در سرنوشت عمومی، آگاهی از مسائل و امور است تا شهروندان بتوانند در تصمیم‌گیری‌های عمومی نقش مؤثر و مطلوبی ایفا نمایند؛ لذا اگر حق مزبور به نحو مطلوبی محقق شود می‌تواند از

1- Kenedi v. Hungary - 31475/05 Judgment 26.5.2009.

طریق شفاف‌سازی امور و ارتقای سطح آگاهی‌های مردم زمینه استمرار حاکمیت مردم را تسهیل و در نتیجه در تحقق مردم‌سالاری کمک‌کننده باشد. حق مزبور بر مبنای تحلیل هوفلد حق-ادعا بوده که ذیحق آن افراد بشر و مکلف آن دولت‌ها می‌باشند. لازمه بهره‌مندی از حق مزبور، داشتن رسانه‌ها و ابزارهای اطلاع‌رسانی مستقل و بی‌طرف است. در صورتی که ابزارهای مزبور فراهم نباشد بهره‌مندی از حق مزبور نیز به نحو مطلوبی فراهم نخواهد شد، به خصوص اینکه کشورهای غیرمردم‌سالار با تسلط و دخالت در رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جریان اطلاع‌رسانی صحیح را مختل کرده و از آن در جهت توجیه اقدام‌های خلاف حقوق بشری خود استفاده می‌نمایند. با این حال، حق مزبور حقی مطلق نبوده و بلکه مقید است که قیود آن در اسناد بین‌المللی مشخص شده است؛ اما نکته مهم این است که قیود مزبور عمدتاً مفاهیم مجرد بوده که نه تنها در قوانین در خصوص تعریف و ماهیت آنها سکوت اختیار شده بلکه حتی در دکترین حقوقی نیز در خصوص آنها اختلاف نظر وجود دارد و به سادگی ممکن است مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار گیرد. یکی از راهکارهای تعیین قلمرو قیود مزبور توجه به رویه قضایی، آن هم توسط مرجع قضایی بی‌طرف و فراتر از سطح دولت-کشورها، یعنی دادگاه اروپایی حقوق بشر است. توجه به رویه قضایی دادگاه مذکور نشان می‌دهد که در بیشتر مواردی که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به استناد به قیود مزبور حقوق افراد را در انتشار آزاد اطلاعات و دسترسی به آن محدود کرده‌اند، دادگاه حقوق بشر دولت عضو را محکوم به نقض آزادی اطلاعات کرده است و استناد به قیود را موجه ندانسته است. آنچه که به عنوان قاعده می‌توان از رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر استخراج کرد این است که در هر پرونده، با توجه به اوضاع و احوال آن به بررسی فواید آزادی بیان و انتشار آزاد اطلاعات و مضرات نقض آن می‌پردازد و با توجه به ظرفیت تفسیرپذیر بودن قیود مداخله دولت‌ها در حق مزبور، رأی به نقض یا عدم نقض آن می‌دهد. به ویژه در تعیین مجازات اشخاصی که بر خلاف قانون به انتشار اطلاعات پرداخته‌اند به این نکته توجه دارد که مجازات در نظر گرفته شده، خللی در انجام وظیفه صاحبان رسانه ایجاد نکند؛ به طوری که اولاً مانعی بر ادامه فعالیت آنها در آینده نباشد و ثانیاً در ادامه راه، آنها را

مجبور به خودسانسوری نکند.

منابع و مأخذ

- الماسی، نجادعلی؛ علیزاده، عبدالرضا و کریم‌پور، صالح (۱۳۹۵). نظم عمومی در رویکرد حقوقی، فقهی و جامعه‌شناختی. *مجله پژوهش‌های فقهی*، دوره ۱۲، ش ۱، صص. ۱-۳۶.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶). مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات. *نامه مفید*، دوره ۱۳، ش ۶۱، صص. ۱۵۸-۱۳۸.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷). *آزادی اطلاعات*. تهران: نشر دادگستر.
- باری، بوزان (۱۳۷۸). *مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل*. ترجمه رحمان قهرمانپور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ترمیولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حاج‌زاده، هادی (۱۳۹۳). *بررسی مفهوم منفعت عمومی (گزارش پژوهی)*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- رحمت‌اللهی، حسین و آقا محمدآقای، احسان (۱۳۹۵). *گذار از دولت مطلقه به مشروطه*. تهران: انتشارات خرسندی.
- رستمی خوراسگانی، اکبر (۱۴۰۱). *حقوق رسانه، آزادی بیان و حقوق بشر*. *جامعه‌شناسی ارتباطات*، سال دوم، ش ۸، صص. ۸۵-۱۱۴.
- شهابی، مهدی، شهیدی، نگار (۱۳۹۷). اخلاق حسنه و نظم عمومی چون منابع اصول و قواعد حقوقی؛ تاملی بر چگونگی گذار از کارکرد سلبی به کارکرد ایجابی نهادهای حقوقی. *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۸، ش ۳، صص. ۵۱۱-۵۲۸.
- شیخی، مریم (۱۳۸۴). *ضمانت اجرای حقوق مالکیت ادبی و هنری در حقوق ایران و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی*. *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۵۱-۵۰، صص. ۱۷۸-۲۰۷.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاری سیدفاطمی، محمد (۱۳۸۹). *حقوق بشر در جهان معاصر*. تهران: مؤسسه مطالعات شهر دانش.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گرجی، علی اکبر (۱۳۸۸). *در تکاپوی حقوق اساسی*. تهران: نشر جنگل.
- محمودی، اصغر (۱۳۹۱). ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق اموال. *دانش حقوق مدنی*، ش ۲، صص. ۹۴-۱۰۷.
- مولایی، مهرداد (۱۳۷۸). آزادی بیان و محدودیت‌های آن در دادگاه اروپایی حقوق بشر. *رسانه*، سال دهم، ش ۲، صص. ۳۰-۳۵.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۵). *رساله‌ای درباره آزادی*. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نمک‌دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۳). آزادی اطلاعات و حق دسترسی؛ بنیان دموکراسی. *مجلس و راهبرد*، ش ۴۲، صص. ۶۷۱-۶۸۹.
- ویژه، محمدرضا و امجدیان، حسن (۱۳۹۴). رویکرد فقهای شورای نگهبان در زمینه رویارویی مالکیت خصوصی و منفعت عمومی؛ مطالعه رویه‌ای. *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ش ۱۲، صص. ۲۳-۴۶.

- Bychawska-Siniarska, Dominika. (2017). Protecting the right to freedom of expression under the European Convention on human rights- a handbook for legal practitioners. Council of Europe.
- Council of Europe Convention on Access to official document (Council of Europe Treaty series-no.205 (Art.1) available at: <https://rm.coe.int/1680084826> (last visited: 11/20/2023)
- European Convention of Human Rights (1950).
- Franklin D. Roosevelt. (1941). Annual Message to Congress on the State of the Union. in *The Public Papers and Addresses of Franklin D. Roosevelt*. New York: MacMillan. Pp. 663-672.
- Hohfeld, W. (1917). Fundamental legal Conception as applied in judicial reasoning, 26 Yale law journal. pp 710-770.
- Jones, Richard Whyen. (1999). *Security, Strategy and Critical Theory*. London: Lynne Rienner Publication.
- Richard H Shear, Thomas E Kelley, Thomas. E. (2006). researchers guide to patent. *Plant Physiology*, Volume 132, Issue 3. pp 1127-1130.
- UN General Assembly, calling of an international conference on freedom of information, 4 december 1946, a/RES/59. Available at: <https://www.refworld.org/docid/3boof0975.html> (last visited: 9/26/2023)

United Nations Universal Declaration of Human Rights (1948).

Voorhoof, Dirk et al. (2016). Freedom of Expression, the Media and Journalists: Case-law of the European Court of Human Rights, IRIS themes, Strasbourg: European Audiovisual Observatory.

بررسی تطبیقی آسیب‌شناسی نظام حقوق کیفری در عرصه رسانه و فضای مجازی در حقوق ایران و بین‌الملل

نوع مقاله: پژوهشی

ساجده سادات موسوی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

فریبا حاجی علی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

چکیده

گسترش فناوری، رویدادی است که در دوران اخیر، موجب بهبود زندگی بشر شده است؛ اما نمی‌توان از آسیب‌های به وجود آمده توسط آن چشم‌پوشی کرد. فضای مجازی یکی از فناوریهای نوین ظهور یافته می‌باشد که منجر به گسترش ارتکاب جرم برای مجرمان گشته است. از آنجاکه یکی از روش‌های کاهش نرخ جرائم، آسیب‌شناسی آنها و مجازات تعیین‌گشته برای آنهاست، بررسی این موضوع ضروری به نظر می‌رسد؛ لذا در این مقاله، شناخت آسیب‌های موجود در نظام حقوق کیفری ایران و بین‌الملل در عرصه رسانه و فضای مجازی، پرسش شده است، چراکه در کنار خلأهای قانونی موجود در این عرصه و آسیب‌های ناشی از آن، شاهد ایجاد آسیب در زمینه موضوع‌هایی هستیم که حتی در قانون نیز جرم‌انگاری گشته‌اند. به همین سبب، بررسی آسیب‌های حاصل از رسانه و فضای مجازی، می‌تواند ما را در اتخاذ تدابیر غیرکیفری در کنار تدابیر کیفری، راهنمایی نماید تا از رخداد این‌گونه جرائم، جلوگیری به عمل آید. روش نگارش این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. از جمله آسیب‌های ایجاد شده در حوزه جرائم می‌توان به آسیب‌های حوزه خانوادگی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، امنیتی-سیاسی و قضایی و پلیسی و در حوزه مجازات‌ها، در سطح داخلی و بین‌المللی اشاره نمود. با وجود جرم‌انگاری جرائم رایانه‌ای، همچنان شاهد خلأ قانونی در برخی حوزه‌ها می‌باشیم. همچنین به سبب تفاوت در جرم‌انگاری میان کشورها، ممکن است عملی در یک کشوری جرم، و در کشوری دیگر جرم نباشد. در قوانین ایران نیز، با ناکارآمدی مجازات معین برای این جرائم مواجه هستیم. با توجه به صعوبت جهت دستیابی به مجرم، کشف جرم و... لازم می‌آید تا با پیشگیری غیرکیفری وضعی و اجتماعی، به کاهش نرخ جرائم در فضای مجازی دست یابیم. حفاظت از داده‌ها برای امنیت کاربران، استفاده از وسایل خاص برای محدود کردن دسترسی به اطلاعات خاص، مسدود کردن تارنماهای خاص توسط ارائه‌دهنده دسترسی به اینترنت و... نیز از جمله راهکارهایی است که می‌تواند در کاهش این جرائم راهگشا باشد.

واژه‌های کلیدی

جعل رایانه‌ای، رسانه، فضای مجازی، جرم و مجازات، بزهکاری.

۱- کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

sajedesadatmo@vatanmail.ir

۲- دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

f.hajiali@alzahra.ac.ir

مقدمه

بدون شک از زمان انسان‌های اولیه شاهد ارتباط انسان با یکدیگر هستیم و مسئله‌ای انکارناپذیر است، چراکه انسان مدنی بالطبع می‌باشد؛ یعنی، استعدادها و کمالات انسان جز در پرتو زندگی اجتماعی میسر نمی‌گردد و احتیاجات زندگی انسان جز با تمدن رفع‌شدنی نیست (مطهری، ۱۴۰۱، ص. ۹۰)؛ اما شیوه ارتباط افراد با یکدیگر در طول تاریخ دستخوش تغییرها قرار گرفته است به‌طوری‌که در میان انسان‌های اولیه شاهد ارتباط با صدای طبل، دود آتش و... هستیم. انسان‌ها با پیشرفت روزافزون علم، صنعت و فناوری به وسایل ارتباطی مختلفی دست یافتند تا جایی‌که مارشال مک‌لوهان، اندیشمند و نظریه‌پرداز کانادایی در حوزه رسانه، معتقد است که جوامع انسانی طی سه مرحله تحول پیدا کرده است:

(۱) کهکشان شفاهی یا تمدن باستانی، مربوط به ارتباطات گفتاری و شنیداری در دوره قبیله‌ای؛

(۲) کهکشان گوتنبرگ، مربوط به دوره اختراع ماشین چاپ و رواج خط و کتابت؛

(۳) کهکشان مارکونی یا تمدن الکترونیک، دوره از بین رفتن فاصله مکانی و زمانی و تبدیل به دهکده جهانی (McLuhan, 1962, p.45).

عبارت «دهکده جهانی»^۱ به‌معنای چگونگی تبدیل جهان، به‌صورت یک دهکده فشرده توسط فناوری الکتریکی و حرکت از جای‌جای جهان به هر نقطه‌ای در لحظه می‌باشد (McLuhan, 1964, 2003, p.6).

هرچند بشر از گذشته تا کنون، در ابزارسازی پیشرفتی حیرت‌آسا داشته، آن هم بشری که یک روز از ابزار سنگ برای انجام کارهایش استفاده می‌کرده و اینک فناوری را پدید آورده است و موجب سرعت انجام کارها و آرامش خویش گشته است، لکن نمی‌توان از مشکلاتی که با این فناوری برای خود ایجاد کرده و موجبات سلب آسایش خود را فراهم آورده است، چشم‌پوشی کرد (مطهری، ۱۳۹۸، ص. ۲۰). یکی از آن ابزارهای پیشرفت، رسانه و وسایل ارتباط جمعی است که فضای مجازی از مصادیق آن می‌باشد. در دهه ۶۰ و ۷۰

1. Global Village

سرقت اطلاعات رایانه‌ای یا تخریب داده‌ها جرم جدید محسوب می‌شد درحالی‌که امروزه بخش عمده‌ای از جرائم را جرائم فضای مجازی تشکیل می‌دهد (حیدری، ۱۳۹۰، ص. ۵). با توجه به این مطلب و بیان مقام معظم رهبری که فرمودند: «متأسفانه در فضای مجازی کشور ما هم که آن رعایت‌های لازم با وجود این همه تأکیدی که من کردم صورت نمی‌گیرد و در یک جهاتی واقعاً ول است. همه کشورهای دنیا روی فضای مجازی خودشان دارند اعمال مدیریت می‌کنند، [درحالی‌که] ما افتخار می‌کنیم به اینکه ما فضای مجازی را ول کرده‌ایم! این افتخار ندارد. فضای مجازی را بایستی مدیریت کرد» (سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۰/۰۱/۰۱).^۱

در این مقاله برآنیم تا به آسیب‌شناسی جرم و مجازات‌های فضای مجازی در نظام حقوقی ایران و نظر به فرامرزی و فرامنطقه‌ای بودن این جرائم، در نظام حقوق بین‌الملل نیز بپردازیم، چراکه این جرائم موجب آسیب‌هایی در ساحات مختلف گشته است و بعضاً به سبب ناکارآمد بودن مجازات‌ها، منجر به تشدید آنها شده است.

هرچند پیرامون موضوع جرائم فضای مجازی مقالات گوناگونی تحت عنوان «جرائم سایبری در ایران، مصادیق جرائم سایبری و راهکارهای مقابله با آن»، «سیاست جنایی بین‌المللی در مقابله با جرائم سازمان‌یافته سایبری: رویکردها و راهبردها»، «جرائم رایانه‌ای در پرتو حقوق بین‌الملل» و... نگاشته شده است لکن هیچ‌یک به بررسی آسیب‌های ناشی از آن از منظر جرائم و مجازات‌ها، در ساحات مختلف نپرداخته است و صرفاً دسته‌بندی جرائم و مجازات‌های آنها یا آسیب‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی یا فرهنگی مطرح گشته است؛ لذا در ادامه به بررسی مفاهیم برخی کلمات، آسیب‌های ناشی از جرائم فضای مجازی، برخی آسیب‌های ایجاد شده از مجازات‌های تعیین شده برای جرائم در سطح ملی و بین‌المللی و بیان راهکارها می‌پردازیم.

۱- تعاریف و مفاهیم

جهت درک و بیان بهتر مطالب لازم است تا به تبیین دقیق معانی برخی کلمات اشاره نماییم.

1. <https://khl.ink/f/47576>

۱-۱- جرم

شاید بیان مفهوم کلمه جرم بی معنی به نظر آید؛ اما به سبب عدم پیروی از الگوی یکسان پیرامون تعریف و ماهیت جرم (زندى، ۱۳۸۹، ص. ۱۵) تبیین آن مشکل و ضروری است. دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، عقیده دارد که هر عملی که برای آن مجازاتی وجود داشته باشد، جرم است. همچنین جرم را یک «پدیده عادی» می‌انگارد چراکه در کنار سایر پدیده‌های زندگی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است.

برایانته‌ها برای تعیین انواع جرائم سایبری، سه نسل را ترسیم می‌کنند (Breathnach, 2002, p.17):

۱) نسل اول جرائم سایبری^۱ مربوط به دهه ۱۹۷۰ می‌باشد که در آن دوره جرائم به صورت سنتی رخ می‌داده است و رایانه صرفاً ابزاری برای ارتکاب جرم به‌شمار می‌رفت.

۲) نسل دوم^۲ در دهه ۱۹۸۰ رخ داد که جرائم سنتی را به صورت جهانی تبدیل کرد و اشکال مختلف جرائم شبکه‌ای ایجاد شد.

۳) نسل سوم در دهه ۱۹۹۰ منجر به هک و... با توسعه اینترنت و پهنای باند گشت. آنچنان که بدون وجود اینترنت نمی‌توان ارتکاب جرم را تصور نمود و نبود اینترنت برای جرائم این نسل در حکم سالبه به انتفاء موضوع می‌باشد.

با وجود تعاریف متعدد، یکی از بهترین تعریفی که می‌توان برای جرم در نظر گرفت، تعریف بیان شده در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، می‌باشد (ساریخانی، قیاسی و خسروشاهی، ۱۳۹۱، ص. ۷). ماده دوم این قانون مقرر می‌دارد که: «هر رفتاری اعم از فعل و ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».

۱-۲- فضای مجازی

فضای مجازی یا فضای سایبری^۳ از دو عبارت فضا که به معنای مکان وسیع، ساحت

1. First generation of cybercrime
2. Second generation
3. cyberspace

(معین، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۸۲) و سایبر به معنای سکان‌دار، هدایت‌گر و رهبر می‌باشند، تشکیل شده است. واژه سایبرنتیک در سال ۱۷۷۵ توسط آمپر^۱، فیزیک‌دان و ریاضی‌دان فرانسوی، در مجموعه مقالات خود به تبیین علم آن زمان بشر پرداخت و علمی را نیز برای آینده تخمین زد. او از علمی به نام سایبرنتیک نام برد و آن را مشتق از کلمه کیبرنت^۲ یونانی به معنی مدیر یا گردانیده دانست. پس از وی، نوربرت وینر^۳، ریاضی‌دان مشهور آمریکایی، این کلمه را به کار برد (Wiener, 1950, p.9).

تافلر^۴، محقق و نظریه پرداز آمریکایی، معتقد است که عصر حاضر، عصر اطلاعات است که به سرعت زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. حتی بیشتر از عصر رونق کشاورزی و انقلاب صنعتی، در حال تغییر جهان می‌باشد (Toffler, 1980, p.10).

۲- آسیب‌های ناشی از جرائم فضای مجازی

با وجود اینکه روزانه میلیون‌ها نفر از اینترنت برای جنبه‌های مختلف زندگی خود استفاده می‌کنند؛ اما همین فرصت، خود موجب تهدید است و مکان جدیدی را برای مجرمان متعددی فراهم می‌کند و هر روزه شاهد افزایش تعداد قربانیان هستیم (Reyns, 2011, p.1149). در بررسی جرائم رایانه‌ای، با در نظر گرفتن نقش رایانه، باید آن را به دو قسم طریقت یا موضوعیت داشتن رایانه در ارتکاب جرم، تقسیم نمود. در جرائمی که رایانه در آن‌ها موضوعیت دارد، رایانه موضوع جرم واقع می‌گردد مثل حملات سایبری علیه داده‌ها؛ اما در جرائمی که رایانه در آن‌ها طریقت دارد، رایانه ابزاری برای ارتکاب جرم است (Dashora, 2011, p. 241)؛ به این معنا که منجر به وقوع جرم در فضای حقیقی می‌گردد مثل دعوت در فضای مجازی به ایجاد آشوب در فضای حقیقی؛ لذا در ادامه به ساحات مختلف آسیب‌هایی که از جرائم فضای مجازی ایجاد می‌گردند می‌پردازیم. این ساحات شامل: حوزه خانوادگی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، امنیتی-سیاسی، قضایی-پلیسی می‌باشد.

1. Ampere

2. Kybernet

3. Norbert Wiener

4. Alvin Toffler

۲-۱. آسیب‌های حوزه خانوادگی

اثرهایی که فضای مجازی بر روابط خانوادگی برجا گذاشته است، بی‌شمار می‌باشد؛ لکن اثرهایی که منجر به وقوع جرم می‌گردد؛ شامل: بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال، بزهکاری و بزه‌دیدگی زنان، طلاق والدین و فروپاشی خانواده و... که در ادامه به تفصیل همین موارد را بیان می‌نماییم.

۲-۱-۱. بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال

کودکان با استفاده از فضای مجازی می‌تواند از مزایایی چون یادگیری امور مختلف، کسب تجارب، بازی و سرگرمی، ارتباط با دوستان خویش و ... بهره‌مند گردد. لکن باتوجه به ناتوانی و عدم پختگی ناشی از صغر سن و نداشتن تجربه، به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر، به طریق اولی مورد ظلم واقع می‌شوند و به‌عنوان یک دسته از قربانیان سوءاستفاده اغیار در فضای مجازی، شناخته می‌شوند.

امروزه با آسیب نوپدید کودک کار فضای مجازی مواجه هستیم. کودکانی که با اراده یا به‌طور غیرارادی، در فضای مجازی مخصوصاً در اینستاگرام جهت تبلیغ به‌کار گماشته می‌گردند درحالی‌که در بند ۳ ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بهره‌کشی اقتصادی را درواقع به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادارکردن یا گماردن او به‌کار یا خدمتی که از نظر جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی باتوجه به مضر بودن برای وضعیت طفل و نوجوان می‌داند.

همچنین در بند هفت ماده ده این قانون، استفاده از طفل و نوجوان، برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری سمعی و بصری متسهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر، مجازات می‌گردد. علاوه‌براین قوانین، سایر قوانین همچون قانون کار مصوب ۱۳۶۹ در مواد گوناگون همچون مواد ۱۷۶، ۸۳، ۸۴ و...، مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، ماده ۱۰ و ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، تبصره ۳ ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶، به حمایت از کودکان پرداخته است. باوجوداین، همچنان شاهد استثمار از کودکان در این فضا می‌باشیم.

باتوجه به عدم محدودیت فضای مجازی به زمان و مکان، جدید بودن و... دارای جذابیت فراوانی برای کودکان و نوجوانان می‌باشد؛ لذا گروه‌های مناسبی برای بزه‌دیده واقع شدن می‌باشند، ازجمله در معرض مزاحمت قرار گرفتن، تهدید و فریب، دسترسی به محتواهای پورنوگرافی، اعتیاد به اینترنت و....

تحقیقات انجام شده در آمریکا حاکی از آن است که کودکان ۱۲ تا ۱۷ سال از میان ۷۲ میلیون نفری که از تارنماهای هرزه‌نگاری در طول یک ماه بازدید کرده‌اند، بیشترین آمار بازدید را به خود اختصاص می‌دهند (Family safe media, 2005, p.18).

به‌علاوه هامیل، معتقد است، دختران نوجوانی که در معرض پورنوگرافی قرار می‌گیرند، زودتر از سایرین رابطه جنسی را تجربه می‌کنند و دچار مشکلات عدیده از جمله بارداری ناخواسته و بیماری‌های مقاربتی می‌گردند (Hamill, 2008, p.345).

باتوجه به اینکه نوجوانان زمان بیشتری را صرف گذراندن در فضای مجازی می‌کنند و به آشنایی مطلوبی نسبت به این فضا دست می‌یابند، احتمال ارتکاب آنان به جرائم مختلف از جمله ایجاد مزاحمت، تهدید و اخاذی، هک و... وجود دارد. چنان که در برخی از پرونده‌ها شاهد این گونه موارد توسط آن‌ها هستیم. به گزارش پلیس فتا، نوجوان ۱۵ ساله ساکن خراسان شمالی عامل هک ۱۰۰۰ کاربر درگاه اینترنتی بوده است. این موضوع به عوامل مختلف همچون فرهنگی، اقتصادی، روانی من جمله کنجکاوی، هیجان، احساس قدرت و برتری نسبت به همسالان، انتقام‌جویی، حسادت و... مربوط می‌باشد.

بااین‌حال، سازمان‌های بین‌المللی مبارزه با محتویات مستهجن برخط کودکان باهم هم‌پیمان شده‌اند مثل: کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل ۱۹۸۹^۱، چهارچوب حکم شورای اتحادیه اروپا یا کنوانسیون بوداپست ۲۰۰۱^۲ در مبارزه با سوءاستفاده جنسی از کودکان و موضوع‌های مرتبط با محتواهای مستهجن برای کودکان و کنوانسیون شورای اروپا در حفاظت از کودکان علیه سوءاستفاده جنسی و بهره‌برداری جنسی ۲۰۰۷^۳.

در ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودکان، دولت‌های عضو، متعهد شده‌اند تا از کودکان در برابر هرگونه سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی محافظت نمایند. همچنین ماده ۴۹

1. Convention on the Rights of the Child

2. Council of Europe

3. Council of Europe Convention on the Protection of Children against Sexual Exploitation and Sexual Abuse (CETS No. 201)

4. Convention on Cybercrime

کنوناسیون بوداپست، به‌طور کامل به جرائم مربوط به پورنوگرافی کودکان پرداخته شده است که مطابق آن هرگونه تولید محتوای مستهجن به‌وسیله کودکان یا پیشنهاد محتوای مستهجن به کودک یا قابل دسترسی بودن این محتوا برای او یا ایجاد مزاحمت از طریق ارسال محتوای مستهجن برای کودک و... جرم محسوب می‌شود.

۲-۱-۲. تأثیر رسانه بر ساحت روان کودکان

خشونت یکی از آثار برجای مانده از رسانه‌ها و فضای مجازی می‌باشد که بر ساحت روان کودک اثرگذار است. طبق آمار «هر ۵ دقیقه یک بار، یک کودک آمریکایی به‌دلیل ارتکاب به یک جرم خشونت‌آمیز دستگیر می‌شود و هر سه ساعت یک‌بار، خشونت و البته با سلاح گرم، جان یک کودک را می‌گیرد» (شرام و دیگران، ۱۳۷۷، صص. ۳۷۶-۳۸۷).

علاوه‌براین مطلب، «قسمت اعظم برنامه‌های سرگرم‌کننده و سریال‌های داستانی و همچنین تبلیغات و آگهی‌های تجاری، به‌طور کلی در افزایش انتظار و توقع مخاطبان برای دست یافتن به یک زندگی خیره‌کننده نقش دارد، انتظارات و توقعاتی که برآوردن آن از عهده همه گروه‌ها (به‌دلیل محرومیت نسبی آن‌ها در جامعه) امکان‌پذیر نیست. پیامد این مسئله ممکن است به افسردگی بینجامد و این افسردگی به‌نوبه‌خود موجب پرخاشگری بشود. این تأثیر احتمالی رسانه‌ای (افسردگی) همراه با توسعه جامعه شدت می‌یابد؛ زیرا افزایش تولید، افزایش مصرف، پیشرفت و رقابت‌های فردی، به افزایش توقعات می‌انجامد و این در حالی است که گروه‌های مختلف مردم دارای امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی برای تحقق بخشیدن به آن خواسته‌ها هستند» (بوکت و فلیپزن، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۲).

علاوه‌براین، بحران هویت، انحراف‌های جنسی، اعتیاد اینترنتی و... نیز از دیگر آثار مخرب رسانه و فضای مجازی بر ساحت روان کودک می‌باشد به‌طوری‌که کودک را به یک شخصیت منفعل تبدیل می‌نماید. ژان کازنو معتقد است که کودکان در برابر نمایش، حالت پذیرا بودن دارند همچنین سؤالی برای وی پیش می‌آید که «آیا بچه‌ای که در سنین پایین، اغلب به تماشای تلویزیون می‌پردازد، در تمامی سال‌های زندگی از منش، جهان‌بینی و شکل زندگی خاصی برخوردار خواهد گردید؟ واکنش و حتی نظام ارزشی مقبول وی، تحت تأثیر ماشین صوتی و تصویری قرار نمی‌گیرد؟» (کازنو، ۱۳۷۱، ص. ۱۳۵).

۲-۲- بزهکاری و بزه‌دیدگی زنان

به سبب نبود ارتباط چهره‌به‌چهره، نبود نظارت کافی، عدم وجود آثار ناشی از جرائم مجرم سایبری و آزادی بدون محدودیت در اینترنت و فضای مجازی، شرایط برای مجرمان بیش از فضای حقیقی برای ارتکاب جرم فراهم می‌باشد، به‌طوری‌که بزهکاران قادر خواهند بود با کمترین هزینه و اضطراب، بیشترین خسارت و صدمه را به بزه‌دیده وارد آورند (باستانی، ۱۳۸۶، ص. ۳۳).

یکی دیگر از اقتضای که مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند، زنان هستند به‌طوری‌که مقام معظم رهبری نیز به مسئله ظلم به زن در بیانات متعدد خود معتقد هستند (بیانات در دیدار جمعی از زنان مورخ ۱۳۷۱/۰۹/۲۵ و ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

این مسئله امروزه نیز در لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» مورد بررسی قرار گرفته است. باتوجه به بحث ما پیرامون بزه‌دیدگی زنان در فضای مجازی، در ماده ۳۰ این لایحه از زنان در برابر دریافت پیام، تصویر یا نماد مستهجن و مبتذل حمایت شده است و به ترتیب برای مرتکبان آن جزای نقدی درجه ۶ و ۷ در نظر گرفته شده است.

درمقابل، با وجود بزه‌دیدگی زنان، شاهد بزهکاری آن‌ها در این فضا نیز می‌باشیم. بیشتر جرم‌هایی که یک زن می‌تواند مرتکب آن شود، جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی می‌باشد. هرچند که نمی‌توان ارتکاب آنان را به سایر جرائم انکار کرد.

ماده ۷۴۲ قانون جرائم رایانه‌ای برای داده‌هایی که حاوی محتویات مستهجن می‌باشند و افراد با آن تجارت یا جهت افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری می‌کند، مجازات حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هردو مجازات در نظر گرفته است. در تبصره ۴ همین ماده، به تبیین محتویات مستهجن پرداخته است؛ لذا احتمال ارتکاب زنان به روسپی‌گری و انجام اقدامات جهت آماده‌سازی محتویات مستهجن وجود دارد.

۲-۳- طلاق والدین و فروپاشی نظام خانواده

اولین و مهم‌ترین نهادی که یک کودک با آن مواجه می‌شود، نهاد خانواده است؛ اما این نهاد نیز، با گسترش فناوری، برای بقای خود با چالش‌های مختلفی دست‌وپنجه نرم می‌کند. امروزه نمی‌توان از تأثیر فضای مجازی بر خانواده و روابط زوجین چشم‌پوشی کرد

چراکه با استفاده نادرست از شبکه‌های مجازی می‌توان زمینه فروپاشی تدریجی این نهاد را فراهم کرد. حصول این نتیجه غیرقابل انکار است، به‌طوری‌که در کشورهای متعدد شاهد انجام تحقیقاتی در این زمینه می‌باشیم، ازجمله مقاله راسل و کلاینتون^۱ (۲۰۱۴) که به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی، بالاخص برنامه توئیتر بر طلاق پرداخته است. در این مقاله بیان می‌دارند که به‌سبب برقراری روابط عاشقانه با فردی غیر از همسر از طریق فضای مجازی، موجبات خیانت و درنهایت، منتهی شدن به طلاق را فراهم آورده است. همچنین در تحقیقات والنزولا و همکاران^۲ (۲۰۱۴) که در آن رابطه بین فضای مجازی و نرخ طلاق مورد بررسی قرار گرفته است، نشانگر سردی روابط زوجین در اثر کثرت استعمال از این فضا گشته است.

استفاده و مشاهده هرزه‌نگاری، از مواردی است که منجر به اعتیاد جنسی، افسردگی، انزواطلبی، سردی روابط زوجین و... می‌گردد. جدول زیر به تفکیک زن و مرد، نشان‌دهنده درصد افرادی در برخی کشورها است که گرایش به دیدن چنین تصاویری در سال ۲۰۲۱ داشته‌اند.



1. Russell & Clayton
2. Valenzuela

اثرهای ناشی از طلاق بر تمایل افراد چه زن و چه مرد و همچنین اطفال به ارتکاب جرم انکارنشده است و این مورد برخلاف موارد دیگر، به‌طور غیرمستقیم بر ارتکاب افراد به جرم تأثیرگذار است که پیرامون این مسئله کتب مختلف و مقالات گوناگون نگاشته شده است. در نتیجه به جهت جلوگیری از اطاله کلام از بیان آن صرف‌نظر می‌شود.

۳- آسیب‌های حوزه اقتصادی

رشد و توسعه فناوری، موجب استفاده بیشتر از اینترنت در اکثر حیطه‌های زندگی افراد گشته است، به‌طوری‌که شاهد روزافزون کسب‌وکارهای مختلف اینترنتی، انجام کارهای بانکی و گردش مالی از طریق اینترنت، پرداخت قبوض و ... هستیم؛ اما در این حوزه نیز با آسیب‌هایی روبه‌رو هستیم که در ادامه تبیین می‌گردد.

۳-۱- سرقت و کلاهبرداری رایانه‌ای

در ماده ۷۴۱ قانون جرائم رایانه‌ای، هرگونه وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه که موجب تحصیل وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود فرد یا شخص دیگری می‌گردد، جرم‌انگاری شده است و مرتکب به مجازات حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از ۲۰ میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال یا هردو مجازات، علاوه بر رد مال به صاحب آن می‌گردد.

اصطلاحاً به هرگونه اقداماتی که به جهت خالی شدن حساب بانکی، افشای اطلاعات مالی، همچون شماره کارت بانکی، شناسه و نام کاربری حساب، کلمات رمز صورت گیرد، فیشینگ^۱ یا جرم مهندسی اجتماعی گویند. یا حملات سوسیس^۲ که با ایجاد اندک تغییری در پردازش‌ها به‌عنوان مثال در برنامه نرم‌افزار به‌طور اتفاقی، منجر به واریز مبالغی به یک حساب خاص می‌گردد.

در ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیک نیز برای این‌گونه جرائم مجازاتی در نظر گرفته است که از یکسال تا سه سال می‌باشد. باتوجه به اینکه این قانون مصوب ۱۳۸۲ است؛ اما

1. Phishing
2. Salami attacks

قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، همان‌طور که قانون مؤخر، مقدم را نسخ می‌نماید؛ لذا مجازات‌های مندرج در ماده ۷۴۱ قانون جرائم رایانه‌ای برای مرتکب اعمال می‌گردد.

۳-۲- جعل رایانه‌ای

هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی، جهت ارائه داده پیام‌های دارای ارزش مالی و اثباتی به مراجع اداری، قضایی، مالی و غیره، با اقدام‌هایی نظیر ورود، تغییر، محو و توقف داده پیام و مداخله در پردازش آن و سیستم‌های رایانه‌ای و یا بهره‌مندی از وسایل کاربردی سیستم‌های رمزنگاری تولید امضاء بدون مجوز امضاءکننده و یا تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی و یا عدم انطباق آن وسایل با نام دارنده در فهرست مزبور و اخذ گواهی مجعول و نظایر آن، جعل نماید و از آن به‌عنوان داده پیام معتبر استفاده نماید، مرتکب، جاعل محسوب می‌گردد و به مجازات حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی به میزان ۵۰ میلیون ریال، محکوم می‌گردد (ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی).

۳-۳- نقض علایم تجاری

هرنوع نمایش برخط علایم تجاری که موجب فریب یا مشتبّه شدن طرف به اصالت کالا و خدمات شود، جرم می‌باشد (ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک). چرا که موجب نقض حقوق مصرف‌کنندگان و همچنین خدشه‌دار کردن اعتبار تولیدکنندگان نیز می‌گردد.

۳-۴- فروش محصولات غیرقانونی

فروش محصولات چوّن داروهای غیرمجاز، حیوانات وحشی، مواد مخدر، اسلحه و... از طریق فضای مجازی، برای فروشندگان آسان‌تر است. به‌طور کلی ضرر و زیان مالی وارده توسط جرائم سایبری بسیار است. خرابی‌های ایجاد شده در سال ۲۰۰۳ میلادی توسط نرم‌افزارهای مخرب، بالغ بر ۱۷ بیلیون دلار بوده است. تقریباً ۶۰ درصد از تجار آمریکایی معتقدند که جرائم سایبری برای آن‌ها نسبت به جرائمی که در فضای حقیقی رخ می‌دهد، پرهزینه‌تر است (گرکی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹).

۴- آسیب‌های حوزه فردی

فضای مجازی جدا از کارکردهای مثبتی که برای یک شخص می‌تواند داشته باشد ازجمله کسب درآمد، کسب دانش و اطلاعات جدید، برقراری ارتباط آسان و... می‌تواند مشکلاتی را نیز برای یک شخص ایجاد نماید. نقض حریم خصوصی و هتک حیثیت از مشکلاتی است که امروزه برای افراد ایجاد گشته است.

۴-۱- نقض حریم خصوصی

برای عبارت حریم خصوصی، تعاریف متعددی مطرح شده است. در اینجا منظور اسرار خصوصی و مهم افراد می‌باشد. خداوند در آیه ۱۲ سوره حجرات به مؤمنان دستور به پرهیز از تجسس و تفتیش اسرار مردم به جهت منفی آن نموده است؛ چراکه تجسس و افشای اسرار خصوصی مردم اگر به جهت الزامات قانونی یا حفظ امنیت ملی باشد، رعایت آن لازم نیست. همچنین اگر فردی، خود اقدام به افشای اسرار نماید، به معنای اعراض از احترام سایرین به حریم خصوصی است. در مواد ۷۲۹ تا ۷۳۱ ق.م.ا که مربوط به جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سیستم رایانه‌ای می‌باشد، شاهد نقض حریم خصوصی افراد هستیم. هرچند جاسوسی رایانه‌ای را می‌توان بیشتر در دسته‌بندی آسیب‌های امنیتی گنجانده؛ لذا در ادامه به بیان دسترسی و شنود غیرمجاز می‌پردازیم.

۴-۱-۱- دسترسی غیرمجاز

در ماده ۷۲۹ ق.م.ا هر شخصی که به طور غیرمجاز، به داده‌ها یا سامانه‌های مخابراتی یا رایانه‌ای را که با تدابیر امنیتی از دستبرد مجرمان محفوظ مانده است، دسترسی یابد، مجازات حبس یا جریمه نقدی یا هردو مجازات، حکم او خواهد بود.

۴-۱-۲- شنود غیرمجاز

اگر کسی به صورت غیرمجاز، به شنود محتوای درحال انتقال ارتباطات خصوصی افراد در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری بپردازد، به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا جزای نقدی از ده میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هردو مجازات

محکوم می‌گردد.

لازم به ذکر است که یکی از افرادی که ملزم به رعایت حریم خصوصی آنان هستیم، کودکان می‌باشند. متأسفانه امروزه شاهد استفاده ابزاری والدین از کودکانشان در فضای مجازی هستیم. والدینی که برای تولید محتوای طنز یا به سبب تبلیغ برای محصولات دیگران، عکس‌های مختلفی در موقعیت‌ها و حالات مختلف از کودک خود منتشر می‌کنند. درحالی‌که در ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، هرگونه افشای اسرار طفل یا نوجوان از طریق رسانه‌های گروهی و یا تکثیر، توزیع، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن، جرم محسوب می‌شود.

در ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک، که به حمایت از کودکان پرداخته است، مقرر داشته است که نباید به‌طور خودسرانه در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات وی دخالت نمود و کودک در برابر این‌گونه دخالت‌ها یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد. این ماده، دربرگیرنده حق همه کودکان جهت برخورداری از حمایت‌های قانونی در برابر مداخلات خودسرانه و غیرقانونی در امور خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات کودک و حمایت از وی در برابر تعرض به عزت و آبروی او می‌باشد (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۲).

در ماده ۱۷ این کنوانسیون نیز، پیرامون تشویق رسانه‌های گروهی به انتشار و پخش اطلاعات و مطالب سودمند برای کودک از نظر اجتماعی و فرهنگی و تشویق همکاری‌های بین‌الملل در زمینه تولید، مبادله و انتشار این‌گونه اطلاعات، تبیین شده است. باین‌حال، کنوانسیون حقوق کودک، صرفاً اهداف کلی را تبیین نموده و تقنین را به قانون‌گذاران داخلی کشورها واگذار کرده است. همچنین در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی به لزوم تربیت اخلاقی توسط والدین اشاره شده است.

باین‌حال با گسترش روزافزون فناوری و گسترش هوش مصنوعی، انتشار کلیه اطلاعات کودکان در فضای مجازی، می‌تواند در آینده آنان را با مشکلات جدی چون سرقت هویت و... مواجه نماید؛ لذا لازم می‌آید تا والدین صرفاً کسب سود و محبوبیت و شهرت اطفال خود را در زمان حاضر نبینند و به آسیب بلندمدت آن در آینده توجه نمایند.

۴-۲- هتک حیثیت

کرامت ذاتی انسان، از ویژگی‌هایی است که خداوند برای انسان بیان فرموده است (اسراء: ۷۰). انسان آن‌چنان از سایر موجودات برتر است که می‌تواند با به‌کارگیری استعدادهای خویش در مسیر صحیح، به مقام خلیفه‌الله برسد (بقره: ۳۰). باتوجه به این موضوع، هتک حیثیت در فقه حرام و در قانون جرم می‌باشد.

در مواد ۷۴۴ و ۷۴۵ ق.م.ا اگر شخصی به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا عکس دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و با علم به تغییر و تحریف آن را منتشر کنند و با این عمل موجب هتک حیثیت فرد مقابل شود، محکوم به مجازات حبس یا نقدی یا هردو می‌گردد؛ البته اگر برای مقاصد قانونی، اسرار فرد را منتشر یا در دسترس دیگران قرار دهد، مجرم محسوب نمی‌گردد.

در ماده ۱۷ میثاق کیمته حقوق بشر، مداخله در حریم دیگران تنها در موارد مطروحه در قانون مجاز خواهد بود که طبق این ماده، حق به‌طور مطلق نبوده و بنابر زمان و مکان و وضعیت آن را قابل تحدید دانسته است (انصاری، ۱۳۸۷، صص ۲۳-۲۹).

۵. آسیب‌های حوزه اجتماعی

جرائم فضای مجازی می‌تواند منجر به ایجاد آسیب‌هایی در حوزه اجتماعی گردد و عموم مردم را تحت تأثیر قرار دهد. ازجمله جرائمی که در قانون جرم‌انگاری شده است و مربوط به این حوزه می‌باشد، می‌توان به تشویش اذهان عمومی و جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اشاره کرد.

۵-۱- تشویش اذهان عمومی

نشر اکاذیب، ازجمله جرائمی است که موجب تشویش اذهان عمومی و برهم‌زدن امنیت روانی جامعه می‌گردد. بنابر ماده ۶۹۸ ق.م.ا اگر شخصی با قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی، اکاذیبی را بیان نماید یا برخلاف حقیقت به‌عنوان نقل‌قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد مجرم شناخته می‌شود. در این ماده صرفاً اشاره به مکتوبات دارد؛ اما این جرم به‌طور مطلق می‌باشد

به این معنا که چه ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد گردد و چه نگردد، فرد علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، به حبس از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود. این موضوع در بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات نیز بیان شده است؛ البته طبق تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی سال ۱۳۹۹، مجازات حبس آن به نصف تقلیل می‌یابد و از جرائم قابل گذشت است.

با این حال بهتر بود تا قانون‌گذار در مواردی که بدون ایراد ضرر به شخص خاص یا اشخاص معین، قصد تشویش اذهان عمومی چون حمله یک کشور خارجی به ایران در آینده نزدیک، وجود دارد، این جرم را جرمی عمومی و غیرقابل گذشت در نظر می‌گرفت (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۶).

به سبب اهمیت موضوع، افرادی که در فضای مجازی مرتکب جرم نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی گردند به استناد ماده ۷۶۴ ق.م.ا، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم می‌گردد.

در ماجرایی مسمومیت دانش‌آموزان، اغتشاشات و... شاهد نشر اکاذیب از سوی کاربران فضای مجازی بودیم. مدعی‌العموم به عنوان نماینده مردم می‌تواند به وقوع این جرم در جامعه ورود کند و اگر ببیند یک جرم در جامعه اتفاق افتاده است وظیفه دارد علیه آن فرد یا افراد اعلام جرم کند و وقوع این جرم مستلزم شکایت شاکی خصوصی نیست.

۵-۲- لکه‌دارشدن عفت و اخلاق عمومی

باتوجه به موضوعیت داشتن رایانه یا طریقت داشتن آن، این دسته از جرائم شامل هردو قسم می‌شود. در جرائمی که رایانه در آن موضوعیت دارد، افراد اقدام انتشار، تولید، توزیع، معامله و... داده محتویات مستهجن می‌کنند. منظور از محتویات مستهجن، تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی می‌باشد که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا عمل جنسی انسان است.

در فصل چهارم قانون جرائم رایانه‌ای برای مرتکبان این جرائم، مجازاتی در نظر گرفته

شده است. به چنین جرائمی لفظ هرزه‌نگاری^۱ اطلاق می‌گردد که در قوانین مختلف ملی و بین‌المللی جرم‌انگاری شده است. مطابق ماده ۷۴۲ قانون جرائم رایانه‌ای، این جرم، از جرائم مرتبط با محتوا می‌باشد و می‌توان آن را به‌عنوان یکی از جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی در حقوق موضوعه به حساب آورد (اللهی‌منش و سدره‌نشین، ۱۳۹۱، ص. ۱۹).

جرائمی که رایانه در آن طریقی برای ارتکاب جرم است می‌توان به جرم قوادی، دعوت به انجام زنا و... از طریق فضای مجازی اشاره کرد. باتوجه به علنی نمودن و انتشار عکس شرب خمر در فضای مجازی توسط برخی افراد، آن‌ها نیز مجرم می‌باشند و طبق ماده ۷۰۱ ق.م.ا که اگر فردی متجاهرا و به نحو علن در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، به دو تا شش ماه حبس تعزیری علاوه بر اجرای حد، محکوم می‌شود. هرچند در این ماده اشاره‌ای به فضای مجازی نگشته است، لکن به سبب ثبات نفس عمل، فرد مرتکب، باید مجازات گردد.

۶- آسیب‌های حوزه امنیتی - سیاسی

باتوجه به تغییر و تحولات ایجاد شده با گسترش فناوری، دیگر تهدید علیه امنیت یک کشور با کودتا و جنگ صورت نمی‌گیرد که نیاز به آرایش نظامی داشته باشد بلکه به راحتی می‌توان امنیت را چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی زیر سؤال برد. به‌طور کلی امنیت ملی، شامل احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی نسبت به منافع سیاسی، اساسی و حیاتی کشور می‌باشد (آقابخشی، ۱۳۶۳، ص. ۱۷۳).

تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، تشویق و ترغیب به ایجاد آشوب و اغتشاش، توهین به مقدسات اسلام و جمهوری اسلامی، جاسوسی رایانه‌ای و... از جمله اقداماتی است که می‌تواند منجر به ایجاد مشکلاتی در سطح ملی و بین‌المللی گردد. در ادامه به بررسی آسیب‌های فضای مجازی از نظر سیاسی و امنیتی در سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازیم.

1. pornography

۶-۱- حملات سایبری

در یک حمله سایبری با چهار حوزه از دست دادن تمامیت، از دست دادن محرمانگی داده و اطلاعات، از دست دادن قابلیت دسترسی و تخریب فیزیکی رایانه روبه‌رو هستیم. در این حملات، هرکسی که به قصد به خطر انداختن امنیت، آسایش و امنیت عمومی، اقدام به تخریب، اخلاص، حذف، دستکاری و تغییر، انتقال، مخفی کردن داده‌ها و... علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی نماید، به‌طوری‌که موجب اخلاص در خدمات ضروری مردم همچون خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل‌ونقل، بانکداری گردد، به حبس از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد. باتوجه به اینکه این حملات علیه زیرساخت‌های مهم یک کشور رخ می‌دهد، از آن به تروریسم سایبری یاد می‌شود.

جرم افساد فی‌الارض که در آیه ۳۳ سوره مائده نیز بدان اشاره شده است، از ریشه فساد (فرهیدی، ۱۴۰۹، ص. ۲۳۱) می‌باشد و مفسد کسی است که در شهر با سلاح تهدید کند دستش قطع می‌شود و اگر با این ابزار کسی را بزند، کشته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۳۶) که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، هرکسی را که مرتب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور گردد، محکوم به مجازات مفسد فی‌الارض می‌داند. با این اوصاف لازم می‌آید تا در ماده ۷۳۹، عبارت «در صورتی‌که حمله سایبری، مصداق افساد فی‌الارض نباشد» اضافه گردد چراکه باتوجه به اصل تناسب جرم و مجازات، ضروری است که صرفاً مجازات تعزیر در نظر گرفته نشود (مرسی و متولی‌زاده نایینی، ۱۴۰۲، ص. ۵۰).

۶-۲- تشویق و ترغیب به ایجاد آشوب و اغتشاش

با استفاده از فضای مجازی، دعوت افراد به آشوب آسان‌تر از فضای حقیقی می‌باشد. در ماده ۴۹۸ق.م.ا بیان می‌دارد که هرکسی با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی با هدف برهم‌زدن امنیت کشور، تشکیل دهد یا اداره کند اما محارب نباشد، محکوم به حبس از دو تا ده سال می‌گردد. همچنین حتی اگر در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌هایی که در ماده قبل ذکر شد، عضویت داشته باشند، به حبس از سه ماه تا ۵ سال محکوم می‌شود. فقط در

صورتی محکوم نیست که ثابت شود از اهداف آن بی‌خبر بوده است (م ۴۹۹ ق.م.ا). رایانه و فضای مجازی در ارتکاب این جرائم طریقت دارد. چنان‌که در ماه آذر و آبان ۱۴۰۱ شاهد پخش فراخوان و دعوت جهت ایجاد آشوب و تسخیر اماکن مهم با هر نوع اسلحه‌ای مثل سنگ، چاقو و... بودیم. یکی دیگر از گروه‌هایی که با تشکیل خود منجر به از بین رفتن امنیت بین‌المللی گردید، تشکیل گروه تروریستی داعش بود. این گروه با استفاده از فضای مجازی، اقدام به جذب نیرو جهت دستیابی به اهداف خود نمود.

۳-۶- توهین به مقدسات و جمهوری اسلامی

ماده ۵۱۳ ق.م.ا بخش تعزیرات اشاره می‌کند که هرکسی به مقدسات اسلام یا هریک از انبیاء یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت کند، اگر مشمول حکم سبب النبى باشد، اعدام می‌گردد. در غیر این صورت، مجازات حبس از یک تا پنج سال برای او در نظر گرفته می‌شود.

همچنین اگر شخصی به امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت کند، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد. در عصر حاضر شاهد صفحات اینستاگرام، کانال تلگرام یا در توئیتر برای اهانت به مقدسات اسلام و جمهوری اسلامی هستیم که توسط پلیس فتا شناسایی می‌گردد.

در عید قربان ۱۴۴۴ ق مصادف با ۲۹ ژوئن ۲۰۲۳، یک پناهجوی عراقی بود که در نزدیکی مسجد اصلی استکهلم، با امنیت کامل، اقدام به هتک حرمت به قرآن و سوزاندن آن نمود که در فضای مجازی نیز پخش شد. این عمل نیز، یک اقدام مجرمانه در سطح بین‌المللی علیه مقدسات مسلمانان در سراسر جهان است.

۴-۶- جاسوسی رایانه‌ای

در جاسوسی رایانه‌ای، رایانه موضوعیت دارد، به سبب اینکه اگر داده‌های مهم و سری، به‌طور غیرمجاز، به فردی فاقد صلاحیت دسترسی داده شود یا خود فرد به آن دسترسی پیدا کند، فرد مجرم محسوب می‌شود. این جرم، مهم‌ترین جرمی است که علیه سایر

کشورها انجام می‌گردد چراکه معمولاً این کار برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها انجام می‌شود (م ۷۳۱ ق.ا.م.).

این مسئله تاحدی حائز اهمیت است که برای مأموران دولتی که نسبت به حفظ و نگهداری داده‌های سرّی کوتاهی کنند، مجازات ۵ میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا هردو و انفصال از خدمت از ۶ ماه تا دو سال در نظر گرفته شده است (م ۷۳۳ ق.ا.م.).

۷- آسیب‌های حوزه قضایی و پلیسی

جرائم فضای مجازی به سبب سرعت، کثرت، سهولت در ارتکاب جرم، در دسترس و ارزان بودن، فرامرزی بودن، نامعلوم بودن هویت مجرم و . . . مشکلاتی را برای ضابطه‌های قضایی و بزه‌دیدگان فراهم آورده است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

۷-۱- صعوبت دستیابی به مجرم و کشف جرم

باتوجه به حساسیت و اهمیت کار قضات و ضابطین دادگستری در مراحل رسیدگی به پرونده‌های کیفری که کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرا می‌باشد؛ لذا لازم می‌آید تا به بررسی مشکلاتی که این فضا برایشان ایجاد می‌نماید، بپردازیم.

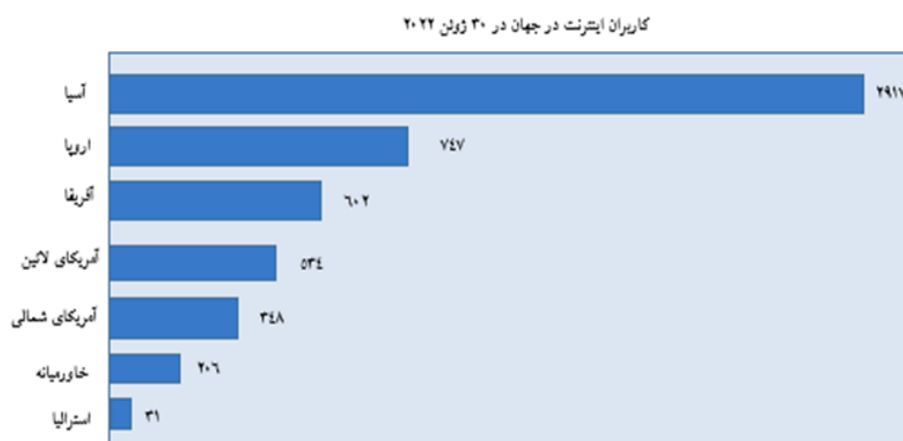
۷-۱-۱- تشخیص تعداد دقیق مجرمان

با رشد افراد متصل شده به اینترنت، تعداد متخلفان نیز افزایش می‌یابد. تخمین اینکه چه تعداد از افراد در اینترنت اقدام به فاعلیت‌های غیرقانونی می‌کنند، مشکل است. جدول زیر نشانگر تعداد کاربرانی است که در سال ۲۰۲۲ از اینترنت استفاده کرده‌اند.

تصویر زیر، میزان استفاده کاربران از اینترنت در ماه ژوئن ۲۰۲۲ می‌باشد که میزان استفاده کاربران آسیایی بیشتر از سایرین است. در جدول بالا، اطلاعات مربوط به یک ماه بعد از تصویر پایین می‌باشد که نشانگر سرعت روزافزون تعداد کاربران در فضای مجازی می‌باشد.

کشورها	کاربران اینترنت در ۳۱ جولای ۲۰۲۲
آسیا	۶۷۸,۱۸۶,۹۳۴,۲
تمام نواحی آمریکا	۲۰۴,۹۶۹,۸۹۲
اروپا	۸۷۶,۷۹۵,۷۵۰

(source: Internet World Stats)



(source: Information security, 2003, p.3)

۲-۱-۷- عدم به جا ماندن مدارک جرم

دسترسی به اینترنت، بدون اینکه اثری از اقدامات مجرمین برجایگذارد، مزیت مهمی برای مرتکبان می‌باشد. مجرمان می‌توانند با استفاده از نرم‌افزارهای طراحی شده به سهولت، راه‌های ورودی حفاظت شده را بیابند یا رمزهای عبور حفاظتی را بشکنند. این موضوع، در انجام تحقیقات مقدماتی، کشف جرم و تعقیب مجرمان، تحصیل ادله و... مشکلات عدیده‌ای را به ارمغان می‌آورد.

۷-۱-۳- مشخص نبودن مکان دقیق مجرم

مجرمان، نیازی به حضور در مکان مورد نظر برای ارتکاب ندارند. محل جرم می‌تواند به‌طور کامل متفاوت از محل حضور مرتکب جرم باشد. اغلب جرائمی که اتفاق می‌افتد،

فراملی هستند، به همین سبب زمان زیادی را برای مراحل کشف و تعقیب جرم از ضابطین می‌گیرد. مجرمان نیز، کشورهایی را که هنوز قانونگذاری صحیحی برای جرائم سایبری ندارند، انتخاب می‌کنند.

موضوع استقلال مکان و حضور در محل جرم، از حیث صلاحیت محاکم نیز حائز اهمیت است و موجب ایجاد چالش‌هایی گشته است چراکه پیگردهای جرائم سایبری نیاز به حمایت و درگیر شدن و حمایت مراجع قانونی در همه کشورهای درگیر را دارد. همچنین اصل مجرمیت دوگانه موجب ایجاد مشکلاتی می‌گردد. ممکن است جرم در یکی از کشورهای درگیر در تحقیق، جرم محسوب نگردد و مجرمان برای مشکل‌تر کردن پیگرد، کشور سومی را برای حملاتشان اتخاذ نمایند. همان‌طور که مزنونی در سال ۲۰۰۰ در فیلیپین، میلیون‌ها رایانه را در سراسر دنیا توسط کرم‌های رایانه‌ای^۱ آلوده کرد درحالی‌که توسعه و نشر نرم‌افزارهای مخرب در فیلیپین، به‌طور کافی تخلف محسوب نمی‌شد.

۷-۱-۴- کمبود زمان برای انجام تحقیقات

مدت زمان ارسال یک ایمیل بین کشورها، فقط به چند ثانیه زمان نیاز دارد این درحالی است که ضابطین به زمان بیشتری برای پیگرد یا جمع‌آوری اطلاعات و مدارک به آن احتیاج دارند. همچنین برای ردیابی و شناسایی مزنون‌ها به دسترسی به اطلاعات نیاز دارند؛ اما احتمال اینکه داده‌ها بعد از انتقال امحا گردند، بسیار زیاد است.

۷-۱-۵- مشخص نبودن هویت مجرم

مجرمان می‌توانند به‌عنوان مثال با استفاده از آدرس‌های پست الکترونیک جعلی، پنهان کنند. بسیاری از ارائه‌دهندگان، آدرس‌های پست الکترونیک رایگان عرضه می‌کنند و اگر احتیاج به وارد کردن اطلاعات شخصی باشد، مجرمان از پست‌های الکترونیک بدون افشای هویت استفاده می‌کنند.

۱. کرم‌های رایانه‌ای عبارتی است که اولین بار توسط John Shoch and Jon Hupp بیان شده است. درواقع، گروه‌های کوچکتری از بدافزارها هستند که با تکثیر شدن به شبکه ضرر می‌رسانند. با شروع فرایندهای چندگانه انتقال اطلاعات، می‌توانند رایانه را تحت تأثیر قرار دهند.

۷-۲- عدم اقدام بزه‌دیده به شکایت علیه بزهکار و افزایش نرخ سیاه جرم
به سبب صعوبت کشف و اثبات جرم و دلایل دیگر که مختص این فضا می‌باشد، آمار
دقیقی از حصول این جرائم در دست نداریم؛ لذا جرائم سایبری نسبت به نظایر فیزیکی
خود از رقم سیاه بالاتری برخوردار است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۸).

۸- آسیب‌شناسی مجازات‌ها

دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد است که جرم شامل افعالی می‌باشد که حالات
قوی و مشخص وجدان جمعی را مورد تعرض قرار می‌دهد. هنگامی که احساسات افراد
جامعه با ارتکاب جرم جریحه‌دار می‌شود، از خود احساس تنفر و انزجار نشان می‌دهند
که به این حالت، واکنش اجتماعی گویند (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۳، ص. ۲۲). بی‌تردید از زمانی
که پدیده‌ای به نام جرم در اجتماعات به رسمیت شناخته شده است، کیفر متناسب با آن
نیز در نظر گرفته شده است. حتی در وجود هر انسانی یک ملامت‌گر نهفته شده است
(قیامت: ۲) تا هر عملی را که نفس اماره به ارتکاب آن، دعوت می‌نمایند، با آن مقابله کند.
آن‌چنان‌که حتی حضرت یوسف (ع) نیز به وجود آن اشاره می‌نماید (یوسف: ۵۳).
باتوجه به ضرورت وجود مجازات و کیفر برای مرتکب، لکن نمی‌توان از آسیب‌ها و
بعضاً ناکارآمدی آن‌ها چشم‌پوشی کرد. در ادامه ابتدائاً به بیان قوانین در حوزه جرائم
مطروحه و سپس برخی از آسیب‌ها در حیطه مجازات‌های داخلی و بین‌المللی می‌پردازیم.

۸-۱- سیاست جنایی تقنینی ایران در برابر جرائم رایانه‌ای

اصطلاح «سیاست جنایی» از سوی صاحب‌نظران، مورد تعاریف گوناگون واقع شده
است؛ اما پیدایش آن، به پایان قرن ۱۸، توسط حقوق‌دان آلمانی، به نام فوئرباخ برمی‌گردد
(لازرژ، ۱۳۸۱، صص. ۱۰-۱۱).

سیاست جنایی به‌طور کلی به سه قسم تقنینی، مشارکتی و قضایی تقسیم می‌شود که
در این قسمت از نوشتار تنها به بیان یک قسم آن، یعنی تقنینی می‌پردازیم که منظور از
آن، وضع قوانین می‌باشد که طبق آن افراد یک جامعه جهت برقراری نظم ملزم به رعایت
آن می‌باشند.

۸-۱-۱- قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸

با در نظر گرفتن وجه مثبت این تقنین که قانون گذار به لزوم وجود قوانین جدید مرتبط با پیشرفت فناوری توجه نموده است، باید وجه منفی و خلأهای موجود در این قانون را نیز در نظر گرفت.

- حمایت قانون از جرائم نوپدید علیه کودکان در فضای مجازی از جمله کودکان کار فضای مجازی که نمی‌توان آن‌ها را کودک کار دانست چراکه عناصر کودک کار در فضای حقیقی بر آن مترتب نمی‌گردد. لذا جهت جلوگیری از استثمار از کودکان در این فضا، نیازمند حمایت صریح قانون می‌باشیم.

- لزوم تقنین پیرامون ایجاد مزاحمت‌هایی علیه زنان در فضای مجازی همچنان که در ماده ۶۱۹ ق.م.ا شاهد تقنین درمورد مزاحمت در فضای حقیقی می‌باشیم.

- لزوم تقنین در حوزه حملات سایبری به کشورها.

- لزوم جرم‌انگاری سرقت هویت و جعل باورپذیر، به‌طوری‌که فرد دیگری با استفاده از اطلاعات یک شخص، اقدام به اشتراک مطلب از جانب آن شخص نماید که منجر به هتک حیثیت وی گردد.

- عدم توجه به جبران خسارت معنوی.

۸-۱-۲- مصوبات شورای عالی فضای مجازی

اولین نهاد تأسیس شده در رابطه با فضای مجازی، شورای عالی فضای مجازی است که در ۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۰ به‌وجود آمد. این شورا فراقوه‌ای است به این معنا است که وابسته به هیچ نهاد یا قوه‌ای نیست (منصورآبادی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۳۷). شورای عالی فضای مجازی با حکم مقام معظم رهبری (دامه برکاته) شروع به فعالیت نموده است.

در مصوبه این شورا، به شماره ۱۰۱۵۱/۹۴/ش، با موضوع «توسعه فضای مجازی سالم، مفید و ایمن»، فضای مجازی ایمن را تعریف نموده است: «فضایی است متشکل از شبکه‌های ارتباطی که در آن محتوا و خدمات مفید در چهارچوب مبانی و ارزش‌های اسلامی و قوانین و مقررات کشور ارائه می‌شود و کاربران می‌توانند براساس ویژگی‌های جمعیتی (از قبیل سن، جنس، شغل و تحصیلات) از محتوا و خدمات مورد نیاز بهره‌مند

شوند و حتی‌الامکان در برابر محتوا و رفتارهای آسیب‌زا محفوظ بمانند». ایراد وارده بر این مصوبه این است که هرچند به توسعه فضای مجازی سالم، مفید و ایمن در عنوان آن پرداخته شده است؛ اما در تعریف ارائه گشته از فضای ایمن، گویی فضای ایمن از نظر محتوایی مدنظر بوده است؛ به این معنا که فضایی که محتوای آن در چهارچوب مبانی اسلامی باشد. درواقع در این مقرر، قانون‌گذار صرفاً به پالایش محتوا توجه داشته است درحالی‌که پالایش یک اقدام حفاظتی محسوب نمی‌گردد (فضلی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۱).

۸-۲- ایرادهای وارده بر مجازات‌های قانون ایران

۱) مجازات‌هایی که اغلب برای این‌گونه جرائم در قانون جرائم رایانه‌ای در نظر گرفته شده است، شامل حبس و جرائم نقدی می‌باشد. به نظر نگارندگان، این‌گونه مجازات‌ها برای مرتکب، جنبه بازدارندگی ندارد. چراکه افرادی که مرتکب این‌گونه از جرائم می‌گردند، اغلب متخصص در حیطه سایبر می‌باشند.

مبالغی که در قانون جهت جریمه تعیین گشته نیز، ناچیز می‌باشد. همچنین مشکلاتی که زندان برای فرد همچون فاسد شدن تدریجی، ابتلا به بیماری‌های روانی و جسمی، ازهم‌گسیختگی خانواده و... و از نظر اجتماعی نیز، بی‌بهره ماندن جامعه از نیروی کار انسانی، ایجاد هزینه برای جامعه و دولت، افزایش جمعیت زندان‌ها، از دست رفتن ویژگی تریبی زندان در طول زمان و... می‌باشد. سلب آزادی باید به‌عنوان آخرین راهکار آن هم برای مرتکبان جرائمی که برای امنیت دیگران مخاطره‌آمیز است، اتخاذ گردد (مرادی‌ها، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۴).

۲) مقنن باید در کنار تعیین کیفر مناسب جهت اثرگذاری بر مرتکب برای بازدارندگی از ارتکاب جرم، به ارزش‌های اخلاقی، استفاده از ضمانت اجرای غیرکیفری و تحدید در استفاده از ضمانت اجرای کیفری نیز توجه نماید. چراکه تلاش قانون‌گذار باید بیشتر بر جلوگیری از جرم‌زایی باشد و طبق گفته منتسکیو «وی باید به توده مردم اخلاق پسندیده تعلیم دهد نه آنکه به آنها شکنجه داده و به سختی و شدت کیفر ببفزاید». همچنین نظر به توسعه و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون، لازم است که سیاست

جنایی هم‌پای این توسعه و تحول به پیش رود و عقب‌ماندگی از آن برای جامعه تبعات جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت (محمدنژاد، ۱۳۸۴، ص. ۴۲).

پرواضح است، همان‌طور که کم‌بودن میزان مجازات اثر بازدارندگی ندارد، تشدید در مجازات نیز آثار نامطلوبی برجای می‌گذارد؛ لذا با در نظر گرفتن اصل تناسب میان جرم و مجازات به لزوم این امر نیز، در مورد جرائم سایبری می‌توان پی برد.

(۳) علاوه بر لزوم تقنین مطلوب، نیازمند نهاد نظارتی جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین مربوط به جرائم رایانه‌ای می‌باشیم.

۳-۸- سیاست جنایی تقنینی سازمان‌های بین‌المللی

باتوجه به فرامرزی بودن جرائم رایانه‌ای، هریک از کشورها به لزوم تقنین در این حیطه توجه نموده‌اند که در ادامه به مهم‌ترین سازمان‌های مبارزه با جرائم رایانه‌ای که کشورها به آن پیوسته‌اند، اشاره می‌نماییم.

۸-۳-۱- کنوانسیون جرائم سایبری یا بوداپست مصوب ۲۰۰۱

کنوانسیون جرائم سایبر در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱ در بوداپست مجارستان توسط کشورهای عضو شورای اروپا، آمریکا، ژاپن، کانادا و آفریقای جنوبی رسید. این کنوانسیون، معتبرترین سند بین‌المللی در حوزه جرائم رایانه‌ای می‌باشد.

در این کنوانسیون، علاوه بر بیان جرائم مرتبط با داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای، خواستار گسترش سطح همکاری میان دول عضو در حوزه پی‌جویی و رسیدگی قضایی می‌باشد تا علاوه بر تسریع و تسهیل در روند رسیدگی به جرائم سایبر، امکان رسیدگی هرچه بهتر دیگر جرائمی که ادله الکترونیک در آنها نقش دارند (یعنی جرائم ارتكابی در دنیای فیزیکی) نیز فراهم گردد (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۰).

۸-۳-۲- سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا^۱

این سازمان در دهه ۱۹۸۰، برای اولین بار، فهرستی از جرائم رایانه‌ای که در هگروه

1. OECD

دسته‌بندی شده‌اند، ارائه داد که به قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- ورود، تغییر، پاک کردن یا متوقف‌سازی داده‌ها یا برنامه‌های رایانه‌ای که به طور ارادی و به قصد انتقال غیر قانونی وجوه یا هر چیز با ارزش دیگر صورت می‌گیرد.
- ۲- ورود، تغییر، پاک کردن یا متوقف‌سازی داده‌ها یا برنامه‌های رایانه‌ای که به شکل عمدی یا به قصد ارتکاب جعل صورت می‌گیرد.
- ۳- ورود، تغییر، پاک کردن یا متوقف‌سازی داده‌ها یا برنامه‌های رایانه‌ای یا هرگونه مداخله‌ی دیگر در سیستم‌های رایانه‌ای که به شکل عمدی و به قصد جلوگیری از عملکرد سیستم رایانه‌ای یا ارتباطات صورت می‌گیرد.
- ۴- تجاوز به حقوق انحصاری مالکیت برنامه‌های رایانه‌ای محافظت شده به قصد بهره‌برداری تجاری از آن برنامه و ارائه آن به بازار.
- ۵- دستیابی یا شنود در یک سیستم رایانه‌ای یا ارتباطی به طور آگاهانه و بدون کسب مجوز از فرد مسئول سیستم مزبور، اعم از آن که با تخطی از تدابیر امنیتی صورت گیرد یا با هدف غیرشرافت‌مندانه (علی‌وردی‌نیا و انوری، ۱۳۹۴، ص. ۶۰).

۸-۴- مجازات‌های معین در سطح بین‌المللی

۱) تعیین راه‌حل‌های مختلف برای نظام‌دهی رسانه‌ای به عواملی چون مبانی سیاسی حکومت، ساختار فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی بستگی دارد که هرکشوری متأثر از عوامل و شرایط خاص خود راه حلی را برگزیده است (انصاری، ۱۳۸۷، ص. ۹۱).

جرم سایبری اغلب دارای بعد بین‌المللی است. باوجوداین، همپیمان‌شدن سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر، کارایی چندانی برای مبارزه با این جرائم ندارد، چراکه، پیگرد قانونی در سطح جهانی، در کل محدود به جرائمی هستند که در همه کشورهای شرکت‌کننده، جرم محسوب گردند. هرچند تخلفاتی وجود دارند که در هر جای دنیا مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرند؛ اما تفاوت‌های منطقه‌ای نقش مهمی را در این امر ایفا می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، جرم‌انگاری محتوای غیرقانونی در کشورهای مختلف متفاوت است. موضوع‌هایی که از لحاظ قانونی می‌توانند در کشوری منتشر شوند ممکن است در کشوری دیگر، غیرقانونی

باشند (گرکی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵).

۲) باوجود جرم‌انگاری جرائم رایانه‌ای، لیکن ابزارهای نظارتی و حاکمیتی وجود ندارد؛ لذا عدم وجود ضوابط دقیق در فضای مجازی، آن را به «غرب وحشی جدید» تبدیل نموده است (جوان جعفری، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۱).

۳) اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها یکی از اصول پنجگانه همزیستی مسالمت‌آمیز است که با همت کشورهای جهان سوم در اجلاس آسیایی آفریقایی سال ۱۹۵۵ اندونزی مطرح شد و مورد تصویب کلیه اعضا قرار گرفت. یکی از برایندهای اصل تساوی حاکمیت‌ها، این است که هیچ دولتی نمی‌تواند در اموری که تحت صلاحیت داخلی دولت دیگر است، دخالت کند که از آن به «اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها» یاد می‌شود. این اصل، تنها محدود به سایر کشورها نیست بلکه سازمان‌های بین‌المللی نیز تحت شمول این اصل قرار دارند (پهلوانی فرد و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۴).

اصل عدم مداخله، مانع اعمال نفوذ دولت‌ها در امور سایبری سایر دول است بدان معنا که با استفاده از فناوری جدید هم دولت‌ها نباید در امور داخلی یکدیگر مداخله نمایند (خداقلی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۳). به همین دلیل، در مواردی که مجرم با قربانی در یک کشور قرار ندارند، پیگرد نیازمند همکاری بین پلیس در همه کشورهای متأثر می‌باشد. تحقیقات بین‌المللی و فراملی بدون رضایت مراجع قانونی کشورهای درگیر باتوجه به اصل حاکمیت ملی مشکل است. این اصل در کل به یک کشور اجازه نمی‌دهد که تحقیقات را در قلمرو کشور دیگری بدون اجازه قدرت‌های محلی انجام دهند؛ بنابراین، انجام پیگرد نیازمند حمایت از طرف مراجع قانونی در همه کشورهای درگیر می‌باشد (گرکی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۲).

نتیجه‌گیری

بشر از گذشته تا به حال، به دنبال ساخت ابزارهای مختلف برای بهبود زندگی، کسب آرامش و سرعت در انجام کارهای خود بوده است. یکی از ابزارهای ساخت بشر، وسایل ارتباط جمعی است که فضای مجازی از مصادیق آن می‌باشد. باتوجه به گسترش فناوری، پیشرفت فناوری و ورود به دوره کهکشان مارکونی یا تمدن الکترونیک، با جرائم

نوینی روبه‌رو هستیم که هریک به نوبه خود، موجب ایجاد آسیب‌های متعددی در حوزه‌های مختلف گشته است. این جرائم در حوزه‌هایی چون خانوادگی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، امنیتی-سیاسی، قضایی-پلیسی و همچنین مجازات‌های معین شده در سطح ملی و بین‌المللی، برای نظام جزایی و کیفری آسیب‌زا می‌باشند.

در حوزه خانوادگی، با مشکلاتی چون بزه‌کاری و بزه‌دیدگی اطفال به سبب نداشتن تجربه و صغر سن، بزه‌کاری و بزه‌دیدگی زنان، طلاق والدین و فروپاشی نظام خانواده، در حوزه اقتصادی، سرقت و کلاهبرداری رایانه‌ای، جعل رایانه‌ای، نقض علائم تجاری، فروش محصولات غیرقانونی مواجه هستیم.

در حوزه فردی و اجتماعی، به‌ترتیب شاهد آسیب‌هایی چون نقض حریم خصوصی که خود شامل دو قسم دسترسی و شنود غیرمجاز است، هتک حیثیت، تشویش اذهان عمومی و لکه‌دار شدن عفت و اخلاق عمومی می‌باشیم.

حملات سایبری، تشویق و ترغیب به ایجاد آشوب و اغتشاش، توهین به مقدسات و جمهوری اسلامی و جاسوسی رایانه‌ای در حوزه امنیتی-سیاسی، صعوبت دستیابی به مجرم و کشف جرم، تشخیص تعداد دقیق مجرمان، عدم به جاماندن مدارک، مشخص نبودن مکان دقیق مجرم، کمبود زمان برای انجام تحقیقات، مشخص نبودن هویت مجرم و عدم اقدام بزه‌دیده به شکایت علیه بزه‌کار و افزایش نرخ سیاه جرم در حوزه قضایی-پلیسی مشکلاتی را برای حکومت، قضات، ضابطان دادگستری و... فراهم آورده است.

واکنش در برابر جرائم، از دیرباز مورد توجه افراد جامعه و حکومت بوده است؛ لذا نمی‌توان انتظار سکوت و عدم تعیین مجازات در برابر مرتکبان را داشت، به‌طوری‌که در وجود انسان، همواره شاهد کشمکش میان نفس اماره و لواحه بوده‌ایم.

باوجوداین نمی‌توان مجازات‌های تعیین‌شده برای جرائم رایانه‌ای را کارآمد و بعضاً کافی دانست. در مجازات‌های معین‌شده در قانون ایران، باتوجه به تعیین مجازات حبس برای مرتکب، می‌توان شاهد آسیب‌های فراوان برای وی بود چراکه وجود مشکلاتی مانند افزایش جمعیت زندان‌ها، ایجاد هزینه برای جامعه و دولت، ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی، از هم گسیختگی خانواده و... انکارناپذیر است. همچنین در مجازات‌های تعیین‌شده

در سطح بین‌المللی نیز، ممکن است کارگشا نباشد. به سبب تفاوت در جرم‌انگاری برخی جرائم که در یک کشوری جرم و در کشوری دیگر کاملاً عملی قانونی و فاقد عنصر قانونی جرم است.

به‌هرحال، همواره پیشگیری بهتر از جرم بوده است. با اقدام به پیشگیری وضعی و اجتماعی، می‌توان تاحدودی از ارتکاب مرتکبان به این جرائم کاست. استفاده از وسایل خاص برای محدود کردن دسترسی به اطلاعات خاص، نظارت والدین بر عملکرد کودکان در فضای مجازی، افزایش سواد رسانه‌ای والدین و فرزندان از طریق رسانه‌های جمعی و کتب مدارس و آموزش عالی و... می‌تواند به کاهش جرائم فضای مجازی مؤثر واقع شود.

راهکارها

علی‌رغم وجود مشکلات عدیده که در فرایند کشف و تعقیب جرم، ناکارآمدی مجازات‌ها و صعب بودن کنترل مرزی بر اینترنت وجود دارد، کاملاً روشن است که همواره پیشگیری غیرکفایتی از جرم، چه به‌صورت وضعی و چه به‌صورت اجتماعی، از بسیاری از آسیب‌های بیان شده می‌تواند جلوگیری کند. یکی از شیوه‌های آن جهت حفاظت از داده‌ها برای امنیت کاربران، استفاده از وسایل خاص برای محدود کردن دسترسی به اطلاعات خاص می‌باشد.

در ادامه به اختصار به بیان برخی از راهکارها می‌پردازیم (Zittrain, 2006, p.253):

- ۱- مسدود کردن تارنماهای خاص توسط ارائه‌دهنده دسترسی به اینترنت؛
- ۲- جلوگیری از دسترسی به اطلاعات توسط ارائه‌دهنده خدمات که اطلاعات تارنماها را ذخیره می‌کند برای کاربران برپایه آدرس‌های آی‌پی^۱ متصل به یک کشور خاص (هدفگیری آی‌پی)؛
- ۳- ارتقاء سطح فرهنگ، آموزش و سواد رسانه‌ای والدین و فرزندان از طریق رسانه‌های جمعی همچون رادیو، تلویزیون و... و کتب مدارس و آموزش عالی؛
- ۴- مراجعه به مشاوران و روان‌شناسان، تحت پوشش بیمه قرار گرفتن این نوع از

1. IP

درمان‌ها، جهت رفع هرگونه حس بغض و انتقام و مشکلات روانی موجود در بزهکاران؛

۵- یادگیری برقراری ارتباط در میان اعضای خانواده و گرم‌شدن کانون آن؛

۶- نظارت صحیح والدین بر عملکرد کودکان در فضای مجازی؛

۷- تقویت همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای جهت اجرای پیشگیری از وقوع جرم؛

۸- اعمال قانون واحد و منسجم بین‌المللی در حیطه جرائم رایانه‌ای با در نظر گرفتن اصول حقوق بین‌الملل؛

۹- توانمندسازی واحدهای مبارزه با جرائم سایبری جهت دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به مجرم و کشف جرم؛

۱۰- فراهم ساختن امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مطلوب برای مبارزه با جرائم سایبری.

هرچند باوجود انجام اقداماتی درحال حاضر، همچون ارسال پیامک از طرف پلیس فتا جهت روشننگری مردم، اقدام‌های انجام‌شده از سوی شورای عالی فضای مجازی کافی نبوده و نیازمند تلاش بیشتری جهت پیشگیری و مبارزه با این آسیب‌ها و جرائم می‌باشیم.

منابع و مأخذ

- آقابخش، علی (۱۳۶۳). فرهنگ علوم سیاسی: انگلیسی-فارسی. تهران: انتشارات بهرنگ.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷). آزادی اطلاعات. تهران: نشر دادگستر.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷). حقوق ارتباط جمعی. تهران: انتشارات سمت.
- الهی‌منش، محمدرضا و سدره‌نشین، ابوالفضل (۱۳۹۱). محشای قانون جرائم رایانه‌ای. تهران: انتشارات مجد.
- باسستانی، برومند (۱۳۸۶). جرائم کامپیوتری و اینترنتی جلوه‌ای از بزهکاری. تهران: انتشارات بهرامی.
- بوکت، کاتارینا و فیلیتز، سیلیافون (۱۳۸۴). کودکان و رسانه‌ها: دیدگاه‌ها و چشم‌اندازها:

- حقوق کودک، معصومه عصام. تهران: سازمان صداوسیما، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۹۰). حقوق کودک. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پهلوانی فرد، احسان و دیگران (۱۳۹۷). اصول حاکم سیاست جنایی تقنینی جرائم سایبری. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*. ۱۱ (۴۲)، صص. ۲۳۱-۲۵۹.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۳). پیشگیری از جرائم رایانه‌ای، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۴۷.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۹). *کنوانسیون جرائم سایبر و پروتکل الحاقی آن*. تهران: خرسندی.
- جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۸۹). جرائم سایبری و رویکرد افتراقی حقوق کیفری، *مجله دانش و توسعه*، سال هجدهم، شماره (۳۴)، صص. ۱۷۰-۱۹۳.
- حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۰). شناخت جرائم رایانه‌ای از منظر اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی، *مجله فقه و حقوق ارتباطات*، شماره (۱)، صص. ۵-۲۶.
- خداقلی، زهرا (۱۳۸۳). *جرائم کامپیوتری*. تهران: انتشارات آریان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: نشر دارالقلم.
- زند، محمدرضا (۱۳۸۹). *تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری*. تهران: انتشارات جنگل.
- ساریخانی، عادل؛ قیاسی، جلال‌الدین و خسروشاهی، قدراشه (۱۳۹۱). *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی؛ اسلام و حقوق موضوعه ارکان جرم*. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شرام، ویلبر؛ پارکر، ادوین بی و لایل، جک (۱۳۷۷). *تلویزیون در زندگی کودکان ما*. ترجمه: محمود حقیقت‌کاشانی. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- علیوردی‌نیا، اکبر و انواری، آمنه (۱۳۹۴). جرائم سایبری در ایران، *مصادیق جرائم سایبری و راهکارهای مقابله با آن*. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و

علوم اجتماعی.

- فراهیدی، عبدالرحمن خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*. قم: نشر مؤسسه دارالهجره.
- فضلی، مهدی (۱۳۹۶). *مسئولیت کیفری در فضای سایبر*. تهران: خرسندی.
- کازنو، ژان (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: اطلاعات.
- گرکی، مارکو (۱۳۸۹). *جرائم سایبری: راهنمایی برای کشورهای در حال توسعه*. ترجمه مرتضی اکبری. تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، پلیس امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۱). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: میزان.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۱). *بیست گفتار*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). *تکامل اجتماعی انسان در تاریخ*. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ معین*. تهران: آدنا: کتاب راه نو.
- مرادی، قاسم و مرادی، محمدحسین (۱۳۹۷). *عوامل عملی و نظری ناکارآمدی کیفر حبس*. فصلنامه علمی - حقوقی *قانون یار*، ۲(۵)، صص. ۱۷۳-۱۹۱.
- مرسی، هادی و متولی‌زاده نایینی، نفیسه (۱۴۰۲). *راهبرد مقابله با حملات سایبری علیه سامانه‌های رایانه‌ای ارائه‌دهنده خدمات ضروری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. مجلس و راهبرد، ۳۰(۱۱۳)، صص. ۲۹-۵۵.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۱). *حقوق جزای اختصاصی (۴): جرائم علیه شخصیت معنوی/شخص*. تهران: میزان.
- محمدنژاد، پرویز (۱۳۸۴). *بررسی و شناخت سیاست جنایی و اثر آن بر نظم و امنیت اجتماعی*. اصلاح و تربیت، شماره (۳۹)، صص. ۴۱-۴۲.
- منصورآبادی، عباس؛ میرخلیلی، سید محمود و کرامتی مفز، هادی (۱۴۰۰). *پیشگیری از بزهدیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر نقش شورای عالی فضای مجازی و پلیس فتا*. مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۲(۴۶)، صص. ۳۰-۵۲.
- Breathnach, Seamus. (2002). *Emile Durkheim on crime and punishment(an exegesis)*.

- Dissertation. com :USA .
- Bryant, Robin; Bryant, Sarah. (2014). *Policing Digital Crim.* England: Ashgate publishing .
- Bradford W. Reyns, Billy Henson and Bonnie S. Fisher. (2011) Being Pursued Online: *Applying Cyberlifestyle–Routine Activities Theory to Cyberstalking Victimization*, vol. 38, No 11 .
- Convention on the Rights of the Child, 1989 .
- Council of Europe or Budapest 23/11/2001 .
- Council of Europe Convention on the Protection of Children against Sexual Exploitation and Sexual Abuse (CETS No. 201)
- Dashora, K. (2011). Cyber Crime in the society: Problems and prevention, *Journal of Alternative Perspective in The Social Sciences*, Vol 3, No 1, 240-259 .
- Family safe Media. (2005). statistical Report of Nation Research council Report us .
- Hamill, J. (2008). internet porn encourages teenagers to have sex early. Sunday herald .
- Information security, computer controls over key treasury internet payment system. (2003), GAO .
- Jonathan Zittrain, (2006) A History of Online Gatekeeping. *19 Harvard Journal of Law and Technology* 253 .
- McLuhan, Marshall (1962), *The Gutenberg galaxy*. Canada. University of Toronto Press .
- McLuhan, Marshall (1964, 2003). *Understanding Media*. Gingko Press .
- McLuhan, Marshall (1987). *Letters of Marshall McLuhan*. Oxford University Press .
- Russell B, MA. Clayton, MA. (2014). *The Third Wheel: The Impact of Twitter Use on Relationship Infidelity and Divorce. Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*. Department of Journalism, University of Missouri-Columbia, Columbia, Missouri. 17 (7). Pp 425-430
- Rizgar, Mohammed Kadir, The Scope and the Nature of Computer Crimes Statutes, *German Law Journal*, Vol. 11, No. 06, 2010 .
- Toffler, Alvin (1980). *The third wave*. Bantam book: United States .
- Valenzuela, S.; Halpern. D. & James E. K. (2014). Social network sites, marriage wellbeing and divorce. Survey and state-level evidence from the United States. *Computers in Human Behavior*, 36. Pp. 94-101 .
- Wiener Norbert (1950). *The Human Use of Human Beings: Cybernetics and Society*, THE RIVERSIDE PRESS CAMBRIDGE, MASSACHUSETTS: PRINTED IN THE U. S. A .

قوانین

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱
- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳
- قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۰۳/۰۵
- قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷
- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲

قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸.

قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز

می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶.

پایگاه‌های اینترنتی

بیانات مقام معظم رهبری پیرامون فضای مجازی مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

خبرگزاری دانشجویان ایران-ایسنا. (۱۳۹۵). نوجوان ۱۵ ساله درگاه اینترنتی هزار کاربر

را هک کرد. ارائه شده در ۲۳ شهریور ۱۳۹۵ در <https://www.isna.ir/news/gilan>

Internet World States, June 2022

<https://www.internetworldstats.com/stats.htm>

Gender distribution of pornhub. com visitors in selected European countries in 2021

<https://www.statista.com/statistics/661314/gender-distribution-of-pornhubcom-website-traffic-in-selected-european-countries/>

نقش رسانه در بزهکاری و انحراف‌ها از نگاه جرم‌شناسی فرهنگی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

اقبال محمدی^۱

شیمیا شهرکی^۲

چکیده

در تحقیقات مربوط به جرم‌شناسی موضوع اصلی تحلیل علت وقوع جرم است، یکی از علل مهم، عامل فرهنگی است. جرم‌شناسی فرهنگی به بررسی علل فرهنگی بروز ناهنجاری و بزهکاری می‌پردازد. فرهنگ مفهومی پیچیده است که تعریف آن مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان مختلفی بوده است. بررسی چرایی شکل‌گیری ناهنجاری بر اساس فرهنگ سؤال مهمی است که جرم‌شناسی فرهنگی در صدد پاسخ به آن است. در این پژوهش نقش فرهنگ به عنوان مفهوم کلی و رسانه به عنوان یکی از کارآمدترین ابزار فرهنگ در شکل‌دهی ناهنجاری بررسی می‌شود. در این بین رسانه‌ها و فرهنگ‌های ایجاد شده توسط آن‌ها در شکل‌گیری این رفتارها اثرهای فراوانی دارند. تلفن همراه، موسیقی، تلویزیون و امثال آن ابزارهای رسانه هستند که مدام در حال ایجاد یا تغییر فرهنگ می‌باشند. برخورد کیفری در ابتدا و بدون توجه به سایر راهکارها نشان از سیاست جنایی ضعیف در مبارزه با انحراف‌های فرهنگی دارد و در این راستا ابتدا باید مخاطره‌های فرهنگی رسانه شناخته شود و مبارزه کیفری آخرین راه پیشنهادی است. جوانان به عنوان تأثیرپذیرترین گروه از تولیدهای رسانه‌ای و فرهنگ‌های ایجاد شده توسط آن‌ها می‌باشند.

واژگان کلیدی

جرم‌شناسی فرهنگی، رسانه، فرهنگ، خرده‌فرهنگ، ارزش جمعی.

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohammadieqbal@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

shima.shahrakii@gmail.com

مقدمه

فرهنگ از مهمترین مفاهیم هر جامعه است و به‌طور زیربنایی در تمام تعاملات اجتماعی حضور دارد. رسانه‌ها با فراگیری در دنیای امروز توانسته‌اند از مهمترین بسترهای تولید، تغییر یک فرهنگ باشند و در این خصوص ممکن است اعضای جامعه را به‌سمت درستکاری یا انحراف هدایت کنند. فرهنگ در روی دیگر سکه می‌تواند دارای راهکارهای اصلاحی نیز باشد، همچنین آنچه برای برخی از رفتارهای رسانه‌ای به‌عنوان عوامل جرم‌زا بیان می‌شود، می‌تواند دارای شیوه‌های اصلاحی فرهنگی نیز باشد. منتها با ارائه نظریه‌های مطرح در جرم‌شناسی باید ارتباط حوزه فرهنگ با آن‌ها مشخص شود و بسته به مورد ارائه راهکار برای پیشگیری از وقوع یا تکرار یا شیوع جرم صورت پذیرد.

بررسی علل فرهنگی یا عامل‌شناسی فرهنگی جرم را تحت عنوان رشته‌ای نوپا با نام جرم‌شناسی فرهنگی^۱ مطرح کرده‌اند. پایه‌گذار این رشته را می‌توان جف فرل^۲ دانست. جرم‌شناسی فرهنگی شاخه‌ای عام و مادر است که می‌تواند نظریه‌های مختلف و پراکنده جرم‌شناسی را حول محور فرهنگ دربرداشته باشد.

تعاریفی متعددی برای فرهنگ ذکر شده، که بیان خواهد شد، تاریخ، سبک زندگی، رسانه، موسیقی و بسیاری دیگر از این‌گونه موارد نیز از مؤلفه‌های فرهنگ هستند که این مؤلفه‌ها نیز گاهی به‌عنوان علل جرم در رشته جرم‌شناسی فرهنگی معرفی می‌شوند و از موضوع‌های اصلی این رشته هستند. در این پژوهش تاجایی که منجر به خروج از بحث نشود به آن‌ها پرداخته می‌شود، نقش رسانه‌ها و برخی رسانه‌ها در بروز ناهنجاری طرح خواهد شد و بررسی خواهد شد که این ابزارها چگونه به‌عنوان علل فرهنگی جرم شناخته می‌شوند؛ بنابراین بر اساس شناخت رفتار آدمی از روی فرهنگ ابتدا جرم‌شناسی فرهنگی به‌طور مختصر معرفی شده و سپس نظریه‌های این شاخه در باب توضیح چگونگی شکل‌گیری برخی از انحراف‌ها و بزه‌کاری‌ها نزد جوانان بررسی می‌شود. با شناخت علل فرهنگی انحراف‌ها واکنش علیه آن‌ها در قالب سیاست جنایی منسجم و ناظر بر پیشگیری از وقوع و تکرار این انحراف‌ها نیز روشن‌تر خواهد بود؛ بنابراین ضروری

1. Cultural Criminology

2. Jeff Ferrell

است تا از زاویه نظریه‌های فرهنگ این موضوع بررسی شود.

۱- جرم‌شناسی فرهنگی

در میان گرایش‌های مختلف جرم‌شناسی، یکی از گرایش‌هایی که با رشد و اقبال زیادی مواجه شده شاخه جرم‌شناسی فرهنگی است که موضوع جرم را از طریق مقوله فرهنگ و تولیدهای فرهنگی از جمله رسانه بررسی می‌کند؛ لذا با معرفی اجمالی جرم‌شناسی فرهنگی به نقش رسانه در ارتکاب انحراف‌های اجتماعی و جرم پرداخته شود.

تابه‌حال عامل‌های متعددی برای ارتکاب بزهکاری ذکر شده و برای بررسی هر یک از این عوامل نظریه‌هایی نیز مطرح شده است. از نظریه‌های به‌نسبت تازه‌ای که برای عامل‌شناسی فرهنگی جرم ارائه شده است، جرم‌شناسی فرهنگی است. این رشته با در نظر گرفتن نقش عوامل فرهنگی در وقوع، تکرار و یا پیشگیری از جرم ذیل شاخه جرم‌شناسی فرهنگی که از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی است در سال‌های اخیر مطرح شده است (DeKeseredy, 2011, p.51). با رایج شدن جرم‌شناسی انتقادی و توجه به فرهنگ به‌عنوان عامل مهم ارتکاب جرم تغییرهای جدی در فهم عامل جرم بر مبنای عامل‌شناسی فرهنگی ایجاد کرده است (نکایی، ۱۳۹۱، ص ۸). رشته جرم‌شناسی فرهنگی به بررسی نقش فرهنگ در ارتکاب جرم می‌پردازد و می‌کوشد تا عوامل فرهنگی منجر به ارتکاب جرم را معرفی نماید. عوامل متعددی در این زمینه وجود دارد، فیلم‌ها، موسیقی‌ها، تئاترها، داستان‌ها، جشن‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها، هم‌نشینی و بسیاری از موارد دیگر هستند که در رشته جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان عوامل فرهنگی جرم معرفی می‌شوند.

همان‌طور که بیان شد عامل‌شناسی فرهنگی جرم و راه‌های کنترل آن ذیل شاخه‌ای با عنوان جرم‌شناسی فرهنگی^۱ مطرح شده است. مطابق تعریفی که فرهنگ جرم‌شناسی سیج^۲ ارائه داده، جرم‌شناسی فرهنگی عبارت است از: «برآیند شاخه‌ها و نظریه‌هایی که به ارتباطات و تقابل‌های فرهنگ، خرده‌فرهنگ^۳ و جرم و فرایندهای کنترل از آن

1. Cultural criminology

2. The Sage Dictionary of Criminology

3. Subculture

می‌پردازد» (Muncie and Mclaughlin, 2001, p.75). موضوع اصلی این رشته تحلیل تأثیر نقش تصویر و سبک فرهنگی بر جرم و طرح روابط میان خرده‌فرهنگ‌ها و جرم است (Muncie and Mclaughlin, 2001, p.76)؛ لذا مطابق تعریف ارائه‌شده این رشته برآیندی از سایر شاخه‌های جرم‌شناسی است که مؤلفه اصلی آن‌ها فرهنگ است و موضوع اصلی مطالعه آن نیز استفاده از یافته‌های همین رشته‌ها است.

به‌طور خلاصه جرم‌شناسی فرهنگی بر عامل‌شناسی جرم و کنترل آن دلالت دارد و به‌معرفی علل فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن می‌پردازد. جرم‌شناسی فرهنگی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی^۱ است و همچنین در یک تقسیم‌بندی از شاخه‌های جرم‌شناسی سنتی یا ارتدکس^۲ شناخته می‌شود (Ferrell, 2010, pp.304, 308). جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان شاخه‌ای جدید از جرم‌شناسی، با نگرشی بسیار عام در جرم‌شناسی از سال ۱۹۹۵ توسط جف فرل^۳ و ساندرز^۴ به‌طور گسترده در مباحث جرم‌شناسی مطرح و معرفی شد (Ferrell, 2010, p.304). و از سال ۱۹۹۵ تا کنون در کتاب‌های جرم‌شناسی، مجموعه مقاله‌های جرم‌شناسی و دایره‌المعارف‌ها موضوع‌هایی را به خود اختصاص داده است (Ferrell, 2010, p.303).

درواقع جرم‌شناسی فرهنگی رشته‌ای عام و دربردارنده سایر رشته‌هاست و برآیندی از جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و عدالت کیفری است که بر همگرایی آن‌ها در دوره اخیر تأکید دارد. با بررسی و نگاه به مطالعات فرهنگی، نظریه‌های نوین و انتقادی جرم‌شناسی، تضاد در جامعه، احساس‌های مشترک جمعی، تیپ‌شناسی مجرمان، نقش رسانه و مواردی از این قبیل به پدیده مجرمانه و راه‌های جلوگیری از ارتکاب جرم یا تکرار آن می‌پردازد. همچنین در بخشی نیز به سیاست‌های فرهنگی جنایی و کنترل و پیشگیری از جرم^۵ در قالب سیاست جنایی در مفهوم عام می‌پردازد (Muncie and Mclaughlin, 2001, p.75).

هرکجا مؤلفه‌ای فرهنگی در مورد نابهنجاری‌ها و جرائم وجود دارد و هرکجا عاملی

-
1. Critical criminology
 2. Orthodox
 3. Jeff Ferrell
 4. Sanders
 5. Crime prevention

فرهنگی به‌عنوان دلیل جرم معرفی شده است، جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان عامل‌شناسی جرم به آن پرداخته است. در کتاب جرم‌شناسی فرهنگی، فرل و ساندرز (۱۹۹۵)، این رشته را مطالعه تجربه‌های روزانه، سوابق زندگی و برخی از تفریحات (مانند موسیقی و رسانه و...) می‌دانند و این مسئله را مطرح می‌کنند که چگونه و چرا برخی جلوه‌های فرهنگ، به‌عنوان جرم شناسایی می‌شوند. جرم‌شناسی فرهنگی افکار گوناگون را با یکدیگر پیوند می‌دهد تا انطباق و همسویی فرایندهای فرهنگی و جنایی را در زندگی اجتماعی معاصر بررسی کند. این محققان، جرم‌شناسی فرهنگی را گسترش دهنده و احیاکننده جرم‌شناسی می‌دانند نه جرم‌شناسی فرهنگی باعث نفی جرم‌شناسی کلاسیک باشد (Ferrell and Sanders, 1995, p.17)؛ لذا عامل‌شناسی فرهنگی جرم نظریه‌ای برآمده از سایر نظریه‌هاست و می‌توان آن را برآیندی از آن‌ها دانست، همان‌طور که در تعاریف این رشته نیز آن را برآیندی از سایر رشته‌ها می‌دانند.

از دیگر موارد حائز اهمیت در این شاخه تمرکز و توجه به فرهنگ عامه‌پسند است و همچنین گسترش ابعاد و مؤلفه‌های مربوط به آن (مثل تأثیرهای رسانه، مهاجرت و ...) در کانون توجه قرار می‌گیرد. پژوهش در زمینه‌های متنوع اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تعریف، تجلی، کنترل و فهم جرم، ضرورت انتخاب نگاهی متفاوت به مسئله جرم را در این رشته توضیح می‌دهد. مطالعه در این شاخه از جرم‌شناسی از نگاه سنتی فاصله داشته، و زمینه اجتماعی بروز رفتار ناهنجار و فرایندهای مربوط به آن را در دل اجتماع و معادلات فرهنگی آن مورد کاوش قرار می‌دهد. بزهکاری را باید بر مبنای فرایندهای اجتماعی و فرهنگی که خود منفک از ذات بزهکاری عمل می‌کنند، درک کرد. در هر ناهنجاری، تعداد مختلفی از تعاریف، مبانی و موضوع‌های فرهنگی دخیل‌اند (ذکایی، همان، ص. ۱۲). همچنین نگرش انتقادی در جرم‌شناسی فرهنگی، تولیدهای رسانه‌ای (فیلم، کتاب، تصاویر تلویزیونی، فضای مجازی و موارد مشابه) که با فنون معمول تحلیل محتوا و نشانه‌شناسی همخوانی بیشتری دارند را بررسی می‌نماید (Ferrell and Sanders, 1995, p.18).

فرل، جرم‌شناسی فرهنگی را شاخه‌ای در راستای پیوند زدن سایر شاخه‌ها و تحقیقات فرهنگی معرفی می‌کند. نکته فوق با توجه به اینکه بیشترین آثار و تحقیقات این رشته

جدید متوجه مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام^۱ در خصوص خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری یا نظریه‌های مربوط به تعارض‌های فرهنگی و رسانه‌ها در پخش و پوشش دادن آمار و نوع بزهکاری می‌باشد، قابل قبول است (نکایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳)؛ بنابراین، نه تنها رفتار بزهکارانه بلکه صحنه جرم، اطلاعات و اخبار و بازنمایی‌های مربوط به آن نیز دارای اهمیت است. علاوه بر دو سنت انتقادی/پست‌مدرن^۲ و مطالعات فرهنگی، جرم‌شناسی فرهنگی از بخشی از سنت متعارف جامعه‌شناسی که جرم را دارای وجهی برآمده از معادلات اجتماعی می‌داند نیز تأثیرهای زیادی پذیرفته است (نکایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳)؛ بنابراین این شاخه از جرم‌شناسی مانند کتابخانه‌ای تخصصی که همزمان با تخصصی و مربوط به یک موضوع بودن، در هر قفسه آن تحقیقات و کتاب‌های سایر شاخه‌های جرم‌شناسی که موضوع اصلی آنان فرهنگ است، وجود دارد. این کتابخانه، کتابخانه جرم‌شناسی فرهنگی است. درواقع این رشته به جای اینکه به جرم اهمیت دهد به تمام فرهنگ‌ها و عاداتی که فرد را به‌سوی جرم سوق داده است نظر دارد البته عاداتی که جنبه فرهنگی دارد و از تولیدهای فرهنگی نشئت گرفته است (Presdee, 2005, p.16)؛ بنابراین ضروری است تا مفهوم «فرهنگ» طرح شده، کارکرد و آثار آن مورد مذاقه قرار گیرد و سپس نقش آن در تولید بزه مورد بررسی قرار گیرد.

۲- تعریف فرهنگ

در جوامع اروپایی به‌عنوان یکی از جوامعی که بیشترین تحقیق را در مورد فرهنگ انجام داده است، حدود دویست تعریف از فرهنگ ارائه شده است (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). در این تحقیقات فرهنگ از زوایای گوناگون اجتماعی، دینی و حتی اقتصادی بررسی شده است و نتیجه چنین بوده که فرهنگ بر تمام این مقولات دارای اثر است.

در آغاز سده نوزدهم میلادی مفهوم فرهنگ در مورد ارتقای شخصیت بود و معنایی فردی داشت (به‌ویژه حین آموزش) و بعد از آن متوجه هویت ملی و ایدئال‌های جمعی یک ملت شد. در نیمه سده نوزدهم بعضی از محققان واژه فرهنگ را برای ارجاع به ظرفیت

1. Birmingham school
2. Postmodern

جهان‌شمول بشری اطلاق کردند. ادوارد تایلر^۱ در سال ۱۸۷۱ فرهنگ را با تمدن مقایسه کرد و آن دو را کلیتی درهم تنیده دانست که شامل دین، هنر، اخلاق و هرگونه توانایی است که آدمی می‌تواند به‌دست آورد (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳). «کلاکر^۲» نیز فرهنگ را به‌طور کلی در معنی گنجی سرشار از خلاقیت‌های انسان تلقی کرد. از این‌رو نوشته‌ها، نقاشی‌ها، آثار معماری و نیز علم تطبیق آدمی با محیط و همچنین آداب و ارزش‌های اخلاقی و باید و نبایدها، همگی جزئی از فرهنگ به‌شمار می‌رود. «مای رس^۳» نیز فرهنگ را آن چیزی دانست که از گذشته آدمی به‌جای مانده است و بر حال و آینده او اثر می‌گذارد (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳).

کروبر^۴ و کلاکھون^۵ یکصد و شصت و چهار تعریف از فرهنگ در زبان انگلیسی پیدا کرده‌اند که از طرف انسان‌شناس‌ها، جامعه‌شناس‌ها، روان‌شناس‌ها، روان‌پزشک‌ها و سایرین عنوان شده است. این دو نفر پس از تجزیه و تحلیل این تعاریف آن‌ها را به شش نوع و طبقه تقسیم کرده‌اند: تشریحی^۶، تاریخی^۷، هنجاری^۸، روان‌شناسی^۹، ساختی^{۱۰} و ژنتیکی^{۱۱} (Spencer-Oatey, 2012, p.1). بدیهی است بررسی همه این تعاریف پژوهشی خاص خود را می‌طلبد، و برای شناخت ماهیت فرهنگ استفاده از چند تعریف جامع کفایت خواهد کرد.

در سده بیستم میلادی «فرهنگ» به‌عنوان مفهومی اساسی در علم انسان‌شناسی مطرح شد که تمام پدیده‌های انسانی را احاطه می‌کرد نه اینکه صرفاً محصول ژنتیک باشد. عبارت «فرهنگ» به‌خصوص در مباحث انسان‌شناسی دارای دو معنا بود: ۱. ظرفیت رشدیافته انسان در خصوص تقسیم‌بندی و بیان تجربیات مرتبط با نمادها و کنش همراه با تعقل و نوآوری؛ ۲. راه‌های مشخصی که در نقاط مختلف دنیا انسان بر مبنای آن

-
1. Edward Taylor
 2. Klacker
 3. Mayros
 4. Kroeber, A.L.
 5. Kluckhohn, C.
 6. Descriptive
 7. Historical
 8. Normative
 9. Psychological
 10. Structural
 11. Genetic

زندگی و تجربیات خود را به طرق مختلف بیان می‌کند و به‌شکلی خلاقانه دست به کنش می‌زنند. پس از جنگ جهانی دوم این اصطلاح - اگرچه با معانی مختلف - بااهمیت بیشتری در دیگر رشته‌ها و حوزه‌های علمی مثل جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، روان‌شناسی سازمانی و علوم مدیریتی برخوردار شد (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴)؛ لذا در تعاریف این سده نیز مانند تعاریف سده نوزدهم سائق بودن فرهنگ به‌عنوان هدایت‌کننده رفتارهای آدمی، نقش پررنگی دارد.

تعریف شاین ضمن یکپارچه کردن تعاریف مختلف ارائه‌شده از فرهنگ، ابزاری برای کشف و درک فرهنگ بیان می‌کند. بر اساس این تعریف، فرهنگ مجموعه‌ای است از رفتارها، ساخته‌ها، ارزش‌ها و باورها، نظام‌های معنا و روش‌های یادگیری مشهود و نامشهود؛ مثلاً هنر و معماری، نمادها و آیین‌ها که در ساخته‌های دست بشر متجلی می‌شوند، صریحاً و تلویحاً نمایانگر فرهنگ هستند (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵). مطابق نظر شاین، فرهنگ را می‌توان از جلوه‌های آن درک کرد؛ مثلاً تئاترهای اجراشده در شهر پاریس در دهه نوزدهم میلادی بار فرهنگی خاص را برای مردمان شهر داشتند (kalifia, 2005, p.364)؛ لذا تمامی تولیدهای فرهنگی یک جامعه را می‌توان ابزارهای درک فرهنگ دانست.

در خصوص کارکرد و نحوه تأثیر فرهنگ دو دیدگاه مهم در باب چگونگی شکل‌گیری رفتار بر اساس فرهنگ را ارائه می‌کنیم، این دو دیدگاه عبارت‌اند از: فرهنگ به‌عنوان ارزش جمعی جامعه و فرهنگ به‌عنوان جعبه ابزار. به طرح این دو نظریه می‌پردازیم تا بر اساس آن‌ها بتوان تحلیلی برای ناهنجاری‌های فرهنگی و ناهنجاری‌هایی که معلول فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها هستند، ارائه نمود.

۳- فرهنگ به‌عنوان ارزش جمعی جامعه

نگاه سنتی به فرهنگ، فرهنگ را مقوله‌ای اجتماعی می‌داند و آن را در دل جامعه بررسی می‌کند؛ لذا، ابتدا باید تعریفی از فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی ارائه شود. تعدادی از رویکردها، فرهنگ را تا حدی از طریق تفکیک آن از سیر مفاهیم تحلیل جامعه‌شناختی

تعریف می‌کنند. از این‌روست که برخی از جامعه‌شناسان سخن از تفاوت میان فرهنگ و جامعه به میان می‌آورند. رویکردهای دیگر تفکیک‌های درونی فرهنگ را مطرح می‌کنند؛ مثلاً فرهنگ «عالی» در برابر «فرهنگ توده‌ای» یا فرهنگ عامه و فرهنگ «مادی» در برابر فرهنگ «نمادین» (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). در این نگاه، عده‌ای معتقدند بسیار سودمند است که مفهوم فرهنگ را برای اکثر کاربردها به‌گونه‌ای دقیق‌تر از آنچه تاکنون در رشته انسان‌شناسی آمریکایی^۱ معمول بوده است تعریف کنیم و آن را به‌عنوان محتوای انتقال‌یافته و ایجادشده و الگوهای ارزش‌ها، عقاید و سایر نظام‌های نمادین معنی‌دار به‌منزله عواملی که در شکل دادن به رفتار آدمی مؤثرند، در نظر بگیریم (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۸). مطابق این دیدگاه فرهنگ پدیده‌ای اجتماعی و فراتر از ارزش‌های فردی است. فرهنگ ارزشی جامعوی داشته و دارای قدرت شکل‌دهی به رفتار است.

درواقع فرهنگ در این نگاه چیزی شبیه به ارزش‌های جمعی اجتماعی در نظر دورکیم است. جوهرهای بنیادین و نسبتاً بررسی‌نشده‌ای که عمل انسانی را برمی‌انگیزد. نظام‌های اجتماعی به‌وجود می‌آیند تا ارزش‌های اساسی خود را تحقق بخشند، و ارزش‌ها مبین آنند که چرا نقش‌آفرینان گوناگون، حتی در شرایط گوناگون، دست به انتخاب‌های مشابه می‌زنند (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۹). درواقع در نظر این تعاریف فرهنگ به‌عنوان ارزش نمادینی تلقی می‌شود که در دسترس عامه مردم قرار دارد و از طریق آن‌ها مردم به رفتارهای خود شکل می‌دهند. بسیاری از رفتارهای افراد بر اساس ارزش است یعنی انسان‌ها سعی می‌کنند آنچه که جامعه پیرامون آن‌ها به‌عنوان ارزش انتخاب و معرفی کرده است را در اعمال و کردار خود عملی سازند؛ بنابراین اولین دیدگاه به سؤال مطروحه (فرهنگ چگونه به رفتار شکل می‌دهد؟) چنین پاسخ می‌دهد که فرهنگ ارزشی شکل‌گرفته برای افراد است و آن‌ها را به‌عنوان یک سائق هدایت می‌کند. سائقی که همان باورهای جمعی اجتماع است. حتی در مواردی نیز با آنچه زیگموند فروید^۲ آن را فراخود می‌داند مقایسه شده؛ اما به‌عنوان یک فرا خود جمعی در نظر گرفته شده است (میلر و براویت، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴). همان‌طور که فراخود بر خلاف امیال غریزی رفتارهای فردی را

1. American Anthropology
2. Sigmund Freud

شکل می‌دهد و در بسیاری موارد می‌تواند هدایت‌کننده آن‌ها باشد (Freud, 1962, p.22-23)، فرهنگ نیز به‌عنوان فراخودی جمعی می‌تواند نقش‌آفرین برای جهت‌دهی به رفتارهای آدمی باشد؛ به‌عنوان مثال شخصی که بسیار گرسنه است و درمقابل یک نان فروشی خلوت ایستاده و هیچ‌کس نظاره‌گر وی نیست، در حال کشمکش بین غرایز و فراخود است و درنتیجه پیروزی هر کدام از آن‌ها رفتار وی شکل خواهد گرفت، حال فردی را تصور کنید که بعد از خرید در مرکز خرید بزرگ شهر، در حال خارج شدن از فروشگاه و درحالی‌که مقداری کاغذ و نایلون اضافی دارد و به‌شدت مزاحم وی است را در دست خود نگه می‌دارد تا آن‌ها را در محل مخصوص خود دور بریزد. به‌نظر می‌رسد در اینجا نیز فرهنگ جمعی به‌عنوان نقش‌کنترلی برای رفتار وی به‌عنوان یک هدایت‌کننده ایفای نقش می‌کند و از بروز یک ناهنجاری جلوگیری می‌کند؛ بنابراین برای درک عمل آدمی باید به محتوای فرهنگ‌ها توجه کامل و دقیق شود، که البته این موضوع نیازمند نظر کارشناسان و خبرگان این مبحث است. باید دید مردم چگونه (اغلب ناآگاهانه)، در اجرای سنت‌ها و شیوه‌های کار روزمره و مسلم فرض شده، از فرهنگ استفاده می‌کنند. مردم به‌گونه‌ای فعال‌تر، آگاهانه و حتی ستیزه‌جویانه نیز فرهنگ را به‌کار می‌برند (هال و جو نیتس، ۱۳۹۰، ص.۳۵۷). هنگامی که دختران درباره لباس مناسب با پدر یا مادرشان بگوگو می‌کنند، این گفتگو در مورد سلیقه، به‌طور ضمنی بر تأکیدهایی در مورد استقلال دختر از مادر و مشارکت در فرهنگ همسالانش نیز دلالت دارد (هال و جو نیتس، ۱۳۹۰، ص.۳۵۹). همچنین می‌توان حالاتی را در نظر داشت که فرهنگ جامعه یا گروه کوچکی که دختر در آن‌ها قرار دارد، به‌صورت ارزشی برای وی متجلی شود و او رفتارهای خود را بر اساس آن‌ها شکل دهد، در این حالات فرض‌های ناهنجاری می‌تواند قابل تصور باشد. مصادیق این فرض را می‌توان در نظریه خرده‌فرهنگ یا معاشرت‌های ترجیحی در مباحث جرم‌شناسی دنبال کرد.

تا اینجا مشخص شد که طبق این تحلیل چگونه فرهنگ رفتار آدمی را شکل می‌دهد؛ به‌عنوان مثال در مواردی که خرده‌فرهنگ به‌عنوان یکی از عوامل فرهنگی جرم‌زای معرفی شده، وجود دارد، این خرده‌فرهنگ می‌تواند ارزشی برای دارندگان آن تلقی شده و

رفتارهای آنها بر اساس این ارزش شکل بگیرد. سرقت به‌عنوان جرمی که اکثر قوانین به آن پرداخته‌اند دارای ابعاد اقتصادی و اجتماعی است؛ اما تصور این مطلب که فارغ از تمام مسائل نوجوانی بعد از دیدن فیلم رابین‌هود مرتکب سرقت شود پیچیده نیست (Presdee, 2005, p.18)، یا به‌عنوان نمونه مشابه می‌توان به فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی ایرانی با موضوع عیاران اشاره نمود.

گاهی نیز برخی جشن‌های فرهنگی مانند جشن آتش که حرکتی فرهنگی محسوب می‌شود، منجر به ارتکاب برخی جرائم می‌شود، جشن آتش در بریتانیا برگزار می‌شود و در آن مراسمی بر پا می‌شود، حال برخی از آتش‌افروزان هر ساله تعدادی خودرو را نیز در کنار این جشن به آتش می‌کشند و آن را جزء مراسم این جشن می‌دانند. در شمال غربی انگلستان نیز این جشن آثار مشابهی دارد به‌طوری‌که گزارش تایمز^۱ حدود سی هزار آتش‌افروز که غالباً از جوانان بودند در خلال این جشن در انگلستان و آمریکا به‌دلیل آتش‌افروزی غیرقانونی دستگیر شده‌اند (Presdee, 2005, p.22). همچنین نمونه این موارد در برخی از مراسم مذهبی انحرافی مانند قمه‌زنی، زخمی کردن کودکان و امثال آن می‌توان مشاهده کرد.

مثال‌های فوق بر اساس تحلیل فرهنگ به‌عنوان ارزش جمعی قابل توجیه است، به‌خصوص زمانی که خرده‌فرهنگ، جای فرهنگ ارزشی - با مفهوم مثبت - را گرفته و این خرده‌فرهنگ سائق رفتار می‌شود. درمقابل این تحلیل، اندیشمندان دیگری تحلیلی از زاویه دید دیگر در خصوص سازوکار تأثیرگذاری فرهنگ ارائه داده‌اند.

۴- فرهنگ به‌عنوان جعبه‌ابزار

برخی مانند سوئیلدر^۲ عقیده فوق را سنتی و ناقص می‌دانند. در این نظریه گفته می‌شود فرهنگ در شکل دادن به عمل از راه تأمین هدف‌های غایی یا ارزش‌هایی مؤثر است که عمل به آن‌ها، معطوف است. او مانند دیگر نظریه‌پردازان اخیر، بر اهمیت بررسی نمادهای گویا و معنی‌دار بیشتر صحنه می‌گذارد تا بر ارزش‌های موجود در جامعه‌شناسی فرهنگ.

1. The Times 27/4/99

2. Suelder

نظر سوئیڈر این است که فرهنگ را باید به‌منزله یک «جعبه ابزار» تلقی کرد، پس هر نوع تحلیلی از آن را باید بر «راهبردهای عمل» متمرکز کرد. در نظر وی فرهنگ به‌منزله یک ابزار عملی عمل می‌کند؛ اما نه در تعیین ارزش‌های ایدئال. یعنی در هر مورد بر اساس موقعیت ایجادشده، شخص رفتاری خاص را بر مبنای منافع که برایش وجود دارد انتخاب می‌کند (مال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص. ۳۷۳). در این نگاه میان وضعیت‌های آرام و ناآرام نیز می‌توان تفکیک کرد، به‌طوری‌که در وضعیت‌های آرام ارزش‌های جمعی برای شکل‌دهی به رفتارهای فرد نیرومندتر از فرهنگ‌ها به‌عنوان ابزار هستند؛ مثلاً در یک مراسم مذهبی در شرایط آرام کلیسا همه بر اساس ارزش‌های مشترک عمل می‌کنند؛ اما در شرایط جنگ، فرهنگ احتکار کردن ممکن است به‌عنوان ابزاری به‌کار گرفته شود که به‌صورت موردی دارای نفع باشد، هرچند این نفع بر خلاف ارزش‌های جمعی باشد (مال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص. ۳۷۳). در این نگاه هیچ ارزش والایی شکل نگرفته است و فرهنگ‌های متکثر هستند. فرد نیز حق یا به‌عبارت دقیق‌تر قدرت انتخاب دارد تا هر یک از آن‌ها را با توجه موقعیت خاصی که برای وی ایجاد شده است، برگزیند.

در این نگاه کالاها نیز می‌توانند به‌عنوان یک ابزار فرهنگی در نظر گرفته شوند. کالاهای مادی می‌توانند جنبه‌ای از فرهنگ باشند؛ اما فقط هنگامی که معنایی به آن‌ها نسبت داده شود (مال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص. ۳۶۰). افراد از کالاهایی که معنی فرهنگی یا خرده‌فرهنگی دارند می‌توانند برای بیان مقاصد یا رساندن پیام استفاده کنند؛ به‌عنوان مثال استفاده از سیگارهای بزرگ (سیگار برگ) در میان نوجوانان سیاه‌پوست کوبایی نشان‌دهنده استقلال و قدرت آن‌ها برای سایر همسالانشان است (karlamangla, 2010, p.4). حال هرچند داشتن سیگارهای برگ به‌عنوان یک ارزش نباشد؛ اما فرد برای کسب نفعی در شرایط خاص ممکن است به استفاده از آن روی آورد، هرچند خرده‌فرهنگی در کار نباشد. دادن جنبه‌های فرهنگی به کالاهایی از این دست می‌تواند دارای منافع اقتصادی برای گروه‌های صاحب سرمایه نیز باشد، به‌طوری‌که در بازه‌های زمانی مختلف، کالاهای خاص دارای ارزش شوند؛ به‌عنوان مثال در جریان انقلاب صنعتی عادت‌های مصرفی مردم نیز دچار تحول شد. افراد عادی و اعضای گروه‌ها از مصرف برای ابراز وجود به میزانی بسیار

بیش از آنچه قبلاً امکان‌پذیر بود استفاده می‌کردند. یکی از کلیدی‌ترین عوامل این تغییر تولیدکنندگان، آگهی‌دهندگان، و بازرگانان بودند (مال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص. ۳۶۱). این تولیدکنندگان و آگهی‌دهندگان به تدریج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی را در بین افراد جامعه رواج دادند و این امر نیز از عوامل جرم‌زای معرفی‌شده برای جرائم اقتصادی می‌باشد. ازجمله آثار زیان‌بار تجمل‌گرایی، انحطاط اجتماعی است؛ لذا در قرن نوزدهم با تحولات اقتصادی که ناشی از تبدیلات کشاورزی به صنعتی بود سطح زندگی مردم متحول گشت؛ اما پیشرفت اقتصاد صنعتی و اتفاق‌های تکمیلی آن، سبب افزایش بزهکاری شد. میل به تجمل و تهیه وسایل زندگی نوین و جدید، حرص اندوختن مال و ازدیاد ثروت و سرمایه، در افزایش جرائم مختلف مخصوصاً کلاهبرداری، جعل، صدور چک بی‌محل، سرقت وسایل نقلیه و جرائم تأثیر و ارتباط مستقیم دارد (دانش، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۵). مثال دیگری در این زمینه می‌توان ذکر کرد شیوع دادن مصرف سیگار توسط رسانه‌ها به‌طور غیرمستقیم در میان جوانان است. در تحقیقی که در سال ۲۰۱۰ در شهر برکلی ایالات کالیفرنیا ایالات متحده آمریکا انجام شد، این نتیجه به‌دست آمد که نیمی از ویدئو موزیک‌ها و موسیقی‌های پاپ دربردارنده محتویاتی هستند که به‌مصرف سیگار ارجاع می‌دهند، که در این میان ۳۰ درصد آن‌ها هیچ تصویر مستقیمی نیز از سیگار نشان نمی‌دهند. این پژوهش را یک روزنامه‌نگار آمریکایی در شهر برکلی انجام داده است (karlamangla, 2010, p.4) که مصرف سیگار در میان نوجوانان با به‌وجود آوردن خرده‌فرهنگ‌های نابه‌نجار همواره از عوامل جرم‌زا بوده است. در ایران شروع مصرف سیگار ۶/۱۶ می‌باشد (علی‌زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۸، ص. ۴۷۰) که با ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها در میان نوجوانان می‌تواند از عوامل جرم‌زا باشد. حال اگر مصرف سیگار تبدیل به مصرف مواد مخدر شود، علاوه بر اینکه خود این عمل دارای عنوان مجرمانه است، اعتیاد به مواد مخدر، خود از عوامل جرم‌زایی است که توسط بسیاری از منابع ذکر شده است. این کالاهای خود فرهنگ‌هایی ایجاد می‌کنند که فرد با آشنا شدن با آن به سمت آن فرهنگ سوق داده می‌شود؛ لذا گاهی نیز در برخی تحلیل‌ها فرهنگ‌ها به‌عنوان ارزش مشترک مورد وفاق عمومی اجتماع نیستند بلکه در جهت منافع فردی به‌عنوان یک ابزار

در نظر گرفته می‌شوند و کالاها نیز در ایجاد این نوع از فرهنگ‌ها نقش مؤثری دارند.

۵- رسانه^۱ به‌عنوان عامل فرهنگی ایجاد بزهکاری

رسانه در کل به‌عنوان یک فضای مشترک اجتماعی توصیف‌شده، جایی که ادراک‌ها، نگرش‌ها و باورهای ما گسترش‌یافته و به مذاکره گذارده می‌شوند. بررسی رسانه‌ها بحث ثابت تحقیقات جرم‌شناسی فرهنگی است. در رسانه، توافق‌های فرهنگی در ارتباط با عدالت، به‌طور اجتماعی هم‌ساختارریزی شده‌اند و به‌ویژه رسانه انتظارهای ما از عدالت و واکنش‌های مناسب به جرم را شکل می‌دهد. جرم‌شناسی فرهنگی که از حوزه‌های در حال پیشرفت جرم‌شناسی است، فیلم‌ها و سایر منابع رسانه‌ای را به‌عنوان محصولات فرهنگی‌ای می‌بیند که نگاهی بر این معانی به اشتراک گذاشته‌شده درباره جنایت، عدالت و مجازات را به‌وجود می‌آورد. رف تر^۲ خاطرنشان می‌سازد که فیلم‌های جنایی نه‌تنها نگرش‌ها و تنش‌های موجود در جامعه را منعکس می‌کنند بلکه شیوه تفکر ما در باره این مسائل را نیز شکل می‌دهند (Welsh and others, 2011. P.463).

رسانه‌های گروهی همچنین به‌عنوان جایگاهی به‌شمار می‌روند که از آنجا فرهنگ جریان می‌یابد و اشکال متفاوت هنری و سمبلیک ریشه دوانده و توسعه می‌یابند؛ دراین‌باره می‌توان گفت رسانه‌ها بر شیوه‌های رفتاری، سلیقه‌های عمومی و هنجارها در جامعه اثر می‌گذارند (Welsh and others, 2011. P.467).

ساختاری که رسانه برای جرم تدارک می‌بیند می‌تواند باور عمومی مردم را به این موضوع که ما مدام توسط شکارچیان قهار تحت خطر هستیم را بیشتر کند. چنین ساختاری از مشکلات جنایی نه‌تنها ترس عمومی را زیاد می‌کند بلکه بینندگان را به‌سمت انتقام‌جویی عدالت‌گونه و مجازات سوق می‌دهد. درمقابل، روایت‌های رسانه که بینندگان را در معرض ساختارهای واقع‌گرایانه از جرم و جنایت قرار می‌دهد می‌تواند با اشکال دیگری از عدالت مانند عدالت ترمیمی^۳ سازگارتر باشد. بااین‌حال تلاش‌های ناچیزی برای

1. Media

2. Rafter

3. Restorative justice

تحلیل نظام‌مند از ساختارهای جنایی، واکنش‌ها به جرائم و مدل‌های مختلف مشهودات کیفری در فیلم صورت گرفته است. درمقابل، بیشتر ادبیات به گفتمان‌های نظری یا تحقیقات در مورد فیلم یا ژانر خاص و تحلیل مجموعه‌های جنایی تلویزیون اختصاص یافته است (Welsh and others, 2011. P.464) و در بسیاری از مواقع نیز رسانه‌ها با توجه به نقشی که دارند در کاهش جرایم مؤثر دانسته شده‌اند (صالحی امیری، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۰). در باب اینکه رسانه‌ها هنجار ساز هستند یا هنجارشکن دو دسته نظریه وجود دارد:

۵-۱- نظریه‌های خوش‌بینانه

این مجموعه از نظریه‌ها، رابطه میان رسانه‌ها در ایجاد همبستگی میان افراد پراکنده و متفرق در درون مخاطبان گسترده، یا مهاجرانی که به تازگی وارد مناطق شهری می‌شوند، ارزش‌ها، ایده‌ها، اطلاعات، ذهنیت و تصاویر مشترکی را درباره جهان و محیط اطراف، به آنان منتقل می‌سازند و از این طریق به یکپارچگی اجتماعی کمک می‌کنند، در نتیجه این نوع از نگاه به رسانه به هنجارسازی و فرهنگ‌سازی مثبت امیدوار است و آن را در جهت کاهش جرم مؤثر می‌داند (آجلویی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۴).

۵-۲- نظریه‌های بدبینانه

این دسته از نظریه‌ها رسانه‌های همگانی را عاملی در ایجاد مشکلات اجتماعی ناشی از گسترش سریع شهرنشینی، پویایی اجتماعی و تضعیف اجتماعات سنتی می‌دانند، به‌ویژه اینکه رسانه‌ها به مسائلی چون جابه‌جایی اجتماعی و افزایش رفتارهای غیراخلاقی در افراد، جرائم و بی‌نظمی اجتماعی مربوط می‌شوند. رسانه‌های گروهی غالباً فردی و غیرشخصی تصور می‌شوند و در عین حال ارزش‌های سنتی را در پیام‌گیرندگان تضعیف می‌کنند و در نتیجه سبب از میان رفتن کنترل اجتماعی و همبستگی می‌شوند (آجلویی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۴).

۶- رسانه‌ها و ارتباط آن‌ها با جرم

وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سینما، ماهواره، اینترنت و ...) از جمله

عواملی است که در هدایت و بالعکس در گمراهی و انحراف افراد تأثیر دارد. در اهمیت این وسایل گفته شده است کسی که وسایل ارتباط جمعی در اختیار اوست قدرت و تسلط در اختیارش می‌باشد (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱).

پل لازار سفلد^۱ می‌گوید: «ما از اثرهای رسانه‌ها در رفتار کودکان و سالمندان آگاهی اندکی داریم، ولی باوجود این عده‌ای از ناظران، روان‌پزشکان و مربیان معتقد هستند که بسیاری از برنامه‌های رسانه‌های جمعی اثر انکارناپذیری بر روی رفتار کودکان و سالمندان (از یادگیری گرفته تا انحرافات) به جای می‌گذارند» (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱).

«هارولد لاسول» برای کارکرد رسانه چنین اعتقادی دارد که رسانه‌های جمعی باید به حفظ جامعه و همبستگی بین دامن‌های گوناگون آن در پاسخ به نیازهای واقعی، منتقل نمودن میراث فرهنگی بین نسل‌های مختلف کمک کند. «مرتن» و «لازارسفلد» که از اولین پژوهشگران این زمینه هستند، این تأثیرها را برای رسانه‌ها قائل شده‌اند: کار اخلاقی (حفاظت از هنجارهای اجتماعی)، دادن جایگاه اجتماعی به اشخاص و گروه‌ها (آشکار نمودن یا ارتقای پایگاه‌های آن‌ها از طریق معروفیت دادن به آنان) و برخی کارکرد و تأثیرهای نامطلوب دیگر (متمدن‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۲۹).

۷- تلفن همراه

در زمان حاضر، رشد رسانه‌ها و گوناگونی آنها موجب تحولات اساسی در وسایل ارتباطی و رسانه‌ها و نحوه انتقال پیام‌ها و داده‌ها در بستر آنها شده است که یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین این ابزارها که روزانه افراد با آن درگیر بوده و ساعت‌ها از آن استفاده می‌کنند، تلفن همراه است. به نظر محققان، هر پدیده اجتماعی در زمان حال، دارای آثار مثبت و منفی است. تلفن هوشمند همراه نیز به عنوان ابزار و رسانه‌ای جدید دارای کارکردهای گسترده‌ای در حوزه فرهنگ و به تبع آن در تمام زمینه‌های اجتماعی از قبیل اقتصاد، سیاست و ... است و با وجود کارکردهای مثبت و مفید، در بعضی موارد، دچار آثار منفی گوناگونی شده است. این آثار در نهایت به دخالت این وسیله در فرهنگ زندگی

1. Pol lazar Sfeld

جمعی و شخصی و روابط اجتماعی منجر خواهد شد (آجرلویی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۴). کاربری‌های مثبت تلفن همراه که معمولاً در تحقیقات به آن‌ها اشاره شده است، عبارت‌اند از: دسترسی سریع به افرادی که نیاز ارتباط با آن‌ها وجود دارد، هزینه بسیار کم، صرفه‌جویی در وقت، سرگرمی، ایجاد پیام‌های نوشتاری و تصویری در دسترس و... امکان جستجوی منابع مختلف و یافتن پاسخ بسیاری از سؤالات با توجه به دسترسی به اینترنت، مکان‌یابی‌های برخط و از همه مهمتر برگزاری جلسه‌های مختلف در زمان بیماری‌های واگیر دار یا سایر بحران‌های محیطی.

از طرف‌دیگر کارکردهای منفی آن که باعث بروز نگرانی می‌شود: نفوذ در حریم خصوصی افراد، تنش و تشویش اذهان عمومی از طریق نشر و اشاعه اکاذیب^۱، تضعیف باورهای عمومی و اخلاقیات و... بوده است که گاهی اصلی‌ترین عامل آن فرهنگ غلط استفاده از تلفن همراه می‌باشد، درواقع تلفن همراه نیز می‌تواند با نظریه‌های ماتریالیستی فرهنگی و روابط شیء و فرهنگ تحلیل شود. اشیایی که با تزریق فرهنگی خاص به فرد رفتارهای وی را شکل می‌دهند و همان‌طور که توضیح داده خواهد شد این رفتارها ممکن است در دایره کج‌رفتاری‌ها واقع‌شده و در حله بعد در دایره حقوق کیفری و تعریف قانونی جرم واقع شود؛ مانند دریافت و ارسال پیام‌های معارض با اخلاق حسنه عمومی و عفت و ایجاد مزاحمت برای افراد. در کره جنوبی مسئولان راهکارهایی غیرکیفری را برای مبارزه با این معضل‌های تلفن هوشمند در نظر گرفته‌اند (کلانتری و حسنی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۳).

از دیگر آثار منفی قابل تأمل تلفن هوشمند و رسانه مرتبط با آن، می‌توان به ایجاد تعامل‌های مجازی به جای تعامل‌ها و دیدارهای حقیقی ایجاد کرد. دلایل ایجاد گفتگو و تشکیل جلسه‌های مجازی بین جوانان به جذابیت‌های این فضا بازمی‌گردد. کنشگری و فعالیت در این فضا دارای جذابیت‌هایی برای مدیران شبکه و گروه‌هاست چرا که جذب افراد باعث ایجاد اعتبار برای این مدیران می‌شود. این یک امتیاز برای فرستنده است، خصوصاً این موضوع در بین گروه‌های سنی جوان بیشتر شایع است (عاملی، ۱۳۸۵، ص. ۱۷). همچنین وجود حس‌هایی مانند کنجکاوی و علاقه به فضای نامحدود و سیر و

۱. اشاعه اکاذیب و نشر اکاذیب در قانون مجازات اسلامی ماده ۶۹۸ جرم است و دارای مجازات درجه شش.

سفر مجازی به تمام نقاط جهان و آگاهی یافتن از موضوع‌های مختلف باعث جذب هر فردی مخصوصاً جوانان به این فناوری می‌شود.

ادبیات شامل گفتار و نوشتار مخصوص این فضا خاص است. خاص بودن آن باعث شکستن اصول و قواعد زبانی شده که در مقوله فرهنگ دارای اهمیت است؛ اما از آن مهم‌تر ایجاد خرده‌فرهنگی است که در آن توهین و استفاده از الفاظ رکیک عادی‌سازی می‌شود و این ادبیات جذابیت قابل‌توجهی بین جوانان و نوجوانان دارد (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۱۷). در این مورد یک هم‌نشینی مجازی نیز رخ داده و تحلیل‌های نظریه هم‌نشینی افتراقی^۱ در این قسمت راهگشا است.

نقد امور سیاسی و اجتماعی با زبان طنز از رایج‌ترین محتوای رسانه تلفن همراه است. شاید بتوان ادعا نمود که در بین شبکه‌های اجتماعی پرتعدادترین محتوا، طنز است. طنز ریشه‌ای دیرینه در ادبیات و فرهنگ ایران دارد. رسانه تلفن هوشمند نوعی از این طنز را گسترش داده است و در آن بسیاری از ارزش‌ها زیر سؤال رفته و قواعد کلامی را شکسته و وارد حوزه دیگری از کلام شده است که ممکن است باعث ایجاد تنش‌های بین اقشار مختلف گردد یا حتی باعث توهین به گروه‌های مذهبی و قومی و اقلیت‌های کشور شود.^۲ در گذشته نه‌چندان دور که پیامک یکی از کارکردهای رسانه تلفن همراه بود بر اساس آمار منتشرشده توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، در حدود ۵۰ درصد پیامک‌ها در «ایران»، سرگرمی و لطیفه است (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۱۹). این آمار و حتی به‌نظر می‌رسد بیشتر از آن امروزه در قالب سایر پیام‌های ارسالی کاربران در شبکه‌های اینترنتی تلفن همراه است.

۱. در بین نظریه‌های جرم‌شناسی، هم‌نشینی‌های ترجیحی یا افتراقی در بین جوانان می‌تواند باعث بروز ناهنجاری یا هنجارشکنی شود که برخی از آنان ممکن است در قوانین جزایی عنوان جرم داشته باشد. تأکید می‌شود اولویت مقابله با این عوامل فرهنگی، استفاده از تدابیر غیرکیفری است.

۲. مطابق ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی توهین به ادیان و مذاهب و اقلیت‌های شناخته شده در قانون اسلامی ایران اگر با قصد ایجاد تنش یا علم به وقوع آن باشد، جرم شناخته شده و دارای مجازات است هرچند از طریق فضای مجازی باشد.

۸- شبکه‌های اجتماعی^۱

در فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان مدارس با محدودیت‌هایی همراه است. علاوه بر ایرادهای امنیتی وارده بر شبکه‌های اجتماعی که موضوع بحث ما نیست، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های مجازی برای کاربران این شبکه‌ها به‌عنوان تهدیدی برای نوجوانان و جوانان در نظر گرفته شده است (Fillietaz and Grogori, 2010, p.13)؛ به‌عنوان نمونه در تابستان سال ۱۳۹۰ حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از نوجوانان و جوانان، با هماهنگی قبلی توسط شبکه‌های اجتماعی در پارک آب و آتش شهر تهران با استفاده از تفنگ‌های اسباب‌بازی اقدام به آب پاشیدن به یکدیگر و سرگرم ساختن خود به این نحو کرده بودند. این رفتار کم‌اهمیت (و البته غیرمتعارف) که فهم آن نیاز به پیچیدگی زیادی ندارد با انعکاس خبر آن و بزرگ‌نمایی در خصوص انگیزه‌های عاملان نسبت به آن واکنش نشان داده و با انتشار تصاویر آن‌ها، مورد نکوهش قرار گرفت. نمونه موردی فوق گواهی بر نقش رسانه‌ها و معانی رسانه‌ای شده در فهم ما از واقعیت جرم و کنترل آن دارد که تأثیرهای فرهنگ رسانه‌ای را مشاهده می‌کنیم. جرم‌شناسی فرهنگی سهم زیادی در دریافت‌ها و شناخت‌های مردم از جرم و واکنش‌های بالقوه آن‌ها به مرتکبان و نمایندگان این جرائم دارد (نکایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵)؛ البته ممکن است این مسئله در کشورها و سایر فرهنگ‌ها هیچ انعکاس منفی نداشته باشد؛ اما به‌رحال این واقعه مطابق فرهنگ ایران نوعی ناهنجاری تلقی شد و منجر به دستگیری تعدادی از شرکت‌کنندگان در این جشن شد (خبرآنلاین، ۱۳ شهریور ۱۳۹۰).^۲

نوجوانان در مرحله شکل‌گیری شخصیت خود دچار نوعی تعارض محیطی به‌خصوص از جانب وسایل ارتباط جمعی‌اند. بروز این رفتار نوعی واکنش طبیعی و خودبه‌خودی محسوب می‌شود لیکن اگر خانواده، آموزش رسانه‌ای و کنترل روی نوجوان، هنگام استفاده از رسانه، نداشته باشد، ادراک تفاضلی نوجوان باعث گزینش پیام‌های خاصی از رسانه‌های تصویری می‌شود و نوجوانان تحت تأثیر قدرت الفبایی پیام‌های این ابزار دست به تقلید می‌زند؛ بنابراین، می‌توان گفت وسایل ارتباط جمعی در کنار سایر عوامل از

1. Social Networks

2. <http://www.khabaronline.ir/detail/171276>

موجبات تشدید گرایش‌های بزهکارانه در نوجوان می‌باشد. به عبارت دیگر این وسایل نقش مستقلى در ایفای جرم و یا افزایش آن نداشته ولی می‌تواند بستری فرهنگی را برای افراد دارای زمینه و مستعد برای ارتکاب جرم فراهم نماید.

هرچند مخاطره‌ها و تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی و رسانه مربوط به آن مطرح شد؛ اما باید توجه داشت، جرم‌شناسی فرهنگی راهی غیر از جرم‌انگاری را برای مقابله با این تهدیدها ارائه می‌دهد. درواقع در عدالت کیفری برخواسته از جرم‌شناسی مبارزه کیفری آخرین راه است و زمانی استفاده از ابزار کیفر مشروع و کارا است که سایر راه‌ها به کار بسته شده باشد. جرم‌شناسی فرهنگی در راستای اعمال سیاست جنایی سالم و پویا نمی‌توان مجوز جرم‌انگاری را به راحتی صادر نموده و صرفاً با کشاندن پای برخورد قضایی کیفری دست به کنترل زند. اولاً تمامی تهدیدهای ذکر شده ابتدا به شکل یک ناهنجاری بروز می‌یابد و در مراحل بعدی رشد فرد، به سمت رفتارهای خطرناکی که عنوان جرم می‌گیرند، پیش می‌رود و ثانیاً هر ابزار فرهنگی همان قدر که کارکرد مخاطره‌آمیز دارد، دارای کارکردهای مثبت نیز می‌باشد.

۹- تلویزیون و سینما

در ابتدا تلویزیون و سینما به عنوان وسیله‌ای تفریحی تلقی می‌شد. اریک فروم مهم‌ترین وسیله انتقال الگوی شخصیت مطلوب به مردم را فیلم و سینما می‌داند. در میان رسانه‌های جمعی فیلم‌های سینمایی به عنوان یک عامل انحراف مطرح شده است. فیلم‌هایی که بدون توجه به محاسن و معایب آن به همه خانه‌ها راه یافته و افراد بدون اینکه قدرت انتخابی داشته باشند، به تماشای آن می‌پردازند (محققان، ۱۳۸۱، صص ۱۳۱-۱۳۲).

در سال‌های ۶۱-۱۹۶۰ طی بررسی که در غرب صورت گرفت، مشاهده شد که پس از نمایش هر فیلم و سترن از طریق سینما یا تلویزیون حوادث مشابهی نیز رخ می‌دهد. آنچه مشخص است اغلب منحرفان، بینندگان این برنامه‌ها بوده‌اند. باندورا^۱ (۱۹۷۳) نظریه پرداز یادگیری روان‌شناختی معتقد است که تلویزیون پرنفوذترین رسانه برای جوانان است و

1. Bandura

می‌تواند در آموزش شیوه‌های پرخاشگری و عادت به خشونت مؤثر باشد (محققان، ۱۳۸۱، صص. ۱۳۲-۱۳۳).

تحلیل یافته‌ها در ایران نشان می‌دهد فیلم و مجموعه تلویزیونی با ۶۴/۴٪ فراوانی، بیشترین وقت نوجوانان را پُر می‌کند. پس مسئولان با توجه به این امر می‌توانند پیام‌های تربیتی خود را در قبال این نوع برنامه‌ها پخش کرده و توسط فیلم‌ها به‌طور غیرمستقیم به تربیت و فرهنگ‌سازی بپردازند (آسیایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰). ناگفته نماند که در پژوهشی از کل جامعه آماری آن ۶۲/۳٪ برنامه‌های آموزشی و تربیتی فعلی را نگاه می‌کنند و طبق اظهارات خودشان این برنامه‌ها، ۵۹/۲٪ روی رفتارشان تأثیرگذار بوده است (آسیایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰).

وقتی رسانه‌ها جزئیات یک عمل مجرمانه را شرح می‌دهند، معمولاً اتفاق را بزرگ‌نمایی می‌کنند و نقل‌قول‌های مجرم را منتشر می‌کنند، افراد ضعیف و آماده بزهکاری را به‌عنوان عامل بالقوه جرم پرورش می‌دهند و عاملی برای تشویق آن‌ها به بارتکاب جرم می‌گردند. حتی از این طریق باعث حس قهرمان‌پروری در میان افراد ضعیف می‌شوند. جوانان و افراد ضعیف که دچار ناکامی در زندگی خود هستند و مورد تحقیر و آزار قرار گرفته‌اند، برای کسب شهرت و خروج از گمنامی با دیدن عکس‌ها و گزارش شرح‌حال مجرمان که همانند آن‌ها گمنام بوده، ولی بعد از ارتکاب جرم در کانون توجه قرار گرفته‌اند، گاهی تحریک می‌شوند تا دست به ارتکاب جرم زنند و آن‌ها نیز تبدیل به تیت‌ر رسانه‌ها گردند و از این طریق نام آن‌ها نیز مطرح شود. به‌همین جهت، برخی از این افراد به عمد مرتکب جرم می‌گردند و پس از ارتکاب جرم هیچ کوششی برای فرار از خود نشان نمی‌دهند تا دستگیر شوند تا به شهرت برسند (آجلویی، ۱۳۹۱، صص. ۱۴۶-۱۴۷).

۱۰- مطبوعات، رادیو و موسیقی و سایر رسانه‌ها

داستان‌هایی که در کتاب‌ها و نشریه‌ها نوشته می‌شود، در پرورش و یا انحراف عمومی نقش مهمی ایفا می‌کند، خصوصاً اگر این نوشتارها در مطبوعات که همه‌روزه منتشر می‌شود، چاپ شود، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. ساترلند و کرسی معتقدند: هنگامی که روزنامه‌ها اعلام می‌کنند فلان جنایتکار بدترین یا بهترین جنایتکار است، این عناوین باعث

می‌شود که منحرفان با این علائم خویشتن را تسکین دهند (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۵). لمبروزو می‌گوید: غالب مطبوعات آثار سوئی روی جرائم دارند. آن‌ها قلمشان را در زخم‌های اجتماعی آلوده می‌کنند و قصد آن‌ها سودپرستی است. همین‌ها هستند که کنجکاوی ناسالم طبقات پست اجتماع را با اشتباهی بد آن‌ها تحریک می‌کنند (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۶).

برداشت مردم از پلیس نیز توسط رسانه‌ها ایجاد می‌شود. این موضوع در روابط متهمان و مجرمان با پلیس حائز اهمیت خواهد بود. چرا که رفتار متهمان با پلیس و میزان مشارکت آن‌ها با این نیرو بر اساس برداشت و بینش ذهنی شکل‌گرفته‌ای است که آن‌ها از پلیس دارند که این بینش تا حد بسیار زیادی منطبق با تصویری است که تلویزیون از پلیس ارائه می‌دهد. در این راستا تحقیقی در کانادا بر روی ۳۱ متهم کانادایی صورت گرفته که بخش عمده آن‌ها همکاری‌های خود با پلیس را مبتنی بر برداشتی که از پلیس بر اساس تصویر ارائه‌شده از تلویزیون و مطبوعات داشته‌اند، انجام داده‌اند (Huey, 2010, pp.65-66).

نقش ستون حوادث و رسانه‌ها در کاهش احساس امنیت و ارتباط آن با افزایش ارتکاب جرم نیز در برخی منابع ذکر شده است. این موضوع از قرن نوزدهم بررسی شده و حتی تأثیر تئاترهای معروف آن زمان به عنوان یک عامل فرهنگی سوق‌دهنده به سمت ارتکاب جرم بررسی شده است (Kalifa, 2005, p.215).

راحتی حمل و نقل رادیو باعث شده که این وسیله در اکثر زمان‌ها و مکان‌ها در دسترس قرار گیرد. از طرف دیگر بر خلاف مطبوعات که تنها افراد باسواد آن را مطالعه می‌نمایند، اکثر مردم امکان گوش دادن به رادیو را دارند. در نتیجه رادیو اهمیت خاصی در رشد و شکوفایی اذهان ایفا می‌کند. اگر به کیفیت برنامه‌های رادیویی توجه نشود، این وسیله زمینه انحراف بسیاری از افراد را فراهم می‌آورد (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۶). جنبه تبلیغاتی این وسایل به قدری در افراد قوی است که اگر در کسی نفوذ کند، چه بسا مسیر فکری و زندگی او را تغییر دهد.

در برخی از موسیقی‌های غربی - مانند راک، هاردراک، هوی متال، جاز - که با رقص و پای‌کوبی جنون‌آمیز همراه است، دختران و پسران از خود بی‌خود شده و شرم و حیای آنان ریخته و دست به اعمال خلاف عرف و استفاده از مواد مخدر می‌زنند (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۷).

تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند که تماشای خشونت رسانه‌ای و یا گوش دادن به موسیقی‌های خشن و یا درگیری با بازی‌های خشن رایانه‌ای در فرهنگ رشد کودکان تأثیر داشته و احتمال رفتارهای خشن را در آن‌ها را افزایش می‌دهد. در سال ۱۹۸۸ پژوهشی انجام شده که نشان می‌دهد میزان آسیب‌های روانی کودکان شامل اضطراب، افسردگی و فشار روحی آسیب‌زا به نسبت تعداد ساعات تماشای تلویزیون در هر روز افزایش یافته است (سیدزاده ثانی، ۱۳۹۲، ص. ۷۸۱). این مسئله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که رسانه‌ها به صورت غیرمستقیم بر ناخودآگاه ذهن تأثیر گذارده و باعث شکل‌دهی رفتارهای آدمی می‌شوند.

۱۱- رسانه‌ها و نقش تربیتی و فرهنگی

نقش رسانه در ادراک‌ها و انتظارهای جامعه از جنایت و عدالت نباید دست‌کم گرفته شود. رسانه بستری است که واقعیت‌های اجتماعی نه تنها در آن منعکس می‌شود بلکه در آن گسترش می‌یابد. بدین صورت تأثیر رسانه بر افزایش دانش اجتماعی ما بر اساس جرائم، و مخصوصاً تصویر واکنش‌های اجتماعی به جرم و تأثیرهای آن روزبه‌روز در حال افزایش است. این ساختار فرهنگی ظرفیت ساخت اطلاعات غلط درباره ذات و علل جرم، و همین‌طور تقویت ایدئولوژی‌های حاکم درباره عدالت و مجازات را دارند (Huey, 2010, p.52)؛ لذا رسانه به عنوان یکی از ابزارهای تولید فرهنگ می‌تواند با تولیدهای کارشناسی‌شده به عنوان پُر توان‌ترین بلندگوی جامعه، نقش کلیدی ایفا نموده و بخشی از تولیدهای خود را در راستای ساخت فرهنگ‌های کنترلی جرم قرار دهد و مؤثرترین وسیله در مورد تولید فرهنگ‌های کنترل‌کننده جرم و پیشگیری‌کننده از آن باشد (Huey, 2010, p.52).

درمجموع با توجه به یافته‌های پژوهش و بررسی فرضیه‌های تحقیق و با امعان‌نظر به ادبیات نظری می‌توان گفت: رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون با محتوای اخبار امنیتی- انتظامی و حوادث جنایی در کاهش احساس امنیت مخاطبان خود تأثیر دارند؛ اما نظر به عقیده جامعه‌شناسان که هر پدیده مولود چند علت است و یک عامل، به‌تنهایی نمی‌تواند موجد و مولد آن باشد و به‌ویژه پدیده‌هایی که از طرفی با روان و از طرفی دیگر با نظام‌های

اجتماعی سروکار دارند، نتیجه عوامل و محرکات گوناگون هستند و با امعان نظر به این سخن جوزف کلپر که وسایل ارتباط جمعی معمولاً علت لازم و کافی در تأثیرپذیری مخاطبان نیست بلکه تأثیر از طریق شبکه‌ای از عوامل میانجی واقع می‌شود و با توجه به تازه‌ترین نظریه‌پردازی‌ها راجع به اثرهای ارتباط جمعی مبنی بر اینکه اثرهای ارتباط جمعی به صورت کلی رخ نمی‌دهد بلکه به متغیرهای دیگر بستگی دارند؛ بنابراین تأثیر و تأثر عوامل مختلف در احساس امنیت جامعه مورد مطالعه، نتیجه‌گیری قطعی را دشوار می‌سازد؛ با این حال می‌توان گفت تماشای برنامه‌های پلیسی و مصاحبه با مجرمان و همچنین توجه به اخبار امنیتی - انتظامی که از تلویزیون پخش می‌گردد یکی از عوامل مؤثر در کاهش احساس امنیت مخاطبان می‌باشند (دهرویه، ۱۳۸۸، ص. ۷۹).

در عصر حاضر مهم‌ترین ابزار فعالیت‌های فرهنگی، رسانه‌های گروهی است که اتفاقاً نقش آن در پیشگیری از جرم، مورد تصریح جرم‌شناسان و حقوق‌دانان قرار گرفته است (آجرلویی، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۴). در کارگاه آموزشی رسانه‌های گروهی و پیشگیری از جرم که طی کنگره نهم سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و نحوه رفتار با مجرمان تشکیل شد، بر اساس مواردی که به آن ارائه شده است رسانه‌های گروهی را مهمترین عوامل پیشگیری از انحراف‌ها در زمینه‌های فرهنگی می‌داند و در کشورها مختلف تجربه‌های زیادی از این نوع پیشگیری دیده می‌شود. آنتیا آناند در مقاله‌ای با عنوان «جرایم علیه زنان»، به نقش مهم رسانه‌های کشور هند در معرفی حقوق زن و آگاهی‌بخشی در خصوص آن پرداخته است. آگاهی دادن به جامعه در مورد جرائم علیه زنان و کودکان و جلب توجه افراد در قالب گروه‌های جهانی از جمله این تجربه‌هاست (معمدینژاد، ۱۳۹۱، ص. ۵۷). جانی توکولا کارگردان برنامه «پلیس - تلویزیون» شبکه ۲ تلویزیون فنلاند نیز در مورد آن برنامه توضیح‌هایی داد و به گفته وی در این برنامه از قدرت نمایش‌های تلویزیونی به عنوان ابزاری برای کمک به عدالت کیفری و پیشگیری از جرم استفاده می‌شود و اولین برنامه تلویزیونی در تمام کشورهای اسکاندیناوی است که به اطلاع‌رسانی منظم در خصوص جرائم، تعقیب متهمان و حقوق قربانیان آن‌ها می‌پردازد (معمدینژاد، ۱۳۹۱، ص. ۵۸).

قانون اساسی ایران به عنوان سند بالادستی وظایف فرهنگی مهمی را برای قوای حاکمه

و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران تعیین نموده است. مطابق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان است. در این راستا و در جهت تقارن با سیاست‌های سازمان صداوسیما و نیز مطبوعات و سایر رسانه‌ها، قوه قضائیه از این وظیفه قانونی می‌تواند استفاده کند. مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران موظف است در جهت «نشر افکار با رعایت موازین اسلام و مصحلت کشور» فعالیت نماید. نشر افکار همان ایجاد فرهنگ است که هم با تحلیل اول یعنی فرهنگ به عنوان ارزش جمعی و هم با تحلیل دوم یعنی فرهنگ به عنوان ابزار تطابق دارد. همچنین شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهد داشت، تشکیل می‌شود که در راستای هماهنگ‌سازی برنامه‌های فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند.

نتیجه‌گیری

فرهنگ به عنوان یکی از مهمترین سائق‌های رفتار آدمی گاهی به عنوان ارزش جمعی و گاهی به عنوان انتخاب فردی، شکل‌دهنده رفتار آدمی است. بدیهی است وجود خرده‌فرهنگ‌های مخرب و آسیب‌زا باعث بروز انحرافات می‌شود. وسایل و ابزارهای تولید فرهنگ متعدد هستند که رسانه به عنوان یکی از قوی‌ترین و فراگیرترین ابزارهای تولید، حذف یا تغییر فرهنگ است. فرهنگ مفهومی سیال و متغیر است و نمی‌توان با مبارزه کیفری با معضل‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌های جرم‌زا لزوماً با برخورد کیفری به مبارزه برخاست. سیاست جنایی برای مقابله با بزهکاری مجموعه‌ای از مقابله‌ها و تدابیر مختلف را پیشنهاد می‌دهد که تنها بخشی از آن ابزار کیفری است.

تلفن همراه و سایر رسانه‌های دنیای امروز را نمی‌توان بی‌خطر دانست و بر اساس تحقیقات گوناگون جرم‌زا بودن آنها امری مسلم است. از طرف دیگر رها کردن و برنامه نداشتن برای آن نیز باعث ورود مجرمان خطرناک به این دنیا شده و این ابزار مورد سوءاستفاده تبهکاران خطرناک واقع خواهد شد؛ بنابراین در سطوح ابتدایی با پرهیز از جرم‌انگاری باید به دنبال به کار بستن سایر راه‌های مقابله بود و در سطوح بعدی کنترل و

محدودسازی تخلف‌های واضح مانند موارد مربوط به پورنوگرافی، جرایم مربوط به تشویش اذهان عمومی و دعوت به ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز و منافعی عفت که در قانون جرایم رایانه نیز در بند ب ماده ۱۵ جرم‌انگاری شده است از اصول اولیه و مسلم است. شکل و شیوه و موارد این مبارزه موضوع پژوهش حاضر نیست و تحقیقات خاص خود را می‌طلبد. در این پژوهش بر این بودیم تا با استفاده از مبانی شناخت رفتار بر اساس فرهنگ تحلیل شکل‌گیری رفتار را ارائه دهیم.

همان‌طور که رسانه‌ها و شبکه‌های تلفن همراه ابزار تولید و تغییر فرهنگ هستند و همواره مخاطره‌هایی در فراگیر شدن آن‌ها نزد جوانان وجود دارد، به همان اندازه می‌تواند بر اساس سیاست‌های صحیح فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد و در راستای پیشگیری از آن بهره‌وری گردد. قانون اساسی ایران ظرفیت قانونی لازم را در ساختار اصلی کشور برای این امر را در نظر گرفته است.

منابع و مأخذ

- آجلویی، محمود (۱۳۹۱). نقش رسانه‌های گروهی در پیشگیری از جرایم، فصلنامه پیشگیری از جرم، ش ۲۲، صص. ۱۲۹-۱۵۲.
- آسیایی، رویا (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناسانه جرم در مطبوعات، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، ش ۱، صص. ۱۱۱-۱۳۰.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۴). مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست، تهران: انتشارات کیهان.
- دهرویه، محمد (۱۳۸۸). تأثیر رسانه‌ها بر احساس امنیت، مطالعه موردی در شهر تهران با تأکید بر فعالیت‌های پلیسی، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، دوره چهارم، ش ۱۲، صص. ۵۵-۸۲.
- نکایی، محمدسعید (۱۳۹۱). جرم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۵.
- سیدزاده‌ثانی، سیدمهدی (۱۳۹۲). بررسی جرم‌شناختی جرائم تقلیدی، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، تهران: انتشارات میزان.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی فرهنگی در ایران*. تهران: انتشارات ققنوس.

صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹). *دیپلماسی فرهنگی*. تهران: انتشارات ققنوس.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۵). *فردگرایی جدید و تلفن همراه: تکنولوژی فردگرایی و هویت، مجله جهانی رسانه*، ش ۱، صص. ۵-۲۳.

علی‌زاده محمدی، علی و احمدآبادی، زهره (۱۳۸۸). *بررسی رفتارهای پرخطر میان نوجوانان، راهکارهایی برای پیشگیری در محیط خانواده، فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره پنجم، ش ۲۰، صص. ۴۶۷-۴۷۵.

کلانتری، عبدالحسین و حسینی، حسین (۱۳۸۷). *رسانه‌های نوین و زندگی روزمره: تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان، نشریه رسانه*، ش ۷۶، صص. ۱۱۹-۱۳۶.

محققیان، زهرا (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی انحرافات*، قم: انتشارات پرتو خورشید.
معمدنژاد، کاظم (۱۳۹۱). *وسایل ارتباط جمعی*، ویرایش دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

میلنر، آندرو و براویت، جف (۱۳۹۰). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*. ترجمه جمال محمدی. تهران: انتشارات ققنوس.

هال، جان آر و جو نیتس، مری (۱۳۹۰). *فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات سروش.

Ferrell, Jeff and Sanders, C. R. (1995), *Cultural Criminology*, Boston, Northeast University Press.

Ferrell, Jeff (2010), *Cultural Criminology: The Loose Cannon*, The SAGE Handbook of Criminological Theory; pp.303-316.

Fillietaz, François and Gregori Marco (2010), *Comprendre les réseaux sociaux numériques*, Genève: (DSI-SEM).

Freud, Sigmund (1962), *The Ego and The Id*, Translated by Joan Riviere, New York and London: W. W. Norton & Company, Inc.

Huye, Laura (2010), 'I've seen this on CSI': *Criminal investigators' perceptions about the management of public expectation in the field*, Crime, Media Culture (CMC), 6: 49, pp. 49-68.

Kalifa, Dominique (2005), *crime et culture au XIX^e siècle*, Paris: Bibliothèque Numérique Perrin (epub).

- Karlamangla, Soumya (2010), *Study: Pop Culture References May Lead Youth to Smoke*, The Daily Californian, 15 septembre.
- Muncie, John and McLaughlin Eugene (2001), *The Sage Dictionary of Criminology*, London: SAGE Publication.
- Presdee, Mike (2005), *Cultural criminology and the carnival of crime*, Taylor and Francis (Routledge), London (eBook).
- Spencer-Oatey, Helen (2021), *what is culture?*, A compilation of quotations. GlobalPAD Core Concepts. Available at GlobalPAD Open House:
<http://www2.warwick.ac.uk/fac/soc/al/globalpad/interculturalalskills/>
- Welsh, Andrew and Fleming, Thomas and Dowler Kenneth (2011), *constructing crime and justice on film: meaning and message in cinema*, Contemporary Justice Review, Vol. 14, No. 4, 457-4.

درآمدی بر سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق رسانه تراز انقلاب اسلامی بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

نوع مقاله: پژوهشی

محمد مهدی محقق^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

چکیده

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی ظرفیت‌های زیادی برای سیاست‌گذاری فرهنگی دارد. بر اساس این نظریه، مبنای اختلاف اعتبارات جوامع، تفاوت در جهان‌بینی و انسان‌بینی است. با تغییر در ادراکات اعتباری هر جامعه، باورهای بنیادین آن دگرگون‌شده و نظام نوینی از نیازها، غایات و گرایش‌ها پدید می‌آید. نظامی از اعتبارات جامعه غربی در حالی منجر به پیدایش رسانه و ارتباطات نوین شد که بسیاری از آنها مغایر ارزش‌های جامعه ایران بود. در اثر انقلاب کانتی و انقطاع از غیب، آرمان تحقق بهشت زمینی، تنوع‌طلبی، مصرف‌گرایی و استعمار ملل ضعیف در رأس ارزش‌های غرب قرار گرفت. امروزه برای دگرگونی این اعتبارات، از طریق سیر قهقرا به ریشه‌ای‌ترین اعتبار رسانه در غرب می‌رسیم؛ یعنی رسانه به‌مثابه فرهنگ و ارزش‌های مشترکی مانند: دنیوی‌سازی، عقلانیت ارتباطی، تجربه‌گرایی، انسان‌محوری. انقلاب اسلامی ایران نظام نوینی از اعتبارات را وارد جامعه ایرانی کرد که باعث شد حرکت دنیوی‌سازی در ایران، به‌صورت پنهان و آرام دنبال شود؛ اما هنوز نتوانسته ارزش‌های خود را در جامعه نهادینه کند. بیانیه گام دوم نظام نوینی از ارزش‌ها را برای دگرگونی رسانه تراز انقلاب دربردارد.

واژگان کلیدی

نظریه اعتباریات، رسانه، سکولاریسم در ایران، سیاست‌گذاری فرهنگی، انقلاب فرهنگی، بیانیه گام دوم.

۱- کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ دانشگاه باقرالعلوم، دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگ

دانشگاه باقرالعلوم

۱- بیان مسئله

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی یکی از نظریه‌های اندیشمندان اسلامی است که در سالیان اخیر زیربنای علوم انسانی اسلامی قرار گرفته است. بر اساس این نظریه، نظام نیازها، غایات و تمایلات هر جامعه‌ای فرهنگ، ارتباطات و رسانه آن جامعه را می‌سازد. نظام ارتباطات و رسانه‌های جامعه امروز ایران به‌شدت تحت تأثیر ارزش‌ها، نظریه‌ها، الگوها و فناوری‌های ارتباطی غرب است. بر اساس این نظریه، اگر مبانی متفاوتی از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی در رأس ارزش‌ها و غایات جامعه ایرانی قرار گیرد، نظام نوینی از اعتبارات برای رفع نیازهای عمومی و تحقق اهداف و غایات اجتماعی در آن جامعه شکل خواهد گرفت.

۲- سؤال‌های پژوهش

۱-۲- سؤال اصلی

برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای در ایران چه نظریه و الگویی کارایی دارد؟

۲-۲- سؤال‌های فرعی

اعتباریات حاکم بر جامعه ایرانی چگونه می‌توانند الگویی نوین از رسانه متناسب با مقاصد این جامعه را ارائه کنند؟ چگونه می‌توان از ظرفیت‌های نظری فلسفه صدرایی در تولید نظام نوینی از ارتباطات و رسانه استفاده کرد؟

۳- روش پژوهش

هر مسئله با توجه به طبیعت آن نشان‌دهنده روش و راه‌حل آن است. این پژوهش برای کشف و تفسیر نظامی از اعتبارات تحولی که جامعه ایرانی برای رفع نیازها و تحقق غایات خود باید در پیش گیرد، روش پژوهش کیفی را در پیش گرفته است. این روش با ماهیت موضوع پژوهش حاضر سنخیت و مطابقت دارد؛ زیرا در صدد شناخت پیشینه و اوضاع کنونی اعتبارات ریشه‌ای و بنیادین دانش و نظام ارتباطات انسانی و رسانه در

غرب است تا بتواند سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را برای کشف اعتباریات ریشه‌ای و بنیادین منطبق با ارزش‌های انقلاب اسلامی تعیین کند. داده‌ها و شواهد نیز به روش کیفی کنار هم گرد آمده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات، اسنادی کتابخانه‌ای است. ابزار مورد استفاده در روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، اسناد چاپی و داده‌های منتشر شده در هر نوع کتاب، دائرةالمعارف، نشریه، فصلنامه، مصاحبه انتشار یافته، مقاله همایش علمی و متون نمایه شده در تارنماهای اینترنتی است. این پژوهش کیفی دو جزء اساسی دارد: «داده» و «تفسیر و سازمان‌دهی داده». این دو جزء از مفهوم‌سازی، فروگاهی و تأویل‌داده، تعیین مقوله‌ها با استفاده از ویژگی‌ها و ابعاد، ربطدهی یا نسبت‌دهی مقوله‌ها به یکدیگر پیروی می‌کنند (استراوس و کربین، ۱۳۹۴، ص. ۳۳).

۴- مبانی و چارچوب نظری

مقاله حاضر از یک چارچوب نظری اصلی و یک دیدگاه موید و پیش برنده استفاده کرده است: نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، دیدگاه تحولی دکتر حمید پارسانیا در تولید علوم انسانی اسلامی.

۴-۱- نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، خاستگاه نظام ارزشی سیاست‌گذاری فرهنگی

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی ظرفیت‌های زیادی برای سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام اسلامی دارد. بر اساس این نظریه، ادراکات انسان به دو نوع حقیقی و اعتباری تقسیم می‌شود. به آن دسته از معرفت‌هایی که حاصل شناخت اعیان و پدیده‌های خارجی در مراتب گوناگون هستی است، ادراکات حقیقی گفته می‌شود؛ اما ادراکات اعتباری معرفت‌های حاصل از قرارداد و اعتبار انسان است. ویژگی ادراکات اعتباری، برخلاف ادراکات حقیقی، این است که واسطه و موجب تحقق و صدور کنش در انسان می‌شوند؛ اما ادراکات حقیقی نمی‌توانند واسطه و عامل صدور فعل شوند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص. ۲۳۵). علامه طباطبایی در تبیین این ویژگی ادراکات اعتباری، بر این باور است که

انسان به خاطر احساسات درونی به سلسله‌ای از نیازهای وجودی متناسب با ساختمان بدن مادی خود شناخت پیدا می‌کند و در اثر این شناخت، رشته‌ای از ادراکات، افکار و حتی توهمات را می‌سازد تا به عنوان نتیجه و غایت، این نیازها را تأمین کند؛ در اثر بقا، زوال یا تبدیل این عوامل و محرک‌های احساسی، ممکن است اهداف، نتایج و غایات مطلوب، از بین برود یا تغییر کند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۷۱). وی اعتباریات را به دو دسته پیش از اجتماع و پس از آن تقسیم می‌کند؛ زیرا نیازهای انسان فردی و گروهی است. او معتقد است کثرت نیازها و موانع، انسان را ناچار به تعاون، اجتماع و تمدن کرده است. براین اساس، نیازهای اولیه انسان به زندگی اجتماعی، خاستگاه و باعث اعتباریات اجتماعی هستند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲)؛ مانند ملکیت، ریاست، اعتبار ارزش پول؛ البته اعتباریات دارای خاستگاه و پیامدهای حقیقی هستند؛ یعنی میانه دو حقیقت قرار دارند؛ بر اعیان حقیقی و پدیده‌های خارجی مترتب می‌شوند و بر اثر اعتباریات، امور حقیقی مترتب می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴). انسان به کمک ادراکات اعتباری، اهداف و غایات خود را رفع می‌کند؛ زیرا نیاز در انسان تولید و تحریک احساس می‌کند، احساس نیز ادراکاتی در انسان پدید می‌آورد تا نیاز را برطرف کند. این ادراکات همان علوم و ادراکات اعتباری نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۳).

۴-۲- دیدگاه دکتر حمید پارسانیا برای تحول علوم انسانی

بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، سه عامل در تعامل با یکدیگر در شکل‌گیری اعتباریات نقش دارند: نیازها، تمایلات (احساسات) و غایات. خاستگاه احساسات، نیازها هستند. غایات انسان نیز رفع نیاز است. یک نیاز هنگامی از میان صدها نیاز اهمیت و اولویت می‌یابد و به کنش منتهی شود تا احساسات و غایات، ضرورت صدور فعل را ایجاد کنند. انسان در تزامن بین نیازهای عالی و دانی، غایاتی را انتخاب می‌کند که احساسات عالی را برانگیزد. اعتباریات حاکم بر جوامع مادی و الهی متفاوت هستند؛ غایت در نگاه مادی به هستی، رفع آلام بشر و کامجویی از لذات مادی است؛ اما در نگاه توحیدی، افزون بر سعادت دنیا، سعادت ابدی نیز به عنوان غایت در نظر گرفته می‌شود؛

به‌همین‌خاطر، اعتبارات و سنت‌های ناشی از این دو نگاه، متفاوت خواهد بود. پس مبنای اختلاف جوامع بشری در اعتباریات، اختلاف در جهان‌بینی و انسان‌شناسی است. ژرف‌ترین لایه هر اجتماع را باورهای بنیادینی تشکیل می‌دهد که بر آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی، نمادها و کنش‌های انسانی تأثیرگذار است؛ مانند باور انسان به زندگی و مرگ (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۰). علوم انسانی مبتنی بر نظامی از ارزش‌ها و غایات هستند و اعتبارات متراکم در این علوم، بر اساس نیازها و غایاتی خاص وضع شده‌اند که مبنای هستی‌شناختی و انسان‌شناختی خاصی پشتوانه این علوم بوده است. از این‌رو اگر مبنای متفاوتی در راس ارزش‌ها و غایات یک جامعه بنشیند، چنین جامعه‌ای نظام جدیدی از اعتبارات را برای رفع نیازها و غایات خود در نظر خواهد گرفت. کثرت و پیچیدگی نیازهای فردی و اجتماعی باعث شده است که علامه طباطبایی برای شناسایی اعتبارات پیچیده جامعه نوین، سیر قهقرا به گذشته را پیشنهاد کند تا به منشأ اصلی این اعتبارات برسیم. همچنین از طریق بررسی اندیشه‌های جوامع ساده، به ریشه‌های اولیه اعتبارات اجتماعی دسترسی پیدا می‌کنیم. سپس از طریق علل و عوامل اولیه وضع این اعتبارات، نظام نیازها، غایات و مبنای هستی‌شناسی و انسان‌شناسی وضع اعتبارات مبنائی و اولیه را واکاوی و علت کاوی می‌کنیم (پارسانیا، ۱۳۹۳، صص. ۳۵-۳۸).

دکتر حمید پارسانیا و همکاران نمونه‌ای از تحول علوم انسانی را در تحقیقی با عنوان «کنکاشی در خاستگاه دانش مدیریت بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی» بر روی دانش مدیریت به انجام رسانده‌اند. این پژوهش بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، به مطالعات قهقرایی دانش مدیریت پرداخته و پیشینه تاریخی دانش مدیریت غربی را در مهد آن یعنی دوران نوزایی بررسی کرده است. در نتیجه، طبق روش علامه طباطبایی در شناسایی ریشه‌های بنیادین اعتباریات اجتماعی، سیر رو به عقب را در دانش مدیریت به قدری پیش برده تا به بستر جعل این اعتبارات در عصر رنسانس به مثابه آغازگر تحولات تمدن نوین و نوسازی رسیده است. پژوهش مذکور ضمن مروری گذرا بر منشأ و مبدأ تولید دانش مدیریت غربی، تحولات هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ساختارهای اجتماعی ناشی از آن را تحلیل کرده است (پارسانیا، ۱۳۹۸، صص. ۱۹-۵۱).

۵- یافته‌های پژوهش

طبق نظریه اعتباریات، نظام رسانه و ارتباطات نوین موجود در جامعه ما محصول مجموعه‌ای متکثر، به هم پیوسته و پیچیده از نیازها، غایات و احساسات مردم ایران است. از آن‌جا که غرب، خاستگاه دانش ارتباطات و فناوری‌های رسانه‌ای معاصر کشور ما بوده است، بیشتر رسانه‌های ما تحت تأثیر الگوی رسانه متشابه غربی قرار دارند. بنابراین اگر ارزش‌ها و غایات جامعه ایرانی دچار تحول همسو با اهداف و غایات انقلاب اسلامی خصوصاً مصرح در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی قرار گیرد، نظامی از اعتبارات برای رفع نیازهای اجتماعی و تحقق اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی شکل خواهد گرفت که رسانه تراز گام دوم را متحول و رسانه محکم را محقق می‌کند؛ اما ارزش‌ها و غایات رسانه و ارتباطات نوین در جامعه ایرانی کدام است تا با تغییر در آنها، شاهد تحقق نظام نوین رسانه‌ای و ارتباطی در ایران اسلامی باشیم؟ در این پژوهش بر اساس دیدگاه تحولی دکتر حمید پارسانیا در خاستگاه تحول دانش مدیریت (پارسانیا، ۱۳۹۸، صص ۲۲-۲۴) فرایند کشف ویژگی اعتبارات نظام رسانه و ارتباطات نوین را دنبال می‌کنیم.

۵-۱- فرایند کشف اعتبارات رسانه بر اساس نظریه اعتباریات

طبق نظریه اعتباریات، علل و عوامل حقیقی پیدایش اعتبارات رسانه و نیز دانش ارتباطات، مجموعه‌ای به هم پیوسته از نیازها، غایات و تمایلات منبعث از مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی انسان غربی است. نیازها، غایات و تمایلات انسان غربی منجر به پیدایش رسانه و ارتباطات نوین شده است؛ پس با مرور کردن انگیزه‌ها و نیازهایی که منجر به ارتباطات نوین شد، می‌توانیم به نظام اعتباری و زیربنای رسانه‌های نوین پی ببریم. از آن‌جا که برخی از اعتبارات رسانه و ارتباطات در جامعه غرب در نسبت با نیازها، غایات و احساسات جامعه ایرانی متفاوت و حتی به‌خاطر ارزش‌های حاکم در جامعه ایرانی لغو و مطرود است، به‌ناچار باید به ارزیابی و داوری اعتبارات بر اساس علل شکل‌گیری آنها بپردازیم (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۵۵). این در حالی است که فزونی نیازهای روزافزون و توسعه ارتباطات اجتماعی باعث شده در هر دوره انبوهی از اعتبارات نوین

و پیچیده‌ای پدید آید که طبقه‌بندی آنها ناممکن است؛ پس به ناچار باید به ساده‌سازی اعتبارات متنوع، متکثر و پیچیده از طریق سیر قهقرا و مراجعه به گذشته و کشف اعتبارات ریشه‌ای و بنیادین پردازیم تا منشأ اصلی آنها را در بین اندیشه‌های اجتماعی ابتدایی و ساده ملل غیرمترقی بیابیم (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۲۲۰). این اعتبارات کلی و بدوی، زاینده سایر اعتبارات متنوع و پیچیده امروزی خواهند بود. اعتبارات کلی و ریشه‌ای را از طریق استعاره‌ها می‌توان به دست آورد؛ علامه طباطبایی نیز اساساً اعتبار را نوعی از استعارات می‌داند (پارسانیا، ۱۳۹۸، صص ۲۲-۲۴).

۵-۲- اعتبارات ریشه‌ای رسانه در دوران مدرن

اندیشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی، تحلیل‌ها و دیدگاه‌های خود را درباره رسانه در دوران مدرن، در قالب نظریه‌های رسانه بیان کرده‌اند. این نظریه‌ها ارکان دانش رسانه‌شناسی و ارتباطات را تشکیل می‌دهند و راهکار مطمئنی برای فهم علل پیدایش نیازها، غایات و تمایلات منجر به پیدایش رسانه در غرب هستند؛ اما تا کنون صدها نظریه در خصوص هستی‌شناسی رسانه صورت‌بندی، ارائه و بیان شده است. جیمز ویلیام کری دو برداشت اصلی از رسانه و ارتباطات را در جهان معرفی می‌کند که ریشه در جامعه غرب (آمریکا و اروپا) دارد. منشأ این دو فهم از رسانه، دو حوزه متفاوت از تجربه دینی و مذهبی است؛ الگوی یکی مطالعات انتقالی و اطلاع‌رسانی به عنوان یک نهاد اجتماعی است که از استعاره حمل‌ونقل و توزیع پیام‌ها در بعد زمان برای غلبه بر بعد مکان (فاصله انسان‌ها از همدیگر) استفاده می‌کند و الگوی دیگری فرهنگی است و از استعاره مراسم مقدس دینی و مناسک مذهبی برای معرفی رسانه استفاده می‌کند.

استعاره رسانه به مثابه نهاد اجتماعی (ابزار انتقال پیام برای کنترل جامعه) در جوامع صنعتی خصوصاً آمریکایی رواج بیشتری دارد، با عبارت‌هایی مانند ابلاغ، فرستادن، انتقال و اطلاع‌رسانی تعریف شده و از استعاره جغرافیا یا حمل‌ونقل شناخته می‌شود. در قرن ۱۹ میلادی جابه‌جایی کالا یا انسان‌ها و جابه‌جایی اطلاعات، فرایندهای مشابهی به‌شمار می‌آمدند و به هر دوی آنها، «ارتباط» گفته می‌شد. این دیدگاه درباره رسانه، یکی

از کهن‌ترین غایات بشر بوده است. آرزوی افزودن سرعت و نیاز به تأثیر پیام‌ها هنگام پیمودن مسافت‌ها از دوران مصر باستان تا هنگام اختراع تلگراف همراه بشر بوده است. تلگراف این رویای بشر را محقق کرد ولی استعاره را از بین نبرد. اعتبارات آغازین این استعاره به عصر اکتشاف سرزمین‌های جدید با هدف استعمار و قدرت‌افزایی بازمی‌گردد. آرزوی فرار از مرزهای اروپا، ساختن زندگی رویایی، معاوضه دنیای قدیمی با دنیای نو و رسیدن به آرامش و سعادت انگیزه کافی را برای مهاجرت گسترده اروپاییان به قاره آمریکا پدید آورد. این انتقال جمعی تلاشی برای استقرار حکومت خدا و گسترش ملکوت الهی با انگیزه نزدیک‌تر و متحمل کردن روز رستاخیز و نیز ایجاد شهری بهشت‌گونه، هر چند هنوز خاکی، بود.

استعاره رسانه به‌مثابه فرهنگ مشترک (آئین مقدس و مناسک دینی)، متروک ولی به‌مراتب قدیمی‌تر است و به نوعی مأخذ و منشأ استعاره قبلی نیز به‌شمار می‌رود. این دیدگاه ریشه در تفکر اروپایی و در مکتب مطالعات فرهنگی استمرار دارد. آنان فناوری رسانه‌ای را صرفاً منتقل‌کننده فرهنگ ارزیابی نمی‌کنند؛ بلکه فناوری رسانه‌ای را خود فرهنگ می‌دانند. این استعاره با عبارت‌هایی مانند قسمت کردن، مشارکت، اتحاد، رفاقت و باورهای مشترک شناخته می‌شود. در این دیدگاه، بنیان رسانه، کاربرد آن در تولید معنا و فرهنگ است و رسانه باعث حفظ جامعه در بُعد زمان می‌شود و بازنمود باورهای مشترک اجتماع بشری است. الگوی اولیه این استعاره، مراسم مقدسی است که انسان‌ها را با مهربانی و اشتراک گردهم می‌آورد. در این استعاره، نقش موعظه و ارشاد، کم‌رنگ و نقش مناجات، مراسم و اقدام عملی بارزتر است. این دیدگاه منشأ و عالی‌ترین تجلی ارتباط را نه در انتقال هوشمندانه داده‌ها بلکه در پدید آوردن و استمرار جهانی منظم، دارای محتوا و فرهنگی می‌بیند تا بتواند به‌عنوان ناظر و مهارکننده کنش‌های بشر باشد. در این دیدگاه، رسانه آرزوی دیرین بشر را از طریق تغییر در نظم زیربنایی پدیده‌ها برای رسیدن بشر به آرامش، نجات و رفاه زمینی فراهم می‌کند و جامعه‌ای متفاوت به‌سوی کمال مطلوب و بهشت زمینی ساخته دست اجتماع بشری را مجسم می‌کند (کری، ۱۳۷۶، صص ۴۳-۴۹).

ریشه‌ای‌ترین و کهن‌ترین اعتبارات رسانه و ارتباطات در استعاره رسانه به‌مثابه

فرهنگ یا آئین مشترک نهفته است؛ زیرا استعاره رسانه به‌مثابه نهاد اجتماعی که در مطالعات آمریکایی پدید آمد نیز ریشه در تاریخ نوزایی اروپا دارد. وجه مشترک این دو دیدگاه، حذف عنصر دین به‌عنوان هنجارهای قالب‌بندی شده و عنصر امیددهنده و انسجام‌بخش جامعه و یافتن جایگزینی برای آن بود (وبر، ۱۳۹۷، ص. ۳۶۱) و آن جایگزین، رسانه و ارتباطات نوین است؛ زیرا بر اثر تحولی که در عصر نوزایی در نیازها، غایات و تمایلات بشر غربی پدید آمد، انسان غربی رابطه خود را با خدا و امور غیبی قطع کرد؛ اصالت را به امور دنیوی و این جهانی داد. کانت بر این باور شد که باید بین آنچه فی نفسه وجود دارد (نومن) و آنچه بر ما نمایان می‌شود (فنومن)، تفکیک قائل شد. بشر به خاطر قالب‌بندی‌های محدود حواس خود امکان علم به اشیا را آن‌گونه که فی‌نفسه هستند، ندارد؛ اما می‌تواند به حالات و ویژگی‌های اشیا علم پیدا کند. پس شناخت بشر، شناخت پدیداری دانسته، نگرش غیب‌اندیشانه حذف و فلسفه پدیدارشناختی نظریه‌پردازی شد و مبنای تحولات اجتماعی غرب و نوسازی اجتماعی قرار گرفت. دکارت، فیلسوف روشنگری، نفس انسان را به قوه اندیشنده و سازوکار زیستی تقلیل داد و قائل شد که در دوره نوین باید به مفاهیم فلسفی یونان باستان بازگشته و آنها را نوزایی کنیم. این نواندیشی دکارتی مدرنیته نامیده شد که همه چیز بر اساس انسان تفسیر می‌شود. به‌همین‌خاطر دو دوره اومانیزم قابل تصور است؛ یکی در دوران باستان و دیگری مدرنیته. در دوران باستان، انسان رابط و واسطه بین طبیعت و خدا یا زمین و آسمان بود؛ اما در دوره جدید، فهم ورای طبیعت و امر غیبی نفی و ادراکات مادی انسان، محور همه چیز برای فهم طبیعت قرار داده و به‌تدریج ساختارها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی بر اساس سکولاریسم بنا نهاده شد (پارسانیا، ۱۳۸۴، ص. ۱۲). به‌همین‌خاطر در این دوره دیگر مردم دغدغه زندگی بر اساس تعالیم دینی را نداشتند. پس رسانه و ارتباطات نوین به‌عنوان عنصر انسجام‌دهنده جامعه جدید پدید آمد و رشد کرد. انقلاب کانتی و انقطاع از غیب باعث شد نیازها، غایات و تمایلات بشر به‌گونه‌ای دگرگون شود که آرام‌آرام شهرها پر از ساکنان مهاجر روستایی‌شده و فرهنگ نوین بر اساس تنوع‌طلبی مهم‌ترین ویژگی افراد این جامعه گردد. تنوع‌طلبی، مصرف جامعه را افزایش داد و همین امر سبب

جستجوی اروپاییان برای یافتن سرزمین‌های تازه و سرشار از منابع طبیعی و نیروی کار ارزان و در نتیجه آغاز استعمارگری اروپایی شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶، صص. ۱۲۳-۱۲۴). مهم‌ترین اصول اعتبار رسانه در استعاره فرهنگ یا آئین مشترک، عبارت‌اند از: دنیوی‌سازی، عقلانیت ارتباطی، تجربه‌گرایی، منفعت‌طلبی و انسان‌محوری.

۳-۵- اعتبارات ریشه‌ای رسانه در جامعه ایرانی

آشنایی ایرانیان با فرایند دنیوی‌سازی و اندیشه‌های سکولاریسم از دوران مشروطه به بعد از طریق گسترش فرایند منوالفکری آغاز شد. عمیق بودن ریشه‌های دینی و معنویت در جامعه ایرانی باعث شد تا منوالفکران اهداف سکولاریزاسیون و فرایند دنیوی‌سازی جامعه ایرانی را در قالب پوشش اصطلاح‌ها و معانی معنوی و سپس تفاسیر دنیوی و این جهانی از معنویت و دیانت دنبال کنند؛ مثلاً میرزا ملکم خان تلاش خود را برای پنهان ساختن اهداف سکولار چنین بیان می‌کند: «فکر ترقی مادی را در لفافه دین عرضه داشتسم تا هم‌وطنانم آن معانی را نیک دریابند» (الگار، ۱۳۶۹، ص. ۱۴). در دوران رضاخان اهداف دنیوی‌سازی جامعه ایرانی از طریق قدرت نظامی بی‌پرده و عریان دنبال شد و به تغییر همه‌جانبه ساختار اجتماعی جامعه ایرانی خصوصاً در نهاد فرهنگ عمومی، تربیت و نهاد آموزش پرداخت. نظام فرهنگ و آموزش نوین در دوره پهلوی مرجعیت دانش را در غرب یافته بود و بدون توجه به بنیادهای فرهنگی پیدایش آن، هویت فرهنگ ایرانیان را به‌سوی دنیوی‌سازی سوق داد (پارسانیا، ۱۳۹۸، صص. ۵۷-۶۰).

۴-۵- رسانه تراز انقلاب اسلامی

چرا غرب توانسته از ظرفیت‌های رسانه در راستای تحقق حکمرانی بلامنازع خود بر جهان و غایات تمدنی خود به خوبی استفاده کند؛ اما جمهوری اسلامی ایران هنوز در این باره به تصمیم نرسیده‌است؟ یکی از علل حکمرانی غرب بر رسانه خصوصاً فضای مجازی، ماهیت مرز زدا و هویت زدا بودن رسانه‌های نوین است. زیرا هویت ملی در عصر فضای مجازی به خاطر مرز زدایی، بیشتر فرسوده شده و در معرض تهدید قرار گرفته است. از این رو ترویج ارزش‌های ملی و مداخله فعال دولت در فضای مجازی برای

تقویت و ارتقای فرهنگ عمومی از راه‌های متداول برای تأمین هویت ملی است (Guven, 2021, p.27).

یکی از نیازهای اساسی جمهوری اسلامی ایران در حکمرانی رسانه‌ای تهیه الگوی رسانه تراز در منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی است. برای تهیه این الگو باید به غایات مقاصد و اهداف انقلاب اسلامی نگاهی داشته باشیم و آن را در منظومه اندیشه امامین انقلاب بیابیم. همچنین اسناد بالادستی کشور در این زمینه راهنما هستند. با نگاهی به منابع فوق در یک پژوهش مستقل باید ضمن بازخوانی اهداف کلان نظام اسلامی در حکمرانی رسانه‌ای به الگوی مطلوب برسیم؛ اما در یک نگاه کلان می‌توان الگوی رسانه تراز انقلاب اسلامی را در چهارگانه رسالت‌ها، الزام‌های شکلی و محتوایی و سرمایه‌های انسانی دسته‌بندی کرد (مهربانی‌فر و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۴۷)؛ البته تهیه و ترسیم این الگو و روابط بین اجزا و ابعاد آن نیازمند تحقیقی جداگانه و مبسوط است.

۵-۵- سیاست‌گذاری رسانه تراز انقلاب اسلامی

در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق غایات و اهداف نظام اسلامی در عصر تحولات سریع فناوری‌های ارتباطی نیازمند داشتن یک نظریه پایه و مبنایی هستیم؛ زیرا رسانه‌ها و فضای مجازی به‌خاطر شرایط و ویژگی‌هایی همچون تغییر سبک زندگی مخاطبان، مرزدایی، عدم برخورداری از قوانین و سازوکارهای نظارتی، ناشناخته بودن ارتباطات در این فضا، تغییر شدید ماهیت فناوری‌های نوین ارتباطی، درهم‌تنیدگی این فضا با پدیده‌های گوناگون مانند اقتصاد ملی، رقابت راهبردی قدرت‌ها، موضوعی مبنایی و ذاتاً راهبردی بوده، به مبنایی و اصول اعتقادی گره خورده و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران به‌خاطر مقاومت در برابر استکبار آمریکا و فشار کشورهای غربی شدیداً نیازمند اتخاذ نظریه‌ای مبنایی برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای خود است.

در این پژوهش سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق رسانه تراز انقلاب اسلامی بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی صورت‌بندی می‌شود؛ زیرا جوامع انسانی دارای یک وضعیت ابتدایی بالفعل و یک نقطه مطلوب بالقوه هستند و نظریه

اعتباریات علامه تلاش دارد حدواسطی بین کمال اولیه بالفعل و کمال ثانویه بالقوه انسان در ابعاد فردی و اجتماعی برقرار کند. انقلاب اسلامی ایران در شرایط دین‌گزیزی بشر معاصر در حالی رخ داد که امام خمینی توانست نظامی از اعتبارات نوین را وارد جامعه ایرانی کند تا این جامعه را به‌سوی کمال مطلوب سوق دهد. امامین انقلاب با مطرح کردن کمال‌های مطلوبی مانند اسلام ناب، وحدت کلمه، تولید علوم انسانی اسلامی، گام دوم انقلاب و مانند آن، حرکت تمدن‌سازی را آغاز کردند و از طریق بازسازی نظام اعتبارات بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی متناسب با شرایط روز، حرکت دنیوی‌سازی آشکار در جامعه ایرانی را متوقف کردند، گرچه هنوز طرح غرب برای دنیوی‌سازی جامعه ایرانی در برخی لایه‌ها به‌صورت پنهان و آرام دنبال می‌شود. اکنون در چهارمین دهه انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم دربردارنده ارزش‌ها و اهداف نوینی برای نظام اسلامی است که بر اساس آنها می‌توان سیاست‌های کلان رسانه تراز انقلاب اسلامی را شکل داد.

نقطه آغازین این رویکرد سیاستی، تحول در نظام‌ها و ساختارهای حکمرانی ارتقای کارآمدی لایه‌های حکمرانی متناسب با نظام نوین نیازها، غایات و گرایش‌های منطبق با اهداف عالی اسلام در رساندن جوامع بشری به نقطه کمال مطلوب بالقوه است. در این راستا باید اعتبارات ریشه‌ای موجود در اندیشه‌های امامین انقلاب و اسناد بالادستی خصوصاً بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی استخراج، صورت‌بندی و برای تولید نظام نوین نیازها، غایات و گرایش‌های جامعه ایرانی نظریه‌پردازی و هنجارسازی شود؛ اعتباراتی از قبیل: توحید، دین‌مداری، فطرت، اخلاق و معنویت، امید صادق به آینده، استکبارستیزی، مقاومت، مبارزه با تهاجم فرهنگی، مرزبندی با دشمن، انقلابی‌گری، فسادستیزی، عدالت‌محوری، عزت، حکمت، مصلحت، وحدت و اخوت اسلامی، امنیت، اقتصاد درون‌زا، تعامل سازنده با جهان، تمدن‌سازی اسلامی، خودباوری، اعتماد به جوانان، سبک زندگی ایرانی - اسلامی، مشارکت مردمی، علم و پژوهش، استقلال و آزادی؛ البته هنجارهای رسانه‌ای تنها در صورتی توسط مخاطبان پذیرفته می‌شود که آنان نیز بخشی از طراحی باشند. این امر موجب افزایش مشروعیت و اقتدار نهادها، سازمان‌های حاکمیتی در فضای رسانه می‌شود (Liaropoulos, 2017, p.29).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال یافتن الگوی رسانه تراز انقلاب اسلامی به عنوان جایگزین الگوی رسانه غربی بودیم. بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی که ظرفیت‌های زیادی برای سیاست‌گذاری فرهنگی دارد، دگرگونی در هستی‌شناسی و انسان‌شناسی هر جامعه‌ای باعث می‌شود نظام نیازها، غایات و گرایش‌های آن جامعه دگرگون شود و در نتیجه فرهنگ، ارتباطات و رسانه آن جامعه به شکل متفاوتی تغییر پیدا می‌کند. پرسش اصلی این مقاله درباره چگونگی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام اسلامی برای تحقق رسانه تراز انقلاب اسلامی بود. روش این پژوهش، کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها، اسنادی - کتابخانه‌ای بود. پس از گردآوری داده‌ها، اقدام به تحلیل و تفسیر آنها شد. چهارچوب مفهومی مقاله را نظریه اعتباریات علامه طباطبایی و دیدگاه تحولی دکتر حمید پارس‌انیا در علوم انسانی تشکیل داده است. طبق این نظریه، اعتباریات حاکم بر جامعه غربی و ایرانی متفاوت هستند و اگر مبانی متفاوتی در رأس ارزش‌ها و غایات جامعه ایرانی بنشیند، نظام جدیدی برای رفع نیازها و غایات پدید خواهد آمد که منجر به تولید الگوی نوینی برای رسانه‌های تراز انقلاب اسلامی خواهد شد. برای شناسایی علل و عوامل شکل‌دهنده اعتبارات رسانه غربی، از طریق مرور سیر تحول آن از حال تا گذشته (سیر قهقرا) می‌توانیم ریشه‌های اولیه اعتبارات اجتماعی آن را کشف کنیم تا با تغییر در این اعتبارات، نظام نوینی از نیازها، غایات و گرایش‌ها را بازتولید کنیم. یافته‌های پژوهش نشان داد که ریشه‌ای‌ترین اعتبار شکل‌دهنده رسانه‌های نوین در جامعه غربی، استعاره رسانه به مثابه فرهنگ یا آئین مشترک است. با این توضیح که در دوران نوزایی در غرب، در اثر دنیوی شدن انسان غربی، رسانه به عنوان جایگزین دنیوی عنصر دین مطرح شد؛ چه اینکه پیش از عصر نوزایی، دین باعث انسجام و به هم پیوستگی جامعه بود؛ اما در اثر انقلاب کانتی، فرهنگ نوین بر اساس تنوع‌طلبی، عقلانیت ابزاری، سودگرایی محض و انسان‌محوری شکل گرفت. در ایران نیز هم‌زمان با تحولات مدرنیته، مقوله‌های دنیوی‌سازی خصوصاً در عرصه‌های فرهنگ عمومی و نهاد تعلیم و تربیت، از طریق منورالفکران وارد شد؛ اما به خاطر شرایط خاص فرهنگ اسلامی، به صورت پنهان و با

ظاهری معنوی، ترویج داده شد. در دوره پهلوی ابعاد سکولاریزاسیون جامعه ایرانی با تکیه بر استبداد رضاخانی دنبال شد و منجر شد نهاد دین و علوم اسلامی به حاشیه رفته و علوم غربی مرجع علمی دانش‌پژوهان و فرهیختگان قرار گیرد. این‌گونه نظامی از نیازها، غایات و گرایش‌های غرب‌زده در جامعه ایرانی نهادینه شد و منجر به اعتبارات رسانه غربی در ایران گشت.

براین‌اساس، شورای انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی و سایر کانون‌های سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران باید راهبردهای کلان ناظر به هدایت کنشگران و رسانه‌های داخلی را برای تحقق اعتبارات فوق‌الذکر و چگونگی عملیاتی شدن آن را در اسناد بالادستی به تصویب برسانند.

نمونه‌هایی از این راهبردها را می‌توان از طریق تدوین سیاست نقش‌آفرینی فعال، خردمندانه، آینده‌نگر و پیشرو جمهوری اسلامی ایران در تمدن‌سازی اسلامی مبتنی بر عقلانیت، کرامت و عزت در مسیر ارائه الگوی جهانی رساندن بشر به کمال مطلوب دنبال کرد. جمهوری اسلامی ایران در شرایط تهاجم همه‌جانبه غرب و ابرقدرتی آمریکا در سیاست‌گذاری رسانه‌ای خود نیازمند ارتقای توان رسانه‌ای و سایبری خصوصاً ارتقای قدرت بازدارندگی فعال با هدف صیانت از هویت، استقلال، توازن قوا و تغییر معادلات جهانی به نفع جریان مقاومت مستضعفان در برابر هژمونی آمریکا است و در برابر رویکرد برتری‌جویانه آمریکا و متحدانش، بر اساس راهبردهای فوق، باید راهبرد ام‌القری را دنبال کند. بر اساس آموزه‌های انقلابی و اندیشه‌های امامین انقلاب، جمهوری اسلامی ایران در مقیاس عملیاتی در برابر هژمونی جهانی آمریکا، باید دو منطق را ذیل راهبرد ام‌القری دنبال کند: «منطق عزت، حکمت و مصلحت» و «منطق مقاومت». طبق راهبرد ام‌القری، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محور جهان اسلام و حامی مستضعفان جهان، کنشگری می‌کند و تمام اتحادها حول آن شکل می‌گیرد. بر اساس منطق مقاومت، ذهنیت توانمندی غیرقابل چالش و قدرت بلامنازع آمریکا جای خود را به باور به افول آمریکا و غلبه نرم‌افزاری بر هیمنه استکبار جهانی داده و بر همین اساس محور مقاومت در منطقه و جهان شکل می‌گیرد. مقاومت جهانی در برابر رهبری بلامنازع آمریکا بر مناطق

راهبردی جهان باعث عقب‌نشینی تاکتیکی آمریکا از نظریه نظم هژمونیک جهان خواهد شد. این مهم خصوصاً در شرایط تلاش همه‌جانبه آمریکا برای پیاده‌سازی نظم نوین حکمرانی جهانی رسانه‌ای نظام استکباری نیازمند تحقیقات تکمیلی و عزم سیاست‌گذاران و تلاش متولیان برای بسط اندیشه انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی در منطقه و جهان است.

منابع و مأخذ

- استراوس، آنسلم ال و کربین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- الگار، حامد (۱۳۶۹). میرزا ملکم‌خان. ترجمه جهانگیر عظیمیا و مجید تفرشی. تهران: شرکت سهامی انتشار مدرس.
- بابائی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). «تنوع اسلامی در فرایند تمدنی»، فصلنامه نقد و نظر، ش ۸۸.
- بولنت، ارس و کاه، عمر (۱۳۸۱). «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن». فصلنامه مطالعات خاورمیانه، دوره پنجم، ش ۳۲.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۴). سکولاریزم و معنویت، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، ش ۳۲.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی. تهران: کتاب فردا.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۸). سکولاریسم پنهان. قم: کتاب فردا.
- پارسانیا، حمید و دیگران (۱۳۹۳). دلالت‌های نظریه اعتباریات برای تحول در علوم انسانی، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال دوم، ش ۱.
- پارسانیا، حمید و دیگران (۱۳۹۸). «کنکاشی در خاستگاه دانش مدیریت بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی»، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال سیزدهم، ش ۲۵.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶). آسمان به زمین الصاق شد؛ روایت تفکر، فرهنگ و تمدن از آغاز تا کنون. تهران: زلال کوثر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۲). رسائل سبعة. قم: بنیاد علمی فرهنگی استاد علامه طباطبایی.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران: صدرا.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۶). *نهایه الحکمه*. ترجمه و شرح علی شیروانی، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). *انسان از آغاز تا انجام*. ترجمه صادق لاریجانی، قم: بوستان کتاب.
- کری، جیمز ویلیام (۱۳۷۶). *ارتباطات و فرهنگ: جستارهایی درباره رسانه و جامعه*. ترجمه مریم داداشی، تهران: نقطه.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۳). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. تهران: همشهری.
- مهربانی‌فر، حسین؛ موذن، کاظم و مهدی‌پور، حسین (۱۴۰۱). «صورت‌بندی مؤلفه‌های رسانه تراز انقلاب اسلامی از نگاه رهبران و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال دهم، ش ۳۸.
- ویر، ماکس (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
- Guven, Durukan (2021), *Securitization of Cyberspace Governance and the Right to Privacy: Case of the Us, China, and Iceland*, Ankara: Publisher Bilkent University.
- Liaropoulos, Andrew N. (2017), "Cyberspace governance and state sovereignty", *Democracy and an Open-Economy World Order*, Switzerland: Publishing AG.

An introduction to the cultural policy of the Islamic Republic of Iran for the realization of the Islamic revolution media based on the theory of Allameh Tabatabai's credits

Mohammad Mahdi Mohagheghi¹

Abstract

Allameh Tabatabai's credit theory has many capacities for cultural policy making. According to this theory, the basis of the difference in the values of the societies is the difference in the world view and human view. With the change in the credit perceptions of each society, its fundamental beliefs are changed and a new system of needs, goals and tendencies emerges. A system of Western society's values led to the emergence of new media and communication, many of which were contrary to the values of Iranian society. As a result of the Kantian revolution and the disconnection from the unseen, the ideal of realizing an earthly paradise, diversification, consumerism and colonization of weak nations became the top values of the West. Today, in order to transform these credits, we reach the most rooted credit of the media in the West through the course of regression; That is, media as culture and common values such as: secularization, communication rationality, empiricism, human-centeredness. The Islamic Revolution of Iran introduced a new system of credits into the Iranian society, which caused the movement of secularization in Iran to be followed in a hidden and quiet way, but it has not yet been able to institutionalize its values in the society. The statement of the second step includes a new system of values for the transformation of the media on the level of the revolution.

Keywords: Credibility theory, media, secularism in Iran, cultural politics, cultural revolution, statement of the second step.

1- Student at the Islamic Seminary of Qom And Ph. D student of Cultural policy of Bāqir al-'Olūm University, Olūm, Iran
mm.mo64@yahoo.com

the role of media in commit crime by the cultural criminology analys

Eqbal Mohammadi(Ph.D.)¹
Shima Shahrakii ²

Abstract

Cultural criminology investigates the cultural causes of abnormality and delinquency. Culture is a complex concept whose definition has been the focus of various researchers and thinkers. The most important role and function of culture is shaping collective and individual behaviors at the level of every society. Meanwhile, the media and the cultures created by them have many effects in the formation of these behaviors. Cell phones, music, television and the like are media tools that are constantly creating or changing culture. Criminal action at the beginning and without considering other solutions shows a weak criminal policy in fighting against cultural deviations, and in this regard, the cultural dangers of the media must be recognized first, and criminal action is the last recommended way. Young people are the most influential group of media productions and cultures created by them.

Keywords: cultural criminology, media, culture, sub-culture.

1- Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Tehran, Iran mohammadieqbal@gmail.com

2- Master of private law, Ferdowsi university of Mashhad, Iran (Corresponding author)
shima.shahrakii@gmail.com

Analysis the pathology of the criminal law system in the field of media and virtual space in Iranian and international law

Sajede Sadat Mousavi¹
Fariba Hajiali(Ph.D.)²

Abstract

The development of technology is an event that has led to the improvement of human life in recent times, but the damage caused by it cannot be ignored. Virtual space is one of the new emerging technologies that has led to the spread of crimes for criminals. Since one of the methods of reducing the crime rate is their pathology and the punishment determined for them it seems necessary to investigate this issue. Therefore in this article the damages caused by the media and cyberspace from the point of view Crime and punishment have been questioned. The writing method of this research is descriptive-analytical. Among the harms caused in the field of crimes we can include harms in the family, economic, personal, social, security-political, judicial and police fields and in the field of punishments at the domestic level and international pointed out. Despite the criminalization of computer crimes we still see a legal gap in some areas. Also due to the difference in criminalization between countries, an act may be a crime in one country but not a crime in another country. In the laws of Iran with inefficiency. We are faced with certain punishment for these crimes. Considering the difficulty of finding the criminal, discovering the crime etc. it is necessary to reduce the crime rate in the cyberspace through non-criminal social and situational prevention. Data protection for the safety of users, using special devices to limit access to certain information, blocking certain websites by the Internet access provider, etc are among the solutions that can help in reducing these crimes.

Keywords: Computer forgery, media, virtual space, crime and punishment, criminality.

1- Master Al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding author)

sajedesadatmo@vatanmail.ir

2- M Associate Proffessor Zahra University, Tehran, Iran

f.hajiali@alzahra.ac.ir

Jurisprudence and legal studies of media Journal
VOL. 5 / Autumn 2023 and Winter 2024 / NO. 2 (Serial 10)

regarding the limitations of the right to freedom of information in a descriptive-analytical manner.

Keywords: Right to freedom of information, human rights, European Court of Human Rights, jurisprudence.

Transnational interpretation of the restrictions governing the right of access to information and its free dissemination (a case study of the judgments of the European Court of Human Rights)

Ahmad Khosravi(Ph.D.)¹
Atefeh Ajori Ayask(Ph.D.)²

Abstract

The right to freedom of information is considered as one of the most fundamental human rights, as well as one of the requirements of democracy and one of the political rights, which plays an essential role in guaranteeing other rights through raising awareness of people and transparency of performance. governments have The said right, although according to Hofeld's analysis, it is considered one of the rights-claims that the governments are obligated to, it is not an absolute right and has limitations. The restrictions governing the aforementioned right are mainly public order, public interest, public interest, ethics and the like, which are considered abstract concepts and there is no consensus on its definition and nature, and it is not defined in human rights laws and documents. For this reason, there is always a possibility that they will be abused by governments. The possibility of abuse, especially in the case of the said right, which is actually the right to access administrative documents and documents, and is actually the right to monitor the performance of the government, is more. Therefore, it is necessary to examine the scope of the aforementioned concepts in the procedure of judicial authorities. Considering that governments are always one side of such lawsuits and there is a possibility of usurpation in the proceedings of domestic judicial authorities, for this reason, the judicial authority beyond the governments, the same authority that specializes in human rights issues. Paying better than any other institution can be decisive in this regard. Therefore, an attempt has been made to analyze the procedure of the European Court of Human Rights as an international, albeit regional, judicial authority

1- Assistant Professor University of Birjand, Iran

a.khosravi@birjand.ac.ir

2- Assistant Professor University of Birjand, Iran

ajori@birjand.ac.ir

Intelligent State and Human Rights, A Future Perspective

Amir Maghami(Ph.D.)¹

Abstract

Intelligent State is the State which is the artificial intelligence (AI) its agent and not human beings. The technological process is shown that such States will be established beyond electronic State and Cyber State on the basis of human reliance on optimized decision making by AI and transformation of the constitution to the constitutional algorithms. The present descriptive-analytical paper seeks to answer the question of that what would be the position of human rights at the possible future fulfillment of the intelligent State. This shows that wide information which is given by users and citizens to them, leads to more confidence in AI. So, it is expected that AI will revolve the concept of privacy and many jobs and make fundamental changes in social institutions such as the family. This process requires that democracy and political rights which is aroused to find new concepts to evolve supervision on the State, to develop citizenship to AI and causes losing human rights' position in international relations. In fact intelligent State is a danger to human dignity itself and what it will dispose this danger is global consensus on constitutional algorithms ethics and values.

Keywords: Intelligent State, Futures studies, Artificial Intelligence, Human Rights, Democracy, Rule of Law.

1- Assistant Professor Department of Law Faculty of Administrative Science and Economics University of Isfahan, Isfahan, Iran
a.maghami@ase.ui.ac.ir

The value of acquittal Issue by Jury in press crimes for trial court and appeal (Critique and Examination of the Ruling No.140006390000381005 2021/08/22 Issued by 42th chamber of supreme court)

Hassan Mohseni(Ph.D.)¹
Fateme Safari²

Abstract

In press crime, perhaps lower court acquit or convict accused based on jury's opinion. The conviction is appealable based on article 43 (3) of Press law 1986, but about appealable of acquittal (no guilty) the law is silent. Is that appealable based on general rules or legislator contemplated to special expediency? 42th branch of supreme court base on inference of 43 (3) of Press law 1986 and foundation of Press law, which is based on liberty of press, upheld acquittal judgment issued by lower court, a non-appeal judgment (final); a judgment that is conform to the nature press activities and liberty of press law.

Keywords: Press, Press Crime, Jury, Freedom, Innocence.

1- Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran

hmohseny@ut.ac.ir

2- M.A Penal & Criminology Law, University of Tehran, Tehran, Iran

fateme.safari@ut.ac.ir

Abuse of personal Data by social networks And solutions to resolve it

Ali Saatchi (Ph.D.)¹

Seyed Alireza Rezaee (Ph.D.)²

Ali Javadi³

Abstract

Social networks have shaped a major part of our lives today. In addition to benefits for societies, this phenomenon has also brought disadvantages. One of these important problems is breach of users' privacy in social networks. Social networks have access to the data and information of many of their users, who can use that information for different purposes. Therefore, it is necessary to protect the information and privacy of the users more than before. The main question is whether collecting, categorizing and selling users' information in social networks is a breach of their privacy? And what solutions are there to deal with it? In this article, using the analytical descriptive research method, the above issue has been investigated. Finally, this article has reached the conclusion that the use of users' information by social networks is a breach of users' privacy, and it is not possible to accept all conditions when users register in social networks as the user's consent to use their data. Therefore, it is necessary to regulate the use of user information in social networks and prevent further misuse of user information. In this regard, there are three main solutions (regulation, self-regulation and tax collection). It is not effective to use only one method to protect users' data. It is recommended to use a combination of the aforementioned methods, but the most effective method in this regard is to impose a tax on social networks and spend these amounts to develop digital security and protect users' data and compensation for damages. In Iran, due to the existence of a legal gap, in order to protect users' data, a law should be approved to protect users and their information in social networks.

Keywords: Privacy, Internet, Advertising, Self-Regulation.

1- Assistant Professor of Private Law Department, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
alisaatchi@um.ac.ir

2- PhD of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir

3- MS of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
ali.javadi74@gmail.com

Development of communication methodology based on common fields between discourse studies and Fiqh (Islamic jurisprudence).

Saeed Ashiri(Ph.D.)¹

Abstract

This article addresses the main question that by using the service provider-served model in interdisciplinary studies, how can we talk about common areas and achievements between discourse studies (service provider) and Fiqh (served) knowledge. Based on this, discourse studies can be effective in the methodological development of the principles of jurisprudence, including in understanding the process of creating knowledge in the logic of understanding religion and the semantic development of the subject of denotation. Discourse studies will enable the development of social jurisprudence by focusing on the recognition of social changes, the development of the knowledge of customs and the development of thematic. This article has discussed the most important achievements of discourse studies in governmental jurisprudence by stating discourse creation in the theory of Guardianship of the Fiqh (Islamic Jurist).

Keywords: Discourse Studies, Jurisprudence, Governmental Jurisprudence, Interdisciplinary Studies.

1- Instructor, Department of Cultural Policy, Baqir al-Olum University, Qom, Iran
Ashiri@bou.ac.ir

The nature of "ghena" in the light of verses and traditions

Abbas Mirshekari (Ph.D.)¹

Abstract

Regarding the songs and music that are produced and broadcast in the country's media, one thing is clear and that is the sanctity of those types of music that are an example of ghena, but one thing is still complex and needs to be investigated. That is the nature of ghena. What is the basic and key concept and the sanctity and sanctity of ghena depends on it, is a matter of dispute among jurists. The best way to find the basic concept in Ghana is to refer to the verses and traditions included in this chapter. Three verses of 72 Surah Furqan, 30 Surah Hajj and 6 Surah Luqman are cited more than other verses. This article, with descriptive-analytical method, by referring to these verses and explanatory and narrative books, seeks to explain this matter, which should be re-examined with a two-way interpretative method between verse and narration. The result of this study is the involvement of issues other than just sound and singing, such as false words and content, and the mixing of illegitimate men and women in the sanctity of Ghena.

Keywords: Ghena, music, singing, Qol-al-Zor, Lahu-al-Hadith.

1- Assistant Professor of law faculty in Tehran university, Tehran, Iran

lamee@refah.ac.ir

Virtual Land Transactions in the Metaverse and Their Juridical and Legal Challenges

Alireza shamshiri (Ph.D.)¹
Fereshteh Amirabadi Farahani²

Abstract

Metaverse is one of the emerging phenomena rapidly gaining traction across various dimensions. In the Metaverse, virtual assets, including virtual land, are being traded for various purposes. The validity of such transactions may pose religious and legal challenges. Some raise doubts about the ownership of virtual land because of the virtual nature. There may also be objections to the non-tangibility of virtual land by those who consider materiality as a prerequisite for a valid sale. Some argue that in such transactions, both the price and the object are virtual, leading to ambiguity in certain aspects, and thus, they consider the sale of virtual land as an example of invalid and void transactions. In this article, utilizing a descriptive-analytical approach and examining library sources, we have ultimately concluded that, according to some religious perspectives that consider customary practices and rational foundations as the criteria for materiality, virtual land in the Metaverse, being desired and possessing economic value, is considered as having materiality and can be subject to transactions. Moreover, since non-material and virtual assets are abundantly traded in today's world, it is generally accepted that sales are not limited to tangible objects. Additionally, we found that there is no ignorance or ambiguity that could lead to harm in such transactions, thus invalidity and nullity of the transaction are ruled out. In conclusion, the sale of virtual land in the Metaverse can be deemed valid unless it is deemed unethical or against public order for specific reasons in the future.

Keywords: Metaverse, Virtual Land, To be property, Tangibility, uncertainty (Gharrar).

1- Assistant Professor Faculty of Law, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran
shamshiri.f@gmail.com

2- PHD student Faculty of Law, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran
f.amirabadi.86@gmail.com

Standards for reporting on the children in the light of the Convention on the Rights of the Child

Bagher Ansari (Ph.D.)¹

Abstract

Collecting and reporting news and information about children in the media is one of the important issues that comes with various legal challenges. The news value of informing about children, drawing public attention to their issues and needs, the principle of media honesty and truthfulness, and at the same time, the prohibition of disclosing children's data to the public, has made this type of reporting a sensitive and complicated issue. In this regard, the main question is how to create a reasonable and balanced compromise between the needs of reporting and information with the needs of protecting the interests of children. concerning this question, international institutions, governments and large media have created and discussed limits and regulations for journalists and media in collecting and publishing information about children. In this article, based on what the Convention on the Rights of the Child has stipulated as the most important international document regarding children to protect their interests, and the principles of reporting and information in general, some standards have been extracted and explained in order to create a model in The field of children's reporting should be provided.

Keywords: child rights, child reporting, media rights, journalism.

1- Associate Prof. PhD in Private Law, University of Tehran, Department of Human Rights, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran

B_ansari@sbu.ac.ir

Jurisprudential Rules Related to Responsibility Development in Virtual Space with Emphasis on the Rule of Ignorant Guidance

Zahra Taheripour (Ph.D.)¹

Abstract

The rules of jurisprudence, in contrast to the rules of principle, are the rules that flow in all chapters of jurisprudence and used in divining minor rulings. Meanwhile, some jurisprudence rules explain the Islamic society people's responsibility towards each other. The main question of this study refers to what these rules are and based on which proof these rules can be deduced? The research method of the current study is descriptive analytical research. The comprehensive data comes from Quran verses, hadiths and the jurists' quotes. According to some verses and hadiths, the rule of ignorant guidance is a jurisprudential rule that creates responsibility. One of the important applications of this rule is in virtual space which makes the scholars committed and responsible towards the users of this space. Any neglect of this responsibility due to the special features of virtual space on one hand and the lack of sufficient and necessary information among its users on the other hand will cause losses for both scholars and society.

Keywords: Jurisprudential rules, Guidance rules, cyber space, Jurisprudential rules, Guidance rules.

1- PhD in Islamic Studies, Payam Noor University, Tehran, Assistant Professor at Refah Faculty, Tehran.

z.taheripour@yahoo.com

❖ Intelligent State and Human Rights, A Future Perspective ...	159
Amir Maghami	
❖ Transnational interpretation of the restrictions governing the right of access to information and its free dissemination (a case study of the judgments of the European Court of Human Rights).....	185
Ahmad Khosravi / Atefeh Ajori Ayask	
❖ Analysis the pathology of the criminal law system in the field of media and virtual space in Iranian and international law.....	211
Sajede Sadat Mousavi / Fariba Hajiali	
❖ The role of media in commit crime by the cultural criminology analys.....	247
Eqbal Mohammadi / Shima Shahrakii	
❖ An introduction to the cultural policy of the Islamic Republic of Iran for the realization of the Islamic revolution media based on the theory of Allameh Tabatabai's credits	275
Mohammad Mahdi Mohagheghi	
❖ Abstract English.....	5

Contents

- ❖ **Jurisprudential Rules Related to Responsibility Development in Virtual Space with Emphasis on the Rule of Ignorant Guidance.. 7**
Zahra Taheripour
- ❖ **Standards for reporting on the children in the light of the Convention on the Rights of the Child 23**
Bagher Ansari
- ❖ **Virtual Land Transactions in the Metaverse and Their Juridical and Legal Challenges 45**
Alireza Shamshiri / Fereshteh Amirabadi Farahani
- ❖ **The nature of "ghena" in the light of verses and traditions 69**
Zehra Lamee
- ❖ **Development of communication methodology based on common fields between discourse studies and Fiqh (Islamic jurisprudence).....85**
Saeed Ashiri
- ❖ **Abuse of personal Data by social networks And solutions to resolve it..... 119**
Ali Saatchi / Seyed Alireza Rezaee / Ali Javadi
- ❖ **The value of acquittal Issue by Jury in press crimes for trialcourt and appeal (Critique and Examination of the Rulling No.140006390000381005 2021/08/22 Issud by 42th chamber of supremecourt)..... 149**
Hassan Mohseni / Fatemeh Safari

Jurisprudence and legal studies of media Journal

VOL. 5 / Autumn 2023 and Winter 2024 / NO. 2 (Serial 10)

Under the direction of the research vice president

Director-in-change: Refah Faculty

Managing Director: Naser Bahonar (Ph.D.)

Editor-in-chief: Bagher Ansari (Ph.D.)

Editorial Board:

Qolam Ali Ahmadi (Ph.D.), Associate Professor of Tarbiat University, Shahid Rajaei

Bagher Ansari (Ph.D.), Associate Professor of Shahid Beheshti University

Naser Bahonar (Ph.D.), Professor of ISU University

Mohammad Javad Javid (Ph.D.), Professor at Tehran University

Fariba Haji Ali (Ph.D.), Associate Professor of Al-Zahra University

Taher Habib Zadeh (Ph.D.), Associate Professor of Imam Sadeq University

Fatemeh Sadat Hosseini (Ph.D.), Assistant Professor of Refah Faculty

Hosein Salimi (Ph.D.), Professor of Allameh Tabatabai University

Mahzad Safari nia (Ph.D.), Assistant Professor of Refah Faculty

Zahra Taheri Pour (Ph.D.), Assistant Professor of Refah Faculty

Karim Abdollahi Nejad (Ph.D.), Professor of Jurisprudence at Ferdowsi University of Mashhad

Hoda Ghaffari (Ph.D.), Associate Professor of Allameh Tabatabai University

Meysam Farrokhi (Ph.D.), Assistant Professor of Refah Faculty

Mohammad Mahdi Ghaboli Dorafshan (Ph.D.), Associate Professor of Ferdowsi University of Mashhad

Fatemeh Ghanad (Ph.D.), Associate Professor of Science and Culture University

Kiumars Kalantari (Ph.D.), Professor at Mazandaran University

Zahra Lame (Ph.D.), Assistant Professor of Refah Faculty

Hasan Mohseni (Ph.D.), Associate Professor of Tehran University

Atieh Moghadam far (Ph.D.), Assistant Professor of Refah Faculty

Seyed Mojtaba Vaezi (Ph.D.), Associate Professor of Shiraz University

Contributing Advisors:

Abdolhamid Alyamin

Maryam Ebne Torab (Ph.D.)

Mona Ahmadlo (Ph.D.)

Naser Bahonar (Ph.D.)

Fatemeh Sadat Hosseini (Ph.D.)

Atefeh Khademi (Ph.D.)

Atieh Khaksarfard (Ph.D.)

Zahra Rasti (Ph.D.)

Alireza shamshiri (Ph.D.)

Khadijeh Shirvani (Ph.D.)

Mahzad Safari nia (Ph.D.)

Zahra Taheri Pour (Ph.D.)

Hoda Ghaffari (Ph.D.)

Mahdi Gholampour (Ph.D.)

Meysam Farrokhi (Ph.D.)

Fatemeh Ghanad (Ph.D.)

Zahra Lame (Ph.D.)

Hasan Mohseni (Ph.D.)

Atieh Moghadam far (Ph.D.)

Mhadeseh Moghadam far (Ph.D.)

Rasool Malakooti (Ph.D.)

Abbas Mirshekari (Ph.D.)

Leila Vesali (Ph.D.)

Persian Editor: Dr. Fateme Sadat Hosseini

Executive Manager: Reza Diba

Email: jjlms@refah.ac.ir

Site: www.refah.ac.ir

IN THE NAME OF ALLAH

Jurisprudence and legal studies of media Journal

Refah Faculty

VOL. 5 / Autumn 2023 and Winter 2024 / NO. 2 (Serial 10)

Address: Tehran Province, Tehran, District 12, Nadaee Pour Alley,
MCQP+7C9, Iran

P.O.Box: 11575/138

Fax: +982133521776 **Tel:** +982135074230

Email: jjlms@refah.ac.ir

Site: www.journal.refah.ac.ir